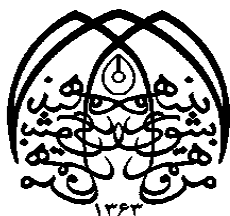


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

SCCKR.IN

SCCcr.ir



دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی

ارتباط متقابل سبک زندگی اسلامی و فناوری

مجری: دکتر علی مقدمزاده

کاربر: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی

واحد علمی: کمیسیون علم و فناوری

تابستان ۱۳۹۶

SCCcr.ir

Author: Ali Mghadamzadeh (Ph.D)

مجری: دکتر علی مقدمزاده

عنوان طرح: ارتباط متقابل سبک زندگی اسلامی و فناوری

Subject: Interaction between Islamic LifeStyle & technology

۱۶۱ صفحه / جدول / نمودار

پیوست: ندارد.

ناظر: دکتر محسن بکائی / **کاربر:** دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.

تابستان: ۱۳۹۶



دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی

مشخصات مجری طرح پژوهشی: دکتر علی مقدمزاده

آدرس پستی: تهران، پل گیشا، دانشگاه تهران، دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی

آدرس پایگاه الکترونیکی: www.ut.ac.ir

آدرس پست الکترونیکی: amoghadamzadeh@ut.ac.ir

تماس: ۰۹۱۲۱۹۴۴۲۵۴ **نمابر:**

مشخصات کارفرما: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی

آدرس پست: تهران، خ انقلاب، خ فلسطین شمالی، پلاک ۳۰۹، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی

آدرس پایگاه الکترونیکی: www.iranculture.org

آدرس پست الکترونیکی: info@iranculture.org

تماس: ۶۶۹۷۶۶۵۲/۶۶۴۶۸۲۷۲ **نمابر:** ۶۶۹۷۶۶۵۴

کلیه حقوق این طرح برای دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی محفوظ می باشد.

SCCcr.ir

مجری طرح

دکتر علی مقدم زاده

(هیأت علمی دانشگاه تهران)

ناظر طرح

دکتر محسن بکائی

همکاران اصلی

دکتر عنایت اله زمانپور

دکتر جلیل یونسی

دکتر هما رضایی

مصطفی رستگار آگاه

دکتر فرامرز اکرمی

دکتر مرتضی طاهری

همکاران اجرایی

عرفان یونسی

مهران مکرمی

محسن یوسف نژاد

سهیل محمدی مجد

ظریفه مصری پور

پوریا اکبری کلی

زهره سادات علوی

مهسا مهربانی

SCCcr:ir

ارتباط متقابل سبک زندگی اسلامی و فناوری

هدف از پژوهش حاضر، بررسی تاثیر متقابل سبک زندگی اسلامی و فناوری است. پژوهش از لحاظ هدف، کاربردی و از لحاظ شیوه روش شناختی، آمیخته به شمار می‌رود که در چهار مرحله اصلی انجام گرفت. در مرحله اول از طریق مطالعه پیشینه پژوهشی و مصاحبه با صاحب نظران پژوهشگر موفق به شناسایی عوامل تاثیرگذار در حوزه پژوهش شد. در مرحله دوم با ساخت پرسشنامه بر اساس یافته‌ها موضوع مورد پژوهش را در گستره میدانی مطالعه نمود که در این بخش به شیوه طبقه‌ای چندمرحله‌ای اقدام به نمونه‌گیری نمود. در مرحله سوم پژوهش یافته‌های پژوهش کمی را از طریق مطالعه‌ای پدیدارشناختی و با مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته با خبرگان تبیین نمونه و راهکارهای لازم برای بهبود شرایط را شناسایی نمود. پژوهش حاکی از آن بود که اکثریت جامعه به پابندی عمومی مردم به سبک زندگی اسلامی اذعان دارند و در عین حال معتقدند که به دلیل وجود فناوری برخی از سئون آن دچار تغییراتی شده است. این یافته‌ها در ادامه و در طی مصاحبه با خبرگان این نتیجه را حاصل نمود که بستر فناوری‌های نوین میتواند در خدمت و یا علیه سبک زندگی اسلامی قرار بگیرد و بسیار به نوع مدیریت کلان و خرد کشور وابسته است. در مجموع مشخص شد که در غیاب مدیریت مناسب در داخل و هجده‌های تبلیغاتی خارجی فناوری می‌تواند منجر به تغییر در سبک زندگی اسلامی گردد و در صورت مدیریت موفق در گسترش این سبک زندگی مفید است.

کلیدواژه‌ها: سبک زندگی اسلامی. تکنولوژی. تغییرات سبک زندگی اسلامی

SCCcr.ir

«فهرست مطالب»

۱	فصل اول کلیات پژوهش
۲	۱-۱. مقدمه
۴	۲-۱. بیان مسئله
۷	۳-۱. اهمیت و ضرورت پژوهش
۱۰	۴-۱. اهداف (اصلی و فرعی)
۱۰	۵-۱. سؤالات (اصلی و فرعی)
۱۰	۶-۱. متغیرها (تعریف نظری و عملیاتی)
۱۱	فصل دوم پیشینه پژوهش
۱۲	۲-۱ درآمد
۱۳	۲-۲. تقسیم گروه‌ها در جامعه‌شناسی
۱۵	۲-۳ تقسیم‌بندی اجتماعی بر مبنای طبقات اقتصادی
۱۶	۲-۴ تقسیم‌بندی اجتماعی بر مبنای منزلت اجتماعی
۱۹	۲-۵ جهان پس از جنگ جهانی دوم
۲۱	۲-۶ برآمدن مفهوم سبک زندگی
۲۴	۲-۷ چستی سبک زندگی
۲۸	۲-۸ فرهنگ و سبک زندگی
۳۰	۲-۹ سبک زندگی فردی و اجتماعی

۳۱	۱۰-۲ سبک زندگی و اقتصاد
۳۲	۱۱-۲ مفهوم سبک زندگی در دیدگاه آلفرد آدلر
۳۵	۱۲-۲ مفهوم سبک زندگی در دیدگاه پیر بوردیو
۳۹	۱۳-۲ مدیریت سبک زندگی
۴۱	۱۴-۲ سبک زندگی و خرده فرهنگ‌ها
۴۳	۱۵-۲ سبک زندگی در آرای اندیشه‌مندان معاصر
۴۵	۱۶-۲ سبک زندگی اسلامی
۴۹	۱۷-۲ سبک زندگی اسلامی در قرآن و حدیث
۵۱	۱۸-۲ توجه به سبک زندگی در ایران
۵۴	۱۹-۲ سبک زندگی در کلام مقام معظم رهبری
۶۹	۲۰-۲ بنیادهای فکری تکنولوژی
۷۲	۲۱-۲ مفهوم تخته در حوزه فلسفه تکنولوژی
۷۳	۲۲-۲ مفهوم گشتل در حوزه فلسفه تکنولوژی
۷۵	۲۳-۲ فلسفه تکنولوژی نزد فلسفه‌های چپ‌گرایانه
۷۶	۲۴-۲ مفهوم تکنولوژی در فلسفه تحلیلی
۷۶	۲۵-۲ فلسفه تکنولوژی نزد مارکوزه
۷۷	۲۶-۲ فلسفه تکنولوژی نزد هایدگر
۷۹	۲۷-۲ تأثیر تکنولوژی بر سبک زندگی
۸۱	۲۸-۲ تکنولوژی در ایران و مواجهه با اسلام
۸۳	فصل سوم روش پژوهش
۸۶	۳-۱ مراحل اجرایی پژوهش
۸۷	۳-۲ جامعه، نمونه، روش نمونه‌گیری و حجم نمونه

۳-۳.	ابزار اندازه گیری، شیوه اجرا و نحوه ارزشیابی آن	۸۷
۳-۴.	ملاک اسکری کتل	۹۲
۳-۵.	ملاک کیسر	۹۵
۳-۶.	روش تجزیه و تحلیل داده ها و مدل های آماری مورد استفاده	۹۶
۳-۷.	فاز کمی پژوهش	۹۶
۳-۸.	فاز کیفی پژوهش	۹۷
۹۹	فصل چهارم تجزیه و تحلیل یافته های پژوهش	
۴-۱.	توصیف آماری بخش کمی پژوهش	۱۰۰
۲-۴.	بخش کمی پژوهش	۱۰۵
۴-۳.	بررسی تفاوت بین زنان و مردان	۱۱۸
۴-۴.	تحلیل مدل معادلات ساختاری	۱۱۹
۴-۵.	بخش کیفی پژوهش	۱۲۱
۴-۶.	توصیف افقی یافته های کمی	۱۲۹
۱۳۹	فصل پنجم بحث و نتیجه گیری	
۵-۱.	بحث و نتیجه گیری	۱۴۰
۵-۲.	جمع بندی نهایی	۱۵۰
۵-۳.	محدودیت های پژوهش	۱۵۰
۵-۴.	پیشنهاد برای پژوهش های آینده	۱۵۱
۱۵۳	فهرست منابع و مآخذ	

«فهرست جداول»

- جدول ۳-۱. میزان آلفای کرونباخ برای هر کدام از عوامل پرسشنامه ۹۰
- جدول ۳-۲. اندازه kmo و نتیجه آزمون کرویت بارتلت ۹۱
- جدول ۳-۳. شاخص های آماری اولیه و استخراجی بعد از چرخش ۹۳
- جدول ۳-۴. ماتریس شاخص های عاملی بعد از چرخش ۹۳
- جدول ۳-۵. اندازه KMO و نتیجه آزمون کرویت بارتلت ۹۴
- جدول ۳-۶. شاخص های آماری اولیه و استخراجی بعد از چرخش ۹۵
- جدول ۳-۷. ماتریس شاخص های عاملی بعد از چرخش ۹۶
- جدول ۴-۱. توصیف آماری عامل های پرسشنامه در مردان ۱۰۷
- جدول ۴-۳. توصیف آماری عامل های پرسشنامه در زنان ۱۰۸
- جدول ۴-۴. تفاوت زنان و مردان در نگرش به وضعیت سبک زندگی اسلامی ۱۱۸
- جدول ۴-۵. تفاوت زنان و مردان در نگرش به وضعیت سبک زندگی اسلامی ۱۱۹
- جدول ۴-۶. شاخص های برازش مدل معادلات ساختاری پژوهش ۱۱۹
- جدول ۴-۷. ضرایب و معناداری متغیرهای پیش بین و ملاک ۱۲۱
- جدول ۴-۸. متن مصاحبه ها و کدگذاری ۱۲۲

فهرست اشکال

- نمودار ۱-۳ نمودار سنگریزه ای برای مشخص کردن تعداد عامل ها ۹۲
- شکل ۱-۴. مشارکت کنندگان به تفکیک جنسیت ۱۰۰
- شکل ۲-۴. مشارکت کنندگان به تفکیک جنسیت ۱۰۱
- شکل ۳-۴. مشارکت کنندگان به تفکیک وضعیت تأهل ۱۰۱
- شکل ۴-۴. مشارکت کنندگان به تفکیک شغل ۱۰۲
- شکل ۵-۴. مشارکت کنندگان به تفکیک طبقه سنی ۱۰۳
- شکل ۶-۴. مشارکت کنندگان از حیث داشتن کامپیوتر و لپتاپ ۱۰۴
- شکل ۷-۴. مشارکت کنندگان از حیث داشتن تبلت و گوشی هوشمند ۱۰۴
- شکل ۸-۴. مدت زمان استفاده از ابزار تکنولوژیک ۱۰۵
- شکل ۹-۴. مدل معادلات ساختاری ۱۲۰
- شکل ۱۰-۴. مدل مفهومی پژوهش ۱۳۵

SCCcr.ir

فصل اوّل

کلیات پژوهش

۱-۱. مقدمه

سبک زندگی اصطلاحی است که در سطح بین‌المللی و از منظر رشته‌های گوناگون مورد توجه بوده است، و از زاویه‌های مختلف به آن نگاه می‌شود. عناصر و مؤلفه‌های شناخته‌شده سبک زندگی متفاوت‌اند، به‌عنوان نمونه، عناصری که زیمل، ویلن و ویر در آثار خود از آن‌ها یاد کرده‌اند عبارت‌اند از: شیوه تغذیه، خودآرایی (نوع پوشاک و پیروی از مُد)، نوع مسکن (دکوراسیون، معماری و اثاثیه)، نوع وسیله حمل‌ونقل، شیوه‌های گذران اوقات فراغت و تفریح، اطوار (رفتارهای حاکی از نجیب‌زادگی یا دست‌ودل‌بازی، کشیدن سیگار در محافل عمومی، تعداد مستخدمان و آرایش آن‌ها) یا الگوهای مصرف، نوع لباس، نحوه صحبت، نگرش‌ها و الگوهای مربوط به نقاط تمرکز علاقه‌مندی در فرهنگ مانند امور جنسی، عقلانیت، دین، خانواده، میهن‌پرستی، آموزش، هنرها و ورزش‌ها (گردن، ۱۹۶۳؛ لسلی و همکاران، ۱۹۹۴؛ بوردیو، ۱۹۸۴؛ کاویانی، ۱۳۹۱).

مرور پیشینه نظری گویای آن است که سبک زندگی از ابعاد مختلفی مورد مطالعه قرار گرفته است. بررسی علمی این موضوع اولین بار توسط آلفرد آدلر (۱۹۹۲) صورت پذیرفت و پس از آن توسط پیروان وی گسترش یافت. این گروه به تعریف سبک زندگی پرداخته و نحوه شکل‌گیری آن در دوران کودکی و نگرش‌های اصلی سبک زندگی و وظایف اصلی زندگی و تعامل آن‌ها با یکدیگر را به‌طور دقیق بحث کرده‌اند و آن را در قالب درخت سبک زندگی نشان دادند.

به‌طور کلی رابطه دین با زندگی روزمره، مورد توجه بسیاری از محققان غربی (همچون پاول^۱، ۱۹۹۲؛ تیموتی، ۱۹۹۹؛ اینجلس^۲، ۲۰۰۵؛ گانگ شو^۳، ۲۰۰۶؛ بوسنیتز^۴، ۲۰۰۳؛ بولن^۵، ۲۰۰۵) و برخی از اندیشمندان ایرانی قرار گرفته است؛ به‌عنوان نمونه، می‌توان به هدف زندگی از دیدگاه اسلام (مطهری، ۱۳۷۹)؛ حقوق متقابل والدین و فرزندان (پاک‌نیا، ۱۳۸۲)؛ رضایت از زندگی از دیدگاه احادیث اسلامی (پسندیده، ۱۳۸۴)؛ زندگی در پرتو اخلاق (مکارم شیرازی، ۱۳۷۶ ب)؛ هدف و مقصد زندگی اسلامی (فقیهی، ۱۳۷۶)؛ یک‌صد و پنجاه درس زندگی از دیدگاه اسلامی (مکارم شیرازی، ۱۳۷۶ ب)؛ نقش دعا در زندگی اجتماعی

1 . Paull
2 . Inglis
3 . Shu
4 . Busenitz
5 . Bullen

(امیدی فر، ۱۳۷۹)؛ هدف و فلسفه زندگی (جعفری، ۱۳۷۹)؛ عوامل کنترل‌کننده غرایز از دیدگاه دینی (مظاهری، ۱۳۶۹) اشاره کرد.

در ایران نیز می‌توان رد پای تلاش‌هایی برای ارزیابی سبک زندگی اسلامی را در یک دهه اخیر دید. به‌عنوان نمونه، می‌توان به پژوهش‌هایی با عنوان "ساخت پرسشنامه‌ای مبتنی بر روش فرافکنی مشتمل بر بیست پرسش کامل کردنی و پنج پرسش به‌صورت حکایت با هدف سنجش نگرش مذهبی دانش‌آموزان دبیرستانی (علوان آبادی، ۱۳۵۲)؛ ساخت پرسشنامه‌ای ۳۵ سؤالی نگرش سنج مذهبی براساس برداشتی از نظریه جهت‌گیری مذهبی درون‌سو و برون‌سو آلپورت (گلریز، ۱۳۵۳)؛ سنجش نگرش‌ها و رفتارهای دینی ۳۹۱ دانش‌آموز دبیرستانی نوجوان تهرانی (سراج‌زاده، ۱۳۷۵)؛ بررسی رابطه دین‌داری و روان‌درستی ایرانیان مقیم کانادا (آرین، ۱۳۷۸)؛ مبنای نظری و فرآیند ساخت عملی پرسشنامه‌ای با هدف ساخت و اعتباریابی مقیاس عمل‌سنجی بر اساس دیدگاه روان‌شناسی اسلامی (باقری و اسکندری، ۱۳۷۸)؛ ساخت پرسشنامه‌ای با نام «خودشناسی در چارچوب مذهبی - اجتماعی» با استناد به آیات قرآن و متن نهج‌البلاغه و بررسی اثربخشی روان‌درمانگری کوتاه مدت توأم با جهت‌گیری مذهبی و بدون آن بر مهار اضطراب و تنیدگی (جان‌بزرگی، ۱۳۷۸)؛ ساخت مقیاس اندازه‌گیری اعتقادات و نگرش مذهبی دانشجویان (خدایاری‌فرد و همکاران، ۱۳۸۲)؛ بررسی ارتباط دین‌داری و بزهکاری در میان جوانان دانش‌آموز دختر و پسر دبیرستانی (طالبان، ۱۳۷۸)؛ بررسی طرز تلقی و نگرش جوانان نسبت به دین و ساخت خرده‌مقیاس‌هایی در خصوص نگرش مناسکی جوانان، نگرش اخلاقی و نگرش‌های باطنی آن‌ها (اکبری، ۱۳۷۹)؛ بررسی وضعیت دانشگاه در ایران قبل و بعد از انقلاب اسلامی (رجب‌زاده، ۱۳۷۹). ساخت آزمون جهت‌گیری مذهبی دانشجویان مسلمان با تکیه بر اسلام، براساس بررسی اجمالی ادیان جهان و بررسی تفصیلی دین اسلام (آذربایجانی، ۱۳۸۰)؛ بررسی رابطه نگرش دینی با سلامت عمومی، افسردگی، اضطراب، پرخاشگری و شکیبایی در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز (نیکخواه، ۱۳۸۱)؛ بررسی کارآمدی درمان شناختی- رفتاری مذهبی، فرهنگی، توأم با دارودرمانی و مقایسه آن‌ها با دارودرمانی در اختلال اضطراب و وسواس (بیان‌زاده، ۱۳۸۱)؛ تأثیر برنامه آموزشی سبک زندگی به بیماران دیابتی نوع دوم (غضنفری، ۱۳۸۳)؛ سبک زندگی بیماران قلبی - عروقی در چابهار و برنامه آموزشی برای آنان (محمدی زیدی، ۱۳۸۳)؛ بررسی سبک زندگی بیماران قلبی پیش از ابتلا به بیماری و بستری شدن در سی. سی. یو. (متعارفی، ۱۳۸۳)؛ مقایسه سبک زندگی

دانشجویان جدیدالورود رشته پرستاری با دانشجویان ترم آخر همان رشته در دانشگاه علوم پزشکی تهران (نوروزی، ۱۳۸۳)؛ بررسی سبک جدیدی از زندگی در تهران (هاشمی، ۱۳۸۳)؛ تغییرات سبک زندگی و تحولات نسل‌های اجتماعی در ایران (اسماعیل، ۱۳۸۴)؛ بررسی سبک زندگی و بیماری‌های غیر واگیر در تهران (عطایی، ۱۳۸۲)؛ سبک زندگی و رابطه آن با مصرف و مصرف‌گرایی (فاضلی، ۱۳۸۲) اشاره کرد.

نمونه‌های این چینی حاکی از آن هستند که در کشور ما سبک زندگی اسلامی همواره مورد توجه و تأکید بوده است. عقائد، دیدگاه‌ها، و حتی امیال انسانها به نوعی رابطه علی با سبک زندگی دارد. در واقع عقاید، افکار و ایده‌ها علت ایجاد سبک زندگی‌ای خاص هستند، نه بخشی از خود سبک زندگی. یک عقیده، یک میل، یک ارزش یا یک ایده، آدمی را به سمت رفتاری خاص سوق می‌دهد و رفتارها نیز به نوبه خود سبک زندگی را شکل می‌دهند. از طرفی ظهور و گسترش فناوری، حیات انسانها را در اجتماع کنونی دچار تغییراتی بنیادین کرده است (شهریاری، ۱۳۹۳).

در واقع فناوری در سبک زندگی انسان، تأثیرات دوسویه مثبت و منفی داشته است. تأثیراتی که بر اساس میزان و نحوه به کارگیری متغیر بوده است. گاهی نیز کاربرد آدمی تعیین‌کننده نبوده بلکه خواسته یا ناخواسته در معرض فناوری قرار گرفته است. فناوری در عرصه‌های مختلف سبک زندگی را تغییر داده است از آن جمله می‌توان به عرصه‌های کشاورزی، صنعت، جنگ، حمل‌ونقل، اطلاعات، سلامت و ارتباطات اشاره کرد. فناوری گاهی در عوامل اجتماعی دیگری تأثیر گذاشته که آن‌ها هم بر سبک زندگی ما تأثیر دارند. مثل تولیدات رسانه‌های جهانی که با سهولت بیشتری در دسترس قرار می‌گیرند و خود این امر تغییرات گسترده‌ای را در سبک زندگی به‌ویژه سبک زندگی اسلامی رقم می‌زند (پیوسته، ۱۳۸۲). با وجود چنین تأثیر مهمی، متأسفانه تاکنون در کشور اسلامی ایران، تلاش‌های چندانی در عرصه مواجهه به جا و به هنگام با فناوری و استخدام بهینه آن در سبک زندگی اسلامی صورت نگرفته است.

۱-۲. بیان مسئله

مرور پیشینه نظری و تجربی گویای آن است که از سبک زندگی تعریف‌های متعددی ارائه شده است و هر یک از دانشمندان در این زمینه تعریف‌های مختلفی ارائه کرده‌اند. به عنوان مثال، می‌توان به این تعاریف اشاره کرد: سبک زندگی تجسم تلاش انسان است برای یافتن ارزش‌های بنیادی خود در فرهنگ عینی‌اش

و شناساندن آن به دیگران، توان چنین گزینشی «سلیقه» و این اشکال به هم مرتبط «سبک زندگی» است (زیمل، ۱۹۰۸)؛ سبک زندگی الگوی رفتار جمعی است، این رفتارها از جنس رسوم و عادات اجتماعی و روش‌های فکری هستند (وبلن، ۱۸۹۹)؛ سبک زندگی فرد تجلی رفتاری سازوکار روحی، عادات فکری و معرفت او است (وبلن، ۱۹۱۹)؛ مجموعه‌ها یا الگوهای خودآگاه و دقیقاً توسعه یافته ترجیحات فردی در رفتار شخصی مصرف کننده سبک زندگی است (کلاکھون، ۱۹۸۵)؛ سبک زندگی الگویی برآمده از ارزش‌ها و باورهای مشترک یک گروه یا جامعه است که به صورت رفتارهای مشترک ظاهر می‌شود (یوٹ، ۱۹۹۶ و مک کی، ۱۹۶۹)؛ الگوی شناخت‌ها، احساس‌ها و کنش‌های فرد که در هویت فردی و اجتماعی او مشارکت دارد (یوٹ، ۱۹۹۰). سبک زندگی هم الگوهای مصرف را شامل می‌شود و هم قدرتی که از این ناحیه کسب می‌شود. سلیقه، آداب معاشرت و مد به‌عنوان علائم داشتن جا در نردبان اجتماعی شناخته می‌شوند (جرالد لسللی و همکاران، ۱۹۹۴)؛ سیاست زندگی، سبک زندگی است (گیدنز، ۱۹۹۶).

در تعاریف ذکر شده و دیگر تعاریف مربوط به این سازه، به‌طور کلی می‌توان به دو مفهوم اشاره کرد که در تعریف سبک زندگی مورد توجه بوده است؛ اول مفهوم وحدت و دوم مفهوم تمایز. به این معنی که سبک زندگی حاکی از مجموعه عناصری است که کم‌وبیش به‌طور نظام‌مند با هم ارتباط داشته و یک کل را پدید می‌آورند. همین اتحاد و نظام‌مندی، این کل را از کل‌های دیگر متمایز می‌کند. وجود کلماتی همچون الگو، نظام‌مندی، کلیت، هویت و تمایز در تعریف‌ها حاکی از همین مطلب است. محور دیگری که در بیشتر تعریف‌ها مورد توجه قرار گرفته است کارکرد سبک زندگی است. مناقشه اصلی در این باب به این مسئله باز می‌گردد که آیا سبک زندگی جنبه نمادین دارد یا اینکه خود اصالت داشته است. نکته‌ای که در بیشتر تعریف‌ها باعث تمایز مفهوم سبک زندگی از مفاهیم مشابه (مانند فرهنگ یا پاره‌فرهنگ، هویت، شخصیت و ...) و محدودسازی آن می‌شود خلاقانه و گزینشی بودن اجزا و عناصر سبک زندگی است (مهدوی کنی، ۱۳۸۶).

مهدوی کنی (۱۳۸۶) پس از بررسی دیدگاه‌های مختلف در خصوص سبک زندگی، نتیجه می‌گیرند که سبک زندگی اعم است از بعد فردی، اجتماعی، مادی و معنوی؛ همه حوزه‌های رفتاری اعم از سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را شامل می‌شود؛ عین تک‌تک رفتارها نیست، بلکه «الگوی همگرا» و کلیتی انتزاعی از این رفتارها است؛ و مهم‌ترین ویژگی آن، شکل‌گیری آن حول محور گرایش‌هاست. به سخن

دیگر، الگو یا مجموعه‌ای که در آن ترجیحی و تمایلی مطرح نباشد بحث از سبک زندگی در مورد آن معنا ندارد.

با توجه به تعریف‌های ارائه‌شده از سبک زندگی باید تأکید شود که سبک زندگی مختص جامعه اسلامی مختصات ویژه خود را دارد و به همین دلیل سبک زندگی اسلامی نامیده می‌شود. پس از بیان و تأکید مقام معظم رهبری بر سبک زندگی اسلامی، بیان مصادیقی از سبک زندگی اسلامی، ذکر اشاراتی در خصوص آسیب‌شناسی این مفهوم، و با توجه به نو بودن بحث «سبک زندگی» در ادبیات و فضای گفتمانی کشور، به‌روشنی می‌توان دید که مسأله‌ی سبک زندگی مسأله‌ای عمیق و ریشه‌ای، و نیازمند پژوهش‌های منظم است.

از طرفی در سبک زندگی اسلامی به‌عنوان ماهیتی که به ارتباط و اخلاق توجه ویژه می‌شود، نمی‌توان بر گسترش آن تلاش نمود بدون آن که مولفه‌های تأثیرگذار مهم را از نظر دور نگه داشت. یکی از مولفه‌های بسیار مهم و تأثیرگذار در سبک زندگی اسلامی ظهور و گسترش فناوری است. فناوری که به گونه‌ای از نیروی اندیشه و تعقل در به‌کارگیری نعمت‌های خداوندی برای آسایش آدمی بهره می‌گیرند گاه می‌تواند با پدیدایی آسایش، آرامش را از او سلب کند و انسان مدنظر اسلام را از ماهیت اصلی یعنی اجتماعی بودن دور سازد و تنها توهمی از اجتماعی بودن را برای وی تقویت نماید. فناوری در حوزه‌های مختلف به‌ویژه فناوری‌های ارتباطی علیرغم مزایایی که داشته است به گونه‌ای نقش آسیب‌رسانی در سبک زندگی به‌ویژه سبک زندگی اسلامی داشته است. آسیبی که منجر به تنها‌ترشدن انسان امروزه شده است و با پناه دادن در غارهایی به نام دنیای مجازی هرگونه ارتباطات واقعی عاطفی را با دیگران محدود ساخته است.

یکی از موضوعات مهمی که همراه با فناوری به جوامع مختلف نفوذ می‌کند، فرهنگ پذیری است. بدین معنا که خواه ناخواه فناوری‌های ارتباطی نظیر ماهواره، جوامع مختلف را به یک دهکده جهانی تبدیل کرده است که می‌تواند با محصولاتی که در دل هر فناوری ارائه می‌شود (نظیر فیلم‌ها و سریال‌ها و تبلیغات مختلف) ایده‌ها، باورها و ارزشها یا به عبارتی فرهنگی حاکم بر یک جامعه را به چالش بکشاند. نمی‌توان این مهم را از نظر دور نگه داشت که در جامعه‌ایرانی اسلامی نیز چنین موضوعی در دل خانواده‌ها رخنه کرده است و به گونه‌ای بنیاد خانواده‌ها را می‌تواند به لرزه در آورد و منجر به اسیر شدن آدمی به دست

کلیات پژوهش

فناوری شود. به عبارتی به نظر می‌رسد امروزه، این فناوری است که آدمی را در جهت مقاصد و اهداف خود رهبری و مدیریت می‌کند حال آنکه این مسیر بایستی به گونه‌ای باشد که آدمی، فناوری را به استخدام و بهره‌دهی مناسب و بهینه در بیاورد. در این صورت است که چنین آفتی تبدیل به فایده خواهد شد.

اسکندری (۱۳۹۳) خاطرنشان می‌سازد فناوری یک امر خنثی است و منافاتی با سبک زندگی اسلامی ندارد اما به کارگیری نادرست از آن می‌تواند آسیب جدی قلمداد شود. وی بر این باور است با به کارگیری معیارها و شاخص‌هایی که در اسلام مطرح شده است و طراحی برنامه‌های اقتصادی اجتماعی بر اساس آموزه‌های اسلامی می‌توان در راه کاربرد درست فناوری قدم گذارد. نیاز مبرم جامعه کنونی برای برطرف سازی آسیب‌های احتمالی فناوری، آن است که پیش از واقعه به علاج اندیشیده شود. آگاه سازی مصرف هوشمندانه از فناوری به گونه‌ای باشد که از تداخل نامناسب فرهنگی پیشگیری شود. به نظر می‌رسد کانون بحران خود فناوری نیست بلکه برخورد با فناوری است.

بنابر این پیش فرض این پژوهش بر آن است که به مدلی بومی اسلامی دست یابد که بر اساس آن به آسیب شناسی فناوری به‌ویژه فناوری‌های ارتباطی پردازد و در به کارگیری فناوری به هدف پیشبرد سبک زندگی اسلامی راهبردهای کاربردی را ارائه دهد.

۱-۳. اهمیت و ضرورت پژوهش

تأکید اخیر رهبر معظم انقلاب بر دعوت از نخبگان و صاحبان فکر و اندیشه برای پرداختن به مفهوم مهم سبک زندگی اسلامی، آسیب‌شناسی و علت‌یابی وضع موجود سبک زندگی در ایران و چاره‌جویی در این زمینه و قلمداد کردن سبک زندگی به‌عنوان بخش اساسی و حقیقی پیشرفت و تمدن‌سازی نوین اسلامی و ورود موشکافانه بر اجزای تشکیل دهنده این سازه همچون مسائلی نظیر خانواده، ازدواج، نوع مسکن، نوع لباس، الگوی مصرف، تفریحات، کسب و کار و رفتارهای فردی و اجتماعی در محیط‌های مختلف گویای اهمیت و ضرورت پرداختن به سبک زندگی اسلامی از طریق انجام پژوهش‌های علمی در حوزه‌های مرتبط و کاربردی آن در زندگی جاری افراد است. روشن است که تأکید بر ضرورت انجام پژوهش‌هایی از این دست بنابر فرمایشات مقام معظم رهبری به دلیل پرهیز کامل از تقلید از سبک و سلوک زندگی در تمدن غربی که باطن آن مادی، هویت زدا و ضد معنویت است و تأکید بر نوعی از سبک و فرهنگ زندگی

است که مبتنی بر آموزه‌ها و اصول اخلاق اسلامی و عقل و سلوک عملی اسلام باشد. بنابراین اگر بپذیریم که داشتن شیوه‌ی زندگی اسلامی، بستر ساز تمدن نوین اسلامی و پیشرفت همه‌جانبه است، رسیدن به این شیوه‌ی زندگی و عمل به آن اهمیت خود را بهتر می‌نمایاند.

به نظر می‌رسد به روز رسانی راهنماهایی برای سبک زندگی اسلامی یکی از ضروریات بایسته در جامعه کنونی ایران است. برای نمونه برای مواجهه با یک فناوری همچون تلفن همراه که بخش وسیعی از اوقات زندگی را به خود اختصاص می‌دهد، بایستی نیاز سنجی در زمینه ارتباطات انجام شود. برای تدوین سبک زندگی ایرانی اسلامی در زمان حاضر نیازمند شناخت زمان خود هستیم. شناخت اموری که در جریانند و سبک زندگی جامعه کنونی ما را شکل می‌دهند. ما باید علاوه بر بررسی مسائل در کتابهایی که در ۷۰۰ سال پیش نوشته شده، دستورات اخلاقی جدیدی را برای اموری همانند فناوری‌های جدید تدوین کنیم. این‌ها نیازمند واکاوی جدید است. برای تدوین سبک زندگی ایرانی اسلامی در زمان حاضر نیازمند شناخت زمان خود هستیم. شناخت اموری که در جریانند و سبک زندگی جامعه کنونی ما را شکل می‌دهند. در حدیث موثقی از امام صادق علیه السلام نقل است که: أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَعِيدِ بْنِ يَسَارٍ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ يُؤُسَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: فِي حِكْمَةِ آلِ دَاوُدَ عَلَيَّ الْعَاقِلِ أَنْ يَكُونَ عَارِفًا بِزَمَانِهِ مُتَّبِلًا عَلَيَّ شَأْنِهِ حَافِظًا لِللِّسَانِ. (الكافي، ج ۲، ص ۱۱۶) و همین‌طور در حکمت آل داود است که عاقل باید زمانش را بشناسد و متوجه کارهایش باشد و زبان خود را نگاه دارد (شهریاری، ۱۳۹۳).

به‌زعم روحانی (۱۳۹۳) هم اکنون که در عصر ارتباطات به سر می‌بریم خواست منطقی همه انسان‌ها این است که منطبق با فرهنگ راستین اسلامی حرکت کنیم. امروزه پیش‌ازاینکه تصرف سرزمینها مورد نظر قدرتهای بزرگ جهانی باشد، تصرف اذهان و افکار جوامع مورد نظر است. بنابراین ضروری است که دنیای اسلام از تمام منابع خود برای حراست از فرهنگ و هویت اسلامی بهره بگیرد. وی بر این باور است نمی‌توان و نباید از ابزارهای مدرن فناوری فاصله گرفت. در عصر جدید که تلفن همراه و اینترنت جای ابزاری همچون رادیو و تلویزیون را گرفته است و نقشش تنها ارتباط نیست بلکه در سبک زندگی و هنجارها تأثیر می‌گذارد، باید تمام خود را به کار بست تا با قدرت از فرهنگ اسلامی خود دفاع کنیم. راهکارهای وی، بومی سازی فناوری با سبک زندگی اسلامی در خانواده، شناسایی آثار فرهنگی و ایدئولوژیک فناوری‌های

چند رسانه‌ای نظیر سینما، ماهواره، اینترنت و غیره و چارجویی برای مصونیت بخشی افراد جامعه در فناوری و حداکثر بهره‌گیری از توان رسانه‌ای برای جلوگیری از بدآموزیهای رسانه‌ای و آموزش سبک زندگی ایرانی - اسلامی است.

در واقع فناوری را نباید تنها در ماشین‌ها و ابزارها و اختراع‌های مادی جدید دید. گاهی جا انداختن یک نوع مدیریت و کنترل اجتماعی، نوعی فناوری است. از قضا، چیزی که بر زندگی ما بیشتر تأثیر دارد، فناوری اجتماعی است که زندگی شخصی و جمعی را همچون ابزارها و اختراعات مادی و شاید بیش از آن‌ها دگرگون می‌سازد. وقتی ما می‌آموزیم، می‌پذیریم و مشتاق می‌شویم، به گونه‌ای دیگر زندگی کنیم، نگاه و معرفت ما به زندگی دستخوش دگرگونی می‌شود و این دگرگونی بر خلق و خو و ارتباط ما با دیگران و حتی ارتباط ما با خودمان و باورهایمان تأثیر می‌گذارد. بنابراین می‌توان دید که دگرگونی فناورانه در سبک زندگی، بسیاری از اوقات، ناخودآگاه است و دانستن این ارتباط، ما را هشیار می‌سازد که پیش‌تر از پدید آمدن پیامدهای کاربرد انواع ابزارها و سیستم‌های فناورانه‌ی نوین، آن‌ها را حدس بزنیم و نشانه‌شناسی کنیم و برای مسائلی اجتماعی و فکری که به دنبال خواهند داشت، چاره‌جویی نماییم (پیوسته، ۱۳۹۲).

مهم این است که فناوری، چه در شکل مادی و چه در شکل برنامه‌ی اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، حقوقی و ترکیب این‌ها، در نتیجه‌ی چگونگی محیط کاربرد خود، اثرات متفاوتی خواهد داشت و محیط را نیز به سهم خود دگرگون خواهد نمود. یک وجه این تغییر محیطی، تغییر در رفتار و نگاه آدم‌هاست. بنابراین همراه با تغییر سبک زندگی است. از جمله آسیب‌هایی که ضرورت پرداختن به جا و عقلانی با فناوری را بیشینه می‌نماید؛ جابه‌جایی ارتباط چهره به چهره به ارتباطات مجازی، تأثیر خلق و خوی افراد و گسترش بی‌اعتمادی در خانواده‌ها و به کارگیری تکنولوژی برای کنترل (نظیر دوربین‌های مدار بسته یا وسایل سمع پنهانی که گاهی توسط زوجین برای کنترل زوجه دیگر به کار می‌رود)، استفاده از نامهای مجازی برای پوشاندن هویت خود است که نهاد خانواده و درنهایت جامعه‌ای را تهدید می‌کند. بنابراین مسئله‌ی فناوری و تأثیر آن بر سبک زندگی اسلامی موضوع اساسی است.

بنابراین شایسته و بایسته است تا اندیشمندان و فرهیختگان به همراه دست‌اندرکاران مدیریت جامعه به‌ویژه در بخش‌های کلان و ستادی آموزش عالی، آسیب‌شناسی سبک زندگی اسلامی و فناوری را وجهه همت خویش قرار داده و بر مبنای آن سیاست‌ها و راهبردهای خرد و کلان را طراحی و سپس اجرا نمایند

تابستر عمومی جامعه در حرکتی آرام و تدریجی به سمت سبکی از زندگی که تأمین کننده و شایسته نظام اسلامی است، حرکت کند.

۴-۱. اهداف (اصلی و فرعی)

- اهداف زیر هدایت گر پژوهش حاضر هستند:
- کاوش چگونگی سبک زندگی اسلامی خانواده‌های ایران؛
- شناسایی وضعیت و میزان استفاده از فناوری‌های تأثیرگذار در سبک زندگی خانواده‌های ایران؛
- تعیین تأثیر انواع فناوری‌های مورد استفاده بر سبک زندگی اسلامی خانواده‌های ایران؛

۵-۱. سؤالات (اصلی و فرعی)

۱. وضعیت سبک زندگی اسلامی خانواده‌های ایران چگونه است؟
۲. وضعیت و میزان استفاده از فناوری‌های تأثیرگذار در سبک زندگی خانواده‌های ایران چگونه است؟
۳. انواع فناوری‌های مورد استفاده چقدر بر سبک زندگی اسلامی خانواده‌های ایران تأثیر دارند؟

۶-۱. متغیرها (تعریف نظری و عملیاتی)

سبک زندگی اسلامی: سبک زندگی دارای ابعاد فردی، اجتماعی، مادی و معنوی است؛ و همه حوزه‌های رفتاری اعم از سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را شامل می‌شود؛ عین تک‌تک رفتارها نیست، بلکه «الگوی همگرا» و کلیتی انتزاعی از این رفتارها است؛ و مهم‌ترین ویژگی آن، شکل‌گیری آن حول محور گرایش‌هاست (مهدوی کنی، ۱۳۸۶). در این پژوهش سبک زندگی اسلامی از طریق پرسشنامه محقق ساخته (که برآمده از مرحله کیفی پژوهش است) اندازه‌گیری خواهد شد.

فناوری‌های مؤثر بر سبک زندگی اسلامی: منظور کلیه فناوری‌هایی است که به صورت

مستقیم و غیرمستقیم بر سبک زندگی خانواده‌ها مؤثرند

فصل دوم

پیشینه پژوهش

۲-۱-۱ درآمد

سبک زندگی مفهومی جدید است که از سوی پژوهشگران حوزه‌ی علوم اجتماعی معرفی شده است (مهدی زاده، ۱۳۹۰). و به عبارتی مفهوم جدیدی که از سبک زندگی وجود دارد با تحول اندیشه‌های علم اجتماعی در اوایل دهه‌ی هشتاد میلادی آغاز شد (صفارهرندی، ۱۳۸۹). طرح ایده‌ی سبک زندگی را می‌توان واکنشی به تحلیل‌های اجتماعی مبتنی بر آرا و تفکرات مارکسیستی و سرمایه‌داری دانست، که در تحلیل مارکسیستی تحلیل طبقه‌ای و کلی از مسائل انجام می‌شد و در تحلیل سرمایه‌داری گفتمان غالب بر سرمایه و تولید و توزیع قرار داشت (رضوی طوسی و شعبانی اصل، ۱۳۹۱). سبک زندگی مجموعه‌ای از ارزش‌ها، طرز تلقی‌ها و شیوه‌های رفتار حالات و سلاقی است که به‌طور عمومی در میان یک جمع ظهور می‌کند و بسیاری از افراد دارای صاحب نوعی از زندگی مشترک و خاص می‌شوند (مهدی زاده، ۱۳۹۰). تا پیش از دهه‌ی شصت میلادی واژه‌ی Life و Style که در ترکیب هم به معنای سبک زندگی هستند را از یکدیگر جدا و به‌صورت Life Style می‌نوشتند و از دهه‌ی شصتم میلادی بود که این واژه به شکل سر هم و به‌صورت Lifestyle به رشته‌ی تحریر درآمد (مهدوی کنی، ۱۳۸۷).

بررسی سبک زندگی را می‌توان در آثار و نوشته‌های قدما دید، برای مثال برای ابن خلدون تفاوت بین سبک زندگی و شیوه‌های بادیه‌نشینی و شهرنشینی جلب نظر کننده است و از این روست که می‌نویسد: و باید دانست که هر یک از دو گونه‌ی زندگی بادیه‌نشینی و شهرنشینی در نوع خود متفاوت و گوناگون است زیرا چه‌بسا که تیره‌ای که از تیره‌ی دیگری بزرگ‌تر و قبیله‌ای عظیم‌تر از قبیله‌ی دیگر است و نیز بسی از شهرستان‌ها وسیع‌تر از شهرستان‌های دیگر و بسیاری از شهرها آبادتر از شهرهای دیگر است. بادیه‌نشینی مقدم بر شهرنشینی است، زیرا عادات و رسوم شهرها و شهرستان‌ها مانند تجمل خواهی و آسایش طلبی به دنبال عادات و رسومی است که مخصوص کسب وسایل ضروری معاش است (ابن خلدون، ۱۳۷۳).

باین حال برخی آن‌اند است که مفهوم سبک زندگی مفهومی نوین است و این مفهوم در حال حاضر رو به رشد است، آن‌ها بر آن‌اند که این معنا از زمان ماکس وبر آغاز گشته و در دهه‌های ۱۹۶۰ مدیست‌ها و هیپی‌ها در بریتانیا دیده می‌شدند و پیش از آن‌ها فلپرها و بوهمیان نیز بودند، حتی در گذشته‌تر از این دوران فلانورها که گروه‌های خیابانی دوره‌گرد بودند و نیز جوانان لات و ولگرد موسوم به لاریکینزها در قرن نوزدهم نیز گروه‌هایی بودند که سبک زندگی خاصی داشتند و پیش از آن نیز می‌شد که گروه‌های

دیگری را برشمرد و از این رو به نظر می‌رسد سبک زندگی حاوی مطلب و نگاه جدیدی نبود که به اعتبار آن مورد توجه و تدقیق قرار گیرد اما سبک زندگی از آن رو به شدت مورد توجه قرار گرفته است که در تحلیل جوامع امروزی برخی وجوه مادی دیگر نظیر نمادها و طراحی‌ها و سطحی بودن و بی‌ژرفایی است که می‌خوانند از طریق تحلیل‌گری دارای اهمیت تلقی شوند (رابرتسون، ۱۹۷۸).

به هر روی این نکته شایان توجه است که سبک زندگی از مفاهیم مدرن عقلانیت و فردیت منبث شده است (رضوی طوسی و شعبانی اصل، ۱۳۹۱). و به عبارتی می‌توان اظهار نمود که سبک زندگی محصولی از انسان فردیت یافته است و توسط او خلق می‌شود البته سبک زندگی موضوعی اجتماعی است و قطعات آن از جامعه و محیط بیرونی اخذ می‌شود اما این انسان فردیت یافته است که بر مبنای سلیقه‌ی خود آن را شکل می‌دهد (صفارهرندی، ۱۳۸۹). در حقیقت پدیده‌ی اجتماعی سبک زندگی به منزله‌ی ویژگی جدائی‌ناپذیر رشد استقرار مدرنیته است، سبک‌های زندگی نه تنها در سطح تئوریک می‌خوانند معرف و شاخص پراهمیتی باشند که در راستای جستجو برای نیل به هویت فردی مطرح‌اند بلکه به‌عنوان وجه مشخصه‌ی مدرنیته نیز دارای اهمیتی انکار نشدنی هستند (چانی، ۱۹۹۶).

گفته شد که برخی معتقدند که سبک زندگی در اساس مفهومی مدرن است و تا پیش از دوران مدرن وجود نداشته است و برخی با این دیدگاه موافق نیستند، چه با این نظر موافق باشیم و یا نباشیم این موضوع که دانش سبک زندگی مفهومی مدرن است مورد تردید نیست (مهدی زاده، ۱۳۹۰).

۲-۲. تقسیم گروه‌ها در جامعه‌شناسی

در دانش جامعه‌شناسی مفاهیم و سازه‌های نظری^۳ به شکل عمده دارای خصوصیت سنخ‌شناسی^۴ هستند (اباذری و چاوشیان، ۱۳۸۱). و از این روست که در مباحث جامعه‌شناسی یکی از سؤالات مورد توجه همیشه این بوده است که برای دسته‌بندی گروه‌های کلان اجتماعی باید از چه مفاهیمی استفاده کرد تا بتوان ویژگی‌ها و تعاملات این گروه‌ها را با یکدیگر در زمینه‌های گوناگون فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی و سیاسی و جز آن تحلیل نمود (قادری، ۱۳۸۶). چراکه تمامی تحلیل‌های اجتماعی بر مبنای مفاهیم جمعی^۵

1 Robertson
2 CHANEY
3 Constructs
4 Typology
5 Collective Concepts

امکان‌پذیر است (اباذری و چاوشیان، ۱۳۸۱). استفاده از یک واحد برای جداسازی و تفکیک ویژگی‌های گروه‌های کلان اجتماعی برای تبیین تعامل رفتار موضوعی ضروری است چراکه بدون تشخیص و تعریف گروه‌های اجتماعی شمار زیاد گروه‌های اجتماعی توانایی تحلیل در سطح کلان را از بین می‌برد (قادری، ۱۳۸۶). بنابراین می‌توان اظهار کرد که مهم‌ترین ویژگی منطقی که در مفاهیم جمعی باید مورد توجه باشد ویژگی طبقه‌بندی‌کننده^۱ آن‌هاست و اگر داده‌های انبوه و بی‌پایان زندگی اجتماعی در قالب مفاهیم جمعی خلاصه نشوند و با آن معیار مورد ساده‌سازی قرار نگیرند و نظم نیابد امکان هرگونه شناخت سامانمند درباره‌ی آن‌ها از بین می‌رود و بنابراین نمی‌توان درباره‌ی آن‌ها دست به تحلیل زده و حکمی صادر نمود (اباذری و چاوشیان، ۱۳۸۱).

تمامی آدمیان در زندگی روزانه‌ی خود به‌نوعی با مقوله‌بندی طبقه‌بندی سروکار دارند اما پژوهشگران تمامی علوم به‌طور خاص در این مبحث دانشمندان حوزه‌ی جامعه‌شناسی برای این موضوع دسته‌بندی معنای ویژه‌ای تصور دارند و بسیار برای آن اهمیت قائل‌اند چراکه همان‌طور که گفته شد بدون طبقه‌بندی شناخت جهان و بازیابی معارف انسانی ناممکن به نظر می‌رسد (فدایی عراقی، ۱۳۹۰). منطبق بنیادی روش طبقه‌بندی این است که مشاهدات تجربی پراکنده و نامنظم را بر مبنای شباهت‌هایی در برخی ویژگی‌ها و ابعاد که به نسبت دیگر ویژگی‌ها و ابعاد مهم شناخته می‌شوند در دو یا چند مقوله به شکلی دسته‌بندی گردند که بتوان درباره‌ی خصوصیات و ویژگی‌هایی که در روابط و یا رفتارهای آن مقوله‌ها و نه تک‌تک افراد و موارد دیده می‌شود دست به صدور احکام زد (اباذری و چاوشیان، ۱۳۸۱). و از این رهگذار است که ذهن می‌تواند بر تمایزات و اختلافات بی‌شماری که در جهان واقع وجود دارد آگاه گردد و به دیگر سخن هدف اصلی از این طبقه‌بندی آن است که هر فرد و به‌طور خاص پژوهشگران بتوانند آنچه از تجربه‌ی شخصی یا از دیگران آموخته‌اند به کاربندند (فدایی عراقی، ۱۳۹۰). سنخ‌شناسی‌های جامعه‌شناختی تمایل دارند در حوزه‌های خاصی از زندگی اجتماعی بتوان گروه‌هایی را شناسایی کنند که از نظر خصوصیات و ویژگی‌های اجتماعی و رفتار و ارزش و نگرش دارای نوعی از همسانی باشند (اباذری و چاوشیان، ۱۳۸۱).

در پهنه‌ی تاریخ دانش جامعه‌شناسی تلاش‌هایی بسیار برای معرفی واحدهایی برای دسته‌بندی گروه‌های اجتماعی مطرح شده است، تونی یس گزلفاشافت و گماینشافت‌ها را معرفی نمود و آگوست کنت

1 Classificatory

مراحل تطور تاریخی را بیان کرد، کارل مارکس شیوه‌های تولید و طبقات اجتماعی را معرفی کرد و امیل دورکیم با بحث در صور همبستگی اجتماعی و یا خودکشی در این راه گام نهاد، اخلاق اقتصادی ادیان و انواع کنش‌های وبر و صور کنش‌های متقابل یا انواع کنشگران زیمل همه تلاش‌هایی برای تعریف نوعی دسته‌بندی افراد یا رفتارهای آنان و یا ارزش‌ها و نگرش‌های و هنجارهای موردقبول آنان بوده است و هرکدام از این شیوه‌ها تاکنون توانسته‌اند بر مبنای دسته‌بندی خود تحلیل‌هایی اجتماعی را ثبت نمایند (اباذری و چاوشیان، ۱۳۸۱).

۲-۳ تقسیم‌بندی اجتماعی بر مبنای طبقات اقتصادی

کارل مارکس^۱ از جمله اندیشه‌مندان بود که برای تعیین گروه‌های اجتماعی تلاش نمود و او برای این کار معیار اقتصاد را پیشنهاد داد و برای هر کدام از این گروه‌های اجتماعی که بر مبنای اقتصاد تفکیک شده بودند طبقه نام نهاد، به عبارت دیگر طبقات در درجه‌ی نخست گروه‌بندی‌های کلان اجتماعی هستند که بر پایه‌ی معیارهای اقتصادی گوناگون از دیدگاه جامعه‌شناختی از یکدیگر انفکاک یافته‌اند (قادری، ۱۳۸۶). سابقه‌ی تاریخی این دیدگاه به انتشارت مانیفست کمونیست^۲ در سال ۱۸۴۸ بازمی‌گردد که طی آن مارکس و فردریش انگلس^۳ به صراحت اعلام کردند که تمامی جنبه‌های زندگی اجتماعی آدمیان در تمامی حوزه‌های از روابط اجتماعی تا ارزش‌ها و عقاید و تمامی ساختارهای نهادی درون جامعه به وجه غالب تولید اقتصادی مرتبط بوده و توسط آن تعیین می‌شود (اباذری و چاوشیان، ۱۳۸۱). بر اساس آرای مارکس جامعه‌ی سرمایه‌داری به دو طبقه تقسیم می‌شد طبقه‌ای که زمین و سرمایه و در یک کلام ابزار تولید را در اختیار داشت که آن را بورژوا^۴ می‌خوانند و طبقه‌ی کارگر که ابزار تولید در اختیار نداشت و به نام پرولتاریا^۵ معرفی می‌شد (محمدی، ۱۳۶۶).

مارکس طبقات را در حوزه‌ی روابط تعریف می‌کرد و جایگاه افراد در روابط مالکیت و در سازمان‌دهی اجتماعی تولید را به‌عنوان عوامل اصلی در تعیین جایگاه طبقاتی معرفی می‌نمود (قادری،

1 Karl Marx

2 The Communist Manifesto

3 Friedrich Engels

4 Bourgeoisie

5 Proletariat

۱۳۸۶). طبقه تعیین کننده رفتارها و احساسات و اندیشه‌ها و نگرش‌های آدمیان و نگرش‌های افراد و روابط اجتماعی آنان است و تقسیمی که بر مبنای طبقات اجتماعی انجام می‌گیرند آن‌چنان اساسی است که روابط افراد و نوع زندگی و حتی سرنوشت آنان را تعیین می‌کند و همه‌ی این موارد تابعی از طبقه‌ای قرار می‌گیرند که هر فرد در آن وجود دارد (اباذری و چاوشیان، ۱۳۸۱). در جامعه‌ی سرمایه‌داری^۱ طبقاتی مارکس بورژواها طبقه‌ی پرولتاریا را تحت انقیاد و کنترل داشته و نیز مجراهای ارتباطی دولت و مذهب را نیز تحت نفوذ دارند (محمدی، ۱۳۶۶). بسیاری از پژوهشگران علوم اجتماعی تذکر دادند که طبقات اقتصادی گروه‌هایی انتزاعی هستند و نمی‌توان انتظار داشت که افرادی با یک جایگاه مشترک اقتصادی الگوهای رفتاری یکسانی را بروز دهند (قادری، ۱۳۸۶). و نیز بسیاری از جامعه‌شناسان نظرات مارکس را مورد انتقاد قرار دادند و پیش‌بینی‌های وی را نادرست قلمداد کردند، برای مثال مارکس می‌پنداشت که در جامعه‌ی سرمایه‌داری زمانی خواهد رسید که پرولتاریا علیه طبقه‌ی بورژوا متحد شده و با در هم ریختن ساختار اجتماعی حکومتی کمونیستی^۲ ایجاد خواهد نمود، پژوهشگران تذکر دادند که در تاریخ هیچ شاهدی بر این امر وجود نداشته است که کارگران با ایجاد اتحاد علیه حکومتی سرمایه‌داری قیام کنند و پس از آن خود حکومتی بر مبنای کمونیسم و مرام اشتراکی ایجاد کنند (محمدی، ۱۳۶۶).

پس از گذشت زمان و بررسی آرای کارل مارکس، صاحب‌نظران به این نتیجه رسیدند که ایده‌ی کارل مارکس مبتنی بر قشربندی جامعه بر مبنای روابط اقتصادی و تبدیل جامعه به طبقات اقتصادی قدرت توضیح کلیه‌ی تحولات اجتماعی و روابط انسان‌ها را ندارد (الفت و سالمی، ۱۳۹۱). و برای مثال تحلیل‌گران نمی‌توانستند پدیده‌ی خودکشی را بر مبنای طبقه‌ی اجتماعی بالا یا پایین تحلیل کنند (رضوی طوسی و شعبانی اصل، ۱۳۹۱). در این شرایط سبک زندگی امکان برداشت غیر مارکسیستی از فعالیت‌های مردم را برای صاحب‌نظران ایجاد کرد (الفت و سالمی، ۱۳۹۱).

۲-۴ تقسیم‌بندی اجتماعی بر مبنای منزلت اجتماعی

در برابر آرای مارکس می‌توان به دیدگاه‌های ماکس وبر^۳ اشاره کرد. او برای تفکیک در بین گروه‌های اجتماعی مفهوم منزلت اجتماعی را آفرید. و او پیشنهاد می‌داد که منزلت اجتماعی را به‌جای طبقه اقتصادی

1 Capitalism
2 Communistic Rule
3 Max Weber

برای طبقه‌بندی و تحلیل جامعه به کار برده شود (رضوی طوسی و شعبانی اصل، ۱۳۹۱). وبر منزلت اجتماعی را منزلتی کمی شده معرفی می‌کرد که در فرآیندهای پیچیده‌ی اجتماعی از عوامل اقتصادی و سیاسی در معنای عام تأثیر می‌پذیرفت و وبر طبقات را در حوزه‌ی روابط توزیع و گردش کالا و به عبارت دیگر در درون بازار تعریف می‌نمود یعنی وضع طبقاتی هر کس از دید وبر بر پایه‌ی وضع کالایی بود که به بازار عرضه می‌کرد (قادری، ۱۳۸۶). به دیگر سخن اگر مارکس وجود طبقه را به نقش آن در نظام تولید مرتبط می‌دانست و بر آن مبنا بینشی کلی و ناظر به تحولات تاریخی از طبقه‌ی اجتماعی به دست می‌داد و در نگاه او مالکیت ابزار تولید توسط یک گروه اقلیتی بزرگ‌ترین تفکیک بین گروه‌های آدمیان در عرصه‌های سیاست و اقتصاد و فرهنگ و قس علی‌هذا است اما وبر برخلاف مارکس از کلی‌گویی پرهیز می‌کند و ابعاد و وجوه چندگانه‌ی قشربندی را مطرح می‌نماید (رکنی، ۱۳۷۱). کریس روجک^۱ (۱۹۸۵). مفهوم سبک زندگی را یکی از ماندگارترین میراث‌های نظری مارکس وبر می‌خواند که در اصل توسط وی در چارچوب جامعه‌شناختی اوقات فراغت متعنی شده بود و از آن طریق مفهوم‌سازی شده بود (ویل، ۲۰۰۱).

وبر در سه دسته طبقه‌بندی اجتماعی را معرفی می‌کند:

۱. طبقه اجتماعی که در رابطه با اقتصاد است و وضعیت فرد را به نسبت تملک بر

دارایی‌ها بررسی می‌کند

۲. منزلت اجتماعی که به کیفیات غیراقتصادی نظیر مذهب و افتخار و اعتبار ناظر است

۳. منزلت سیاسی که به وابستگی فرد در قلمرو سیاسی او اشاره می‌کند (بندیکس^۲،

۱۹۷۷).

بر مبنای این نوع تقسیم‌بندی، معلوم می‌شود که در نگاه وبر منزلت اجتماعی می‌تواند از

موقعیت اقتصادی و سیاسی منفک باشد (رکنی، ۱۳۷۱).

وبر در گروه‌های منزلت اجتماعی را در زمینه‌ی فرهنگی اجتماعی آنان توصیف می‌کند و گروه منزلت

گروهی است که وضع منزلتی یکسانی دارند که این امر بدان معناست که جامعه منزلتی کم‌و بیش یکسان

1 Chris Rojek

2 Bendix

برای آنان در نظر می‌گیرند (قادری، ۱۳۸۶). برجستگی دیدگاه وبر نسبت به مارکس آن است که او در برابر توضیح و تبیین نابرابری‌های اجتماعی دیدگاهی چندبعدی دارد (رکنی، ۱۳۷۱). بر مبنای نظریات وبر پایه‌های منزلت اجتماعی می‌خوانند اصل و نسب، قومی، مذهب و ازاین‌دست باشند و بر این پایه زنان، اقلیت‌های قومی، دانشجویان و امثالهم می‌خوانند گروه‌های منزلت باشند (قادری، ۱۳۸۶).

شاید یکی از مهم‌ترین دلایل اختلاف نظر میان مارکس و وبر تفاوت دیدگاه آن‌ها در برابر سرمایه‌داری و نظم برساخته‌ی آن باشد، مارکس سودجویی لجام‌گسیخته را جزئی لاینفک از نظام سرمایه‌داری می‌دانست ولیکن وبر سود همراه با انضباط عقلانی را به‌عنوان جز انفکاک‌ناپذیر از نظام سرمایه‌داری می‌شناخت و معتقد بود سودجویی در ارتباط با نظام سرمایه‌داری نیست بلکه در تمامی ادوار زندگی بشر سودجویی وجود داشته و دیده می‌شده است (رکنی، ۱۳۷۱). با توجه به این رویکرد وبر بر آن بود که اگر جوامع در میانه‌ی تغییرات شدید اقتصادی و فنی باشند قشربندی و گروه‌سازی افراد بر پایه‌ی طبقات اقتصادی می‌تواند تون بهتری در تعیین‌کنندگی جریان‌های اجتماعی و تعاملات گروه‌ها داشته باش اما در زمانی که دگرگونی‌ها در حوزه‌ی اقتصاد کم باشد گروه‌های منزلت تبیین‌کننده‌ی بهتری برای جریان‌ها و تعاملات و کنش‌های اجتماعی خواهد بود علت اینکه وبر در زمان فقدان دگرگونی چشمگیر اقتصادی و فنی گروه منزلت را به‌عنوان دسته‌بندی پیشنهاد می‌داد این است که در هنگام عدم دگرگونی‌های عظیم اقتصادی دسترسی به کالاها و توزیع آن‌ها در شرایطی بالنسبه بی‌تزلزل و دارای ثبات قرار می‌گیرند (قادری، ۱۳۸۶).

می‌توان مفهوم طبقه‌ی اجتماعی که فعالیت مولد فرد مبنای دسته‌بندی است و سبک زندگی که مصرف مبنای گروه‌بندی است را دو سر یک پیوستار دانست که نقاط بینابینی بسیار مهمی مانند نظریه‌ی یکی گروه‌های منزلتی و یا ابعاد سه‌گانه‌ی قشربندی در میان این پیوستار قرار می‌گیرند (اباذری، چاوشیان، ۱۳۸۱).

وبر تعریفی دقیق از سبک زندگی ارائه نمی‌کند تعریف او مطابق با آنچه امروزه به‌عنوان سبک زندگی شناخته می‌شود نیست او سبک زندگی را ارزش‌ها و رسومی مشترکی می‌شناسد که برای گروه احساس هویت جمعی فراهم می‌کند و یا به تعبیری دیگر از نظر او گروه‌ها و طبقاتی که در یک رتبه قرار دارند نوعی از زندگی را با پرورش مجموعه‌های از رفتار و باورها را پدید می‌آورند (مهدوی کنی، ۱۳۸۷).

البته وبر و مارکس بر این نکته تأکید دارند که مفهوم طبقات غیرطبیعی است، به این معنا که از خصوصیات ذاتی افراد که می‌تواند جسمی و ذهنی و از این دست باشد در ارتباط نیست بلکه ناشی شده از شرایط اجتماعی و اقتصادی و سیاسی و سازمان زندگی بشر در تاریخی معین است (رکنی، ۱۳۷۱).

۲-۵ جهان پس از جنگ جهانی دوم

با رنگ باختن مفاهیم منبعث از آرای چپ گرایانه سبک زندگی به مثابه‌ی مفهومی مناسب برای سنخ‌شناسی و دسته‌بندی افراد جامعه معرفی شد و این تغییر در رویکرد نگرش‌های علوم سیاسی را نیز متأثر کرد و تحلیل‌گران سیاسی و اجتماعی سخن از به حاشیه رفتن مسائل طبقاتی و پررنگ شدن مفهوم هویت رانند (صفارهرندی، ۱۳۸۹). در حقیقت بسیاری اعتقاد دارند که باید ریشه‌های برآمدن مفهوم سبک زندگی را در حوادث پس از جنگ جهانی دوم شناخت (ندیری و محمودی، ۱۳۹۳). دگرگونی‌های جوامع صنعتی به دنبال پایان یافتن پروژه‌ی بازسازی پس از ویرانی حاصل از جنگ جهانی دوم رونق اقتصادی بی‌سابقه را در این جوامع ایجاد کرد و تمامی لایه‌های جوامع صنعتی به بهبود سطح زندگی دست یافتند و تولید انبوه و فراوان کالاهای مصرفی در این دوران آغاز گشت (قادری، ۱۳۸۶). منابع اصلی پیشرفت پس از جنگ بسیار پیچیده است و به‌طور کامل قابل درک و تجزیه و تحلیل نیست. ولی تمامی اقتصادپژوهان و اندیشه‌مندان این حوزه بر این نکته توافق دارند که رشد اقتصادی تنها به دلیل رونق ناشی از بازسازی ویرانی‌های جنگ نبوده‌است، بلکه به دلیل توسعه‌ی نظام آموزشی، افزایش پس‌انداز و در نتیجه افزایش سرمایه‌گذاری، پیشرفت‌های تکنولوژیکی و فناورانه و ادغام بیشتر کشورها در اقتصاد جهانی، از طریق تجارت، ارتباطات و بازارهای سرمایه، امکان‌پذیر شده و ماحصل این‌گونه تحولات بوده‌است. به‌طور مشخص‌تر، می‌توان به ادغام فزاینده‌ی تجاری اشاره کرد و آنرا به‌عنوان اصلی‌ترین عامل رونق اقتصادی سال‌های پس از جنگ جهانی دوم معرفی نمود (حبیبی، ۱۳۷۵).

جنگ جهانی دوم را بزرگ‌ترین جنگ تاریخ بشر می‌دانند چرا که این جنگ چهار قاره را درگیر کرد و پنجاه تا هفتاد میلیون کشته برجای گذاشت و بخش بزرگی از مهم‌ترین شهرهای جهان را به ویرانی کشاند، اما اهمیت جنگ جهانی دوم تنها به علت فجایع و حوادث ناگوار آن نیست بلکه پس از جنگ جهانی دوم رخدادهای سیاسی و اقتصادی و فناورانه‌ی بزرگی در سراسر جهان رخ داد که تبعات آن در

فرهنگ و جامعه تأثیرات عمیق و شگرفی داشت و بزرگی این تغییرات به حدی بود که بسیاری از جامعه‌شناسان معتقدند که می‌بایست جنگ جهانی دوم را به‌عنوان یک پیچ مهم در تاریخ تحولات اجتماعی بشر دانست، چراکه جایگاه امروز کشورها منبعث از همان تغییرات و تحولات است (ندیری و محمودی، ۱۳۹۳). یکی از تحولات بزرگ در این دوران تغییر فرهنگ مصرف از امساک و صرفه‌جویی و یا مصرف به حد نیاز به مصرف برای لذت و تفریح بود که در نتیجه‌ی آن الگوی مصرف‌گرایی هر چه بیشتر بالید و رواج و گسترش یافت (قادری، ۱۳۸۶). پیش از جنگ جهانی دوم مصرف‌گرایی در اساس کنشی بود که در طبقه‌ی متوسط دیده می‌شد و نوع رفتاری آن طبقه را نشان می‌داد اما پس از پایان جنگ بود که وفور فزاینده‌ی کالاها و گسترش خیره‌کننده‌ی ابزارهای تکنولوژیک مصرف‌گرایی را از طبقه‌ی متوسط بیرون کشید و مصرف تبدیل به بخشی قابل قبول و دلخواه از زندگی طبقات کارگر و دست‌ورز شد (بنت، ۲۰۰۱). مفهوم سبک زندگی ابزاری جایگزین برای تحلیل جامعه به‌جای مفهوم طبقه و مشتقات آن بود در زمانی که مباحث چپ‌گرایانه و آموزه‌های سوسیالیستی در جامعه‌شناسی رنگ باخته بود و استفاده از آن‌ها بلا موضوع به نظر می‌رسید (صفارهرندی، ۱۳۸۹).

جنگ جهانی دوم در زمانی روی داد که از یک سو کشورهایمانند ایتالیا و آلمان در اروپا تحت فشار اقتصادی بودند و از یک سو رقابتی شدید بین دنیای سرمایه‌داری و کمونیستی رواج داشت و اقتصاد به‌عنوان یکی از اساسی‌ترین ریشه‌های جنگ جهانی دوم، آتش این جنگ را افروخت و در این زمان ابرقدرت‌ها دریافته بودند که موضوع اصلی برای بقا اقتصاد است و مصرف کلید طلایی بقای سرمایه‌داری است (ندیری و محمودی، ۱۳۹۳). مهم‌ترین وجه دگرگونی که پس از جنگ جهانی دوم در علوم اجتماعی رخ داد انتقال ثقل جامعه از جامعه به مصرف و از اقتصاد به فرهنگ بود، رشد بخش خدمات اجتماعی و گسترش بروکراسی و رواج آموزش عمومی ساختار و شکل اجتماعی جامعه‌ی صنعتی را تغییر داد (صفارهرندی، ۱۳۸۹).

مثلث سرمایه‌داری، علم و فناوری پیروز دوران بازسازی پس از جنگ جهانی دوم بودند، در دوران بازسازی همان تکنولوژی که شهرها را ویران کرده بود در قامت بازسازنده‌ی آن‌ها مجدداً قد افراشت و این بازسازی تنها باز ساختن آنچه ویران شده بود نبود، بلکه تغییراتی فراوان در معماری و شهرسازی ایجاد

شد، تغییراتی که تنها در نمای ابنیه خلاصه نمی‌شد بلکه چیدمان خانه و اتاق‌ها را نیز دگرگون ساخت و از این رهگذار تغییر در مد و سلیقه‌ها نیز ایجاد شد و سبک زندگی جدیدی در غرب ایجاد گشت (ندیری و محمودی، ۱۳۹۳). در این حالت و در نتیجه‌ی عدم وجود رابطه‌ی قطعی و قابل اطمینان میان تحصیلات و مشاغل و درآمد و نگرش‌های افراد مفهوم طبقه که برای مدتی طولانی شاه‌کلید زرین تبیین در حوزه‌ی علوم اجتماعی بود به تدریج کارایی خود را از دست داد چراکه برای مثال دیده می‌شود برخی از نخبگان قدرت فاقد مالکیت‌اند و گاه یقه آبی‌ها مرفه‌تر از یقه‌سفیدان هستند و از این رو نمی‌توان نسبت مستقیمی بین عوامل اجتماعی یافت و منزلت شغلی افراد گاه با اختلافی بسیار زیاد نسبت به تحصیلات و درآمد و قدرت آنان دارد (اباذری و چاوشیان، ۱۳۸۱).

۲-۶ برآمدن مفهوم سبک زندگی

واژه‌ی سبک زندگی برابر نهاده‌ی فارسی Lifestyle است. سبک زندگی در اشکال مختلفی بیان شده است، برای مثال در انگلیسی به شکل Style of life/living و یا life style کاربرد داشته است و امروزه به شکل Lifestyle و به شکل یک واژه مورد استفاده قرار می‌گیرند. هرچند در این ترکیب می‌توان پنداشت که معنای واژه‌ی Life (= زندگی) معلوم است اما style (= سبک) از واژه‌ی یونانی Stylus و واژه‌ی فرانسوی Stylus اخذ شده است که در لغتنامه‌ی هریتیج به شیء نوک تیز مانند نیزه و قلم حجاری تعریف شده است اما امروزه با بررسی فرهنگ واژگان مختلف مانند وبستر و کمبریج و از این جمله در زبان انگلیسی معانی متعددی را برای Style می‌توان یافت. از آن جمله می‌توان به معانی زیر اشاره کرد: روش، سبک ائانه، شکل دادن چیزی برای اینکه جذاب و جالب به نظر بیاید و کیفیت برتر در ظاهر، طراحی یا رفتار، تطابق با معیار شناخته شده، شیوه‌ای که برازنده و مناسب پنداشته می‌شود به ویژه در رفتار اجتماعی، زیبایی، ظرافت، شیوه یا تکنیک، طریقه‌ی نوشتار و یا گفتار (که در برابر محتوا قرار می‌گیرند) طریقه‌ی انجام چیزی به خصوص زمانی که ویژگی یک هنرمند یا دوره‌ی هنری باشد و نیز مد روز، مد زودگذر، هوس و میل مفرط، تجمل و زیاده‌خواهی و ولخرجی. می‌توان تعریف‌های موجد از سبک را در سه دسته تقسیم کرد: دسته‌ای که بر زیباشناسی تأکید دارند و دسته‌ای که بر تمایز بخشی به‌ویژه برای برتری جویی تکیه دارند و دسته‌ی سوم که تعریفی امروزی‌تر از سبک است و مبتنی بر ابعاد تجملی زندگی است (مهدوی کنی، ۱۳۸۷).

یکی از دلایل اصلی رواج سبک زندگی را باید در این موضوع جستجو کرد که سنخ‌شناسی‌های مرسوم و متداول در علوم اجتماعی نتوانسته بودند به خوبی به تحلیل و تبیین موفق مسائل اجتماعی دست بزنند و تنوع و گوناگونی مسائل موجود اجتماعی را توضیح دهند (اباذری و چاوشیان، ۱۳۸۱). به عبارت دیگر مفهوم سبک زندگی با کنار گذاشتن مفهوم طبقه آن گونه که کارل مارکس معرفی می‌کرد جای خود را در علوم اجتماعی باز کرد، در این دوران، نگاه به "تولید" جای خود را به توجه به "مصرف" داد و مصرف به عنوان مبنای جدید برای شکل‌گیری هویت‌های اجتماعی قرار گرفت (الفت و سالمی، ۱۳۹۱). مفهوم سبک زندگی در علوم اجتماعی در آغاز، شیوه‌ای برای سنجش طبقه‌ی اجتماعی افراد بود و یکی از قدیمی‌ترین این شیوه‌ها به مقیاس اتاق نشیمن^۱ شهرت داشت. این اندازه‌گیری که توسط چاپین^۲ در سال‌های ۱۹۲۶-۱۹۲۷ مطرح شد و این مقیاس بر این فرض استوار بود که منزلت اجتماعی افراد مبتنی بر موقعیتی است که فرد یا خانوار با توجه به میانگین استاندارد دارایی‌های فردی و مادی و درآمد و مشارکت در فعالیت‌های گروهی جمعی به دست می‌آورد و از نظر چاپین لوازمی که در اتاق نشیمن وجود دارند بازتاب‌دهنده‌ی دستاورد خانواده یا فرد در حوزه‌های فرهنگ و مادیات و اقتصاد و از این دست است، این مقیاس پس از ساخت و بررسی و تصحیح به صورت مقیاسی با هفده گویه برای اسباب و اثاثه‌ی مادی و نمایش‌های فرهنگی و نیز چهار گویه برای وضع و حال خانه نهایی شد و به نام مقیاس منزلت اجتماعی نام‌گذاری شد این مقیاس با انتقاداتی فراوان روبرو شد و نتوانست از پس مطالعات گوناگون و انتقادات برآید و مفهوم سبک زندگی به عنوان یک مقیاس سنجش و اندازه‌گیری برای شناسایی طبقه به شدت موردشک و تردید قرار گرفت و به دست فراموشی سپرده شد (اباذری و چاوشیان، ۱۳۸۱).

اما بازیابی و توجه مجدد به این مفهوم در سال‌های دهه‌ی هشتاد قرن بیستم میلادی بود که منجر به تجدید حیات این مفهوم شد چرایی توجه مجدد به این مفهوم توسط ریمر^۳ (۱۹۹۵) در چهار محور اصلی معرفی می‌شود:

۱. فرایندهای فردی شدن که حق انتخاب بیشتری را در اختیار آحاد جامعه قرار داد.

1 Living-Room Scale

2 Chapin

3 Reimer

۲. رشد طبقه‌ی متوسط جدیدی که به صورت آشکار تمایل به سرگرمی و مصرف‌گرایی داشت.

۳. افزایش روزافزون مباحث آکادمیک در خصوص آنچه پست‌مدرنیسم نامیده می‌شد.

۴. پیر بوردیو^۱ و آثارش که در خصوص سبک‌های زندگی به تحریر درآورده بود و به‌ویژه کتابی که درباره‌ی مفهوم تمایز^۲ نگاشته بود (ذکایی، ۱۳۸۸).

بنابراین می‌توان دید که تولد دوباره‌ی مفهوم سبک زندگی به معنای وسیله‌ی سنجشی برای طبقات نبود و خود مفهومی بود که به قشربندی و نمایش و تحلیل تمایزات و تفاوت‌های میان دسته‌های مختلف مردم یک جامعه می‌پرداخت (اباذری و چاوشیان، ۱۳۸۱).

در صورت‌بندی مطالعات سبک زندگی در دوران معاصر می‌توان ریشه‌های آن را در پژوهش‌ها نوشته‌های ماکس وبر، گئورگ زیمل، تورشتاین ویلن در آغازین سال‌های قرن بیستم جستجو کرد (صفارهرندی، ۱۳۸۹). به عبارت دیگر مفهوم جامعه‌شناختی سبک زندگی در فضای اقتصاد سیاسی شکل یافت و بلن مصرف را با طبقه‌ی اجتماعی در هم آمیخت و زیمل این دو را با مفهوم زیبایی‌شناسی ترکیب کرد و در نهایت وبر با درهم آمیختن دیدگاه‌های ویلن و زیمل با آرای مارکس شاخصی برای طبقه‌بندی اجتماعی فراهم آورد (الفت و سالمی، ۱۳۹۱).

در حقیقت صاحب‌نظران مدرن مانند وبر و زیمل با نقد مارکس بیان می‌داشتند که تحولات اجتماعی را نمی‌توان به‌طور صرف بر مبنای طبقه‌ی اقتصادی طبقه‌بندی کرده و بررسی نمود (رضوی طوسی و شعبانی اصل، ۱۳۹۱). در سبک زندگی رهیافت‌های حاصل از ارزش‌ها و نگرش‌ها و سلايق به دست می‌آید در قالب تمام شئون زندگی تبلور پیدا می‌کند این موضوعات از نحوه‌ی پوشش، موسیقی و فیلم موردعلاقه تا معماری و طراحی ساختمان محل سکونت را در برمی‌گیرد (مهدی زاده، ۱۳۹۰). رویکردهای بررسی سبک زندگی موضوعاتی مانند اوقات فراغت و مصرف را تحت پوشش گرفت و حتی در دهه‌ی شصت میلادی و پس از پایان یافتن جنگ جهانی دوم با رویکرد مکان بررسی شد و این از آن جهت بود که بسیاری از مردم

1 Pierre Bourdieu

2 Distimination

امریکا در حاشیه‌ی شهرها می‌زیستند و محققان به این تفاوت‌ها که در شهرها و روستاها دیده می‌شد توجه نشان دادند (الفت و سالمی، ۱۳۹۱).

سبک زندگی در حقیقت در دو سنت متفاوت علمی ایجاد شده و رشد و بالندگی یافت. این مفهوم از یک سو در جامعه‌شناسی و از سوی دیگر در روانشناسی. به عبارت دیگر سبک زندگی از آمیزه‌ای از قشربندی اجتماعی و بر، نظریه‌ی حوزه‌ی شخصیت آدلر و دیدگاه‌های دیالکتیکی^۱ زیرمیل از آن جمله بودند و پس از و بر مفهوم سبک زندگی در دو دیدگاه متفاوت ادامه‌ی حیات داد یکی در اختیار محافظه کاران که جریان اصلی سبک زندگی است و دیدگاه دیگری که در دستان پیروان نظریه‌های انتقادی و چپ‌گرایانه و مارکسیستی بود (الفت و سالمی، ۱۳۹۱).

۲-۷ چستی سبک زندگی

تعریف دقیق و مانع و جامع از سبک زندگی دشوار است و در مورد ویژگی‌های آن اختلاف نظر زیادی وجود دارد سبک زندگی گستره‌ای در علوم انسانی مانند فرهنگ و سلیقه و از آن جمله را در برمی‌گیرد که در عمل می‌تواند تمام شئون انسان را شامل شود و دیدگاه‌های مبتنی بر زمان و مکان متنوعی را در خود دارد و بدیهی است که از این لحاظ دیدگاه‌هایی گاه متضاد را در خود داشته باشد و این تعریف کردن این مفهوم را دشوار ساخته است (الفت و سالمی، ۱۳۹۱). سبک زندگی ارتباطی عظیم با مفاهیمی مانند عینیت و ذهنیت، فرهنگ و جامعه، فرهنگ عینی و ذهنی، شکل و محتوا، رفتار و نگرش ارزش و هنجار، اخلاق و ایدئولوژی، سنت و تجدد، شخصیت و هویت در ابعاد فردی و اجتماعی، وراثت و محیط، فردیت و عمومیت، خلاقیت و بازتولید، طبقه و قشربندی‌های اجتماعی، زیبایی‌شناسی و نیازها و منزلت و مشروعیت دارد و بدون شناخت این عوامل و ابعاد درک درستی از معنای سبک زندگی حاصل نمی‌شود (مهدوی کنی، ۱۳۸۷).

دو فرمول‌بندی کلی می‌توان برای سبک زندگی در نظر گرفت در فرمول‌بندی نخست که معرف ثروت و واقعیت اجتماعی افراد به‌عنوان شاخص طبقه‌ی اجتماعی مطرح بود و در فرمول‌بندی متأخر که سبک زندگی نه یک راه برای تعیین طبقه‌ی اجتماعی بلکه شکل اجتماعی نوینی است که تنها در متن

1 Dialectic

تغییرات فرهنگی تجدد و رشد و گسترش فرهنگ مبتنی بر مصرف‌گرایی معنی‌دار است (اباذری و چاوشیان، ۱۳۸۱).

زیمل معتقد بود سبک زندگی تجسم تلاش انسان است تا از طریق آن ارزش‌های بنیادی و یا به دیگر سخت‌فردیت برتر خود را در فرهنگ عینی خود بیابد و آن را به دیگران بشناسد و به عبارت دیگر فرد برای فردیت برتر خود شکل‌ها و صورت‌هایی رفتاری را برمی‌گزیند، زیمل این‌گزینه‌ها را سلیقه می‌خواند و این شکل‌گزینه‌ها را هنگامی که با یکدیگر ارتباط پیدا می‌کنند سبک زندگی می‌شمارد (مهدوی کنی، ۱۳۸۷). چنانی معتقد است سبک زندگی را می‌توان الگوهایی از کنش دانست که تمیز دهنده‌اند و بین افراد جامعه تفاوت ایجاد می‌کنند (ذکایی، ۱۳۸۸). ویلن چندان در استفاده از مفهوم سبک زندگی دقیق نبود و گاه آن را در معانی گوناگون به کار می‌برد برای مثال او در نوشته‌ای در سال ۱۸۹۹ سبک زندگی را الگوی رفتار جمعی می‌داند و آن را در شمار مفاهیمی مانند رسوم و آداب اجتماعی و روش‌های فکری می‌شمارد و جایی در نوشته‌ای در ۱۹۱۹ سبک زندگی هر فرد را تجلی رفتاری کارکرد روی و عادات فکری و شناخت او معرفی می‌کند (مهدوی کنی، ۱۳۸۷).

سلیقه می‌تواند نظامی را در جامعه ایجاد کند که بر مبنای آن نظام افراد و گروه‌ها قشر بندی شوند و به دیگر سخن هر سلیقه‌ی خاص موجب اجرای مجموعه‌ای از گزینه‌ها می‌شود که به عنوان نماد دسته، گروه یا طبقه‌ی قشر خاصی از جامعه قرار می‌گیرند و افراد آن گروه‌ها و دسته‌ها با استفاده از آن نماد حد را از دیگر گروه‌ها و افراد متمایز می‌کنند (میرزمانی، ۱۳۹۱).

شاخصه‌های مهمی که در حال حاضر در مفهوم سبک زندگی مورد بررسی است را می‌توان به دودسته‌ی نظری و کارکردی تقسیم کرد: دسته‌ی نظری شامل مطالعه‌ی ارزش‌ها و مطالعه‌ی هویت‌هاست و دسته‌ی عینی و کارکردی آن بر الگوی مصرف و کالاهای مصرفی و نیز الگوی تفریح تمرکز دارد (مهدی زاده، ۱۳۹۰). و چنان‌که پیش‌ازاین گفته شد اهمیت مصرف در سبک زندگی از آنجا ناشی شده است که با افزایش رفاه اقتصادی در غرب و اشباع بازار و توانایی عمومی جامعه در برآورده ساختن نیازهای اقتصادی خود، فرصت انتخاب‌های بیشتری برای مصرف ایجاد شد و به عبارت دیگر توانایی مصرف بر اساس سلیقه ایجاد شد که این موضوع دیگر در انحصار طبقات بالای جامعه نبود و می‌توانست اقشار بیشتری از مردم را تحت پوشش قرار دهد و در نتیجه‌ی آن اهمیت سلیق مختلف هویدا شده و فرصتی بیشتر برای

مصرف افراد و در نتیجه سود بیشتر برای تولیدکنندگان فراهم آمد (رضوی طوسی و شعبانی اصل، ۱۳۹۱). و از این روست که محور بسیاری مهم و کلی در حوزه مطالعات سبک زندگی مطالعات الگوی مصرف و کالاهای مصرفی است چراکه با مصرف هر کالا سبک زندگی شکل می‌گیرند (مهدی زاده، ۱۳۹۰).

مد که یک ویژگی اساسی در مباحث مصرف است مورد توجه پژوهشگران حوزه سبک زندگی بوده است (مهدی زاده، ۱۳۹۰). در دوران ایجاد طبقه جدید شهرنشین مصرف می‌توانست نمایشگر جایگاه اجتماعی متفاوت افراد باشد و ثروتمندان جدید و قدیم با استفاده از مد و مصرف و فعالیت‌هایی در زمان اوقات فراغت سعی در نشان دادن جایگاه اجتماعی خود داشتند و از این طریق می‌توانستند به طبقات بالاتر اجتماعی نیز قدم بگذارند و این موضوعی بود که تا پیش از این و در جوامع کوچک لزومی نداشت (الفت و سالمی، ۱۳۹۱). نخستین بار لیزر^۱ در سال ۱۹۶۳ سبک زندگی را بر اساس الگوی خرید کالا معرفی کرد و از دیدگاه او سبک زندگی دال بر شیوه‌ی متمایز زندگی جامعه یا یک گروه اجتماعی است و از این رهگذار شیوه‌ای که فرد یا اعضای یک گروه دست به خرید وسایل مختلف می‌زنند می‌تواند منعکس کننده و بازتاب‌دهنده سبک زندگی خریدار و مصرف‌کننده‌ی آن است (حسن دوست فرخانی، رضایی و حسن دوست فرخانی، ۱۳۹۲).

صاحب‌نظران متأخر در حوزه سبک زندگی مفهوم مصرف را در گسترده‌ترین شکل آن به کار می‌برند و در این نوع تعریف انواع فعالیت‌های اجتماعی که در تعیین هویت مردمان نقش ایفا می‌کند در حوزه مصرف تعریف می‌شود و از آن جمله می‌توان به مصرف فرآورده‌های فرهنگی یا فعالیت‌های اوقات فراغت اشاره کرد (الفت و سالمی، ۱۳۹۱). موضوع سبک زندگی با وجود اینکه توانسته است در مدت ظهور خود در ادبیات جامعه‌شناسی پیشینه و پژوهش‌هایی حجیم را فراهم آورد اما هنوز تا پختگی و بلوغ راه طولانی در پیش دارد و در حال حاضر در مسیر پیشرفت و توسعه‌ی نظری قرار دارد و به نظر می‌رسد هنوز مسئله‌ی اوقات فراغت مسئله‌ی دارای اهمیتی در تحلیل‌های مبتنی بر مفهوم اوقات فراغت هستند (ویل^۲، ۲۰۱۱).

1 Lazer

2 Veal

ویژگی عمده مطالعات اوقات فراغت به‌عنوان کاوشی برای توضیح الگوهای مختلف مشارکت گوناگون در اوقات فراغت میان افراد و گروه‌ها بود و نخستین رویکردها برای توضیح و تبیین اوقات فراغت در سال‌های دهه‌ی شصت میلادی چنین رفتاری را تنها بر برخی متغیرهای دخیل در اوقات فراغت مانند سن، درآمد، طبقه‌ی اجتماعی مربوط می‌ساختند و این رابطه‌ها با برجسته‌ساری شیوه‌ی کمی و سبک‌های اقتصادسنجی و با الگوهای آماری از میزان تقاضا معلوم می‌شد (ویل، ۲۰۰۱). سوبل^۱ نیز اشاره می‌کند بهترین باز نماینده‌ی عینی سبک زندگی را می‌توان در الگوی مصرف افراد دید و آن را به‌عنوان شاخصی برای سبک زندگی می‌دانست (حسن دوست فرخانی، رضایی و حسن دوست فرخانی، ۱۳۹۲).

یکی از مهم‌ترین تحلیل‌هایی که در حوزه‌ی اوقات فراغت به منصفه‌ی ظهور رسید تحلیل‌های نئومارکسیست‌ها از زاویه‌ی مطالعات فرهنگی بود که آثار کلارک^۲ و کریچر^۳ بر مبنای آموزه‌های چپ‌گرایانه در هسته‌ی اصلی تحلیل قرار داشت از آن جمله بودند. در این دیدگاه تلقی وبری از مفهوم اوقات فراغت با مقاومت‌هایی روبرو شد و از طرف نئومارکسیست‌هایی مانند کریچر و فمینست‌هایی مانند اسکریتون^۴ و تالبوت^۵ به‌شدت به نقد کشیده شد و نیز برخی از جامعه‌شناسان انتقادی مانند مک‌گوئیر^۶ بی‌اهمیت قلمداد شد (ویل، ۲۰۰۱). هرچند مباحث اولیه در سبک زندگی تأکید فراوانی بر مصرف داشتند اما به‌مرور زمان دامنه‌ی ب این مفهوم گسترش یافته و امکان بررسی‌های چندجانبه و تحلیل‌های واقعی‌تری از مسائل اجتماعی و فرهنگی فراهم نمود (رضوی طوسی و شعبانی اصل، ۱۳۹۱).

تغییرات در سبک زندگی مردم بسیاری از صاحب‌نظران و سیاست‌گذاران فرهنگی و اجتماعی را به توجه مضاعفی واداشته است که این امر شاید در ارتباط با گسترده‌ی رسانه‌های غربی و اقبال روزافزون مردم به آن‌ها و نیز فرهنگ پذیری و الگوگیری از شاخص‌های ارائه‌شده توسط آن‌ها باشد (الف و سالمی، ۱۳۹۱). با بروز سلیقه‌ها برای انتخاب پژوهشگران علوم اجتماعی به بررسی تأثیر فرصت‌ها و انتخاب‌های آزادشده بر تغییر سلیقه‌ها و عادات توجه کردند (رضوی طوسی و شعبانی اصل، ۱۳۹۱).

1 Sobel
2 Clarke
3 Critcher
4 Scraton
5 Talbot
6 McGuire

یکی از اساسی‌ترین پرسش‌های پیش روی سبک زندگی این موضوع بود که چگونه می‌توان چارچوبی گونه‌شناختی تعریف کرد که تنوع سبک‌های زندگی گوناگونی را که در آحاد بشر و به تعداد آنان وجود دارد دسته‌بندی کرده و توضیح دهد (الفت و سالمی، ۱۳۹۱). مباحث مربوط به هویت و حفظ آن در دهه‌های بعد و با گسترش رسانه‌ها و جهانی‌شدن اهمیتی دوچندان یافت (رضوی طوسی و شعبانی اصل، ۱۳۹۱)

۲-۸ فرهنگ و سبک زندگی

در ادبیات معاصر جامعه‌شناسی بین فرهنگ و سبک زندگی تفاوت قائل می‌شوند و البته این دو مقوله را به‌طور کامل از یکدیگر جدا نمی‌دانند این فاصله‌گذاری بین فرهنگ و سبک زندگی از تعریف سبک زندگی که در محیطی ناشی می‌شود که فردگرایی و فردیت گفتمان غالب محسوب می‌شده است (صفارهرندی، ۱۳۸۹). در حقیقت می‌توان اظهار کرد که سبک زندگی با فرهنگ و روش زندگی متفاوت است و مفاهیم اخیر نسبت به سبک زندگی مفاهیمی عام‌تر هستند (رضوی طوسی و شعبانی اصل، ۱۳۹۱). با این وجود اگر بپذیریم که محتوای فرهنگ دانش‌ها و هنجارها و کالاها و نمادهایی است که در جامعه تولید می‌شوند می‌توان انگاشت که فرهنگ شامل مجموعه‌ای از سبک‌های زندگی است که در یک پهنه‌ی اجتماعی در کنار هم قرار گرفته‌اند و به دیگر سخن هر هویت فرهنگی از تجمیع چندین سبک زندگی ساخته شده است که در نقاط مهم ارزشی و هنجاری با یکدیگر اشتراکی عمیق دارند (مهدی زاده، ۱۳۹۰). سبک زندگی از آن‌رو جذابیت دارد که به‌منزله‌ی پلی است که گویی قادر است رابطه‌ی درونی بین تجارب شخصی در خصوص اوقات فراغت و تجربه‌ی آن را در سطح کلان جامعه شفاف ساخته و روشن نماید (ویل، ۲۰۰۱).

در حقیقت، در آغاز بحث‌های تئوریک در حوزه‌ی سبک زندگی ناظر به رفتارهای عینی افراد مانند نیازهای اولیه‌ی چون خوراک و پوشاک و مسکن استوار بود و تثبیت در یک هویت اجتماعی مربوط به استفاده از کالاها و شیوه‌ی مصرف آن‌ها بود اما با بالا رفتن سطح رفاه عمومی و بیشتر شدن امکان عمومی برای تهیه‌ی کالاهای متنوع دامنه و گستره‌ی مفهوم سبک زندگی بر دیگر جنبه‌های ذهنی و نیازهای ثانویه‌ی انسان‌ها نیز تسلط یافت و موضوعاتی مانند روابط انسانی، نگرش‌ها و سلايق و گرایش‌ها و

از این دست را نیز تحت پوشش گرفت و البته در این نگاه جدید هنوز مصرف و شیوه‌های آن به عنوان یک نمود عینی مورد توجه است (الفت و سالمی، ۱۳۹۱).

امروزه اکثریت دانشمندان بر این عقیده‌اند که ارزش مفهومی محوری در سبک زندگی است و چه و سرچشمه‌ی این ارزش‌ها مادی یا معنوی باشد سبک زندگی بازتابی از ارزش‌ها و هنجاری‌هایی که الزاماً از آن‌ها برمی‌آیند خواهد بود (مهدی زاده، ۱۳۹۰). و سبک زندگی مانند هولوگرام و نمودی کامل از فرهنگ ملی و عمومی هر جامعه است که ابعادی مانند الگوی تعاملات، پوشش افراد جامعه، نوع تغذیه‌ی ایشان، چگونگی گذران اوقات زندگی و فراغت و از این جمله را پوشش می‌دهد (رازنهان، ۱۳۹۱). فرهنگ مجموعه‌ای منسجم از ایده‌ها و ارزش‌ها و هنجارها و نمادها و آداب و رسوم است که فرد دریافت می‌کند و با انطباق خود بر آن‌ها مشارکت در زندگی اجتماعی را آغاز می‌کند و در این دیدگاه فرهنگ مقوله‌ای فرافردی و کلان است (صفاهرندی، ۱۳۸۹). و به تعبیر دیگر فرهنگ مجموعه عقیده یا باوری نسبتاً پایدار است که فرد و جامعه بر توجه به آن غایت‌هایی را تصور کرده و بر معیار آن رفتارهایی را بروز می‌دهد (مهدی زاده، ۱۳۹۰).

در پیوند سبک زندگی و فرهنگ هر جامعه می‌توان این موضوع را خاطر نشان کرد که سبک زندگی می‌بایست تجسم و تبلور عینی فرهنگ ملی و عمومی در هر جامعه دانست و بر این اساس تغییرات و تحولات در سبک زندگی را باید به عنوان بخشی از تغییرات فرهنگی یک جامعه برشمرد که در حوزه‌ی فرهنگ عینی و نه ذهنی رخ می‌دهد بنابراین سبک زندگی از قاعده‌ها و روندهایی پیروی می‌کند که در فرهنگ اجتماعی آحاد جامعه به وقوع می‌پیوندد (رازنهان، ۱۳۹۱).

فرهنگ انسانی با نیاز به کار آغاز نمی‌شود بلکه با زبان و گفتگو، رقصیدن و خندیدن و ادا در آوردن و نقش بازی کردن و رفتار و حالات چهره و برگزاری مراسم آیینی و انواع مختلف بازی‌ها شروع می‌شود و از این روست که اوقات فراغت را در دوران معاصر می‌توان به شکلی صحیح‌تر از طیف‌های گوناگون فرهنگی متوجه شد تا از طریق تحلیل‌های مبتنی بر طبقات اقتصادی (روجک، ۲۰۰۰).

ارزش بنیادین‌ترین و کلیدی‌ترین مؤلفه در سبک زندگی است و می‌توان هویت و کیفیت زندگی هر فرد را بازتاباننده و منعکس‌کننده‌ی ارزش‌ها و هنجارهایی دانست که توسط او و جامعه‌ی وی مورد قبول و

پذیرش قرار گرفته است (خطیبی و ساجدی، ۱۳۹۲). امروزه در جوامع غربی انواع ارزش‌های مادی و فرا مادی در مصرف و رسانه خلاصه و ادغام می‌گردد (خطیبی و ساجدی، ۱۳۹۲).

۲-۹ سبک زندگی فردی و اجتماعی

در فراسوی بسیاری از کارهایی که افراد انجام می‌دهند و تلقی‌ها و تفکراتی که دارند مفهوم هویت نهفته است، هویت سطوح مختلفی دارد، در سطح فردی از طریق قوای فردی شکل داده می‌شود و در نهایت شخصیت فردی افراد را می‌سازد و هویت در سطح اجتماعی از نیاز انسان در بودن به‌عنوان فردی از گروه‌های مختلف شکل می‌گیرند و این سطح از هویت باعث می‌شود که افراد در گروه‌های متنوعی از جامعه عضویت یابند (مهدی زاده، ۱۳۹۰).

یکی از مفاهیم مورد مناقشه در مورد سبک زندگی فردی یا اجتماعی بودن آن است، متفکرانی مانند آلفرد آدلر سبک زندگی را فردی می‌دانستند (رضوی طوسی و شعبانی اصل، ۱۳۹۱). زیمل را که از پیشروان سبک زندگی می‌دانند نیز سبک زندگی را در نسبت مستقیمی با فردگرایی مدرن فرد تعریف کرده و تلاش او برای ظاهر ساختن یکتایی هستی خود می‌داند (صفارهرندی، ۱۳۸۹). برخی آن را در سطح جمعی مورد بررسی قرار می‌دادند و طرفداران این رویکرد معتقدند که سبک زندگی پارادوکس فرد و جامعه را حل می‌کند و با توصیف تعامل آن دو می‌تواند بر این پارادوکس فائق آید و امروزه پژوهشگران به میانه‌ی دو سر این طیف تمایل دارند و سبک زندگی را از جنبه‌هایی متأثر از فرایند اجتماعی شدن و در جنبه‌هایی متأثر از خلاقیت فردی می‌شمارند (رضوی طوسی و شعبانی اصل، ۱۳۹۱). به دیگر سخن امروزه اندیشه‌مندان این حوزه تمایل دارند مفهوم سبک زندگی را مفهومی در هر دو سطح فردی و اجتماعی معرفی کنند (الفت و سالمی، ۱۳۹۱).

در دیدگاهی که سبک زندگی را از هر دو وجه اجتماعی و فردی مورد بررسی قرار می‌دهد بیان می‌شود که افراد از میان الگوهای موجود در اجتماع دست به گزینش و انتخاب می‌زنند (رضوی طوسی و شعبانی اصل، ۱۳۹۱). و این حرف به این معناست که از آنجاکه سبک زندگی هویت افراد را مشخص می‌کند می‌توان اظهار داشت که مرزهای سبک زندگی تعیین‌کننده‌ی مرزهای هویتی است و می‌تواند هویت افراد را متجسم کند (میرزمانی، ۱۳۹۱). و با این دیدگاه می‌توان بیان کرد که سبک زندگی هم

مقوله‌ای کثرت‌گراست و هر فرد را از دیگر افراد متمایز می‌کند و هم وحدت‌گراست و بین افرادی که دارای سبک زندگی مشترکی هستند وحدت ایجاد می‌کند (رضوی طوسی و شعبانی اصل، ۱۳۹۱).

آنتونی گیدنز^۱ شکل‌گیری هویت را در اساس ماحصل تعامل و مذاکره‌ای می‌داند که بین فرد و گروه اجتماعی که در آن زیست می‌کند ایجاد می‌شود این چارچوب با ایجاد توازنی که بین ساخت اجتماعی و انتخاب فردی ایجاد می‌کند نقشی بس اساسی در گسترش و بسط مفهوم سبک زندگی داشته است باید توجه داشت که در آرا گیدنز ساخت اجتماعی هم عاملی است که کنش‌های افراد را تعیین می‌کند و هم به‌طور همزمان از آن تأثیر می‌پذیرد و بر این اساس ساخت‌های اجتماعی هم به‌وسیله‌ی عاملیت و کنشگری انسانی شکل می‌گیرند و هم همزمان وسیله‌ای برای شکل‌گیری هستند و از این رهگذار است که فرد فعالانه و به شکلی باز اندیشانه به ارزیابی کنش‌ها و فعالیت‌های خود در ساخت اجتماعی می‌پردازد و تأثیرگذاری و تغییر در شرایط اجتماعی افراد به‌طور کامل نتیجه‌ای است که آن افراد در بازاندیشی نسبت به رفتار خویش حاصل می‌کنند و از این روست که ساخت اجتماعی توأمان حالتی محدودکننده و قدرت‌دهنده برای افراد دارد و در همه حال در کنار نقش فعال افراد قرار می‌گیرند (ذکایی، ۱۳۸۸).

۲-۱۰ سبک زندگی و اقتصاد

گسترش سبک زندگی مناقشات فراوانی را به دنبال داشت برخی معتقد بودند که این موضوع ذیل مفهوم طبقه قرار دارد و غنای بیشتری بر آن بخشیده است و اما دیگران معتقد بودند که مفهوم سبک زندگی به‌طور کامل منفک از طبقه‌ی اجتماعی است و از سوی دیگر برخی مفهوم سبک زندگی را ناظر بر رفتار بیرونی افراد تحلیل می‌کردند و برخی آن را با ذهنیت و نگرش افراد نیز در ارتباط می‌دیدند (صفارهرندی، ۱۳۸۹). کسانی که سبک زندگی را مرتبط با رفتار می‌دانند اموال و دارایی‌های افراد را نیز در کنار رفتار انسان موردبررسی قرار می‌دهند (رضوی طوسی و شعبانی اصل، ۱۳۹۱).

صاحب‌نظران استقلال مفهوم سبک زندگی را از طبقه و روابط اقتصادی زیر سؤال بردند (الفت و سالمی، ۱۳۹۱). آن‌ها بر است عقیده هستند که سبک زندگی در تابعی از نظام اقتصادی نیز قرار می‌گیرند، چراکه نظام اقتصادی مدرن نیاز دارد که برای هر کالا کارکردی اقتصادی مشخص کند و کالاهای هویتی

1 Anthony Giddens

نیز در این چرخه قرار می‌گیرند و از طریق اقتصادی سازی کالاهای هویتی تولید و بازتولید سبک‌های زندگی رقم می‌خورد (مهدی زاده، ۱۳۹۰).

۲-۱۱ مفهوم سبک زندگی در دیدگاه آلفرد آدلر

در ۱۹۲۰ آلفرد آدلر مفهوم سبک زندگی را با دیدگاهی روان‌شناختی تعریف کرد که طی آن تعریف سبک زندگی مبتنی بر فرد به‌عنوان پدیده‌ای واحد و کامل بود و با این دیدگاه ارزش‌های افراد نقشی تعیین‌کننده در سبک زندگی او دارند و به‌طور دقیق به ازای هر فرد یک سبک زندگی یکتا و واحد قابل‌تصور است (الفت و سالمی، ۱۳۹۱). در حوزه‌ی روانشناسی آلفرد آدلر مفهوم سبک زندگی را به کار برد و پیروان او نظیر کرت آدلر^۱، لیدا سیچر^۲، الکساندر مولر^۳، سوفیا دوریس^۴، آنتونی بروک^۵، اروین وکسیرگ^۶، الکساندر نوئر^۷، سوفیا لازارفلد^۸، آبدل لوی^۹، فردیناند برم بام^{۱۰} و کسانی دیگر به این موضوع پرداخته و آن را بسط و گسترش دادند (علاسوند، ۱۳۹۲).

سبک زندگی آدلر مفهومی آمیخته در شخصیت از دیدگاه روان‌شناختی است و راه یکتایی است که از خلاقیت فردی برمی‌خیزد و با محیط و محدودیت‌های آن کنار می‌آید، این مقوله از رفتار یا منش بزرگ‌تر است و تمامی رفتارها و تجربیات انسانی را هدایت می‌کند (الفت و سالمی، ۱۳۹۱). در حقیقت آدلر بیان می‌کرد که ساختار شخصیت منسجم از سبک زندگی افراد حاصل می‌شود (فیست و فیست^{۱۱}، ۲۰۰۲؛ ترجمه‌ی سیدمحمدی، ۱۳۸۷).

سبک زندگی اصطلاحی است که آدلر برای اشاره به حال و هوای زندگی افراد استفاده کرد، سبک زندگی مشتم بر هدف فرد و خودپنداره، احساسات فرد نسبت به خود و دیگران و نگرش فرد نسبت به جهان است، و از نگاه آدلر سبک زندگی برآمد تعامل بین وراثت و محیط و نیروهای خلاق فرد است آدلر

1 Kurt Adler

2 Lida Sicher

3 Alexander Moller

4 Sophia De Vries

5 Anthony Bruck

6 Erwin Wexberg

7 Alexander Neuer

8 Sophia Lazarfeld

9 Ida Loewy

10 Ferdinand Birnbaum

11 Feist & Feist

در ۱۹۵۶ برای توصیف سبک زندگی از قیاس موسیقی سود می‌جوید او می‌گوید نت‌های موسیقی به صورت منفرد در یک تصنیف بدون کل آهنگ بی‌معنی بوده و گوش‌نواز نیستند ولیکن هنگامی که با سبک آهنگساز یا شیوه‌ی منحصر به فرد و یکتای او آشنا می‌شویم آهنگ کامل تصنیف شده دارای معنی می‌شود (فیست و فیست، ۲۰۰۲؛ ترجمه‌ی سید محمدی، ۱۳۸۷). در حقیقت آدلر هدف نهایی و اساسی هر فرد را برتری یا کمال می‌داند، و هر فرد به طریقی مختلف سعی در کسب برتری و کمال دارد و نمود تلاش وی در این روند متفاوت است، این الگوهای متفاوت و منحصر به فرد در کمال‌جویی باعث پروراندن رفتارها و عادات و خصوصیات یکتا می‌شود که آدلر این مجموعه را سبک زندگی نام داده است (شولتز و شولتز^۱، ۲۰۰۵؛ ترجمه‌ی سید محمدی، ۱۳۸۶).

بر مبنای آرای آدلر سبک زندگی در هر فرد در سن چهار یا پنج سالگی به طور کامل تثبیت می‌شود در تمامی دوران پس از آن تمام رفتارها و فعالیت‌های فرد حول همان سبک زندگی تثبیت شده و یکپارچه‌ی او به انجام می‌رسد؛ البته باید توجه داشت با اینکه هدف نهایی فرد یکی است اما این موضوع الزام نمی‌کند که سبک زندگی فرد انعطاف‌ناپذیر و محدود باشد و واقعیت آن است که افرادی که از نظر روانی ناسالم هستند سبک زندگی محدود و انعطاف‌ناپذیری را برای حیات خود برمی‌گزینند که مشخصی این نوع سبک زندگی ناتوانی افراد برای انتخاب راه‌های جدید برای پاسخ دادن به نیازهای محیطشان است و در برابر افرادی که از نظر روانی سالم محسوب می‌شوند کسانی هستند که می‌خوانند راه‌های جدید و انعطاف‌پذیری را بیازمایند و سبک زندگی این افراد پرمایه و تغییرپذیر و پیچیده است به دیگر سخن این افراد راه‌های متعددی دارند و برای نیل به هدف همواره گزینه‌های جدیدی را آزمون می‌کنند و در این حالت با اینکه هدف نهایی آنان ثابت می‌ماند اما نحوه‌ی به دست آوردن آن اهداف به طور مرتب تغییر می‌کند و لهذا می‌توان گفت که آنان در هر مقطع از زیست خود گزینه‌های جدیدی را انتخاب کرده و از آن استفاده می‌کنند (فیست و فیست، ۲۰۰۲؛ ترجمه‌ی سید محمدی، ۱۳۸۷).

آدلر ریشه‌ی شیوه‌ی ایجاد سبک زندگی را در فرایندهای احساس حقارت و جبران جستجو می‌کند و بر آن است که شیوه‌ی جبرانی که کودکان برای فائق آمدن بر احساس حقارت انتخاب می‌کنند و از طریق آن زنجیره‌ی رفتاری را مرتکب می‌شوند منجر به ایجاد سبک زندگی افراد می‌گردد (شولتز و شولتز،

1 Schultz & Schultz

۲۰۰۵؛ ترجمه‌ی سیدمحمدی، ۱۳۸۶). آدلر برای افراد جامعه چهار نوع سبک زندگی را برمی‌شمرد و چهار تیپ شخصیتی را بر مبنای آن تبیین می‌کند:

۱. تیپ سلطه‌گر^۱: معمولاً فرد بدون توجه به خواسته دیگران عمل می‌کند و رفتار ضد اجتماع دارد و جامعه‌ستیز است

۲. تیپ گیرنده^۲: آدم‌هایی که از مشکلات فرار می‌کنند و سعی می‌کنند خوشنودی دیگران رو به دست بیاورند و بیشتر افراد از این دسته اند

۳. تیپ اجتناب‌کننده^۳: این افراد با مشکلات روبه‌رو نمی‌شوند و هیچ تلاشی هم برای حل مشکلات نمی‌کنند

۴. تیپ سودمند اجتماعی^۴: این افراد با دیگران کنار می‌ایند و به نیازهای دیگران احترام می‌گذارند و علاقه اجتماعی رشد یافته‌ای دارند.

آدلر تیپ گیرنده را رایج‌ترین تیپ شخصیتی می‌داند که بر مبنای سبک زندگی خود در جامعه حضور دارند و توقع دارند که دیگران اسباب رضایت آنان باشند و از این روست که به دیگران وابسته می‌شوند (شولتز و شولتز، ۲۰۰۵؛ ترجمه‌ی سیدمحمدی، ۱۳۸۶). و تیپ سودمند اجتماعی را می‌توان مختص افرادی دانست که زندگی سالمی دارند و فعالانه می‌کوشند تا سه مسئله‌ی اساسی زندگی (به‌زعم آدلر) یعنی عشق صمیمانه، عشق جنسی و شغل را از طریق همکاری، جسارت و اشتیاق به مشارکت داشتن در رفاه دیگران را حل نمایند آدلر معتقد بود که افرادی که دارای سبک زندگی سودمند اجتماعی هستند عالی‌ترین شکل انسانیت را در فرایند تکامل اجتماعی و فردی انسان را بازنمایی می‌کنند و این افراد هستند که به احتمال زیاد به فردای جهان رونق می‌بخشند (فیست و فیست، ۲۰۰۲؛ ترجمه‌ی سیدمحمدی، ۱۳۸۷).

بنابراین مشخص است که آدلر سبک زندگی را به‌مثابه‌ی چارچوب هدایت‌کننده‌ای می‌دانست که تمامی رفتارهای آدمی را هدایت می‌کند اما او درباره‌ی ایجاد سبک زندگی دیدگاهی جبرگرایانه نداشت

1 Dominate type
2 Getting type
3 Avoiding type
4 Social useful type

و بر آن بود که آدمیان بر سرنوشت خود تسلط دارند و از طریق نیروی خلاق خود^۱ است که می‌توانند سبک‌های زندگی را بیافرینند (شولتز و شولتز، ۲۰۰۵؛ ترجمه‌ی سیدمحمدی، ۱۳۸۶).

باوجوداینکه دیدگاه آدلر در میان روانشناسان مورد موافقت قرار گرفت و در فرایندهای درمانی مورد استفاده قرار گرفت اما جامعه‌شناسان و پژوهشگران آن حوزه فردی دانستن مفهوم سبک زندگی را نپسندیدند با این وجود با برجسته شدن آنچه وضعیت پست مدرن می‌خواندند در دهه‌ی هشتاد میلادی تلقی فردی بودن آن تثبیت شد و گسترش یافت (الفت و سالمی، ۱۳۹۱).

۲-۱۲ مفهوم سبک زندگی در دیدگاه پیر بوردیو

پیر بوردیو بی گمان پر خواننده ترین جامعه شناسی است که درباره سبک زندگی سخن گفته است. بسیاری کتاب تمایز وی را انجیل محققان این عرصه می دانند. بخشی از این اقبال به اندیشه بوردیو ناشی از آن است که وی شاید تنها کسی باشد که بنیان نظری محکمی برای تحلیل پدیده مصرف پدید آورد. روش وی توجه کردن به زندگی روزمره است اما نه به شیوه‌های که اتنو متدولوژیستها و پدیدارشناسان انجام می دهند، بلکه توجه به شرایط مادی و اجتماعی بر ساخته شدن ادراکات و تجربه های فردی و در این میان (اصل نا آگاهی) راهنمای پژوهشی وی است (فاضلی، ۱۳۸۲: ۴۴). او نظریه های منسجم درباره شکل گیری سبک زندگی ارائه می کند. او اعتقاد دارد که شرایط عینی زندگی و موقعیت فرد در ساختار اجتماعی به تولید منش خاص منجر می شود. منش مولد دو دسته نظام است: نظامی برای طبقه بندی و نظامی برای ادراکات و شناخت ها، نتیجه نهایی تعامل این دو نظام، سبک زندگی است. سبک زندگی همان اعمال و کارهایی است که به شیوهی خاص طبقه بندی شده و حاصل ادراکات خاصی هستند، سبک زندگی تجسم یافته ترجیحات افراد است که بصورت عمل در آمده و قابل مشاهده هستند. الگویی غیر تصافی است و ماهیت طبقاتی دارد (Boudieu ۱۹۸۴: ۱۷۱) بوریو با نشان دادن اینکه سبک های زندگی محصول منش ها و خود نقش ها و تابعی از انواع تجربه ها از جمله آموزش رسمی هستند و با بیان این نکته که الگوهای مصرف اصلی ترین سبک های زندگی اند، ارتباط آموزش رسمی در ساختار سرمایه داری و باز تولید آن را تحلیل کرد. (فاضلی ۱۳۸۲: ۴۵) بوردیو همچون و بر از سبک زندگی به عنوان شاخصه و نماد و یا حتی فرست

1 Creative power of the self

های جلوه‌گری یا اثبات منزلت اجتماعی گروه‌های منزلتی و طبقات اجتماعی بهره می‌گیرد. اما در توضیح و تشریح رابطه سبک زندگی و طبقه، بسیار فراتر از و بر قدم بر می‌دارد و آن را چارچوب نظریه عمل خود قرار می‌دهد.

پیش‌ازاین اشاره شد که ریمر اعتقاد دارد یکی از عوامل توجه به مفهوم سبک زندگی در سال‌های دهه‌ی هشتاد قرن بیستم میلادی انتشار آثار پیر بوردیو بوده است (ذکایی، ۱۳۸۸). بوردیو مفهوم طبقه را تحت تأثیر کارل مارکس و ماکس وبر درک کرد و از مارکس مفهوم موقعیت طبقاتی و ابزار تولید را اخذ کرد و از وبر تحلیل گروه‌های منزلتی و به عبارتی شیوه‌ی زندگی سلیقه و پایگاه را الهام می‌گیرند و به‌جز این موارد بسیاری از گفته‌های او یادآور نظریه‌ی طبقاتی است که توسط ثرستون وبلن^۱ جامعه‌شناس آمریکایی ایجاد شد و نیز متفکران ساخت‌گرای^۲ فرانسوی نیز الهام‌بخش او بودند (ممتاز، ۱۳۸۳).

بوردیو برای ادغام ساخت و کارگزاران زندگی اجتماعی، فرهنگ را به مرکز جامعه‌شناسی منتقل کرد تا به تحلیل پویایی‌های زندگی اجتماعی نائل آید به گمان او فرهنگ بیانگر بخش یک‌پارچه‌ی زندگی سازمان اجتماعی است که خاستگاه عملکرد سیاسی، کنترل تولید و چرخش معانی است و هرگونه نابرابری اجتماعی به واسطه‌ی دسترسی نامساوی به سرمایه‌های آن صورت می‌بندد و لذا او به مطالعه نقش فرهنگ در نابرابری طبقاتی مایل شد تا نقش فرهنگ را در سلطه‌گری نشان دهد (محمدی‌اصل، ۱۳۸۸).

بوردیو اعتقاد داشت که تولید برای سلیقه‌های مختلف از آن ناشی می‌شود که طبقه‌ی متوسط جدیدی ایجاد شده است که قدرت مصرف و تجمل و کیفیت زندگی را بر قدرت تولید و شغل رجحان داده و برای آن‌ها اهمیتی بیشتر قائل می‌شود (الفت و سالمی، ۱۳۹۱). از نظر بوردیو سبک‌های زندگی محصول منظم سرمایه‌ی فرهنگی‌اند که تبدیل به نشانه‌هایی از تشخیص اجتماعی می‌شود، و دیالکتیک شرایط و سرمایه‌های فرهنگی مبنایی برای توزیع سرمایه قرار می‌گیرند (ذکایی، ۱۳۸۸).

سبک‌های زندگی محصول نظام‌مند عادت واره هستند که روابط دو جانبه‌شان از خلال طرح‌های عادت واره درک می‌شوند. این سبک‌ها نظام‌هایی نشانه‌ای هستند که بصورت اجتماعی دارای شرایط لازم شده‌اند، مانند «برجسته»، «متال» و ... (مهدوی‌کنی: ۱۷۴). خلاصه دیدگاه بوردیو این است که افراد و

1 Thorstein Veblen

2 Structuralist

گروه‌ها در یک جامعه دارای موقعیت‌های متفاوت و متمایزی هستند (وضع یا فضای اجتماعی). فرد یا گروه با درونی کردن این وضعیت و نمادهای آن یک نظام طبقه‌بندی اجتماعی را در ذهن خود پدید می‌آورند. این نظام مجموعه‌ای از ترجیحات و انتخاب‌ها (سلیقه) را در ذهن فرد یا افراد تولید می‌کند که معنا (ارزشی) هایشان از خلال روابط و تضادها درک می‌شود. به عبارت دیگر معنایشان ذاتی نیست بلکه رابطه‌ای است. این ترجیحات و انتخاب‌ها وقتی در محدوده توانایی‌ها (یا همان سرمایه) اقتصادی و نمادین در قالب کنش‌ها و دارایی‌های بروز می‌یابد سبک‌های زندگی متمایزی پدید می‌آورد و به بیان دیگر نظام اجتماعی باز تولید می‌شود. بوردیو این تفاوت‌ها و تمایزها را در قالب نظام طبقاتی و نزاع بر سر فرهنگ مشروع قابل فهم می‌داند. به این ترتیب سبک زندگی اولاً فرصتی است برای تجربه یا اثبات موقعیت فرد در فضای اجتماعی که معمولاً در قالب فاصله‌هایی که در مورد فرد و شئون او محفوظ داشته می‌شود یا رتبه او که تایید می‌شود خود را نشان می‌دهد و ثانیاً سبک زندگی حاصل نظام طبقه‌بندی اجتماعی است. نظامی که بطور مستمر ضرورت‌ها را به راهبردها تغییر شکل می‌دهد و آنها را به ترجیحاتی بدل می‌کند که فرد بدون آن که تحمیلی حس کند آنها را به عنوان گزینه‌هایی پیش روی خود تلقی می‌کند، این گزینه‌ها همان سبک‌های زندگی است. به همین دلیل معنا (ارزش)‌های سبک‌های زندگی از همین نظامی که حاوی تضادها و روابط میان اجزا و موقعیت‌های مختلف اجتماعی است. بوردیو در کنار سبک زندگی از یک فرآیند نام می‌برد که با فاصله گرفتن از ضرورت‌ها و نیازهای زندگی یا به عبارتی بالا رفتن از سلسله مراتب اجتماعی، آغاز شده پرننگ تر می‌شود. و بر نام این فرآیند را "سبک دهی به زندگی" گذاشته است. طی این فرآیند فرد فرست آن را می‌یابد که هر چه بیشتر به فعالیت‌ها و دارایی‌های خود جهت و سازمان معینی ببخشد. به بیانی روشن تر با توجه به اینکه نیازهای فرد بر آورده شده، او فرصتی یافته است تا به نتایج و کارکردهای فعالیت‌ها و دارایی‌های خود کمتر بی‌اندیشد و مانند یک هنرمند در فکر لذت بردن از نظم و تناسب‌گزینش شده آنها باشد. بوردیو در اینجا از دو گروه یاد می‌کند که چنین فرصتی را بدست آوردند: اول آن‌هایی که از سرمایه اقتصادی بیشتری برخوردارند و دوم آن‌هایی که سرمایه فرهنگی و نمادین بیشتری را کسب کرده‌اند. تاریخ جوامع مختلف نمایانگر جنگی طولانی میان این دو دسته است. گروه اول که مصداق بارز آن بورژوا هستند، با سرمایه اقتصادی خود سعی می‌کنند دستاورد گروه دوم که مصداق روشن آن هنرمندان هستند به گونه‌ای صوری و بدور از معنای آن در خدمت خود و جلوه‌نگاه جلوه‌گری‌های خود در آورند و به گونه‌ای استبدادی فرهنگ و سبک زندگی «مشروع» نشان

دهند (مهدی کنی: ۱۷۷). پس بورديو همچون وبر، سياست را به عنوان قلمرو سوم اجتماعى به دو قلمرو اقتصاد و فرهنگ (اجتماع) پيوند مى زند. سبک زندگی پيوند اين سه قلمرو در جامعه است.

از ديد او فرهنگ مجموعه‌ای از نمادها، معانی و کالاهای هنری (موسيقى، ادبيات و ...) همواره نقش طبقه اجتماعى را بر خود داشته و با اين وجود فرهنگ سلطه طبقاتى را به ميزان غلبه ارزش‌ها و ملاک‌ها و ذائقه طبقاتى و ... به کل جامعه تعميم مى دهد. و آرمان‌های متعالى از مشروعيت و مطلوبيت را در اين زمينه بنياد مى نهد. سلطه طبقاتى متضمن دارا بودن دانش، سبک زندگی، ذائقه، ملاک‌های زيباشناختى و منزلت اجتماعى است و لذا فرهنگ طبقه مسلط براى همه مشروعيت دارد. از نظر بورديو همه کردارهای فرهنگى در قلمرو ستيز اجتماعى و مناسبات قدرت قرار دارند (محمدى اصل، ۱۳۸۸). بورديو در کتاب تمايز خود حتى طرح کلی بدن و به طور ویژه نگرش فزيكى نسبت به غذا خوردن را در انتخاب غذا مؤثر مى داند، براى مثال او بر اين باور است که طبقات کارگر و دست ورز ماهى را براى مردان غذایى نامناسب مى دانند و اين تنها به آن دليل نيست که ماهى غذایى سنگين و شکم پرکن نيست بلکه براى آنان مانند موز در ميوه‌ها غذایى فانتزى محسوب مى شود که مردان براى سروکله زدن با آن نيازمند آن است که حوصله به خرج دهند و به آنان حالتى کودکانه مى بخشد و نحوه‌ی خوردن ماهى با تلقى آنان از غذا خوردن مردانه متفاوت است چراکه ماهى را بايد با احتياط خورد و لقمه‌های کوچک براى جويدن انتخاب کرد و آن را با احتياط جويد (ذکايى، ۱۳۸۸).

او فرض را بر اين مى نهد که مى توان تمام کنش‌های انساني را کنش اقتصادى معطوف به افزايش سود مادى يا سود نمادين به حساب آورد. او نتيجه گرفته که طبقه مسلط داراى بخش فرادست به نام بورژوازى است که به طور کامل سرمايه اقتصادى را در اختيار داشته و داراى بخش فرودست به نام روشنفکران است که سرمايه فرهنگى را در کنترل داشته است (ويلينز و براويت، بى تا؛ ترجمه‌ی محمدي، ۱۳۸۷). و نتيجه مى گيرند که فرهنگ جدا از جامعه نيست. و در ثانی فرهنگ به ايدئولوژى طبقاتى تحويل نمى شود. ثالثاً، فرهنگ وسيله خنثى سازى يا مشروع سازى نابرابرى طبقاتى در عرصه اجتماع نمى نمايد. بورديو به سه استنتاج دست زده که نقش قاطعى در جامعه‌شناسى سياسى راجع به قشربندى اجتماعى دارند. در وهله نخست او فرض کرده که در جامعه، طبقات و خرده طبقات مختلفى وجود داشته که ترکيبات متفاوتى از سرمايه اقتصادى و فرهنگى را نشان مى دهد. در مرحله دوّم بورديو مدعى است که اين تفاوت‌های طبقاتى و

درون‌طبقه‌ای اساس سبک‌های متفاوت فرهنگی بوده و این درحالی است که الگوهای فرهنگی درون‌طبقه‌ای کمابیش واحد به نظر می‌رسد. از جهت سوّم او معتقد است که مصرف فرهنگ، راه متمایزسازی درون‌طبقه‌ای را به وجهی هموار می‌نماید که پایگاه‌های برتر مشخص شده و فرهنگ چنان بخشی از سیاست طبقه‌ای آنان جلوه می‌کند، لذا تولید و مصرف درون‌طبقه‌ای فرهنگ، شیوه ایجاد و استمرار سلطه طبقه‌ای به‌شمار می‌رود و این طبقات به اتکای ذائقه و ملاک‌ها و سبک‌های زندگی متفاوت، سلطه خود را برحسب ارزش‌ها و مطلوبیت‌های مختلف بسط می‌دهند (محمدی‌اصل، ۱۳۸۸). با این دیدگاه است که بردیو پوشش، تغذیه، استفاده از بدن، اوقات فراغت را جملگی از عناصری می‌داند که تعیین‌کننده‌های هویت جنسیتی مردانه و زنانه و طبقه‌ای اجتماعی پایین و بالا و دیگر صفات هویتی فردی و اجتماعی معرفی می‌کند که مشخص است در این دیدگاه تمامی موضوعات از غذا و لباس و دیگر وجهی نمادین می‌یابند (ذکایی، ۱۳۸۸). سرمایه‌ی نمادین در آرای بردیو بر کاربرد نمادهایی اطلاق می‌شود که فرد به کار می‌گیرند تا به سطوح دیگر سرمایه‌ی خود مشروعیت ببخشد (ممتاز، ۱۳۸۳).

سرمایه‌ی فرهنگی نزد بردیو نزدیک به مفهومی است که وبر برای شیوه‌ی زندگی استفاده می‌کند که شامل مهارت‌های خاص و سلیقه و شیوه‌ی گفتار و بیان و مدارک تحصیلی و دیگر مسائلی است که فرد با استفاده از آن‌ها خود را از دیگران متمایز می‌کند، البته این نگاه با مفهوم مصرف چشم‌گیر و بلن که به این معناست که طبقات بالا با تجمل‌گرایی و چشمگیر ساختن شیوه‌ی زندگی خود را از دیگران متمایز می‌کنند قرابت معنایی دارد (ممتاز، ۱۳۸۳).

دیدگاه محدود به زمان و مکان بردیو که از مطالعه‌ی فرانسه در دهه‌های شصت و هفتاد میلادی حاصل شده بود و نقش و تأثیر جبرگرایانه‌ای که او برای فرآورده‌های فرهنگی بر کنش‌ها تعاملات افراد و گروه‌های مختلف طبقه‌ای و اجتماعی در نظر گرفته بود همواره از دید صاحب‌نظران موردانتقاد قرار گرفته است (ذکایی، ۱۳۸۸).

۲-۱۳ مدیریت سبک زندگی

اینکه آیا سبک زندگی موضوعی خودآگاه یا ناخودآگاه است گفتگوهای فراوانی در جریان است چراکه اگر سبک زندگی را مفهومی ناخودآگاهانه بدانیم موضوعیت سیاست‌گذاری در مورد آن موضوعیت ندارد

(رضوی طوسی و شعبانی اصل، ۱۳۹۱). اگر سبک زندگی موضوعی آگاهانه باشد می‌توان با سیاست‌گذاری‌های جامعه‌پذیری بر آحاد جامعه تأثیر گذاشت جامعه‌پذیری فرایندی است که طی آن افراد و گروه‌های اجتماعی از طریق یادگیری مستمر و پیگیر با قواعد و ارزش‌ها و اصول اخلاق و ویژگی‌های فرهنگی جامعه‌ی خود و نظام سیاسی که بر آن جامعه حکومت می‌کند آشنا می‌شوند، این فرایند یکی از اساسی‌ترین راه‌هایی است که هر دولت در قبال افراد جامعه‌ی خود به انجام می‌رساند و از طی این فرایند است که سه بنیاد حیات اجتماعی یعنی شخصیت و فرهنگ و جامعه با یکدیگر در هم می‌آمیزند و ترکیب می‌گردند (میرزمانی، ۱۳۹۱).

باید توجه داشت که سبک زندگی ابزاری نرم و فرهنگی برای مدیریت اجتماعی است که در صورت شناخت و تسلط بر آن می‌توان بسیاری از شیوه‌ها و ابزارهای سخت اجتماعی را کناری گذاشت (مهدی زاده، ۱۳۹۰). باینکه گفته می‌شود انتخاب هر فرد در سبک زندگی او تأثیری مهم و انکارناشدنی دارد و البته این حرف صحیح است اما باید اذعان کرد که عوامل بسیاری در انتخاب افراد دخیل هستند و به عبارت دیگر عوامل فراوانی وجود دارند که باعث می‌شوند انتخاب افراد شکل بگیرند، یکی از عوامل مؤثر بر انتخاب آدمیان دولت و سیاست‌های عمومی است که توسط آن دولت اعمال شده و به کاربرده می‌شود (میرزمانی، ۱۳۹۱). در حقیقت می‌توان گفت بسیاری از خط‌مشی‌هایی که در اثر سیاست‌گذاری‌های دولت تعیین می‌شوند تبدیل به فرهنگ جامعه شده و شرایط هستی و شیوه و روش زندگی افراد آن جامعه را شکل می‌دهند (میرزمانی، ۱۳۹۱). اگر بتوان شاخصه‌ها و ویژگی‌های اصلی سبک زندگی را شناسایی کرد و راهبرهای تولید و بازتولید آن شاخصه‌ها را دریافت می‌تواند دانشی بسیار کارآمد در مدیریت اجتماعی را به دست آورد (مهدی زاده، ۱۳۹۰). و این موضوع به معنای مدیریت فرهنگ است و اگر فرهنگ مدیریت پذیر نباشد سبک زندگی نیز تغییر و تحول‌پذیر نخواهد بود (رازنهان، ۱۳۹۱).

دولت‌ها با ترسیم خط‌مشی عمومی می‌خوانند بر جامعه تأثیر بگذارند و به عبارتی زمانی که در قبال یک مسئله‌ی اجتماعی دولت سیاست‌هایی را مطرح می‌کند و خط‌مشی را ترسیم می‌نماید اقدام به ایجاد اثری در جامعه نموده است و البته برخی از صاحب‌نظران معتقدند که عدم اتخاذ نمودن یک سیاست و تصمیم در برابر یک موضوع را نیز می‌توان ترسیم خط‌مشی تصور نمود (میرزمانی، ۱۳۹۱). به‌رروی ایجاد تغییرات در سبک زندگی می‌تواند سیستم‌های اجتماعی را تغییر دهد و به عبارت دیگر تغییر برای ایجاد یک

تغییر اجتماعی می‌توان سبک زندگی آحاد جامعه را تغییر داد و در همین راستاست ارتباطات مدرن و رسانه‌های نوشتاری و دیداری و شنیداری توانایی ایجاد تغییر در سبک زندگی را دارد (مهدی زاده، ۱۳۹۰).

از آنجا که دولت قدرتی تامه بوده و دارای دوامی طولانی و مستدام است و در رأس هرمی قرار می‌گیرند که بر تمامی سازمان‌ها و ارگان‌ها و نهادها و تشکیلات دیگر تفوق دارد و بر منابع و وسایل اجبار مسلط است و گریز از سیاست‌های عمومی او می‌تواند مجازاتی را در بر داشته باشد بدیهی است که سیاست‌گذاری‌های دولتی و ترسیم خط‌مشی توسط دولت‌ها ویژگی‌های منحصر به فرد و قدرتی عظیم داشته باشد (میرزمانی، ۱۳۹۱). در حقیقت تمامی دولت‌ها و حکومت‌ها در تلاش هستند تا سبک زندگی متناسب با فرهنگ برای مردم خود را تقویت نمایند (رازنهان، ۱۳۹۱). و جنس مدیریت فرهنگی نکته‌ی بسیار مهمی در جنس مدیریت سبک زندگی حائز اهمیت است و از نوع دستوری و بخشنامه‌ای نیست بلکه این نوع از مدیریت، مدیریتی فرهنگی است (رازنهان، ۱۳۹۱).

سبک زندگی مفهومی تولیدپذیر و باز تولید پذیر است و این ویژگی که نشان‌دهنده‌ی انعطاف‌پذیری بالای آن است شاخصه‌ی اصلی و کلیدی آن محسوب می‌شود (مهدی زاده، ۱۳۹۰). و از همین روی بود که در دهه‌ی هفتاد موضوع فناوری‌های مدرن و رسانه‌های جمعی بر سبک زندگی مردم، مورد تدقیق پژوهشگران عرصه‌ی علوم اجتماعی و سبک زندگی قرار گرفت تا از طریق آن بتوانند با بازتولید مفهوم سبک زندگی به مسیر حرکت فکری و رفتاری افراد جامعه را جهت‌دهی کنند (الف و سالمی، ۱۳۹۱).

۲-۱۴ سبک زندگی و خرده‌فرهنگ‌ها

گفته شد که سبک‌های زندگی را می‌توان تجلی بیرونی فرهنگ دانست اما ویژگی دیگر آن این است که شکل‌گیری سبک‌های زندگی در ارتباط و گاهی در تقابل با فرهنگ مسلط شکل می‌گیرند (ذکایی، ۱۳۸۸). سبک زندگی افراد باعث شد که گروه‌ها و خرده‌فرهنگ‌ها به‌عنوان نماد هویت و نشان تمایز خواهی به نسبت گروه‌های دیگر مورد توجه قرار گرفت (رضوی طوسی و شعبانی اصل، ۱۳۹۱). خرده‌فرهنگ‌ها را می‌توان نظام‌هایی معنایی و شیوه‌هایی برای ابراز وجود دانست که گروه‌های مختلف در تلاشی جمعی برای اینکه با تناقضاتی که به‌صورت جمعی با آن روبرو هستند، ایجاد می‌کنند تا راه تقابل و تعامل با آن شرایط را شکل دهند (ذکایی، ۱۳۸۸).

ایجاد شکل‌گیری خرده‌فرهنگ‌ها عموماً با توسل به مفهوم طبقه تحت نظریه‌پردازی قرار گرفته است. اما معمولاً سازوکار تأثیر طبقه در سنت‌های آکادمیک مطالعه‌ی خرده‌فرهنگ به گونه‌ای متفاوت مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته است. نظریه‌پردازی خرده‌فرهنگی آمریکایی و به‌ویژه توسط پیروان مکتب کارکردگرایی مانند پارسنز (۱۹۶۴)، مرتن و ایزیشات و محققان حوزه‌ی مکتب شیکاگو، خرده‌فرهنگ را حاصل تعامل فرهنگ طبقات پائین و نظام مسلط اجتماعی و فرهنگی تعریف کرده‌اند. درحالی‌که پژوهشگران بریتانیایی و به‌خصوص نظریه‌پردازان در مکتب فرهنگی بیرمنگام، خرده‌فرهنگ را حاصل دیالکتیک بین نظام مسلط سرمایه‌داری و فرهنگ طبقات کارگر دانسته‌اند (ذکایی، ۱۳۸۸).

کارکرد شکل‌گیری و ایجاد خرده‌فرهنگ‌ها را می‌توان نشانه‌ی مبارزه‌ی گروه‌های اقلیتی جامعه دانست که به‌قصد ایجاد و یافتن مشروعیت برای خود و نحوه‌ی رفتار در برابر زمینه‌ای است که فرهنگ غالب و عمومی ایجاد می‌کند. در این زمان، خرده‌فرهنگ‌ها در زمان فراغت خود نیز با عناصر اظهاری^۱ که در خود نهفته دارند شیوه‌ی معنی‌داری را برای زندگی خود ایجاد می‌کنند (ذکایی، ۱۳۸۸).

گسترش شهرنشینی و مهاجرت گسترده به محیط شهر در دهه‌ی پنجاه تا اواسط دهه‌ی هفتاد میلادی ساختار روابط اجتماعی را تغییر دهد و وضعیتی ایجاد شد که ساکنان شهرها در انبوهی از مردم ناآشنا و بی‌خبر از وضعیت اجتماعی یکدیگر بودند و در شهرها گرد یکدیگر آمده بودند (الفت و سالمی، ۱۳۹۱). بریک جامعه‌شناس بریتانیایی، خرده‌فرهنگ‌ها را واکنشی تاریخی به انواع مد فرهنگی می‌داند و شکل‌گیری آن‌ها را ناشی از تلاش هر نسل برای حل مسائل ساختی می‌داند که اعضایی که در آن نسل حاضر هستند، به‌طور دسته‌جمعی تجربه می‌کنند (ذکایی، ۱۳۸۸).

با ظهور ایده‌ی جهانی‌شدن^۲ در دهه‌ی نود میلادی مفهوم سبک زندگی رنگ و بوی تازه‌ای یافت و برخی از صاحب‌نظران در حوزه‌ی علوم اجتماعی به این باور رسیدند که جهانی‌شدن تمایل به یکسان‌سازی فرهنگی دارد و از سوی دیگر عادات فرهنگی متفاوتی را که در جوامعی ناهمگن بالیده است را همچون شبکه‌ای درهم‌تنیده ایجاد می‌کند، سبک زندگی جهانی که پس از مفهوم جهانی‌شدن زاده شده در باور بسیار از افراد الگوهای غربی را ترویج می‌کند و غرب در تلاش است تا با گسترانیدن فرهنگ غربی در همه

1 Expressive
2 Globalization

جای جهان فرهنگ‌ها خرد فرهنگ‌های غیر غربی را از دور خارج کند و به دلیل این باور اصحاب فرهنگ غیر غربی در تلاش شدند تا با تقویت و حفظ فرهنگ بومی خود از غربی شدن فاصله بگیرند (الفت و سالمی، ۱۳۹۱).

پس از طرح ایده‌ی برخورد تمدن‌های^۱ ساموئل هانتینگتون^۲ مطالعات فراوانی در حوزه‌ی تأثیرات اجتماعی مذاهب و قومیت‌ها شکل گرفت و برای مثال دین اسلام که از بنیاد با رویکردها و ارزش‌های غربی در تضاد است با توجه به همین مطالعات به این سرنوشت دچار شد که در جوامع غربی قوانین ضد روبرنده و شکل‌هایی از حجاب وضع شد و در برابر جمعیت‌های اسلامی که به کشورهای تکثرگرای فرهنگی کوچیده بودند تمایل داشتند که سبک سنتی زندگی خود را حفظ کنند و این موضوع مورد توجه پژوهشگران غربی قرار گرفت و از سوی دیگر اندیشه‌مندان اسلامی دریافتند که تأکید بر سبک زندگی اسلامی می‌خوانند در برابر استیلا و هژمونی غرب که تمایل به یکسان‌سازی فرهنگی داشت ایستادگی کنند (الفت و سالمی، ۱۳۹۱).

۲-۱۵. سبک زندگی در آرای اندیشه‌مندان معاصر

در اوایل دهه‌ی پنجاه میلادی واژه‌ی پست‌مدرنیسم^۳ در میان واژگان جامعه‌شناختی سر بر آورد، برخی علت بروز این مفهوم فکری را تغییرات جهان در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم می‌دانستند و افول اهمیت و مرکزیت کار در زندگی روزمره و پیدایش جامعه‌ی پسا صنعتی که مبتنی بر مصرف‌گرایی و فراغت است را سرآغازی بر همه‌گیر شدن این مفهوم می‌دانند (فدرستون^۴، ۱۹۹۱). هرچند برخی با این معنی مخالف‌اند و آن را به نام مدرنیسم متأخر معرفی می‌کنند (جیمسون^۵، ۱۹۹۱) اما این دوران را هرچه نام بنهند، در تحلیل‌هایی که بر مبنای جامعه‌شناسی در دوران موسوم به پست‌مدرن دیده می‌شود اهمیت رو به افول کار و جامعه‌ی پسا صنعتی از مضامین مشترکی هستند که به کار می‌روند (اباذری و چاوشیان، ۱۳۸۱). هرچند بسیاری از پژوهندگان حوزه‌ی سبک زندگی ایجاد مرزبندی

1 Clash of Civilizations
2 Samuel P. Huntington
3 Postmodernism
4 Featherstone
5 Jamsone

مشخص برای دوره‌های مختلف و تحولات سبک زندگی را نمی‌پذیرند و آن را فرایندی دائمی می‌دانند (الفت و سالمی، ۱۳۹۱).

در دوره‌ای که آن را برخی دوران پست‌مدرن می‌خوانند و از اواخر دهه‌ی هفتاد میلادی در غرب آغاز شد رویکرد و روش صنعتی که مبتنی بر تولید انبوه بود جای خود را به تولید برای سلیق خاص مصرف‌کنندگان و به شیوه‌های انعطاف‌پذیرتر بخشید (الفت و سالمی، ۱۳۹۱).

در جامعه‌شناسی پست‌مدرن با تأکید بر جانشینی فراینده‌ی مصرف به‌جای تولید بر عامل تعیین‌کننده‌ی هویت‌های معاصر بحث می‌کنند (اباذری و چاوشیان، ۱۳۸۱). سبک زندگی در دهه‌ی نود میلادی بسیار گسترش یافت و حوزه‌هایی مانند سلامت و محیط‌زیست را بررسی نمود، برای مثال حوزه‌ی سلامت از وجهی که با تغذیه و ورزش سروکار دارد و می‌تواند تحت لوای مطالعات سبک زندگی قرار گیرد و محیط‌زیست با توجه به آنکه آلودی محیط و استفاده‌ی بی‌رویه از منابع طبیعی زیرمجموعه‌ی سبک زندگی هستند در این مطالعات جای یافت و مطالعات سبک زندگی وجه‌ای میان‌رشته‌ای پیدا کرد (الفت و سالمی، ۱۳۹۱).

دوران معاصری که در آن به سر می‌بریم در نظر بسیاری از اندیشه‌مندان مدرنیسم مانند آنتونی گیدنز مدرنیته‌ی متأخری است که بر تقویت عقلانیت مدرن تأکید دارد او بر آن است که بر آن است که در زندگی امروزی ما تغییری عمده در تجربه‌ی زندگی روزمره و هویت رخ داده است و برخلاف زندگی سنتی آدمیان که هویت مفهومی به نسبت ثابت و لایتغیر بود در دوران مدرنیته‌ی متأخر با تمرکز بر سنت زدایی راه ما از شیوه‌ای گه پیشینیان طی می‌کردند جدا و متفاوت شده است (الفت و سالمی، ۱۳۹۱).

در برابر بودریار که از باورمندان به معنای پست‌مدرنیسم است و بی‌ثباتی معنا را از این رهگذار می‌پذیرد بر آن است که در دنیای فعلی کالاها ارزش خود را به‌عنوان شیء مورد مصرف از دست داده‌اند و بدل به شیء نمادین شده‌اند و این گونه است که مصرف کردن شکلی از بروز هویت را نشان می‌دهد (الفت و سالمی، ۱۳۹۱).

۱۶-۲. سبک زندگی اسلامی

می‌دانیم که مطالعه‌ی سبک زندگی مفهومی مدرن است و بسیاری موضوعیت آن را در مدرنیته‌ی متأخر می‌دانند. باین وجود زندگی آحاد بشر در تمامی اعصار و دوران و در تمامی جوامع بر اساس مجموعه‌ای از قواعد و مناسبات بوده است که افراد آن جامعه بر مبنای آن قواعد رفتار نموده‌اند و می‌توان این آداب و سنن و قواعد اجتماعی را در وسیع‌ترین شکل خود سبک زندگی نامید (صفارهرندی، ۱۳۸۹). البته بسیاری از جامعه‌شناسان مفهوم زندگی را در اساس قابل انطباق با جوامع سنتی و پیشامدرن نمی‌دانند و تنها آن را در جوامعی که در دوران مدرن متأخر هستند دارای موضوعیت می‌شناسند (فیضی، ۱۳۹۲).

هویت جامعه‌ی اسلامی بر نظامی از باورها و اعتقادات از یک سو و از سوی دیگر در با نظامی از ارزش‌ها و اخلاقیات استوار شده است (فیضی، ۱۳۹۲). می‌توان سبک زندگی به‌عنوان یک مفهوم جامعه‌شناختی خرد را می‌توان در ظرف دین و دیناری نیز تعریف نمود و مانند اصول کلی که لیبرالیسم منادی آن است مانند فردگرایی و استقلال سبک خاصی از زندگی را دین در اصول کلی خود می‌تواند بر زندگی پیروانش حاکم کند و الزاماتی مانند فناوری‌های ارتباطی که روشی خاص را در زندگی آدمیان ایجاد و تحمیل می‌کنند دین نیز با اصول بنیادین خود و اهداف خاصی که در نظر دارد سبک خاصی از زندگی را طلب می‌کند که با اهداف و اصول خود سازگار باشد (علاسوند، ۱۳۹۲). معادل سبک زندگی را در فرهنگ اسلامی می‌توان در مفهوم سیره جستجو کرد، البته باید این نکته را مدنظر قرار داد که بین سبک زندگی و سیره تفاوتی‌هایی وجود دارد و از آن جمله باید اشاره کرد که واژه‌ی سیره را که تاریخ نویسان اسلامی به کار برده‌اند نه برای هر زندگی که برای زندگی پیامبر اسلام (ص) و امامان شیعه (ع) بوده است اما سبک زندگی به معنای امروزی آن بر زندگی هر کس قابل اطلاق است و با توجه به این موضوع استفاده از واژه‌ی سیره در این شکل به معنای تاسی گرفتن از آنان است (فیضی، ۱۳۹۲).

رکن اصلی و اساسی در دین اسلام که پایه‌ی دو رکن دیگر محسوب می‌شود در حوزه‌ی اعتقادات قرار دارد که در حقیقت جهان‌بینی است و نگاه آدمیان را با عالم و آدم را تعیین می‌کند که در این حوزه فردی که دین‌دار و موحد است عالم هستی را بر مدار توحید می‌شناسند و خداوند را به‌عنوان مبدأ و مقصد حیات می‌بیند (فیضی، ۱۳۹۲). اگر زندگی روزمره‌ی مردم به نحوی از انحا تغییر یابد که مردم بینند ایمانی که آنان به دین خود و خدای خود مناسبتی ندارد بسیاری از آنان دین و مذهب خود را رها خواهند کرد

(علاسوند، ۱۳۹۲). ابن خلدون نیز به این امر واقف بوده است و بر آن بود که با توجه به اینکه در انتقال از سبک زندگی بادیه‌نشینی به شهرنشینی تفاوت‌های فراوانی ایجاد می‌شود که این موضوع می‌تواند دین‌داری این افراد را متأثر سازد و این به آن معناست که تغییر سبک زندگی می‌تواند موجب تغییر در دین‌داری افراد شود (فیروزجله و سهرابی، ۱۳۹۰). به دیگر سخن، نظریات اسلامی دین و دنیا را معرفی نموده و سهم و جایگاه هر کدام از آن‌ها را در دنیا و آخرت به‌روشنی بیان داشته است و این موضوع در سبک زندگی اسلامی افراد موحد و دین‌دار نمود می‌یابد (علاسوند، ۱۳۹۲). و گسست یافتن مبانی عقیدتی و روش زندگی می‌تواند منجر به سو یافتن جامعه به‌سوی بی‌هویتی شود (فیضی، ۱۳۹۲).

دین اسلام و مذهب شیعه برنامه‌ی مدونی درباره‌ی شیوه و سبک زندگی دارند و برای مثال در حوزه‌ی مدیریت بدن مهم‌ترین تأکیدی که دین اسلام دارد بر لزوم آراستگی و نظم طاهری مردان و زنان مسلمان در تعاملات و برخوردهای با یکدیگر است. اسلام در حوزه‌ی الگوی آرمانی شیوه‌ی رفتار پیروان خود را به این تشویق می‌کند که تعاملات گرم نابرابر دسته باشند و این به آن معناست که به افراد توصیه می‌شود بدون هرگونه چشم داشت و انتظار از هر فرد دیگر از آحاد جامعه، تنها برای رضای خدا و در راه او رفتار نمایند. اسلام در حوزه‌ی الگوی مصرف تأکید می‌کند که می‌بایست مصرف هر فرد بر مبنای نیازهای حقیقی او باشد و نباید بر پایه‌ی نیازهای کاذب و زیاده‌خواهی دست به مصرف زد و نیز خاطر نشان می‌کند فرد در هنگام مصرف اعتدال و میانه‌روی داشته باشد و از افراط و تفریط در حوزه‌ی مصرف پرهیز کند (حسن دوست فرخانی، رضایی و حسن دوست فرخانی، ۱۳۹۲).

در دهه‌ی شصت میلادی تغییر شگرفی در دیدگاه راهبران مذهبی جهان مسیحیت رخ داد و با نگاهی نو به جهان ارزش‌های جهان دنیوی را مورد استقبال قرار داد و واتیکان به‌عنوان مهم‌ترین نهاد مذهبی مسیحیان کاتولیک در سراسر جهان پیروان کاتولیک خود را دعوت کرد تا به جهان مدرن و ارزش‌های مربوط به آن جهان توجه روا دارند (علاسوند، ۱۳۹۲). در جوامع سکولار دین مربوط به بخشی از زندگی افراد است و می‌تواند در کنار دیگر کارها و شئون زندگی قرار گیرد و وزنی را به خود اختصاص دهد، به‌عبارت‌دیگر دین نیز مانند کسب و کار، تفریح، تغذیه، سلامت و روابط بین انسانی‌ها تنها یکی از شئون انسانی است اما در نگاه غیر سکولار دین تنها یک جنبه از میان انواع جنبه‌های زندگی آدمیان نیست بلکه جنبه‌ای است که به‌تمامی وجوه دیگر معنا می‌بخشد و در تمامی وجوه و لایه‌های مختلف زندگی افراد

حضور پررنگ و مثمر ثمر دارد و برای مثال با این دیدگاه در دین اسلام موضوع کسب و کار جدا و منفک از دین نیست بلکه بر مبنای احادیث و روایات آن راه پایه‌ی جهاد در راه خدا معرفی کرده می‌شناسند (ظهیری، ۱۳۹۲).

در حقیقت باید به این نکته اذعان داشت که جهان سکولار توانسته است با استناد به اسناد بین‌المللی که مذاهب را مانعی بر سر راه همسان‌سازی فرهنگی و اقتصادی و حقوقی و امثالهم می‌دانند با اثرگذاری مذاهب بر سبک‌های زندگی مردم مخالف ورزد (علاسوند، ۱۳۹۲). اما باید دانست که سبک زندگی اسلام و دیگر ادیان با دیگر سبک‌های زندگی تفاوت دارد و آن تفاوت ناشی از آن است که چارچوب کلی سبک زندگی انسان در اسلام و دیگر ادیان بر آن است که انسان بر اساس آن مسیر و راه خود را به سوی هدف نهایی که همانا سعادت پایدار از تعقیب نموده و طی می‌کند (فیضی، ۱۳۹۲). برای نمونه می‌توان اشاره کرد که نگاه اسلام به مقوله‌ی مصرف به‌طور واضحی در برابر دیدگاه سرمایه‌داری قرار می‌گیرند چرا که در حالی که اسلام بر قناعت و مصرف اعتدالی تأکید دارد سرمایه‌داری شیوه‌ی زیست مردم را بر مصرف سرسام آور بنا می‌کند و آنان را به پاساژگردی‌های بی‌وقفه و تغییر دکوراسیون‌های مداوم ترغیب و تشویق می‌کند (علاسوند، ۱۳۹۲). در حقیقت اسلام سبک خاصی از زندگی را ارائه می‌دهد و مدعای آن را دارد که این سبک می‌تواند تأمین‌کننده‌ی سعادت و کمال انسان در دنیا و آخرت باشد (فولادی، ۱۳۹۲).

در اندیشه‌ی دینی جامعه‌ی دینی جامعه‌ای است که آحاد آن جامعه به قضاوت و داوری دین درباره‌ی رفتار و اعمال خود تن می‌دهند و معیارها و شاخص‌های دین را در مورد رفتارها و کارها و باورهای خویشان می‌پذیرند و به دیگر سخن جامعه‌ی دینی جامعه‌ای است که دین‌مدار و دین‌باور و دین‌داور است و این جامعه از نظر دین یک جامعه‌ی دینی شناخته می‌شود (فولادی، ۱۳۹۲).

اسلام در چهارده قرن پیش نوعی از زندگی را مطرح ساخته است که طی آن نیز گروه‌ها دسته‌بندی می‌شوند و می‌توان آن‌ها را به گروه‌های مختلف تقسیم کرد اما تمایزاتی که اسلام برای مردمان قائل می‌شود تمایزات مادی نیست بلکه ریشه‌ی معنوی دارد و تمایزاتی ارزش‌گراست و دسته‌بندی‌هایی که در نتیجه‌ی این تمایزگذاری‌ها پیدا می‌گردد دسته‌بندی‌هایی از قبیل دسته‌ی متقیان و دسته‌ی غیر متقیان است که حکایت از قضاوت‌های ارزشی دارند (علاسوند، ۱۳۹۲). موضوع توحید در حوزه‌ی شناخت انسان موحد و دین‌دار قرار دارد و بر آن اساس است که این انسان در گزینش سبک زندگی خود و به دیگر سخن در

انتخاب و الگوی زندگی و حیات خویشتن ضوابط و معیار و شاخص‌هایی دارد که مشی و سیره‌ی زندگی فرد را تعیین کرده و به آن جهت می‌بخشد و او با استفاده و الهام از این شناخت که منتج از باور توحیدی اوست تلاش می‌کند که آن آموزه‌ها را در زندگی خود به کار بندد و به عبارت دیگر آن مفاهیم را نصب العین زیست فردی و اجتماعی خویشتن قرار دهد (فیضی، ۱۳۹۲). لهذا می‌توان دریافت که افراد یک جامعه‌ی دینی تخت لوای فرهنگ و یک روش ر و شیوه‌ی رفتاری واحد و یکسان که مأخوذ از تعالیم و آموزه‌های دینی و وحیانی است دارای هویتی خاص و ویژه هستند این هویت، هویت دینی نامیده می‌شود (فولادی، ۱۳۹۲).

اسلام دینی نظام‌دار است که دارای جامعیت بوده و احکام و آموزه‌های خود را در ابعاد ساختاری و فرهنگی و رفتاری به شکل کامل و روشن بر انسان‌ها عرضه نموده است و بر مبنای تأسی افراد از این آموزه‌هاست که آنان در رده‌ی ممدوحان و یا مذمومان جای می‌گیرند و به عبرتی آنکه از شریعت اسلامی پیروی می‌کند فردی است که مورد ستایش قرار می‌گیرند و در غیر از آن مورد نکوهش است و بنابراین افراد این جامعه خود را با احکام اسلامی متون می‌کنند (فولادی، ۱۳۹۲). الگوهای غیر اسلامی تربیت انسانی را نوعی تربیت عقلانی و مبتنی بر عقل و خرد می‌دانند و با به حرکت درآوردن فکر و دستیابی به تحرک فکری به هدف خود که تربیت انسان عاقل است نائل می‌آید درحالی که در اسلام تربیت عقلانی زمانی معنی پیدا خواهد کرد که عقل در خدمت هواهای نفسانی نباشد بلکه حاکم بر آن‌ها قرار گیرد (خطیبی و ساجدی، ۱۳۹۲).

جامعه‌ی دینی و نظام اسلامی و به اصطلاح آن حیات طیبه‌ای در دین اسلام وعده‌ی تحقق آن داده شده است نوعی از جامعه‌ی متحد است که متشکل از مجموعه‌ی افرادی است که حول یک محور واحد تشکیل شده و بسط یافته‌اند و آن محور اصلی خدامحوری است که این محور استلزام بینش‌ها و گرایش‌ها و ارزش‌ها و باورهای خاص خود را دارد و از آن‌روست که افراد آن جامعه در پرتو ایمان و هجرت و حرکت و جهاد و مبارزه در به کمک و یاری به هموعان خویشتن پرداخته و ولایت، دوستی و حب و سرپرستی و رهبری خداوند و انبیای و اولیای الهی را پذیرفته‌اند (فولادی، ۱۳۹۲).

۱۷-۲ سبک زندگی اسلامی در قرآن و حدیث

سبک زندگی اسلامی ساختنی است و منبع اصلی آن را می‌بایست در کتاب الهی جستجو کرد و این سبک در زندگی قرآنی معنا پیدا می‌کند (خطیبی و ساجدی، ۱۳۹۲).

قرآن برای جامعه‌ی دینی قواعدی را معرفی کرده است که در حوزه‌ی فرهنگ و سبک زندگی قرار می‌گیرند برای مثال قرآن در آیه‌های شریفه‌ی یازدهم و دوازدهم سوره‌ی مبارکه حجرات می‌گوید: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِّن قَوْمٍ عَسَىٰ أَن يَكُونُوا خَيْرًا مِّنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِّن نِّسَاءٍ عَسَىٰ أَن يَكُنَّ خَيْرًا مِّنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِاللِّقَابِ بِنِسِ الْأِسْمِ الْفُسُوقِ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَن لَّمْ يَتُبْ فَأُولَٰئِكَ هُم الظَّالِمُونَ * يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَب بَّعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَن يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ أَن اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ * (ای کسانی که ایمان آورده‌اید نباید قومی قوم دیگر را ریشخند کند شاید آنها از اینها بهتر باشند و نباید زنانی زنان [دیگر] را [ریشخند کنند] شاید آنها از اینها بهتر باشند و از یکدیگر عیب مگیرید و به همدیگر لقبهای زشت دهید چه ناپسندیده است نام زشت پس از ایمان و هر که توبه نکرد آنان خود ستمکارند * ای کسانی که ایمان آورده‌اید از بسیاری از گمانها بپرهیزید که پاره‌ای از گمانها گناه است و جاسوسی مکنید و بعضی از شما غیبت بعضی نکند آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده‌اش را بخورد از آن کراهت دارید [پس] از خدا بترسید که خدا توبه‌پذیر مهربان است) این آیه و آیاتی از این دست نشان‌دهنده‌ی آن است که قرآن برای تمامی مسائل جامعه‌ی انسانی دینی برنامه‌ی مدونی را ارائه داده است و این قوانین هنجارهایی متفاوت با روحی یکسان و مشترک هستند (فولادی، ۱۳۹۲). همانگونه که خداوند در آیه‌ی شریفه‌ی چهارم و هشتم از سوره‌ی مبارکه‌ی مائده می‌گوید: وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَ مَهْمِنًا عَلَيْهِ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَ لَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ عَمَّا جَاءَكَ مِنَ الْحَقِّ لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَ مِنْهَا جَا وَ لَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَ لَكِنْ لِّيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ (و ما این (قرآن عظیم) را به حق بر تو فرستادیم که تصدیق به درستی و راستی همه کتب که در برابر اوست نموده و بر حقیقت کتب آسمانی پیشین گواهی می‌دهد. پس حکم کن میان آنها به آنچه خدا فرستاد و در اثر پیروی از خواهش‌های ایشان حکم حقی که بر تو آمده و امگذار ، ما برای هر قومی از شما شریعت و طریقه ای مقرر داشتیم ، و اگر خدا می‌خواست همه شما را یک امت

می گردانید ، ولیکن (این نکرد) تا شما را به احکامی که در کتاب خود به شما فرستاد بیازماید. پس به کارهای نیک سبقت گیرید ، که بازگشت همه شما به سوی خداست و در آنچه اختلاف می نماید شما را به (حقیقت) آن آگاه خواهد ساخت. و این آیات بیانگر آن اند که خداوند برای امت ها با اختلافی که در عهد و دوران آن ها وجود دارد شرایعی گوناگون و متنایب را تشریح نموده است تا ایشان را هدایت نماید (فولادی، ۱۳۹۲).

دین اسلام دینی است که در حوزه‌ی رفتاری نیز دستورات روشن و شفافی برای آحاد جامعه‌ی مذهبی مطرح کرده است برای مثال در آیه‌ی شریفه‌ی هشتم از سوره‌ی مبارکه‌ی مائده می فرماید: *يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ ۚ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ* (ای اهل ایمان ، برای خدا پایدار و استوار بوده و به عدالت و راستی و درستی گواه باشید ، و البته شما را نباید عداوت گروهی بر آن دارد که از راه عدل بیرون روید ، عدالت کنید که به تقوا نزدیکتر (از هر عمل) است ، و از خدا بترسید ، که البته خدا به هر چه می کنید آگاه است.) قرآن در این آیه به رفتاری درخور افراد جامعه‌ی اسلامی است تأکید می کند و آنان را به اینکه عدالت پیشگی را مشی خود قرار دهند فرا می خواند (فولادی، ۱۳۹۲). و یا در آیه‌ی شریفه‌ی پنجاه و نهم از سوره‌ی مبارکه‌ی نساء می فرماید: *يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِن تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ ۚ إِنَّ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ۚ ذَٰلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا* (ای اهل ایمان ، فرمان خدا و رسول و فرمانداران (از طرف خدا و رسول) که از خود شما هستند اطاعت کنید ، پس اگر در چیزی کار به نزاع کشد آن را به حکم خدا و رسول بازگردانید اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارید. این کار برای شما بهتر و خوش عاقبت تر خواهد بود.) که با این آیه بر ولایت مداری افراد جامعه‌ی دینی تأکید می کند که این رفتار، ویژگی رفتاری آحاد جامعه‌ای است که دینی است و افراد آن بر محوریت خداوند و دستورات او حرکت می کنند (فولادی، ۱۳۹۲).

در آموزه‌های اسلام قناعت را به عنوان یک شکل دهنده‌ی زندگی دارای اهمیت می دان و امام اول شیعیان علی ابن ابی طالب^(ع) آن را خصلتی درونی زاینده می شمارد (نهج البلاغه، ح ۵۷) و این قناعت است که می تواند به فرد احساس رضایت از طندگی ببخشد و او را به آرامش برساند و از همین روست که فرد قانع همواره شکرگذار و شاکر است. فرد قانع فردی است که به داشته های خود رضا داشته و از آن ها به هر

میزان که هست خشنود است و خود را پاسدار نعمات داشته و خویشتن را موظف می‌داند که از داشته هایش محافظت کرده و مدیریت آن را به نحو احسن به انجام رساند و به دلیل همین ویژگی است که قناعت را دارای فناپذیر می‌خوانند و این در حالی است که فردی که قناعت ندارد به‌طور دایم در اندیشه‌ی آمال و آرزوهای خود است و برای نداشته‌های خود برنامه‌ریزی‌های خیالپردازانه می‌کند و از این‌روست که به فرصت‌سوزی دچار می‌شود (علاسوند، ۱۳۹۲).

۲-۱۸ توجه به سبک زندگی در ایران

در تاریخ تفکر ایران می‌توان نشان از اندیشه‌مندانی دید که به موضوع سبک زندگی چرداخنه اند از آن جمله می‌توان به ابن‌خلدون اشاره کرد، تبن‌خلدون مهتقد بود که محیط جغرافیایی محل سکونت افراد باعث می‌شود که آنان سبک‌های مختلفی برای زندگی داشته باشند، بر مبنای سنخ‌شناسی ابن‌خلدون دو سنخ بادیه‌نشین و شهرنشین، عناوین متناسب با دو سبک زندگی مردمیانی بوده است که در جهان می‌زیسته‌اند (فیروز‌جاه و سهرابی، ۱۳۹۰).

اگر بسیاری از جوامع اروپایی از جمله جامعه بریتانیا، انقلاب در سبک زندگی مردم خود را در دهه پنجاه و شصت میلادی تجربه کردند، جامعه ایرانی، انقلاب در سبک زندگی ایرانیان را در دو دهه اخیر (سال‌های پس از جنگ عراق) شاهد بوده است. البته این درست است که نظام برآمده از انقلاب اسلامی اولین وظیفه خود را حذف همه مظاهر سبک زندگی طاغوتی و غربی و پاک‌سازی جامعه ایرانی از مفاسد و پلیدیهای مدرنیته‌ی ایرانی قبل از انقلاب اسلامی دانست و احیای ارزش‌های اسلامی را در دستور کار خود قرار داده است (قرلسفلی و فرخی، ۱۳۹۳).

اما تحول در سیاست‌های داخلی از یک سو و قرار گرفتن در معرض فرایند جهانی شدن از سوی دیگر، دگرگونی شتابنده‌ای را در سبک زندگی طبقه متوسط ایرانی دامن زد؛ به طوری که از سبک زندگی متحدالشکل فاصله گرفت. ساده‌زیستی و قناعت پیشگی سال‌های اول بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و کمیاییهای معمول زمان جنگ هشت ساله به آرامی جای خود را به مصرف‌گرایی داد. سبک زندگی طبقات متوسط با تأکید بر فراغت جویی، ارضاطلبی و لذت‌گرایی و اینک به یک استاندارد هنجار جهانی تبدیل شده و در حال شکل‌دادن به آرمان‌ها و سبک‌های زندگی طبقات پایین‌تر است. هر چند

طبقات پایین تر ممکن است مستقیماً استطاعت مصرف را نداشته باشند اما در سطح فانتزی (تخیل) و آرزومندی چنین کاری را میکنند (شهابی، ۱۳۸۶).

جامعه ما به سرعت به سمت جامعه مصرفی پیش میرود که یکی از مصداق های عینی مدرنیته برای سبک زندگی ایرانی بوده است. مصرف گرایی شالوده‌ای برای تمایزها و تفاوت ها و هویت اجتماعی بوده است. به تعبیر ترنر «مصرف گرایی طیف وسیعی از سبک های زندگی ممکن را عرضه میکند و یا وعده میدهد که از جهات بسیاری با سبک زندگی هم شکل مورد تقاضای اصول گرایی اسلامی در تناقض است». ترنر تهدیدات ناشی از شالوده شکنی تبیین های خدانشناسانه^۱ را منبعث از متکثر شدن سبک های زندگی و زیست جهان ها میداند. مدرن شدن فرهنگ از نظر وی موضوع مهمی است که در سطح مصرف و سبک زندگی روزمره اتفاق میافتد (ترنر، ۱۳۸۶: ۹۴).

شکل و تعبیر امروزی از سبک زندگی، مفهوم سبک زندگی در ایران تا اوایل دهه‌ی هشتاد هجری خورشیدی شناخته نشده بود و مورد توجه قرار نگرفته بوده است (رضوی طوسی و شعبانی اصل، ۱۳۹۱). دلیل توجه به مفهوم سبک زندگی در ایران به تغییرات مداومی که در شیوه‌های عینی زندگی مردم ایجاد شده است ارتباط می‌دهند (الف و سالمی، ۱۳۹۱). در حقیقت سبک زندگی اسلامی از واژگانی است که نخستین بار توسط رهبر معظم انقلاب اسلامی مورد استفاده قرار گرفت و پس از آن به سرعت به موضوعی مهم و کلیدی تبدیل شد و کاربردی پر بسامد در ادبیات فرهنگی و اجتماعی و سیاسی ایران یافت (فولادی، ۱۳۹۲).

از اسفند ماه سال ۱۳۹۰ هجری خورشیدی مفاهیمی مانند فرهنگ عمومی و ملی، مهندسی فرهنگی و نظام مدیریت فرهنگی که آمیخته و درهم تنیده با مفهوم سبک است در دستور کار شورای عالی انقلاب فرهنگی قرار گرفت (رازنهان، ۱۳۹۱). و پیش‌نویس نقشه مهندسی فرهنگی در بیش از پانصد و ده جلسه شورای مهندسی فرهنگی بحث و بررسی گردید و نهایتاً شورای عالی انقلاب فرهنگی در ۳۳ جلسه سند نقشه مهندسی فرهنگی را بررسی و در جلسه هفتصد و پنجاه و پنج مورخ ۱۳۹۳/۸/۲۰ به تصویب نهایی رسانید (دبرخانه‌ی شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۳).

1 Theological

مهندسی فرهنگ یعنی در ابتدا فرهنگ کشور شناسایی شود و سطوح مختلف آن در ابعاد ملی و فراملی و جز آن تعیین گردد و مؤلفه های آن سنجیده شد و مورد اندازه گیری قرار گیرد و با تبیین عناصر مختلف و اجزای گوناگون تشکیل دهنده ی آن دت به تصمیم گیری در مورد مطلوبیت یا عدم مطلوبیت آن زده شود تا روشن گردد آیا ارزش ها و باورهایی صحیحی بر نظام فرهنگی موجود غلبه دارد یا دچار نقصان و آسیب شده است و سپس روشن گردد که کدام بخش از ارکان نظام فرهنگی باید به عنوان متولی قسمت های دارای کاستی تقویت شود تا بی نظمی موجود به تعادل برسد و به عبارتی با بازسازی و هدایت به مهندسی آن دست یازید بنابراین کارکرد بنیادین مهندسی فرهنگی همگرا ساختن تحولات ارزشی و نگرشی با شاکله ی ارزشی و جهان بینی حاکم از یک سوی و از سوی دیگر همگرا ساختن اهداف و راهبردها و نیازمندی های راهبردی کشور و یا نهاد مرتبط با آن است (رازنهان، ۱۳۹۱).

در نقشه ی مهندسی فرهنگی ایران برخورداری از نهاد مستحکم و انسان ساز خانواده، نرخ باروری و رشد جمعیت متناسب و سبک زندگی اسلامی- ایرانی به عنوان یکی از اهداف کلان فرهنگی اشاره شده است (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۳).

اولویت های فرهنگی ذکر شده در نقشه ی مهندسی فرهنگی ایران در بخش سبک زندگی اسلامی- ایرانی؛ معماری و شهرسازی اسلامی- ایرانی، عفاف، پوشش و آرایش بر اساس فرهنگ اسلامی- ایرانی، صله رحم و الگوهای تعاملات اجتماعی، خانوادگی و فردی با اولویت کودکان، نوجوانان و زنان است (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۳). راهبرد کلان در نقشه ی مهندسی فرهنگی ایران بر طراحی و نهادینه سازی آداب و سبک زندگی اسلامی- ایرانی در زمینه های فردی، خانوادگی و اجتماعی مبتنی بر تقوای الهی و با الهام از سیره معصومین (ع) تأکید کرده است و خاطر نشان می نماید این راه از طریق طراحی و پیاده سازی الگوی خانواده و سبک زندگی اسلامی- ایرانی بر اساس آگاهی و علم، میانی و ارزشها، اخلاق، احکام و آموزه های اسلامی طی می شود و این موضوع در حوزه ی زنان و خانواده نیاز به تدوین الگوی سبک زندگی و ترویج آن به ویژه فعالیت های اجتماعی، آموزشی و اشتغال زنان متناسب با معیارهای اسلامی و هماهنگ با مصالح خانواده به منظور ایفای هر چه کامل تر نقش مادری و همسری دارد و در حوزه ی اجتماعی با تأسی از سیره ی پیامبر (ص) و امامان شیعه (ع) بستر سازی برای ترویج سبک زندگی اسلامی و فرهنگ صرفه جویی، قناعت و مصرف صحیح و بهینه در حوزه های انرژی، آب، حمل و نقل،

دارو، خوراک و پوشاک مبتنی بر آموزه‌های دینی، منافع ملی و توجه به اقشار محروم به اجرا در آید (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۳).

در این سند ذکر شده است که برای مقابله سبک زندگی غیر ایرانی اسلامی نیاز است تا با بازطراحی و استانداردسازی فرهنگی نظام واردات و صادرات محصولات و پایش مداوم آثار و تبعات فرهنگی آن که نیاز به تدوین ضوابط مربوط به استانداردسازی فرهنگی در نظام واردات و صادرات و اعمال ممنوعیت ورود محصولات مروج و یا دارای نمادهای ضددینی و خلاف فرهنگ و سبک زندگی اسلامی-ایرانی (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۳). و برای ساماندهی جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی، راهبری فعال جنگ نرم و ارتقای مؤلفه‌های قدرت نرم نظام اسلامی باید تعمیق سرمایه‌های فرهنگی و معنوی تمدن اسلامی-ایرانی و بازتعریف عناصر فرهنگ ملی (اسلامی-ایرانی) و سبک زندگی اسلامی-ایرانی شود (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۳). و البته در این سند ذکر شده است که جنس مدیریت سبک زندگی حائز اهمیت است و از نوع دستوری و بخشنامه‌ای نیست بلکه این نوع از مدیریت، مدیریتی فرهنگی است برای ساماندهی جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی، راهبری فعال جنگ نرم و ارتقای مؤلفه‌های قدرت نرم نظام اسلامی باید تعمیق سرمایه‌های فرهنگی و معنوی تمدن اسلامی-ایرانی و بازتعریف عناصر فرهنگ ملی (اسلامی-ایرانی) و سبک زندگی اسلامی-ایرانی شود (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۳).

۲-۱۹ سبک زندگی در کلام مقام معظم رهبری

موضوع سبک زندگی در بیانات رهبری انقلاب از اوان انقلاب اسلامی جایگاه ویژه‌ای داشته است؛ ایشان از سال ۱۳۶۰ تا کنون این مورد را مد نظر داشته‌اند و در نخستین اشاره به این موضوع در ۱۳۶۰/۹/۲۷ و طی پیامی به مناسبت برگزاری سمینار هفته وحدت حوزه و دانشگاه می‌گویند: "انقلاب اسلامی ایران، قبل از هر چیز، یک انقلاب معنوی است. اگر این انقلاب که خود حاصل فداکاری‌ها و ایثارهای همه‌ی مردم، از جمله روحانیون و دانشگاہیان است توانسته باشد که مبشر و مبلغ معنویت و مروج آن در جامعه شود، به بخش عمده‌ای از اهداف خود دست یافته است. حضور و رسوخ معنویت، در جامعه به وضوح دیده می‌شود و در همه ابعاد آن، از جنگ که اولین مسأله است تا کارخانه، خانه، مدرسه، و حتی در نحوه‌ی مصرف و راه و روش زندگی روزمره مردم به چشم می‌خورد" (khamenei.ir). ایشان در ۹۴/۴/۲۰ در دیدار با جمعی از دانشجویان سبک زندگی را از جمله‌ی آزمان‌ها می‌شمارند و می‌گویند: از جمله‌ی آرمانها (...مستله‌ی

سبک زندگی اسلامی است (khamenei.ir). در ۱۳۹۱/۷/۲۳ در دیدار با جوانان خراسان شمالی تأکید می‌ورزند که "یکی از ابعاد پیشرفت با مفهوم اسلامی عبارت است از سبک زندگی کردن، رفتار اجتماعی، شیوه‌ی زیستن - اینها عبارةً آخرای یکدیگر است - این یک بُعد مهم است؛ این موضوع را می‌خواهیم امروز یک قدری بحث کنیم. ما اگر از منظر معنویت نگاه کنیم - که هدف انسان، رستگاری و فلاح و نجات است - باید به سبک زندگی اهمیت دهیم؛ اگر به معنویت و رستگاری معنوی اعتقادی هم نداشته باشیم، برای زندگی راحت، زندگی برخوردار از امنیت روانی و اخلاقی، باز پرداختن به سبک زندگی مهم است. بنابراین مسئله، مسئله‌ی اساسی و مهمی است." (khamenei.ir).

فرهنگ، مثل آب و هواست. فرهنگ، یعنی همین رسوم و آدابی که بر زندگی من و شما حاکم است. فرهنگ، یعنی باورها و اعتقادات ما و چیزهایی که زندگی شخصی و اجتماعی و داخل خانه و محیط کسب یک جامعه با آنها روبه‌روست. جمهوری اسلامی، فرهنگ غربی را رد کرد و گفت ما فرهنگ مستقل اسلامی داریم.

اسلام، تکلیف مسلمانان را در معاشرت، در کیفیت زندگی فردی، در خورد و خوراک، در لباس پوشیدن، در درس خواندن، در روابط با حکومت، در روابط با یکدیگر و در معاملاتشان معین کرده است. ما نمی‌خواهیم اینها را از غربی‌ها یاد بگیریم و از آنها تقلید کنیم. جمهوری اسلامی، از اول این را نشان داد. در غرب، ارتباط بی‌بندوبار زن و مرد، یک کار رایج است و عدم حجاب و واسطه و فاصله‌ی بین زن و مرد در معاشرتها، یک کار معمولی است. نمی‌گوییم که در کشورهای غربی، همه‌ی مردان یا زنان فاسدند. نه، چنین ادعایی نمی‌کنیم، چنین تهمتی نمی‌زنیم؛ واقعیت هم ندارد. در میان آنان، یقیناً مردان و زنان خوب و نجیب هم هستند؛ اما آزادی جنسی در جوامع غربی حاکم است. این، در آن جا یک فرهنگ است. در فرهنگ غربی، آزادی شهوات جنسی، یک امر مباح و مجاز و بی‌قید و شرط است (۱۰/۰۱/۱۳۶۹) خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران

ملت ایران، در بینش نظام سیاسی‌ای که امام بزرگوار در این کشور برقرار کرد، نیازی ندارد که روشهای زندگی خود را از دیگران تقلید کند و یاد بگیرد؛ زیرا دارای فرهنگ غنی و عمیقی است. اسلام را دارد، آموزشهای قرآنی را دارد، دستورات الهی را دارد، سنتهای اصیل ملی و بومی خود را دارد و

می‌تواند یک زندگی شیرین، زیبا، باشکوه، مرفه و همراه با عزت را برای خود ترتیب دهد (بیانات در سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره) ۱۴/۰۳/۱۳۷۶)

عده‌ی فکر می‌کنند چون غربی‌ها از لحاظ علمی بر ما برتری دارند، پس ما باید فرهنگ و عقاید و آداب معاشرت و آداب زندگی و روابط اجتماعی و سیاسی‌مان را از آنها یاد بگیریم؛ این اشتباه است. ۱۷/۰۴/۱۳۸۳ بیانات در دیدار دانشجویان و اساتید دانشگاه‌های استان همدان

اسلام نه می‌گوید شما حتماً پول نداشته باشید، نه می‌گوید شما مقامی نداشته باشید، نه می‌گوید شما از این جاذبه‌های گوناگون بهره‌مند نشوید؛ اما اسیر اینها نباید بشوید، مقهور اینها نباید بشوید، دلیل اینها نباید بشوید. ۰۳/۰۲/۱۳۹۱ بیانات در جمع فرماندهان نیروی زمینی ارتش

گاهی اوقات بعضی از جاذبه‌های زندگی، انسانها را ذلیل میکند. انسان بعضی‌ها را می‌بیند که برای خاطر پول ذلیل میشوند، برای خاطر مقام ذلیل میشوند، برای خاطر انگیزه‌های جنسی ذلیل میشوند؛ این ذلت انسان است. ۰۳/۰۲/۱۳۹۱ بیانات در جمع فرماندهان نیروی زمینی ارتش

شخصیت اخلاقی و شخصیت رفتاری باید دارای آن‌چنان استحکامی باشد که جاذبه‌های گوناگون و فریبنده نتواند آن را تحت تأثیر قرار بدهد و آن را ذلیل خودش کند. ۰۳/۰۲/۱۳۹۱ بیانات در جمع فرماندهان نیروی زمینی ارتش

یکی از ابعاد پیشرفت با مفهوم اسلامی عبارت است از سبک زندگی کردن، رفتار اجتماعی، شیوه‌ی زیستن - اینها عبارۀ اخرای یکدیگر است - این یک بُعد مهم است... باید آسیب‌شناسی کنیم؛ یعنی توجه به آسیب‌هایی که در این زمینه وجود دارد و جستجو از علل این آسیبها. البته ما اینجا نمیخواهیم مسئله را تمام شده فرض کنیم؛ فهرستی مطرح میکنیم: چرا فرهنگ کار جمعی در جامعه‌ی ما ضعیف است؟ این یک آسیب است. با اینکه کار جمعی را غربی‌ها به اسم خودشان ثبت کرده‌اند، اما اسلام خیلی قبل از اینها گفته است: «تعاونوا علی البرِّ و التَّقوی»^۱ یا: «و اعتصموا بحبل اللّٰه جمیعاً». یعنی حتی اعتصام به حبل‌الله هم باید

۱. سوره مبارکه المائدۀ آیه ۲

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحِلُّوا شَعَائِرَ اللَّهِ وَلَا الشَّهْرَ الْحَرَامَ وَلَا الْهَدْيَ وَلَا الْقَلَائِدَ وَلَا آمِينَ الْبَيْتِ الْحَرَامِ يَنْبَغُونَ فَضُلًا مِنْ رَبِّهِمْ وَرِضْوَانًا ۚ وَإِذَا حَلَلْتُمْ فَاصْطَادُوا ۚ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ أَنْ صَدَّوْكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَنْ تَعْتَدُوا ۚ وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ ۚ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ ۚ وَاتَّقُوا اللَّهَ ۚ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ

دسته‌جمعی باشد؛ «و لا تفرّقوا»^۱. اینها بخشهای گوناگونی از مسائل سبک زندگی است، و ده‌ها مسئله از این قبیل وجود دارد؛ که بعضی از اینهایی که من گفتم، مهمتر است. این یک فهرستی است از آن چیزهایی که متن تمدن را تشکیل میدهد. قضاوت درباره‌ی یک تمدن، مبتنی بر اینهاست. ۲۳/۰۷/۱۳۹۱. بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی

برای ساختن این بخش از تمدن نوین اسلامی، بشدت باید از تقلید پرهیز کنیم؛ تقلید از آن کسانی که سعی دارند روشهای زندگی و سبک و سلوک زندگی را به ملتها تحمیل کنند. امروز مظهر کامل و تنها مظهر این زورگوئی و تحمیل، تمدن غربی است. نه اینکه ما بنای دشمنی با غرب و ستیزه‌گری با غرب داشته باشیم - این حرف، ناشی از بررسی است - ستیزه‌گری و دشمنی احساساتی نیست. بعضی بمجرد اینکه اسم غرب و تمدن غرب و شیوه‌های غرب و توطئه‌ی غرب و دشمنی غرب می‌آید، حمل می‌کنند بر غرب‌ستیزی: آقا، شماها با غرب دشمنید. نه، ما با غرب پدرکشتگی آنچنانی نداریم - البته پدرکشتگی داریم! - غرض نداریم. این حرف، بررسی شده است.

ترجمه:

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! شعائر و حدود الهی (و مراسم حج را محترم بشمرید! و مخالفت با آنها) را حلال ندانید! و نه ماه حرام را، و نه قربانیهای بی‌نشان و نشاندار را، و نه آنها را که به قصد خانه خدا برای به دست آوردن فضل پروردگار و خشنودی او می‌آیند! اما هنگامی که از احرام بیرون آمدید، صید کردن برای شما مانعی ندارد. و خصومت با جمعیتی که شما را از آمدن به مسجد الحرام (در سال حدیبیه) بازداشتند، نباید شما را وادار به تعدی و تجاوز کند! و (همواره) در راه نیکی و پرهیزگاری با هم تعاون کنید! و (هرگز) در راه گناه و تعدی همکاری ننمایید! و از (مخالفت فرمان) خدا پرهیزید که مجازات خدا شدید است!

۱. سوره مبارکه آل عمران آیه ۱۰۳

وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا ۗ وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا ۗ كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ

ترجمه:

و همگی به ریسمان خدا [=قرآن و اسلام، و هرگونه وسیله وحدت]، چنگک زنید، و پراکنده نشوید! و نعمت (بزرگ) خدا را بر خود، به یاد آرید که چگونه دشمن یکدیگر بودید، و او میان دل‌های شما، الفت ایجاد کرد، و به برکت نعمت او، برادر شدید! و شما بر لب حفره‌ای از آتش بودید، خدا شما را از آن نجات داد؛ این چنین، خداوند آیات خود را برای شما آشکار می‌سازد؛ شاید پذیرای هدایت شوید.

تقلید از غرب برای کشورهای که این تقلید را برای خودشان روا دانستند و عمل کردند، جز ضرر و فاجعه به بار نیاورده؛ حتی آن کشورهای که بظاهر به صنعتی و اختراعی و ثروتی هم رسیدند، اما مقلد بودند. علت این است که فرهنگ غرب، یک فرهنگ مهاجم است. فرهنگ غرب، فرهنگ نابودکننده‌ی فرهنگهاست. هر جا غربی‌ها وارد شدند، فرهنگهای بومی را نابود کردند، بنیانهای اساسی اجتماعی را از بین بردند؛ تا آنجائی که توانستند، تاریخ ملتها را تغییر دادند، زبان آنها را تغییر دادند، خط آنها را تغییر دادند. هر جا انگلیس‌ها وارد شدند، زبان مردم بومی را تبدیل کردند به انگلیسی؛ اگر زبان رقیبی وجود داشت، آن را از بین بردند. ۲۳/۰۷/۱۳۹۱ بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی

رفتار اجتماعی و سبک زندگی، تابع تفسیر ما از زندگی است: هدف زندگی چیست؟ هر هدفی که ما برای زندگی معین کنیم، برای خودمان ترسیم کنیم، به‌طور طبیعی، متناسب با خود، یک سبک زندگی به ما پیشنهاد میشود. یک نقطه‌ی اصلی وجود دارد و آن، ایمان است. یک هدفی را باید ترسیم کنیم - هدف زندگی را - به آن ایمان پیدا کنیم. بدون ایمان، پیشرفت در این بخشها امکان‌پذیر نیست؛ کار درست انجام نمیگیرد. حالا آن چیزی که به آن ایمان داریم، می‌تواند لیبرالیسم باشد، می‌تواند کاپیتالیسم باشد، می‌تواند کمونیسم باشد، می‌تواند فاشیسم باشد، می‌تواند هم توحید ناب باشد؛ بالاخره به یک چیزی باید ایمان داشت، اعتقاد داشت، به دنبال این ایمان و اعتقاد پیش رفت. مسئله‌ی ایمان، مهم است. ایمان به یک اصل، ایمان به یک لنگرگاه اصلی اعتقاد؛ یک چنین ایمانی باید وجود داشته باشد. بر اساس این ایمان، سبک زندگی انتخاب خواهد شد. ۲۳/۰۷/۱۳۹۱ بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی

در انقلاب، در این بخش، پیشرفت ما چشمگیر نیست؛ در این زمینه، ما مثل بخش اول حرکت نکردیم، پیشرفت نکردیم. خوب، باید آسیب‌شناسی کنیم؛ چرا ما در این بخش پیشرفت نکردیم؟ بنابراین باید آسیب‌شناسی کنیم؛ یعنی توجه به آسیبهایی که در این زمینه وجود دارد و جستجو از علل این آسیبها. البته ما اینجا نمیخواهیم مسئله را تمام‌شده فرض کنیم؛ فهرستی مطرح میکنیم: چرا فرهنگ کار جمعی در جامعه‌ی ما ضعیف است؟ این یک آسیب است. با اینکه کار جمعی را غربی‌ها به اسم خودشان ثبت کرده‌اند، اما اسلام خیلی قبل از اینها گفته است: «تعاونوا علی البرّ و التّقوی»، یا: «واعتصموا بحبل اللّهِ جمیعاً». یعنی حتی اعتصام به حبل‌الله هم باید دسته‌جمعی باشد؛ «و لا تفرّقوا». چرا در برخی از بخشهای کشورمان طلاق زیاد است؟ چرا در برخی از بخشهای کشورمان روی آوردن جوانها به مواد مخدر زیاد است؟ چرا در روابط

همسایگی مان رعایت‌های لازم را نمیکنیم؟ چرا صله‌ی رحم در بین ما ضعیف است؟ چرا در زمینه‌ی فرهنگی رانندگی در خیابان، ما مردمان منضبطی به‌طور کامل نیستیم؟ این آسیب است. رفت و آمد در خیابان، یکی از مسائل ماست؛ مسئله‌ی کوچکی هم نیست، مسئله‌ی اساسی است. آپارتمان‌نشینی چقدر برای ما ضروری است؟ چقدر درست است؟ چه الزاماتی دارد که باید آنها را رعایت کرد؟ چقدر آن الزامات را رعایت میکنیم؟ الگوی تفریح سالم چیست؟ نوع معماری در جامعه‌ی ما چگونه است؟ ببینید چقدر این مسائل متنوع و فراگیر همه‌ی بخشهای زندگی، داخل در این مقوله‌ی سبک زندگی است؛ در این بخش اصلی و حقیقی و واقعی تمدن، که رفتارهای ماست. چقدر نوع معماری کنونی ما متناسب با نیازهای ماست؟ چقدر عقلانی و منطقی است؟ طراحی لباسمان چطور؟ مسئله‌ی آرایش در بین مردان و زنان چطور؟ چقدر درست است؟ چقدر مفید است؟ آیا ما در بازار، در ادارات، در معاشرتهای روزانه، به همدیگر به‌طور کامل راست میگوئیم؟ در بین ما دروغ چقدر رواج دارد؟ چرا پشت سر یکدیگر حرف میزنیم؟ بعضی‌ها با داشتن توان کار، از کار میگریزند؛ علت کارگریزی چیست؟ در محیط اجتماعی، برخی‌ها پرخاشگری‌های بی‌مورد می‌کنند؛ علت پرخاشگری و بی‌صبری و نابردباری در میان بعضی از ماها چیست؟ حقوق افراد را چقدر مراعات میکنیم؟ در رسانه‌ها چقدر مراعات میشود؟ در اینترنت چقدر مراعات میشود؟ چقدر به قانون احترام میکنیم؟ علت قانون‌گریزی - که یک بیماری خطرناکی است - در برخی از مردم چیست؟ وجدان کاری در جامعه چقدر وجود دارد؟ انضباط اجتماعی در جامعه چقدر وجود دارد؟ محکم کاری در تولید چقدر وجود دارد؟ تولید کیفی در بخشهای مختلف، چقدر مورد توجه و اهتمام است؟ چرا برخی از حرفهای خوب، نظرهای خوب، ایده‌های خوب، در حد رؤیا و حرف باقی میماند؟ که دیدید اشاره کردند. چرا به ما میگویند که ساعات مفید کار در دستگاه‌های اداری ما کم است؟ هشت ساعت کار باید به قدر هشت ساعت فایده داشته باشد؛ چرا به قدر یک ساعت یا نیم ساعت یا دو ساعت؟ مشکل کجاست؟ چرا در بین بسیاری از مردم ما مصرف‌گرایی رواج دارد؟ آیا مصرف‌گرایی افتخار است؟ مصرف‌گرایی یعنی اینکه ما هر چه گیر می‌آوریم، صرف امور کنیم که جزو ضروریات زندگی ما نیست. چه کنیم که ریشه‌ی ربا در جامعه قطع شود؟ چه کنیم که حق همسر - حق زن، حق شوهر - حق فرزندان رعایت شود؟ چه کنیم که طلاق و فروپاشی خانواده، آن‌چنان که در غرب رائج است، در بین ما رواج پیدا نکند؟ چه کنیم که زن در جامعه‌ی ما، هم کرامتش حفظ شود و عزت خانوادگی‌اش محفوظ بماند، هم بتواند وظائف اجتماعی‌اش را انجام دهد، هم حقوق اجتماعی و خانوادگی‌اش محفوظ بماند؟ چه کنیم که زن مجبور نباشد بین این

چند تا، یکی اش را انتخاب کند؟ اینها جزو مسائل اساسی ماست. حد زاد و ولد در جامعه‌ی ما چیست؟ من اشاره کردم؛ یک تصمیم زمان‌دار و نیاز به زمان و مقطعی را انتخاب کردیم، گرفتیم، بعد زمانش یادمان رفت! مثلاً فرض کنید به شما بگویند آقا این شیر آب را یک ساعت باز کنید. بعد شما شیر را باز کنی و بروی! ماها رفتیم، غافل شدیم؛ ده سال، پانزده سال. بعد حالا به ما گزارش میدهند که آقا جامعه‌ی ما در آینده‌ی نه‌چندان دوری، جامعه‌ی پیر خواهد شد؛ این چهره‌ی جوانی که امروز جامعه‌ی ایرانی دارد، از او گرفته خواهد شد. حد زاد و ولد چقدر است؟ چرا در بعضی از شهرهای بزرگ، خانه‌های مجردی وجود دارد؟ این بیماری غربی چگونه در جامعه‌ی ما نفوذ کرده است؟ تجمل‌گرایی چیست؟ بد است؟ خوب است؟ چقدرش بد است؟ چقدرش خوب است؟ چه کار کنیم که از حد خوب فراتر نرود، به حد بد نرسد؟ اینها بخشهای گوناگونی از مسائل سبک زندگی است، و ده‌ها مسئله از این قبیل وجود دارد؛ که بعضی از اینهایی که من گفتم، مهمتر است. این یک فهرستی است از آن چیزهایی که متن تمدن را تشکیل میدهد. قضاوت درباره‌ی یک تمدن، مبتنی بر اینهاست.

نمی‌شود یک تمدن را به صرف اینکه ماشین دارد، صنعت دارد، ثروت دارد، قضاوت کرد و تحسین کرد؛ درحالی‌که در داخل آن، این مشکلات فراوان، سراسر جامعه و زندگی مردم را فرا گرفته. اصل اینهاست؛ آنها ابزاری است برای اینکه این بخش تأمین شود، تا مردم احساس آسایش کنند، با امید زندگی کنند، با امنیت زندگی کنند، پیش بروند، حرکت کنند، تعالی انسانی مطلوب پیدا کنند. ۲۳/۰۷/۱۳۹۱ بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی

ما اگر پیشرفت همه‌جانبه را به معنای تمدن‌سازی نوین اسلامی بگیریم - بالاخره یک مصداق عینی و خارجی برای پیشرفت با مفهوم اسلامی وجود دارد؛ اینجور بگوئیم که هدف ملت ایران و هدف انقلاب اسلامی، ایجاد یک تمدن نوین اسلامی است؛ این محاسبه‌ی درستی است - این تمدن نوین دو بخش دارد: یک بخش، بخش ابزاری است؛ یک بخش دیگر، بخش متنی و اصلی و اساسی است. به هر دو بخش باید رسید.

آن بخش ابزاری چیست؟ بخش ابزاری عبارت است از همین ارزشهایی که ما امروز به‌عنوان پیشرفت کشور مطرح میکنیم: علم، اختراع، صنعت، سیاست، اقتصاد، اقتدار سیاسی و نظامی، اعتبار بین‌المللی، تبلیغ و ابزارهای تبلیغ؛ اینها همه بخش ابزاری تمدن است؛ وسیله است. البته ما در این بخش در کشور پیشرفت

خوبی داشته‌ایم. کارهای زیاد و خوبی شده است؛ هم در زمینه علمی سیاست، هم در زمینه علمی مسائل علمی، هم در زمینه علمی مسائل اجتماعی، هم در زمینه اختراعات - که شما حالا اینجا نمونه‌اش را ملاحظه کردید و این جوان عزیز برای ما شرح دادند - و از این قبیل، الی ماشاءالله در سرتاسر کشور انجام گرفته است. در بخش ابزاری، علی‌رغم فشارها و تهدیدها و تحریمها و این چیزها، پیشرفت کشور خوب بوده است.

اما بخش حقیقی، آن چیزهایی است که متن زندگی ما را تشکیل میدهد؛ که همان سبک زندگی است که عرض کردیم. این، بخش حقیقی و اصلی تمدن است؛ مثل مسئله‌ی خانواده، سبک ازدواج، نوع مسکن، نوع لباس، الگوی مصرف، نوع خوراک، نوع آشپزی، تفریحات، مسئله‌ی خط، مسئله‌ی زبان، مسئله‌ی کسب‌وکار، رفتار ما در محل کار، رفتار ما در دانشگاه، رفتار ما در مدرسه، رفتار ما در فعالیت سیاسی، رفتار ما در ورزش، رفتار ما در رسانه‌ای که در اختیار ماست، رفتار ما با پدر و مادر، رفتار ما با همسر، رفتار ما با فرزند، رفتار ما با رئیس، رفتار ما با مرئوس، رفتار ما با پلیس، رفتار ما با مأمور دولت، سفرهای ما، نظافت و طهارت ما، رفتار ما با دوست، رفتار ما با دشمن، رفتار ما با بیگانه؛ اینها آن بخشهای اصلی تمدن است، که متن زندگی انسان است ۲۳/۰۷/۱۳۹۱ بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی مین بحث سبک زندگی و اسلوب زندگی به حسب نظر اسلام، این در داخل بسیج می‌تواند یک معیار برای خودشناسی باشد. بحث این نیست که دستگاههای برتر و بالاتر بیایند ما را عیار بزنند، ببینند چه جوری است، بحث این است که خودمان، خودمان را عیارسنجی کنیم. رفتار ما در محیط کار چگونه است؟ رفتار ما با همسر و فرزند چگونه است؟ رفتار ما در محیط زندگی و محیط اجتماعی چگونه است؟ رفتار ما با زیر دست چگونه است؟ با کسی که بالادست ماست، رفتار ما چگونه است؟ رفتار ما با دوست چگونه است؟ با دشمن چگونه است؟ اینها همه در اسلام اندازه و معیار دارد. خودمان را بسنجیم. این میشود عیار خویش را سنجیدن، خود را درست شناختن. اگر از اینجا شروع کردیم، بنیان زندگی ما، بنیان کار ما در همه‌ی بخشها، بخصوص در بسیج، که حالا محل بحث ماست، تقویت خواهد شد. (۰۱/۰۹/۱۳۹۱ بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان و فعالان طرح صالحین)

تقویت بسیج، هرچه خالص‌تر کردن و معنوی‌تر کردن عناصر بسیجی، توسعه‌ی فعالیت‌های بسیجی به همه‌ی مناطق زندگی، جزو کارهای اساسی است که مجموعه‌ی دست‌اندرکاران بسیج و مرتبطین با آن و فعالان در آن باید دنبال کنند. از خود شروع کردن هم که دستور اسلام به ماهاست؛ همه‌ی ما در همه‌ی

سطوح باید اول از خودمان شروع کنیم. «من نصب نفسه للناس اماما فليبدأ بتعليم نفسه قبل تعليم غيره». در همه‌ی سطوح همین جور است. از خودمان باید شروع کنیم؛ این را ما در بسیج جا بیندازیم.

همین بحث سبک زندگی و اسلوب زندگی به حسب نظر اسلام، این در داخل بسیج می‌تواند یک معیار برای خودشناسی باشد. بحث این نیست که دستگاہهای برتر و بالاتر بیایند ما را عیار بزنند، ببینند چه جوری است، بحث این است که خودمان، خودمان را عیارسنجی کنیم. رفتار ما در محیط کار چگونه است؟ رفتار ما با همسر و فرزند چگونه است؟ رفتار ما در محیط زندگی و محیط اجتماعی چگونه است؟ رفتار ما با زیر دست چگونه است؟ با کسی که بالادست ماست، رفتار ما چگونه است؟ رفتار ما با دوست چگونه است؟ با دشمن چگونه است؟ اینها همه در اسلام اندازه و معیار دارد. خودمان را بسنجیم. این میشود عیار خویش را سنجیدن، خود را درست شناختن. اگر از اینجا شروع کردیم، بنیان زندگی ما، بنیان کار ما در همه‌ی بخشها، بخصوص در بسیج، که حالا محل بحث ماست، تقویت خواهد شد. (۱/۰۹/۱۳۹۱) بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان و فعالان طرح صالحین)

در نهضت‌های بیداری اسلامی باید تجربه‌ی تلخ و دهشتناک تبعیت از غرب در سیاست و اخلاق و رفتار و سبک زندگی، موردتوجه دائم باشد. کشورهای مسلمان در بیش از یک قرن تبعیت از فرهنگ و سیاست دولتهای مستکبر، به آفات مهلکی همچون وابستگی و ذلت سیاسی، فلاکت و فقر اقتصادی، سقوط فضیلت و اخلاق، عقب‌ماندگی خجلت‌آور علمی، دچار شدند؛ و این در حالی بود که امت اسلامی از سابقه‌ای افتخارآنگیز در همه‌ی این عرصه‌ها برخوردار بود. (۰۹/۰۲/۱۳۹۲) بیانات در اجلاس جهانی علما و بیداری اسلامی

این سند تحول باید ما را به سمت هدفهای اسلامی حرکت دهد؛ باید جامعه را به سبک زندگی حقیقتاً اسلامی پیش برد؛ باید بتواند در ما خصلتهای والای انسانی را به وجود بیاورد. ما امروز در خودمان، در خلیقات خودمان، در رفتار خودمان، نقائصی مشاهده میکنیم؛ این نقائص باید برطرف شود. استعداد بشری در جامعه‌ی ایرانی، یک استعداد انبوه و سرشار است؛ این استعداد باید امکان بروز پیدا کند، جهت صحیح پیدا کند. این سند تحول ناظر به یک چنین چیزی است. (۱۸/۰۲/۱۳۹۲) بیانات در دیدار جمعی از فرهنگیان

مسابقات و این جلسات بهانه است برای مطرح شدن قرآن و نزدیک شدن به حقیقت قرآن و روح قرآن. تلاوت هم یک وسیله‌ای است برای رسیدن به حقیقت قرآن، فرا گرفتن معارف قرآن، شکل دادن به زندگی فردی و اجتماعی در سایه‌ی قرآن؛ هدف اینهاست.

اگر در جوامع بشری قرآن حاکم باشد، هم سعادت دنیا هست، هم علو معنوی هست. راه سلامت را، راه امنیت را، راه امنیت روانی را قرآن به روی ما باز میکند؛ راه عزت را قرآن به روی ما باز میکند؛ راه زندگی درست را و سبک زندگی سعادت‌آمیز را قرآن به روی ما باز میکند. ما از قرآن دوریم. اگر با قرآن آشنا شویم، با معارف قرآن انس پیدا کنیم و فاصله‌ی خودمان را با آن چیزی که قرآن برای ما خواسته است، بسنجیم، حرکت ما سریع‌تر خواهد بود؛ راه ما روشن‌تر خواهد بود؛ هدف این است. ۱۸/۰۳/۱۳۹۲

بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در مسابقات بین‌المللی قرآن کریم

یک مسئله، مسئله‌ی احترام ظاهری و پاسداشتن از حرمت قرآن است به معنای الفاظ قرآن، اصوات قرآنی؛ این در جای خود چیز محترم و مهمی است. مسئله‌ی بالاتر، تخلق به اخلاق قرآنی است؛ سبک زندگی را منطبق با قرآن قرار دادن.

یکی از عیوب ما و جوامع ما در طول زمان این بوده است که گاهی فرهنگ خود را متأثر می‌کردیم از فرهنگ بیگانگان. کسانی این را در میان جامعه‌ی ما و کشور ما بعمد ترویج کردند؛ ما را سوق دادند به سمت زندگی کسانی که دل و جان‌شان خالی بود از نور معنویت؛ در سبک زندگی، در کیفیت پوشش، در کیفیت راه رفتن، در کیفیت معاشرتها و ارتباطات اجتماعی. اگر هم کسی به آنها اعتراض کرد، گفتند که دنیا امروز اینجوری است. در حالی که قرآن به ما می‌آموزد: «و آن تطع اکثر من فی الأرض یضلّوک عن سبیل الله آن یتبعون الا الظنّ و آن هم الا یخرون». آنچه که انسان جا دارد آن را فرا بگیرد و اگر لازم بود، از آن تقلید کند، عبارت است از طریق هدایت؛ «صراط الذین انعمت علیهم»؛ از خدای متعال می‌خواهیم که ما را هدایت کند به راه کسانی که به نعمت الهی واصل و نائل شده‌اند؛ این است که باید از آن تبعیت و پیروی کرد.

یکی از چیزهایی که قرآن و هدایت الهی به ما تعلیم داده است، تبعیت از داوری خرد و عقل انسانی است؛ این هم قرآنی است. یعنی پیروی از آنچه که عقل سلیم به آن حکم کند و قضاوت عقل پشت سر

آن باشد، این هم یک امر قرآنی است، این هم امر دینی است؛ اینها شد معیار. آنچه که بندگان برگزیده‌ی خدا، معصومین عندالله به ما یاد دادند، این میشود معیار؛ معیار اینها است. اینکه حالا مردم کشورهای غربی، مردم مادی، مردم فلان بخش از دنیا، در رفتارشان، در اعمالشان، در مسائل زندگی‌شان، در ارتباطاتشان، در تشکیل خانواده، اینجور عمل میکنند، ما هم باید اینجور عمل کنیم، این خطا است.

هدایت قرآن را باید در زندگی خود حاکم کرد. ما بحمدالله هم قرآن را داریم، هم کلمات اهل بیت (علیهم‌السلام) را داریم؛ که «أَنْتِ تَارِكٌ فَيْكُمُ الثَّقَلَيْنِ» یا «أَنْتِ تَارِكٌ فَيْكُمُ الثَّقَلَيْنِ»؛ دو چیز گرانبها را در بین شما گذاشتم. هر دو بحمدالله در اختیار ما است؛ باید از اینها استفاده کنیم، جامعه را بر اساس اینها شکل دهیم. ۱۹/۰۴/۱۳۹۲ بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در مسابقات بین‌المللی قرآن کریم

یک مسئله، احترام ظاهری و پاسداشتن از حرمت قرآن است، مسئله‌ی بالاتر، تخلق به اخلاق قرآنی است؛ سبک زندگی را منطبق با قرآن قرار دادن. ۱۹/۰۴/۱۳۹۲ بیانات در محفل انس با قرآن

هدایت قرآن را باید در زندگی خود حاکم کرد. ما بحمدالله هم قرآن را داریم، هم کلمات اهل بیت (علیهم‌السلام) را داریم؛ که «أَنْتِ تَارِكٌ فَيْكُمُ الثَّقَلَيْنِ» یا «أَنْتِ تَارِكٌ فَيْكُمُ الثَّقَلَيْنِ»؛ دو چیز گرانبها را در بین شما گذاشتم. هر دو بحمدالله در اختیار ما است؛ باید از اینها استفاده کنیم، جامعه را بر اساس اینها شکل دهیم. ۱۹/۰۴/۱۳۹۲ بیانات در محفل انس با قرآن

در مسائل مربوط به جامعه و زمان خودمان هم شاعر دارای مسئولیت است. امروز یک حرکت عظیم تاریخی از درون جامعه‌ی ما به وجود آمده و الهامبخش مجموعه‌های بزرگ بشری شده؛ این یک واقعیت است. مواجهه‌ی انقلاب اسلامی با نظام سلطه‌ی بین‌المللی، ایستادگی در مقابل زورگوئی‌ها، از سوی یک ملتی که دو‌یست سال یا بیشتر زیر بار زورگوئی‌های دیگران بوده، و برافراشتن پرچم آزادی و آزادگی در این کشور، چیز خیلی مهمی است؛ این باید در شعر شاعران ما ظهور پیدا کند. همچنین آنچه که در پی این

۱ عیون أخبار الرضا علیه السلام، شیخ صدوق، ج ۲، ص ۶۲؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج ۲۳، ص ۱۴۵.
إِنِّي تَارِكٌ فَيْكُمُ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَعَثْرَتِي وَكُنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ.
ترجمه:

پیامبر خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) فرمودند: من در میان شما دو چیز گران بر جای می‌گذارم: کتاب خدا و اهل بیتم. این دو هرگز از هم جدا نمی‌شوند تا آن‌که در کنار حوض [کوثر] بر من وارد شوند.

آزادی آمد. من بارها در همین جلسه و جلسات دیگر گفته‌ام که مسئله‌ی جهاد نظامی هشت‌ساله‌ی ما چیز کمی نبود، چیز مهمی بود؛ که به نظر من در شعر ما خیلی باید مورد توجه قرار بگیرد. همچنین جهاد بنای جامعه‌ی اسلامی، جهاد استحکام بخشیدن به ساخت قدرت ملی که ما مکرر رویش تکیه کردیم، جهاد اصلاح سبک زندگی - که عرض کردیم متن تمدن اسلامی این است و آنچه که در غیر از سبک زندگی بحث میکنیم، همه شکلها و شیوه‌ها و اندازه‌گیری‌ها است - اینها هر کدام یک جهاد است؛ حضور در این جهاد از طریق شعر، باید مورد توجه قرار بگیرد. همچنین مسائل مربوط به تاریخ، مربوط به زمانه. امروز بیداری اسلامی یک مسئله‌ی مهم است، مسئله‌ی فلسطین یک مسئله‌ی مهم است؛ اینها باید در شعر ما سهم داشته باشند، ما در شعرمان باید به اینها پردازیم. ۰۱/۰۵/۱۳۹۲. بیانات در دیدار شاعران

ما این دو بخش شعر را به رسمیت میشناسیم: هم آنچه که مربوط به احساسات است، هم آنچه که مربوط به بیان دلنگی‌ها است. لیکن یک بخش دیگر هم هست که اندیشه‌ی شاعر است، حکمت شاعر است؛ این نباید مغفول‌عنه قرار بگیرد. شما سعدی را ببینید؛ قله‌های شعر ما اینها نیستند دیگر؛ سعدی از همان - به قول شماها - شاعرانه‌ها، عاشقانه‌ها و احساساتی‌ها فراوان دارد، از آن دلنگی‌ها هم زیاد دارد؛ هم در «بوستان» دارد، هم در غزلیات و جاهای دیگر دارد؛ اما حکمت سعدی را مشاهده کنید چطور در شعر او گسترده است. سعدی را به عنوان یک حکیم میشناسیم. این است که کسی مثل سعدی را، کسی مثل حافظ را، کسی مثل صائب را به قله میرساند. حکمت، اندیشه‌ی حکیمانه، مسائل لازم برای آموختن به انسانها، اینها را فهمیدن و در شعر گنجانیدن و بیان کردن - که معارف دینی و معارف انسانی و سبک زندگی جزو برترینهایش است - اینها مسئولیتهای شاعر است. ۰۱/۰۵/۱۳۹۲. بیانات در دیدار شاعران

بحث درباره‌ی مسائل سبک زندگی، اظهار نظر، موافقت، مخالفت، در مواد گوناگون؛ اینها بحثهایی است که دانشگاه را زنده و بانشاط نگه میدارد. ۰۶/۰۵/۱۳۹۲. بیانات در دیدار دانشجویان

مسئله‌ی «سبک زندگی» - که بنده سال گذشته در سفر بجنورد آن را مطرح کردم و مورد استقبال هم قرار گرفت - مسئله‌ی مهمی است. بحث درباره‌ی مسائل سبک زندگی، اظهار نظر، موافقت، مخالفت، در مواد گوناگون؛ اینها بحثهایی است که دانشگاه را زنده و بانشاط نگه میدارد. اینجور بحثهای مهم و ناظر به واقعیتها، خون در رگهای این پیکره‌ی عظیم جاری میکند. ۰۶/۰۵/۱۳۹۲. بیانات در دیدار دانشجویان

یکی از مسائلی که باید در خطبه‌های نماز جمعه مورد توجه جدی قرار گیرد، موضوع سبک زندگی و بحث‌های کاملاً مستند و زنده در این خصوص است. ۱۸/۰۶/۱۳۹۲ دیدار ائمه‌ی جمعه‌ی سراسر کشور با رهبر انقلاب

باید هرچه ممکن است محیط زندگی شهر، بگونه‌ای طراحی و ساخته شود که تحقق سبک زندگی اسلامی راحت‌تر، امکان‌پذیر باشد. ۲۳/۱۰/۱۳۹۲ دیدار شهردار و اعضای شورای اسلامی شهر تهران با رهبر انقلاب

هران، از یک طرف نماد آبادانی، صلاح، سعادت و سبک زندگی در کشور است و از طرف دیگر به‌عنوان الگو و خط‌دهنده برای شهرهای سراسر کشور، مطرح است. ۲۳/۱۰/۱۳۹۲ دیدار شهردار و اعضای شورای اسلامی شهر تهران با رهبر انقلاب

معلم، هم باید علم بدهد، هم باید روش تفکر و کار تفکر را بیاموزد، هم رفتار و اخلاق‌آموزی در کار او باشد. اگر تعلیم را یک معنای وسیعی بگیریم، این سه عرصه را شامل می‌شود...:

عرصه [سوّم، رفتار و اخلاق؛ آموزش رفتاری، آموزش اخلاقی و همین که در بیانات وزیر محترم بود: سبک زندگی، نوع رفتار. ما ملّتی هستیم با آرمانهای بلند، با حرفهای بزرگ، با قلّه‌های ترسیم‌شده‌ای - که حالا اگر مجال شد، چند جمله‌ای در این زمینه بعداً عرض خواهم کرد - که می‌خواهیم خودمان را به این قلّه‌ها برسانیم. این احتیاج دارد به انسانهای صبور، عاقل، متدین، اهل ابتکار، اهل اقدام، دور از تنبلی، مهربان، عطوف، دارای حلم، دارای شجاعت، با رفتارهای مؤدبانه، پرهیزگار و انسانهایی که درد دیگران، درد آنها محسوب بشود. بافت انسان و قالب و تراش یک انسان مطلوب اسلام چیزی است که با تربیت حاصل می‌شود. همه‌ی انسانها هم قابل تربیتند. بعضی ممکن است دیرپذیرتر باشند، بعضی زودپذیرتر؛ بعضی تربیت در آنها ماندگارتر باشد، بعضی کم دوام‌تر؛ اما همه‌ی انسانها در معرض تغییر و تبدیلی هستند که با تربیت حاصل می‌شود؛ این در درجه‌ی اول به‌عهدی چند عنصر اصلی است که یکی از عناصر اصلی معلم است. البته پدر، مادر، رفیق و مانند اینها هم مؤثرند، لکن تأثیر معلم یک تأثیر عمیق‌تر و ماندگارتری است؛ این کاری است که معلم باید بر عهده بگیرد. ۱۷/۰۲/۱۳۹۳ بیانات در دیدار معلمان و فرهنگیان سراسر کشور

ما ملتی هستیم با آرمانهای بلند، با حرفهای بزرگ، با قلّه‌های ترسیم‌شده‌ای - که می‌خواهیم خودمان را به این قلّه‌ها برسانیم. این احتیاج دارد به انسانهای صبور، عاقل، متدین، اهل ابتکار، اهل اقدام، دور از تنبلی، مهربان، عطوف، دارای حلم، دارای شجاعت، با رفتارهای مؤدبانه، پرهیزگار و انسانهایی که درد دیگران، درد آنها محسوب بشود. ۱۷/۰۲/۱۳۹۳ بیانات در دیدار معلمان و فرهنگیان سراسر کشور

دنیای دو قرن اخیر، با بروز پدیده‌ی ننگین و شوم استعمار و استکبار بین‌المللی، دچار آفت‌های بزرگی شد؛ مهم‌ترین این آفتها نظام سلطه است. نظام سلطه به معنای آن است که در روی زمین، ملتها به دو گروه تقسیم بشوند: یک گروه سلطه‌گر، و یک گروه سلطه‌پذیر. دولتهای استکباری عادت کرده‌اند که سلطه‌گری کنند، زور بگویند، در اقتصاد ملتها، در فرهنگ ملتها، در سیاست‌ورزی ملتها، در تربیت ملتها، در سبک زندگی ملتها، از سر استکبار و سلطه‌طلبی دخالت کنند؛ همه‌چیز دنیا در اختیار آنها باشد. ۳۱/۰۲/۱۳۹۳ بیانات در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین علیه‌السلام

سال گذشته از مردم عزیزمان خواهش شد که تشریفات افطار را کم کنند، کمیت ضیافت‌شوندگان در افطار را افزایش بدهند؛ امسال در مراکز عمومی، در مراکز مقدس، در خیابانها، در حسینیه‌ها، در جای جای کشور، خبرهایی که به ما رسید، نشان‌دهنده‌ی این بود که مردم همت کرده‌اند و این کار را توسعه داده‌اند. توصیه‌ی این حقیر این است که این جور چیزها را - که در شکل دادن به سبک زندگی اسلامی تأثیر می‌گذارد - هرچه بیشتر توسعه بدهید (۰۷/۰۵/۱۳۹۳ خطبه‌های نماز عید سعید فطر)

عرصه‌های کلیدی و اساسی همچون تولید علم، سبک زندگی، آموزش و پژوهش، فرهنگ عمومی، مهندسی فرهنگی، حوزه‌های مهمی هستند که ساماندهی آن در جمهوری اسلامی به شورای عالی انقلاب فرهنگی سپرده شده است. ۲۶/۰۷/۱۳۹۳ حکم آغاز دوره‌ی جدید شورای عالی انقلاب فرهنگی

سازمان صدا و سیما با مأموریت خطیر «هدایت و مدیریت فرهنگ و افکار عمومی جامعه» به مثابه دانشگاه عمومی، با تکیه بر فعالیت‌ها و برنامه‌های حرفه‌ای پیشرفته و عمیق رسانه‌ای، وظیفه گسترش دین و اخلاق و امید و آگاهی و ترویج سبک زندگی اسلامی - ایرانی در میان آحاد ملت را بر عهده دارد. ۱۷/۰۸/۱۳۹۳ انتصاب آقای محمد سرافراز به ریاست سازمان صدا و سیما

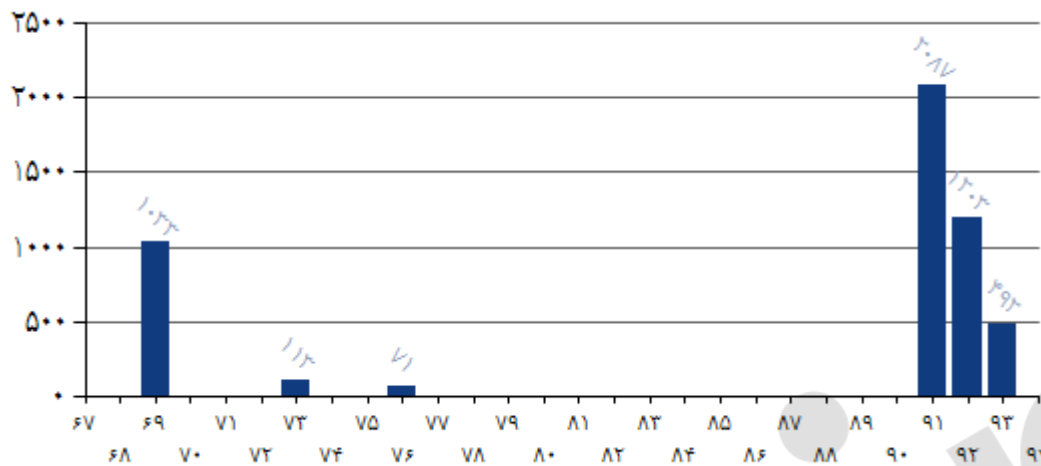
امروز کشور ما، ملت ما و دنیای اسلام محتاج درست فهمیدن، درست عمل کردن و ایستادگی کردن است. ملت ایران الگو است؛ در میان ملت، جوانان موتور حرکتند. این جوانها در اختیار شما هستند؛ یعنی شما با یک نگاه ملاحظه خواهید کرد که به یک معنا موتور حرکت دنیای اسلام، زیر کلید شما است. معارف دین را تبلیغ کنید.

آنچه را مردم احتیاج دارند و آنچه را این جوانها احتیاج دارند برای پاک بودن، برای پاک زیستن، برای سبک زندگی اسلامی، برای مسلمان شدن به معنای واقعی کلمه، برای عاقبت به خیری، به اینها یاد بدهید؛ این در اختیار شما است. ۲۰/۰۱/۱۳۹۴ بیانات در دیدار مداحان اهل بیت علیهم السلام

همه‌ی کارها را می‌شود برای خدا انجام داد؛ حتی تلاش معاش را هم میشود برای خدا انجام داد و قصد الهی کرد. ۰۶/۰۲/۱۳۹۴ بیانات در دیدار فرماندهان نیروی انتظامی جمهوری اسلامی

از جمله‌ی آرمانها، عدالت خواهی است؛ همین حرفهایی که بعضی از برادرها اینجا گفتند. مسئله‌ی عدالت خواهی خیلی مهم است، شعب گوناگونی دارد؛ به اسم هم اکتفا نباید کرد، باید واقعاً دنبال بود. از جمله، مسئله‌ی سبک زندگی اسلامی است. از جمله، آزادی خواهی است؛ آزادی نه به معنای غلط و منحرف کننده‌ی غربی که معنای آزادی این است که دختر این جوری زندگی کند، پسر این جوری زندگی کند. لعنت بر آن کسانی که برخلاف سنتهای اسلامی و سنت ازدواج، با سنت ازدواج صریحاً مخالفت می‌کنند و بعضی از منشورات ما و دستگاه‌های فرهنگی ما متأسفانه این را ترویج می‌کنند؛ باید با اینها مقابله کرد. مسئله‌ی آزادی خواهی در اندیشه، در عمل فردی، در عمل سیاسی، در عمل اجتماعی و در جامعه که معنای آزادی خواهی در جامعه همان استقلال است. ۲۰/۰۴/۱۳۹۴ بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان

در همه‌ی مسائل زندگی - در دانش، در مدیریت، در پیشبرد سبک زندگی، در حفظ ارزشهای انقلابی؛ در همه‌ی مسائل مهم - همین چند نکته، هم لازم است و هم ممکن؛ هم باید نوآوری و ابتکار را در همه‌ی کارها مورد توجه جدی قرار داد، هم زیبایی و چشم‌نوازی را، هم پرمغز بودن و پرمضمون بودن را؛ از کارهای سطحی در همه‌ی مسائل زندگی و مهم کشور باید صرف نظر کرد و به کارهای عمیق، پرمغز و ماندگار توجه کرد. ۳۰/۰۲/۱۳۹۴ بیانات در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین علیه السلام



نمودار ۱-۲. تبیین کلید واژه سبک زندگی از ۴۷ فیش (برگرفته از سایت Khamenei.ir)

۲-۲۰ بنیادهای فکری تکنولوژی

اندیشیدن درباره‌ی تکنولوژی موضوعی چندان دیرپا نیست و فلسفه‌ی تکنولوژی عمری نه‌چندان طولانی دارد ولیکن با این وجود توانسته است منابع و مأخذ فراوانی را برای خود دست‌وپا کند و اندیشه‌مندان بسیاری در حوزه‌ی آن قلم‌زده‌اند، رگه‌های آغازین این نوع تفکر را شاید بتوان در آثار کارل مارکس جستجو کرد و در قرن بیستم کسانی همچون لوئیس مامفورد، ملرتین هایدگر، هربرت مارکوزه، ژاک الوال، ایان باربور، آرنولد پیسی و مانند آن‌ها به این موضوع پرداخته و آثاری را در حوزه‌ی فلسفه‌ی تکنولوژی ایجاد نموده‌اند و البته کسانی مانند رنه گنون، تیهوف شووان و تیتوس بورکهارت از منظر دینی و حکمت‌های معنوی نیز به موضوع تکنولوژی پرداخته‌اند (آذرکار، ۱۳۷۹). این تلقی قدیمی است که فلسفه باید به امور نظری و انتزاعی و کلی بپردازد. تکنولوژی امری کاملاً مادی، انضمامی و جزئی است. اگرچه بحث از تکنولوژی در آثار قدیمی‌تر حتی در آثار افلاطون به‌طور ضمنی مطرح شده است، اما تکنولوژی به‌خودی‌خود تا پیش از دوره معاصر هیچ‌گاه یک موضوع فلسفی به‌شمار نرفته بود. در قرن نوزدهم مارکس و برخی دیگر از نوه‌گلیان به تولید و تکنولوژی علاقه‌مند شدند. این توجه پاسخی به اهمیت و توان تکنولوژی بود که در دوره انقلاب صنعتی خود را به‌خوبی نشان می‌داد. (اینترونا، ۲۰۰۲). تکنولوژی مدرن ذات ابژکتیو نهفته در طبیعت جهان را آنگونه که tekhne محقق می‌ساخت محقق نمی‌سازد. تکنولوژی مدرن بصورت یک ابزار محض و فاقد ارزش ظاهر می‌شود. تکنولوژی مدرن به اهداف ذاتی پاسخ نمی‌دهد بلکه به‌طور محض

ابزاری در خدمت مقاصد ذهنی است. زیرا در عقل سلیم مدرن، ابزار و فرجام مستقل از یکدیگر می باشند. تکنولوژی از این منظر که مرجحی میان کاربردهای امکانپذیر متنوع ندارد پدیده ای خنثی است. این فلسفه ی ابزارگرایانه که تکنولوژی محصول بلادرنگ تمدن ماست، توسط اغلب مردم مسلم انگاشته می شود. (فینبرگ، بی تا).

تکنولوژی یا فناوری از ریشه یونانی به معنای دانستن مهارت و کاربردی است، در مفهوم تکنولوژی هم شناخت و هم هنر نهفته است، همچنین بعد معرفتی، بعد کاربردی و بعد صنعتی و عینی نیز در تکنولوژی نهفته است. (خسروپناه، ۱۳۹۳). به طور معمول و بر مبنای تصورات رایج مفاهیم تکنولوژی و صنعت و به طور خاص صنعت جدید یکسان تصور می شود اما با وجود آنکه تکنولوژی ارتباطی عمیق و ناگسستنی با صنعت جدید دارد اما به طور محض و کامل مترادف آن نیست (آذرکار، ۱۳۷۹). به نظر می رسد تکنولوژی جدید به شکلی قیاس ناپذیر با تمام تکنولوژی های قدیمی قرار می گیرند چراکه بر فیزیک جدید و علم دقیقه مبتنی است (سالاری راد و فریدی خورشیدی، ۱۳۹۲). و البته این علم دقیق در آزمایشگاه هایی ایجاد شده که با تکنولوژی تجهیز گشته اند (کرل، ۱۹۷۷). از این روست که می توان دید بر روح فیزیک معاصر روح تکنولوژی مستولی است و از این روست که علم جدید از منظر تاریخی در واقع نقشی معین ایفا می کند که این نقش بشارت دهنده ی آنچه می آید است که در پس پشت علم نهفته است و آرام آرام و پا به پای حضور تکنولوژی آشکار شده و عیان می گردد (سالاری راد و فریدی خورشیدی، ۱۳۹۲).

موضوع دیگر در این حوزه مربوط به این ادعا است که تکنولوژی به خودی خود، به عنوان نظامی از ابزارها، به جهت اخلاقی خنثی و بیطرف است. استدلالهای بر ضد نظریه بی طرفی تکنولوژی می کوشد تا نشان دهد که مفهوم تکنولوژی به عنوان نظام محض ابزارها ناکافی است، بدین علت که تأثیرش بر حیات انسان ابعاد وسیعی دارد: تکنولوژی محیط مصنوعی را جایگزین محیط طبیعی می کند. (سالاری راد و فریدی خورشیدی، ۱۳۹۲). در حقیقت در عصر تکنولوژیک انسان به شکلی چشمگیر و اساسی به انکشاف و روشن سازی و هویدا کردن دعوت شده است سمت و سوی این هویداسازی به سمت طبیعت است و بنابر این است که در درون طبیعت منبعی لایزال و تمام ناشدنی از انرژی وود دارد که علم جدید به کمک روش خود طبیعت را به عنوان شبکه ای از نیروهای محاسبه پذیر دنیال کرده و بر آن محاط می گردد

(سالاری‌راد و فریدی‌خورشیدی، ۱۳۹۲). کار یک فعالیت صرف انسانی نیست و نیز نمی‌توان آن را به عنوان یک وسیله‌ی صرف تلقی کرد که فعالیت در قالب آن فعالیت انجام شود، از این‌روست که تعریف ابزاری صرف و بر محوریت انسان و انسان‌مدار محض از تکنولوژی را می‌توان به‌طور کامل نامعتبر دانست (هایدگر، بی‌تا، ترجمه‌ی شاپور اعتماد، ۱۳۸۶). برنشتاین نیز در این مورد می‌گوید: «ما گرایش داریم که تکنولوژی را امری فی‌نفسه خنثی در تصور آوریم. همه چیز وابسته به این است که چگونه تکنولوژی را به کار بندیم. تکنولوژی‌های مفیدی وجود دارند از قبیل تکنولوژی‌های جدید طبی که ما را قادر می‌سازند آلام انسانی را تسکین بخشیم و زندگی انسان‌ها را نجات دهیم. تکنولوژی‌های مهلک نیز وجود دارند که می‌خوانند زندگی انسانی را نابود سازند. همه چیز در گرو آن است که چگونه تکنولوژی‌هایی را که در دسترس ماست آزادانه به کار بندیم. گمان می‌رود که تکنولوژی باید ابزاری خنثی یا وسیله‌ای برای دستیابی به اهداف انسانی باشد حالا این اهداف هر چه می‌خواهند باشند. (برنشتاین، ۱۹۹۹) اما تکنولوژی ابزار نیست، تکنولوژی دید است. تکنولوژی اگر هم ابزار در نظر گرفته شود، تجربه‌ی زندگی آدمی را تغییر می‌دهد. پیشرفت‌های دانش فیزیک در اواخر قرون میانی و عصر روشنگری، اثر مشخصی بر زندگی مردم نداشت؛ اما اختراع‌های مکانیکی، الکتریکی و شاخه‌های دیگر این علم و به دنبال آن، انقلاب صنعتی، زیستن و چگونه زیستن مردم را دچار دگرگونی بنیادی نمود. پیشرفت‌های امروزی در علوم ژنتیک و نانو، تنها زمانی که در صورت‌های فناوری زیستی و نانوتکنولوژی، ابزارهایی در دسترس همگان تولید کنند، سبک زندگی مردم را متفاوت خواهد نمود. نه همیشه، اما به‌طور معمول، علم از رهگذر فناوری بر زندگی ما اثر می‌گذارد و نگاه ما به جهان و ارتباط ما با طبیعت، دیگر انسان‌ها و خودمان را دستخوش تغییر می‌سازد (شاپور اعتماد، ۱۳۸۶).

ویژگی‌های علم جدید، بر خلاف علم در یونان باستان در این است که موضوع موردبررسی را در هیئت شیء یا اشیاء تلقی می‌نماید. قصد هایدگر در تبیین ماهیت علم جدید به‌عنوان پدیده‌ای نوظهور در فرهنگ بشر و پدیده‌ای که در نگرش انسان جدید به جهان دارای نقش تعیین‌کننده است دارد. (علی‌آبادی، ۱۳۷۸). عنصر تکنولوژی مشخصه‌ی اساسی دوران معاصر است (هایدگر، بی‌تا، ترجمه‌ی شاپور اعتماد، ۱۳۸۶).

در ادبیات مربوط به حوزه‌ی فلسفه‌ی تکنولوژی، خود واژه‌ی تکنولوژی و دو واژه‌ی ^۱تخنه^۱ و ^۲گشتل^۲

دارای اهمیت هستند

۲-۲۱ مفهوم تخنه در حوزه‌ی فلسفه‌ی تکنولوژی

تکنولوژی در حقیقت نوعی آشکار سازی است (هایدگر، بی‌تا، ترجمه‌ی شاپور اعتماد، ۱۳۸۶). ریشه‌ی واژه‌ی تکنولوژی و اصطلاحات تکنیک و تکنیکس و واژگانی از این دست از واژه‌ی یونانی Tekhne مأخوذ شده است که می‌توان آن را به شغل و فن یا پیشه ترجمه کرد هرچند می‌توان این واژه را از ترکیب تخ و logos از ادبیات یونان بازشناسی کرد اما این واژه به معنایی که امروزه کاربرد دارد تا سده‌ی هفدهم رواج نداشت (ایگنولد^۳، ۱۹۸۸). پسوند لوژی که دال بر شناسایی و معرفت است نشان گر این است که مقوله‌ی تکنولوژی خنثی نبوده و تهی از ارزش نیست بلکه موضوعی فراتر از تکنیک صرف است و متضمن بارهای ارزشی است (آذرکار، ۱۳۷۹). پرسش در مورد تکنولوژی، در برگیرنده‌ی یک تحلیل از ساختن پیاله‌ی یونانی بر اساس تفسیر اولیه‌ی هایدگر از ارسطو است. tekhne یونانی اینجا تلویحاً به عنوان الگویی از تکنولوژی خارج از سلطه در نقطه‌ی مقابل تکنولوژی مدرن ظاهر می‌شود تا جائیکه به هستی بشر و طبیعت احترام می‌گذارد. tekhne بالقوگیهای ذاتی اشیا را محقق می‌سازد به جای اینکه به آنها تعرض کند آنگونه که تکنولوژی مدرن انجام می‌دهد. (فینبرگ، بی‌تا). قواعدی که یک تکنسین از آن پیروی می‌کند بر اصول عام طبیعی استوارند که بنای آن بر عقلانیت^۴ قرار گرفته است، این عقلانیت که در کار پیشه‌وران دوران کهن دیده نمیشد همان Logos است که با Tekhne شاکله‌ی تولید را در دوران معاصر شکل می‌دهد (ایگنولد، ۱۹۸۸).

Tekhne موضوعی هنرورانه است و هم‌ردیف موضوعات زیبایی‌شناختی به کاربرده می‌شود و از دیرباز و زمان فلاسفه‌ی یونان همراه با اپیستمه^۵ episteme به کاربرده می‌شده است که این واژگان در معنای وسیع خود ناظر بر مفهوم شناخت بوده اند (هایدگر، ۱۹۵۴). هرچند در تفسیر ارسطویی tekhne به معنای توانایی ساخت هوشمندانه‌ی اشیا است و در مقام توانایی استعداد تصویرپردازی پیشه‌ور به کار می‌رود که

1 Tekhne

2 Ge-Stell

3 Ignold

4 Rationalization

می‌تواند با استفاده از مهارت‌های دستی و استعداد خویشتن دست به ساختن و تشکیل تصاویر بزند اما در دوران معاصر و با نگرش مکانیستی به طبیعت، شیوه‌ی کنش‌های سازندگی بشر تغییر یافت و در این دوران انسان برخلاف گذشته از رویه‌ای مشخص برای ساخت پیروی می‌کند که این موضوعی جدید نسبت به آنچه در گذشته بود است و از این‌روست که شاغلین را تکنسین می‌خوانند، یک تکنسین از رونی معلوم برای ساخت چیزی پیروی می‌کند که به صورتی که در ذهن دارد شباهتی ندارد (اینگولد، ۱۹۸۸). در حال حاضر اینگونه به نظر می‌رسد که اهداف جامعه‌ی ما نمی‌تواند برای برخی از انواع معرفت، آنگونه که tekhné برای یونانیان بود پیش از این مشخص شود. این اهداف به شکل ذهنی محض، مستبدانه و فاقد ماهیاتی که ما را راهنمایی کنند مانده‌اند. عقلانیت هم اکنون تنها متوجه وسیله است و نه هدف (فینبرگ، بی تا).

۲-۲ مفهوم گشتل در حوزه‌ی فلسفه‌ی تکنولوژی

در بحث معناشناسی تکنولوژی، اصطلاح دیگری وجود دارد که دارای اهمیت است، این واژه که گشتل^۱ خوانده می‌شود در لغت معنای اسکلت بندی و چارچوب بندی دارد، گشتل بنا بر کاربرد مرسوم به معنا و مفهوم نوعی وسیله است اما همانگونه که اشاره شد، معنای استخوانبندی نیز دارد گشتل به معنای امر گزداورنده تعرض آمیزی است که انسان را مخاطب قرار می‌دهد و به معارضه می‌خواند تا امر واقع را به یک شیوه‌ی زیبا و شکیل و نظام‌مند و منضبط به‌عنوان منبع لایزال آشکارسازی و انکشاف قلمداد می‌شد (سالاری‌راد و فریدی خورشیدی، ۱۳۹۲).

هایدگر مدعی است که تکنولوژی به مثابه گشتل و به مثابه وجهی از وجود، یک انتخاب توسط بشر یا یک پی آمد انسان شناختی نیست. تکنولوژی یک حواله است دوره‌ای از غفلت فزاینده بشر از وجود است (ایترونا، ۲۰۰۲). گشتل موضوعی تقدیری در زیست آدمیان در وجوه گوناگون آشکار سازی و انکشاف است اما سرشتی جبری ندارد چرا که مردم آزاد هرچند گوش می‌دهند و میشوند اما اینگونه نیستند که گوش فراداده اطاعت نمایند (هایدگر، ۱۹۶۲). از نظر “هایدگر” گشتل، نامی برای بیان ماهیت تکنولوژی جدید است. شاید بتوان گفت که گشتل، روح حاکم و مسلط بر تکنولوژی جدید است که انسان را وا

می‌دارد تا به واقعیتها به گونه خاصی نگاه کند و آنها را نه صرفاً اشیاء بلکه منبع ذخیره لحاظ نماید (اینترونا، ۲۰۰۲). گشتل را در حقیقت می‌توان نحوه‌ای از آشکار سازی و انکشاف دانست که بر ماهیت تکنولوژی جدید مستولی است و خود موضوعی کنولوژیک نبوده چراکه آنچه به تکنولوژی تعلق دارد آن چیزی است که به‌عنوان اجزای ساده‌ی هر دستگاه می‌شناسیم (سالاری‌راد و فریدی خورشیدی، ۱۳۹۲).

از ریشه‌ی گشتل مصدر Stellen به معنای در افتادن اخذ شده است که به شکل تنها معنای تعرض را ندارد و هنگامی که به شکلی ترکیبی در واژگان her-stellen به معنای تولید کردن و dar-stellen به معنای عرضه کردن و نمایاندن، مورد استفاده قرار می‌گیرند در مقام شاعرانگی^۲ این امکان را فراهم می‌آورد که در آنچه حضور میباید جلوه‌ای نامستور داشته باشد لهذا می‌توان بیان کرد که در گشتل آن شکل از عدم استتار و مخفی بودن رخ می‌دهد که همانند آن تکنولوژی جدید کار انجام میدهد و به‌عنوان منبع لایزالی از انکشاف و آشکار سازی خود را عرضه می‌کند و در مقام کار برمی‌آید (سالاری‌راد و فریدی خورشیدی، ۱۳۹۲). اصرار جامعه مدرن بر تسخیر طبیعت و نیز اصرار آن بر آگاهی و کنترل (منضبط کردن)، آن را در نسبتی خاص با طبیعت قرار می‌دهد. به خاطر سود رسانی به بشر باید به طبیعت لگام زد. به نزد بشر، طبیعت به صورت مجموعه‌ای از ابزارها و مواد خام در می‌آید؛ مجموعه‌ای از نیروها که باید “فرمان آورده” شود. (اینترونا، ۲۰۰۲).

هایدگر ادعایی در مورد گشتل می‌کند که اگر ما آن را درک کنیم فهم ما از گشتل به‌عنوان ماهیت تکنولوژی مدرن عمیق تر خواهد شد. تصور متعارف از تکنولوژی (دیدگاه ابزار انگارانه یا انسان مدار) این است که تکنولوژی جدید فرزند و محصول علم جدید است. حتی برخی یکی از اساسی‌ترین وجوه تفاوت تکنولوژی قدیم و جدید را، تکیه تکنولوژی جدید بر علمی دقیق چون فیزیک جدید می‌شمارند.

ولی “هایدگر” این دیدگاه را معکوس می‌کند. او ادعا می‌کند که علم جدید ماهیتاً فرزند تکنولوژی است. او قبول دارد که تکنولوژی جدید از نظر زمانی نسبت به علم جدید متأخر است (از نظر زمان تقویمی)، آغاز علوم طبیعی در قرن هفدهم است در حالی که تکنولوژی استوار بر نیروی ماشینی، نخست در نیمه دوم قرن هیجدهم پا می‌گیرند اما تکنولوژی جدید که از نظر تقویمی مؤخر است، به خاطر ماهیتی که از درون

1 Introna

2 Poesie

بر آن استیلا دارد، از نظر تاریخی مقدم است (هایدگر، ۱۹۶۲). به عبارت دیگر از لحاظ تقویمی و تاریخی آغاز شدن علوم طبیعی به مفهوم جدید آن به آغاز قرن هفدهم بازمی‌گردد و این در حالی است که تکنولوژی استوار بر ماشین در نیمه‌ی دوم قرن هجدهم آغاز گشته است، اما تکنولوژی جدید متأخر بر آن زمان است به لحاظ ماهیتی که بر آن استیلا دارد از منظر تاریخی مقدم است و ماهیت تکنولوژی از منظر تقویمی مقدم نیست اما از دیدگاه وجود شناختی تقدم تاریخی و تقویمی بر آن دارد (سالاری‌راد و فریدی خورشیدی، ۱۳۹۲).

۲-۲۳ فلسفه تکنولوژی نزد فلسفه های چپ‌گرایانه

درباره‌ی دو شکل تولید قدیمی که مبتنی بر ساخت دستی بود و شیوه‌ی جدید که مبتنی بر ماشین است می‌توان اظهار کرد که در ساخت دستی بدن انسان یا حیوان جزئی از کار و در حقیقت بخش اساسی از یک نظام کامل و از پیش تعیین شده است اما در مورد نظام ماشینی انسان تنها نقشی که به دوش می‌کشد یک اپراتور^۱ است کارل مارکس در اوسط سده‌ی نوزدهم میلادی در کتاب خود اشاره می‌کند که این تغییر حاصل ورود ماشین‌ها این است که کار روزانه طولانی‌تر شده و نیروی کار همگون می‌گردد (ایگنولد، ۱۹۸۸).

در مقایسه‌ی دو نوع ساختن با دست و با ماشین می‌توان به تفاوتی که مارکس مطرح می‌کند دست یافت، مارکس می‌گوید کارگر جز هر روز ابزارش را به محل کار می‌برد و ابزار نیستند که به او مسیر حرکتش را دیکته می‌کنند و چون محصول ولیدی او ماده‌ی خام کارگر بعد از آن است کارگر نخست باید شناختی ذهنی نسبت به محصول نهایی داشته باشد اما در ساخت ماشینی محصول نهایی در خود ماشین ثبت شده است و ذهن کارگر/اپراتور با دار کوتاه کار می‌کند و گرچه او میداند که محصول نهایی چه شکلی دارد اما نیازی به این دانستن ندارد را تحقق مادی محصول هیچگونه ارتباطی با دانستن محصول نهایی ندارد (ایگنولد، ۱۹۸۸).

۱ در رابطه‌ی ماشین و اپراتور، باید بین مکانیزه شدن و اتوماتیزه شدن تفاوت قایل شد، مارکس می‌گوید در ساخت دستی و صنعت دست ورزانه کارگر است که ابزار را به کار می‌گیرد حال آن‌که در محیط کارخانه ابزار (ماشین) است که کارگر را به خدمت می‌گیرد، به دیگر سخن در یک نظام تولیدی سرمایه‌داری کارگر وسایل کار را به کار نمی‌برد بکه وسایل کار از او کار می‌کشند، این وارونگی واقعی فنی است که در تولید ماشینی دیده می‌شود (مارکس، ۱۹۷۷).

۲-۲۴ مفهوم تکنولوژی در فلسفه‌ی تحلیلی

به جز آثار هایدگر در حیطه‌ی فلسفه‌ی تکنولوژی اندیشه‌مندان فلسفه‌ی تحلیلی و مارکسیست نیز به مسئله‌ی فلسفه‌ی تکنولوژی پرداخته اند اما از حیث حجم در مقایسه با آثار هایدگر بسیار اندک‌شمار هستند (سالاری‌راد و فریدی‌خورشیدی، ۱۳۹۲). مطالعات معروف به "فلسفه تکنولوژی تحلیلی" تمرکز جدی‌ای بر مسائل شناخت‌شناسانه و روش‌شناسانه تکنولوژی، به‌ویژه بر علوم مهندسی نشان می‌دهد. این مسائل به علت این عقیده شایع که تکنولوژی علم کار بسته است، کاملاً به فراموشی سپرده شده بودند. ویژگی این رویکرد آن است که انواع و مراتب مختلف تکنولوژی و نحوه پیدایش تاریخی و عینی آن را مد نظر قرار می‌دهد. موضوعات کلیدی این بحث عبارتند از: سرشت معرفت تکنولوژیک، ماهیت طراحی مهندسی، روش‌شناسی طراحی و ارتباط علم و تکنولوژی. منابع علمی اصلی آن، علاوه بر فلسفه، خود تکنولوژی و تاریخ تکنولوژی است. (سالاری‌راد و فریدی‌خورشیدی، ۱۳۹۲). در حوزه‌ی فلسفه‌ی تحلیلی آنگلساکیونی برخی تکنولوژی را رهایی بخش می‌دانند و بر آنند که آنچه تکنولوژی به همراه داشته است آزادی آدمیان از یوغ استعمار و استثمار بوده است (پوپر، ۱۸۷۲).

۲-۲۵ فلسفه‌ی تکنولوژی نزد مارکوزه

نظیر هایدگر، هربرت مارکوزه^۱ متأخر تکنولوژی را فراتر از تکنیک و حتی فراتر از سیاست می‌دید. تکنولوژی شکلی از تجربه مدرن است، یک روش عمده که بواسطه‌ی آن جهان آشکار می‌شود. از اینرو برای هر دو فیلسوف تکنولوژی به چیز فراتر از ابزار واقعی بسط می‌یابد. تکنولوژی بر یک روش فکر کردن و یک سبک فعالیت دلالت می‌کند، در واقع، یک بناکننده‌ی شبه استعلایی واقعیت به‌عنوان یک شی کنترل تکنیکی. رهایی از این فرم تجربه تنها می‌تواند از طریق فرم دیگر تجربه به دست آید، یعنی یک فرم زیبایی‌شناسانه. (فینبرگ، بی‌تا).

هربرت مارکوزه در کتاب فرد در جامعه‌ی کبیر خود که به گم شدن فردیت آدمیان در عصر تکنولوژی است تأکید می‌کند: در هر دو حالت، مفهوم سنتی فرد، چه در شکل کلاسیک-لیبرال و چه در شکل مارکسیستی، غیرقابل دفاع به نظر می‌رسد چراکه فردیت بواسطه توسعه تاریخی قدرت تولید از بین

1 Herbert Marcuse

رفته است.... در فردیت اصیل تمایز میان هنرمند خلاق، نویسنده یا موسیقیدان باقی می ماند. ایده ی عمومی کردن این پتانسیل خلاقانه در بین مردم از کارکرد و درستی خلاقیت هنری به عنوان شکلی از تجلی ممانعت می کند... زیرا هنر متضمن جدایی از مفاهیم و ارزشهای عمومی و نفی آنهاست: خلق یک واقعیت متفاوت به لحاظ کیفی در زمینه یک واقعیت معین. در حالت بدیل دوم (تحول اساسی جامعه) فردیت با یک بعد وجودی کاملاً جدید مرتبط خواهد شد: قلمرو ایفای نقش، تجربه و تصور که بیرون از دامنه تمامی خط مشی ها و برنامه های امروزی است (فینبرگ، بی تا). در حالیکه هایدگر متأخر در مواجهه با جهان نااصیل تکنولوژی ندای بیشتری برای پایداری سر نمی داد، مارکوزه به چیزی نظیر "فردیت اصیل" متعهد باقی ماند. (اعتماد، ۱۳۸۷).

مارکوزه نه با تکنولوژی دشمن است و نه بی علاقه اما به احیای رادیکال آن فرا می خواند. مارکوزه خاطرنشان می کند که در یک جامعه ی آزاد "برخی کیفیات از دست رفته ی کار صنعتگر می توانند به خوبی بر پایه تکنولوژیکی جدیدی دوباره ظهور یابند". و او به "مفهوم یونانی وابستگی میان هنر و تکنیک" برای توضیح نظریه اش ارجاع می دهد که تکنولوژی می تواند بوسیله تخیل از وضع بد رهایی یابد (فینبرگ، بی تا). از دید مارکوزه، تمدن تکنولوژیکی تنها از طریق بازگشت به وعده ی آن آوانگاردهای متقدم می تواند از بندی که گرفتار آن شده است رهایی یابد. مارکوزه معتقد است، تحول زیبایی شناسانه اکنون امکانپذیر است زیرا جوامع مدرن ثروتمند سازمان سرکوبگر خود را منسوخ کرده اند. (فینبرگ، بی تا).

۲-۲۶. فلسفه تکنولوژی نزد هایدگر

مارتین هایدگر یکی از معدود فیلسوفانی است که به مسأله تکنولوژی به عنوان یک مسأله فلسفی نگریسته و نگاهی عمیقاً فیلسوفانه به موضوعی به ظاهر غیر فلسفی افکنده و آن را موضوع تفکر عمیق فلسفی (وجودی) قرار داده است. او یکی از نخستین متفکرانی است که در تکنولوژی (و روح حاکم بر آن) مسأله ای وجودی یافت و به بررسی شأن وجودی تکنولوژی، روح حاکم بر آن، ارتباط آن با حقیقت، ربط و نسبت آن با علم جدید و ماهیت و ذاتیات آن و ... همّت گماشت (اینترونا، ۲۰۰۲)

هایدگر در تکنولوژی، خطری می دید. خطر این است که آنچه در آغاز ابزار و وسیله ای در اختیار انسان بود از کنترل آدمی خارج شود و زندگی کسانی را که ارباب آن بوده اند تحت سلطه و انقیاد خود درآورد

و به آن شکلی خاص دهد. به تعبیر مک کواری نظر هایدگر درباره تکنولوژی خالی از ابهام نیست. هایدگر از یک سو، ناخرسندی خود را از تکنولوژی مدرن نشان می دهد چه به دید هایدگر تکنولوژی مدرن نشانه جذب و غوطه ور شدن در موجودات^۱ و غفلت از وجود^۲ است. اما هایدگر از سوی دیگر به موضع تسلیم شدن آدمیان در برابر تکنولوژی به عنوان یک واقعیت اشاره می کند و معتقد است که انسانها اکنون دیگر در برابر تکنولوژی راه تسلیم درپیش گرفته اند و به اصطلاح در فضای تکنولوژی به سر می برند و راه بازگشتی برایشان نیست. از این رو به ناچار باید با آن ساخت و یاد گرفت که با آن زندگی کرد. دیگر برای طرح این پرسش که آیا باید در یک جامعه تکنولوژیک زندگی کنیم یا نه خیلی دیر شده است. چون ما پیشاپیش در آن زندگی می کنیم (اعتماد، ۱۳۸۷).

نظر هایدگر در باب تکنولوژی بخشی از پروژه عام او در باب تاریخ وجود است. وجود نه همانند ایده افلاطونی یا موناخ لایبنستی، بل همچون یک حادثه زمان مند؛ همچون به ظهور آمدن خود وجود. لذا پرسش از تکنولوژی به نزد هایدگر، صرفاً یک حوزه موجود بین تلاش یا تحقیق بشری، در کنار دیگر حوزه ها نیست بلکه این پرسش در مرکز پروژه وجود شناختی او قرار دارد و به همین دلیل مستلزم پرسش پدیدار شناختی بنیادین در باب ماهیت آن است. (اینترونا، ۲۰۰۲).

هایدگر چندین مثال می آورد تا روشن کند که منظور او از عبارت "به معارضه خواندن" که بر تکنولوژی مدرن حاکم اند، چیست و چگونه با پوئیسیس و تخته که به "فرا آوردن" تعلق دارند، فرق می کنند. او می گوید "کشاورزی اکنون چیزی جز صنعت ماشینی غذا سازی نیست". در اینجا ما با به نظم در آوردنی طرف هستیم که با طبیعت در می افتد اما این امر را می توان مخالف کار دهقان دانست که خاک مزرعه را به معارضه فرا نمی خواند. "کشاورز با کار خود متعرض زمین زراعی نمی شود. هنگامی بذر پاشی کشاورز بذر را به دست قوای نامیه (طبیعت) می سپارد و بر رشد آن نظارت می کند (برنشتاین، بی تا).

از نظر هایدگر علم و تکنولوژی دارای سرچشمه های مشترک و مبانی متافیزیکی آشکارگی همانندی هستند. آن ها راه هایی همانند در فهم یا ناپوشیدگی چیزها هستند. هر دو وابسته اند و سوژه باوری و مبنای شناخت شناسانه ی دکارتی. علم مدرن خود در بر دارنده ی مشخصه های اصلی تکنولوژی بود. توجه به

1 beings

2 Being

طبیعت هم چون منبع، شیوه‌های گرد آوری، و ناپوشیدگی به سیاق تکنولوژی همه وجود داشتند. تکنولوژی این همه را آشکار و قابل فهم کرد (احمدی، ۱۳۸۲).

۲-۲۷. تأثیر تکنولوژی بر سبک زندگی

تکنولوژی و صنعت با انقلاب صنعتی شروع شد و سپس صنایع پیشرفته‌تری مانند اتومبیل و صنایع سایبری تولید شد و چه در دوره مدرن و چه دوره قبل از مدرن، همیشه فرهنگ با آن در ارتباط بود و اگر کار صنعتی هم انجام می‌شد دغدغه فرهنگ نیز وجود داشت و در واقع از نیمه دوم قرن بیستم بود که یک نوع پیوند میان تکنولوژی و فرهنگ صورت گرفت و به یک معنا می‌توان گفت تسلط تکنولوژی بر فرهنگ شکل گرفت. (خسروپناه، ۱۳۹۳). اما دامنه‌ی گسترش فناوری اجتماعی به اختراعاتی که ارتباطی محدود نمی‌شود. از این روست که میشل فوکو، به تکنولوژی‌های انضباط اجتماعی اشاره می‌کند. (فوکو، ۱۳۸۷). به عبارت دیگر، فناوری را نباید تنها در ماشین‌ها و ابزارها و اختراعاتی جدید دید. گاهی باید جا انداختن یک نوع مدیریت و کنترل اجتماعی، نوعی فناوری حساب شود. از قضا، چیزی که بر زندگی ما بیشتر تأثیر دارد، فناوری اجتماعی است که زندگی شخصی و جمعی را همچون ابزارها و اختراعات مادی و شاید بیش از آن‌ها دگرگون می‌سازد. وقتی ما می‌آموزیم، می‌پذیریم و مشتاق می‌شویم، به گونه‌ای دیگر زندگی کنیم، نگاه و معرفت ما به زندگی دستخوش دگرگونی می‌شود و این دگرگونی بر خلق و خو و ارتباط ما با دیگران و حتی ارتباط ما با خودمان و باورهایمان تأثیر می‌گذارد (psyop.ir).

پیش از این اشاره شد که میتوان هر هویت فرهنگی موضوعی دانست که از تجمیع چندین سبک زندگی ساخته شده است و مجموعه‌ای از سبک‌های زندگی است که در یک پهنه‌ی اجتماعی در کنار هم قرار گرفته‌اند و به دیگر سخن که در نقاط مهم ارزشی و هنجاری با یکدیگر اشتراکی عمیق دارند؛ محتوای و درونمایه‌ی فرهنگ دانش‌ها و هنجارها و کالاها و نمادهایی است که در جامعه تولید می‌شوند (مهدی زاده، ۱۳۹۰). در یک ساختار و نظلم فرهنگی نهادهای گوناگونی مانند خویشاموندی و ازدواج و سازمانهای مختلفی چون سازمان‌های سیاسی و مذهبی و اقتصادی در یک دیگر تنیده می‌شوند و نظامی واحد و یکپارچه می‌سازند، فرهنگ مکانیسمی است که انسان به کمک آن مسائل هستی‌شناختی خود را حل می‌کند (عسکری خانقاه و شریف کمالی، ۱۳۸۴). و از این روست که فرهنگ را از مرگ و زندگی مهم تر قلمداد می‌کنند (آشوری، ۱۳۹۳).

با وجود اینکه فرهنگ را به طور کلی موضوعی ثابت می‌دانند و ثبات یکی از ویژگی‌های فرهنگ است اما فرهنگ می‌تواند به خاطر دلایل مختلف دستخوش تغییر شود (عسکری خانقاه و شریف کمالی، ۱۳۸۴). یکی از موارد تأثیر گذار بر فرهنگ تکنولوژی است، تکنولوژی بر فرهنگ اثر می‌گذارد، گفت: یک زمان، وسیله نقلیه در خدمت ما بود، اما اکنون ما در خدمت وسیله نقلیه هستیم؛ امروز به سمتی می‌رویم که تحت تأثیر حرکتی هستیم که تکنولوژی آن را بر ما تحمیل می‌کند، بنابراین اگر یک تکنولوژی در جایی وارد شود، فرهنگ را هم با خود به همراه می‌آورد. (خسروپناه، ۱۳۹۳). اختراعات یکی از مواردی هستند که می‌خوانند فرهنگ را از خود متأثر کرده باعث ایجاد تغییرات فرهنگی شوند (عسکری خانقاه و شریف کمالی، ۱۳۸۴).

اهمیت سازگاری محیطی در به کار بردن ماشین‌های اجتماعی و سیاسی، بسیار بیش از ماشین‌های فیزیکی است. آموزش دادن و سازگار نمودن یک فرد برای به کار بردن یک فناوری نوین، ساده‌تر از سازگار کردن یک جامعه با به کارگیری یک فناوری نوین است. پیامد کار، البته برای در جاهایی که زمین‌های بسیار وسیع به دهقانان رسید، سبب شد آنان به فردگرایی افزون‌تر و جمع کردن سرمایه‌ی بیشتر و خرید ماشین‌های پیشرفته‌تر و مانند این‌ها پردازند؛ اما در جاهایی که تراکم جمعیت کشاورزان بالا و زمین‌ها کوچک‌تر بود، وضعیتی از مجادلات و کشمکش‌های تمام‌نشده برقرار شد که از وضعیت ارباب‌رعیتی پیش از آن بسیار بدتر بود، همکاری تنگاتنگ کشاورزان، نیاز به روحیه‌ی رواداری بالایی داشت و کشاورزان عادت کرده به منطق استبدادی اربابی، جز سلطه‌گری و سلطه‌پذیری، نوع دیگری از رابطه‌ی اجتماعی را نیاموخته بودند و بدین ترتیب، نابودی کشاورزی، رهاورد کار بود. اما مهم‌تر از آن، افزایش کینه‌توزی و بخل و حسد در اخلاق کاری افراد بود؛ چراکه منابع، کم، تقاضا، زیاد و امید به سامان یافتن نظام از هم‌پاشیده‌ی کار، ناچیز بود (psyop.ir).

از این‌روست که اگر کسی تصور کند که اصولاً تکنولوژی خنثی است، مشخص است که تلقی درستی از آن ندارد، چراکه تکنولوژی نه در مقام تعریف و نه در مقام تحقیق از فرهنگ جداناپذیر است و باید علوم مهندسی آمیخته به صنعت و فرهنگ باشد. (خسروپناه، ۱۳۹۳).

۲-۲۸ تکنولوژی در ایران و مواجهه با اسلام

سبک زندگی در کشورهایی که از سرمایه‌های طبیعی بالا برخوردار هستند (مانند نفت در ایران) باعث می‌شود توان اقتصادی جذب ابزارها و اختراعات تکنولوژیک بسیار بالا باشد و درحالی‌که تعدیل فرهنگی مناسب با یک فناوری هنوز ایجاد نشده، فناوری بعدی وارد شود. حال آنکه در تولید فناوری‌ها نقش ما ناچیز است. لذا سازگاری با آن نیز دشوارتر خواهد بود (psyop.ir). اسلام با علوم پایه تکنولوژی پیوندی ندارد و یا اینکه حداقلی است، از این رو اسلام نیامده آن علوم و نرم‌افزاری که کشف طبیعت می‌کند و برپایه علوم مهندسی است را برای ما تبیین کند بلکه پایه علوم، فیزیک، شیمی و ریاضیات است البته تک‌گزاره‌هایی در اسلام وجود دارد که می‌توان از آن بهره برد (خسروپناه، ۱۳۹۳).

اما تکنولوژی و اسلام از دو نظر با هم پیوند دارند؛ تکنولوژی متأثر از جهان‌بینی و انسان‌شناسی است، قطعاً اگر کسی تأملی بر تاریخ تکنولوژی کند متوجه می‌شود تمام بشر به‌سوی تکنولوژی‌ای می‌رود که نیازی از نیازهای بشر باشد و هر تلقی از انسان و نیازهای انسان او را به سمت نوعی از تکنولوژی سوق می‌دهد. با این وجود انتظار ما از اسلام این نیست که قانون نسبیّت را به ما آموزش دهد، بلکه این کار عقل بشر است که باید تحقیق و پژوهش کند، اما دین رابطه ملک و ملکوت را بیان می‌کند و در اساس اسلام نیامده تعیین‌کننده علوم مهندسی باشد و علوم بر ساخته بشر را به ما بگوید و دین تأکید دارد بشر همواره از عقل خود استفاده کند (خسروپناه، ۱۳۹۳).

SCC.ir

فصل سوم

روش پژوهش

در پی روشن شدن مسئله پژوهشی، فرضیه‌ها، مبانی نظری و پیشینه تجربی پژوهش در دو فصل نخست، اینک به روش انجام پژوهش پرداخته می‌شود. در این فصل، نخست روش پژوهش و مراحل اجرای پژوهش ارائه شده، سپس جامعه آماری تعیین و تعریف می‌شود و در ادامه روش نمونه‌گیری، ابزارهای اندازه‌گیری پژوهش، و سرانجام روش تحلیل داده‌های گردآوری شده توضیح داده می‌شوند.

پژوهش حاضر بر مبنای رویکرد روش‌های ترکیبی^۱ که در مقایسه با رویکردهای کمی و کیفی رویکردی نسبتاً جدید است، انجام شده است. مطالعه به روش‌های ترکیبی، مستلزم گردآوری و تحلیل داده‌های کمی و کیفی در یک مطالعه است که در آن داده‌ها به صورت همزمان^۲ یا متوالی^۳ گردآوری می‌شوند، و اولویت‌دهی و تلفیق داده‌ها در یک یا چند مرحله از پژوهش صورت می‌پذیرد (دلاور و کوشکی، ۱۳۹۲؛ کرسول، پلانوکلارک، گاتمن و هانسن^۴، ۲۰۰۳). در حقیقت استفاده تنها از روش‌های کیفی برای دستیابی به فهمی عمیق از پدیده «ارتباط متقابل سبک زندگی اسلامی خانواده‌ها و فناوری» مورد مطالعه کافی است؛ اما در این صورت تعمیم‌پذیری^۵ یافته‌ها کاهش خواهد یافت. همین‌طور، انجام این پژوهش به روش کمی به دلیل پژوهش‌های نسبتاً محدود در مورد تعریف مفاهیم و فرضیه‌سازی پیرامون روابط بین متغیرها در زمینه مورد بررسی، ممکن نیست. در نتیجه، انجام این مطالعه، نیازمند استفاده از هر دو روش کیفی و کمی خواهد بود.

با توجه به گفته‌های بالا در این پژوهش از شیوه‌ی ترکیبی تبیینی استفاده شد. در این پژوهش در ابتدا پرسشنامه‌ای بر مبنای مولفه‌های سبک زندگی اسلامی و تغییرات احتمالی آن از طریق مطالعه‌ی پیشینه و پژوهش‌های پیشین و نیز گفتگو با مردم و نخبگان فراهم شد، در این قسمت از این پژوهش مطالعه‌ی پیشینه و گفتگوها تنها به قصد جمع‌آوری داده انجام شد. پس از جمع‌بندی و هم‌آمیزی مبانی و مولفه‌های لازم که از مطالعات و گفتگوها برآمده بود، پرسشنامه‌ای به منظور بررسی وضعیت فعلی ایران طراحی شد و بر روی گروه نمونه به اجرا درآمد، پس از آن به قصد تبیین یافته‌های کمی از شیوه‌های کیفی برای تبیین علل تغییرات بهره برده شد.

-
1. Mixed methods approach
 2. Concurrently
 3. Sequentially
 4. Creswell, Plano Clark, Gutman, & Hanson
 5. Generalizability



شکل ۳-۱. دیاگرام مراحل پژوهش و شرح مراحل

در بخش کمی پژوهش، می‌توان این پژوهش را بر حسب هدف در زمره تحقیقات کاربردی؛ بر حسب نحوه گردآوری داده‌ها از نوع توصیفی (غیرآزمایشی)؛ بر حسب نوع تجزیه و تحلیل‌های آماری و سنجشی در زمره تحقیقات همبستگی از نوع تحلیل ماتریس کوواریانس (سرمد، بازرگان، و حجازی، ۱۳۸۴) به حساب آورد. با توجه به آنچه گفته شد توالی روش انجام پژوهش آمیخته در این تحقیق از روش کمی به کیفی^۱ بوده است (دلاور و کوشکی، ۱۳۹۲).

1 . quantitative to Qualitative (mixed)

۱-۳. مراحل اجرایی پژوهش

به منظور دستیابی به اهداف، پژوهش حاضر در دو بخش (کیفی و کمی) و پنج فاز اصلی دنبال شد.

بخش کمی، فاز اول: در بخش کمی پیش از طراحی پرسشنامه و به قصد جمع آوری داده، پیشینه‌ی پژوهش و مبانی نظری مورد مطالعه قرار گرفت و با افراد صاحب نظر و خبره در این حوزه و نیز مردم عادی گفتگو شد تا مولفه‌های مورد نیاز اکتشاف شده و پس از احصا مولفه‌های مورد نظر برای آن‌ها گویه‌های مناسب طراحی شد

بخش کمی، فاز دوم: یافته‌های فاز اول بخش کمی در قالب یک پرسشنامه تدوین شد در این فاز، پرسشنامه اولیه به صورت پایلوت بر روی تعدادی از مردم در شهرهای تهران اجرا شد. پس از ورود داده‌های حاصل از اجرای پرسشنامه‌ها و سرند داده‌های گردآوری شده، بر روی داده‌ها تحلیل‌های روانسنجی انجام شد. در این مرحله سؤالات اجرا شده به دقت تحلیل و بررسی شد؛ مشکلات اجرایی شناسایی شد؛ تعداد سؤالات کاهش یافت و بدین شیوه روایی صوری، محتوایی و سازه ابزار افزایش یافت. همچنین همسو با تحلیل روانسنجی داده‌های مرحله پایلوت، با کمک تیم علمی و اجرایی پژوهش تمامی شاخص‌ها و گویه‌ها به طور کامل و دقیق مورد نظر قرار گرفت و ابهامات احتمالی گویه‌ها به حداقل ممکن رسید و نسخه نهایی پرسشنامه "تعامل سبک زندگی اسلامی و تکنولوژی" آماده شد.

بخش کمی، فاز سوم: پرسشنامه‌ی نهایی شده در فاز دوم در اختیار ۲۲۰۰ نفر از اهالی ساکن شهر تهران قرار گرفت، شیوه‌ی نمونه‌گیری در بخش کمی پژوهش طبقه‌ای بوده و با تسهیم مناسب در مناطق بیست و دو گانه‌ی تهران و در بین طبقات مختلف جامعه توزیع شد.

بخش کمی، فاز چهارم: در این فاز داده‌های حاصل از پرسشنامه با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS و STATISTICA به صورت توصیفی و همبستگی مورد تحلیل قرار گرفت.

بخش کیفی فاز اول: در این فاز، یافته‌های پرسشنامه مورد تدقیق و واری‌سازی قرار گرفت و با استفاده از شیوه‌های مختلف کیفی سعی شد تا یافته‌های بخش کمی مورد تبیین قرار گیرد.

بخش کیفی، فاز دوم: در این فاز علاوه بر تبیین موضوعات حاصل از بخش کمی، زوایا و گوشه‌هایی از کلیت مفهوم که از طریق پرسشنامه درک نشده بود تبیین شد.

۲-۳. جامعه، نمونه، روش نمونه‌گیری و حجم نمونه

جامعه، مجموعه‌ای از اعضای حقیقی یا فرضی است که حداقل دارای یک ویژگی مشترک هستند و از قدمت و بقای حقیقی و حقوقی برخوردارند. در پژوهش، مفهوم جامعه به کلیه افرادی اطلاق می‌شود که عمل تعمیم‌پذیری در مورد آنها صورت می‌گیرد (دلاور، ۱۳۸۳).

در مرحله کیفی با توجه به گستره جامعه مورد مطالعه به منظور انتخاب مواردی که دامنه تغییرات پدیده مورد تحقیق را از ابعاد متنوع نشان دهند از نمونه‌گیری هدفمند طبقه‌ای^۱ (گال و همکاران، ۱۳۸۶، ص. ۳۹۱) استفاده شد و شرکت‌کنندگان از بین عموم مردم جامعه، و همچنین متخصصان در حوزه‌های مختلف انتخاب شدند. نمونه‌گیری در بخش کیفی و انجام مصاحبه تا دستیابی به اشباع^۲ نظری ادامه یافت. مقصود از اشباع نظری، مرحله‌ای است که در آن داده‌های جدیدی در ارتباط با مقوله پدید نیایند، مقوله گستره مناسبی یافته و روابط بین مقوله‌ها برقرار و تأیید شده است (اشتراس و کوربین، ۱۳۸۵).

جامعه آماری در بخش کمی، عموم مردم جامعه در شهر تهران بودند و نمونه‌ی لازم در بخش کمی پژوهش از بین آنها انتخاب شد. با توجه به نیاز پژوهش، از مناطق شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکز شهر تهران، ۱۸۳۹ نفر به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شد.

۳-۳. ابزار اندازه‌گیری، شیوه اجرا و نحوه ارزشیابی آن

گردآوری داده‌های جمع‌آوری شده در مرحله پیش از کمی، به کمک دو راهبرد اصلی صورت پذیرفت: الف) بررسی اسناد و پژوهش‌های پیشین انجام شده در زمینه تعامل و تاثیر تکنولوژی و سبک زندگی اسلامی، ب) انجام مصاحبه با سؤال‌های باز پاسخ. نخست برای دستیابی به گستره موضوع و طراحی سؤال‌های مصاحبه، متون و گزارش پژوهش‌های موجود در این زمینه با رویکرد تحلیل محتوا بررسی شد و در مرحله بعد پس از طراحی سؤال‌های پرسشنامه ابعاد متنوع و آسیب‌های پدیده اصلی در بستر جامعه مورد کاوش قرار گرفت. سه طرح معمول مصاحبه در پژوهش‌های کیفی عبارتند از: مصاحبه محاوره‌ای

1. Stratified purposeful sampling
2. Saturation

غیر رسمی^۱، رویکرد مصاحبه کلی هدایت شده^۲ و مصاحبه استاندارد با سؤالات باز پاسخ^۳ (گال و همکاران^۴، ۱۳۸۶). برای کاوش گسترده تعامل و تاثیر تکنولوژی بر سبک زندگی اسلامی از سؤالات باز پاسخ استفاده شد. نظر به اینکه می‌بایست مصاحبه با طیف متنوعی از افراد انجام شود، برای جلوگیری از سوگیری، سؤال‌های مصاحبه از قبل مشخص شد.

در مرحله کمی، بر مبنای نتایج یافته‌های مراحل پیشین، با استفاده از دستورالعمل طراحی پرسشنامه در پژوهش‌های زمینه‌یابی (بردبرن، سادمن و وانسینک^۵، ۲۰۰۴؛ سیف، ۱۳۹۰؛ هومن، ۱۳۸۶) پرسشنامه لازم برای گردآوری داده‌ها در حجمی وسیع‌تر و با استفاده از نظریه‌های اندازه‌گیری طراحی شد. به منظور تناسب هرچه بیشتر گویه‌های پرسشنامه با یافته‌های مرحله کیفی و درک بهتر آنها توسط شرکت‌کنندگان اکثر سؤالات به صورت مستقیم از متن مصاحبه‌های پیاده شده استخراج شدند.

در راستای نهایی شدن پرسشنامه‌ها با استفاده از نظریه‌های کلاسیک و جدید اندازه‌گیری موارد زیر انجام شد: تجزیه و تحلیل سؤالات^۶؛ بررسی پایایی آزمون^۷؛ بررسی روایی آزمون. جهت بررسی روایی در پژوهش حاضر روایی صوری^۸ و روایی محتوایی^۹ و روایی سازه^{۱۰} مورد نظر بوده است. به منظور حصول روایی محتوا و روایی صوری^{۱۱} ابزار اندازه‌گیری پیش از اجرا، نظر کارشناسان و محققان مربوطه نسبت به معتبر بودن سؤالات پرسشنامه مورد بررسی قرار گرفت، و در عین حال این فرایند تا حدی ادامه یافت تا

1. The informal conversational interview
2. The general interview guide approach
3. Standardized open-ended interview
4. Gall; Gall and Borg
5. Bradburn, Sudman, & Wansink
6. Field testing the items
7. Reliability studies

۸. روایی صوری به منطقی، جالبی و تناسب ظاهری ابزار پژوهش برمی‌گردد و زمانی اهمیت پیدا می‌کند که ظاهر ابزار در انگیزش، رغبت آزمودنی با همکاری و پاسخ دادن به سؤالات داشته باشد (هومن، ۱۳۸۴: ۴۹).

۹. روایی محتوایی یک ابزار، به میزان کفایت پوششی اشاره دارد که محتوای مقیاس‌های به کار رفته در ابزار، تمامی ابعاد مربوط به موضوع مورد مطالعه را در بر می‌گیرند و آنها را تبیین می‌کنند. تعیین اعتبار محتوا با قضاوت انجام می‌شود. چنین قضاوتی درباره‌ی روایی محتوا می‌تواند از سوی پژوهشگر صورت پذیرد یا بر عهده‌ی یک پانل قرار گیرد.

10. Construct validity
11. Face validity

محقق به روایی مورد نظر دست پیدا کرد. روایی سازه^۱ که مهمترین بخش بررسی روایی است در این پژوهش از طریق تحلیل عاملی تأییدی^۲ مورد بررسی قرار گرفت.

لازم به ذکر است که در ساخت و اعتباریابی پرسشنامه مورد نظر با استفاده از نظریه‌های کلاسیک و جدید اندازه‌گیری مراحل زیر طی شده است: تبیین هدف اندازه‌گیری و ماهیت شواهد حاصل برای نمرات حاصل از اجرای ابزار اندازه‌گیری؛ آماده‌سازی ویژگی‌های اندازه‌گیری^۳؛ آماده‌سازی مجموعه سؤال^۴؛ اجرای پیش‌تجربی^۵؛ تجزیه و تحلیل سؤالات^۶؛ مطالعه مقدماتی و اصلاح سؤالات^۷؛ بررسی پایایی آزمون^۸؛ بررسی روایی آزمون^۹ و تبیین سازه مورد نظر^{۱۰}؛ ساخت نهایی آزمون^{۱۱} (همبستگی و سوامیناتان، ۱۹۸۵؛ نانالی و برنشتاین^{۱۲}، ۱۹۹۴). لازم به توضیح است که ابزار مذکور در برگیرنده اطلاعات مورد نیاز در مورد مؤلفه‌های زیربنایی و متغیرهای اثرگذار در بحث سبک زندگی اسلامی در تعامل با تکنولوژی

۱- در بررسی روایی سازه باید به تدوین فرضیه‌هایی درباره مفاهیم اندازه‌گیری شده، آزمودن این فرضیه‌ها و محاسبه همبستگی نتایج با اندازه‌گیری اولیه پرداخت (سرمد و همکاران، ۱۳۸۳). اما در عین حال باید توجه داشت که داده‌های صرفاً آماری تنها گزینه‌ای مناسب برای تبیین روایی سازه نیستند. چه بسا بنا به دلایل گوناگون، علیرغم استفاده از تکنیک‌های پیشرفته و حتی با بهره‌گیری از چرخش‌های متناوب و متعدد، سؤالات طرح شده منطبق با الگوی از پیش تعیین شده نباشد. به همین جهت الگوهای از پیش تعریف شده و مدل اولیه طراحی شده که زیربنای نظری داشته و سؤالاتش با استفاده از تکنیک‌های دیگری (نظیر دلفی و ارزیابی همبستگی بین رتبه‌گذاران) طراحی و طبقه‌بندی شده می‌تواند ملاک عمل قرار گرفته و این خود بیانگر روایی ساختاری یا روایی سازه قابل قبول پرسشنامه یا ابزار مورد استفاده است.

- 2 . Confirmatory factor analysis
- 3 . Preparation of test specifications
- 4 . Preparation of the item pool
- 5 . Pre tryout
- 6 . Field testing the items
- 7 . Pilot study and selection of test items
- 8 . Reliability studies
- 9 . Validity studies

۱۰- روایی یک ابزار عبارت است از میزان کارایی آن برای اندازه‌گیری خصیصه‌ای که به منظور اندازه‌گیری آن خصیصه ساخته شده است (شریفی، ۱۳۸۱؛ هوگان، ۲۰۰۲). به عبارتی منظور آن است که ابزار چه چیزی را می‌سنجد و تا چه اندازه در سنجش آن درست عمل می‌نماید (آناستازی، ۱۹۹۷). پس در مبحث روایی، در حقیقت در پی آن هستیم که آیا ابزار سنجش آنچه را که مورد نظر است می‌سنجد یا نه؟ و اگر پاسخ مثبت است تا چه اندازه از دقت و درستی آن را می‌سنجد؟ بنابراین مقصود از روایی آزمون، مناسب بودن، با معنا بودن و مفید بودن استنباط‌های خاصی است که از روی نمره‌های آزمون یا پرسشنامه به عمل می‌آید (دلاور، ۱۳۹۱؛ هومن، ۱۳۷۶). در عین حال روایی سازه یعنی آزمون صفت یا صفات مورد نظر را تا چه حد خوب اندازه می‌گیرد (ثرندایک، ۱۹۸۲).

- 11 . Final test construction
- 12 . Nunnally & Bernstein

بوده است که این مؤلفه‌ها با توجه به مبانی نظری و پژوهش‌های پیشین و همچنین مصاحبه‌های پیاده شده استخراج شده است.

در عین حال ضریب پایایی پرسشنامه از طریق محاسبه ضریب آلفای کرونباخ^۱ برآورد گردید و سؤالات پرسشنامه قبل از اجرا روی نمونه اصلی تحقیق، طی یک مطالعه مقدماتی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و این فرایند نیز به منظور دستیابی به پایایی از پیش تعیین شده ادامه پیدا کرد. در جدول زیر آلفای کرونباخ به همراه میزان آلفا به‌زای حذف هر سؤال ارائه شده است:

جدول ۳-۱. میزان آلفای کرونباخ برای هر کدام از عوامل پرسشنامه

عامل	تعداد سوال	آلفای کرونباخ
هنگارهای مصرف	۳	۰,۷۳
روابط شخصی	۷	۰,۹۱
نوع تغذیه	۶	۰,۸۸
مدیریت بدن	۶	۰,۸۵
مسئولیت اجتماعی	۴	۰,۷۳
اعمال معنوی	۴	۰,۷۵
اعمال عبادی	۴	۰,۷۷
اوقات فراغت	۳	۰,۶۸
هنگارهای مصرف	۳	۰,۶۶
روابط شخصی	۳	۰,۷۲
نوع تغذیه	۵	۰,۸۶
مدیریت بدن	۳	۰,۶۷
اعمال معنوی	۳	۰,۶۹
اعمال عبادی	۳	۰,۷۲
اوقات فراغت	۳	۰,۵۸

۱- لازم به ذکر است که به منظور بررسی پایایی پرسشنامه روش‌های متعددی وجود دارد که از جمله آنها می‌توان به روش بازآزمایی (test-retest)، روش فرم‌های موازی یا هم‌تا (Parallel Forms)، روش دو نیمه کردن (Split-half Reliability)، محاسبه ضرایب کودر-ریچاردسون (KR20 & KR21) و ضریب آلفای کرونباخ اشاره کرد. بهره‌گیری از هر یک از این روش‌ها و تکنیک‌ها دارای شرایط خاصی بوده و در عین حال هر روش در موارد خاصی دارای بالاترین کارایی است (ر. ک: Anastasi, 1997; Hogan, 2002; Kaplan & Saccuzzo, 2001؛ شریفی، ۱۳۸۱؛ سرمد و همکاران، ۱۳۸۳). نظر به اینکه ابزار اندازه‌گیری میزان تأثیر امواج و تشعشعات آنتن‌های مخابراتی BTS به صورت طیف لیکرت طراحی شده و در واقع از نوع نگرش‌سنج می‌باشد، به همین جهت مناسب‌ترین روش برای محاسبه اعتبار (پایایی)، ضریب آلفای کرونباخ است.

برای بررسی روایی پرسشنامه از تحلیل عاملی استفاده می‌گردد. هدف بیشتر مطالعات تحلیل عاملی، خلاصه کردن ماتریس همبستگی به شیوه‌ای است که بتوان آنها را بر حسب چند عامل زیر بنایی تبیین کرد (کلاین، ۱۳۹۲). معمولاً در تحلیل عاملی اکتشافی هدف کاوش در زمینه‌های مربوط به متغیر به منظور شناسایی عوامل زیربنایی یا زمینه ساز متغیرها است (کرلینجر، ۱۳۷۶). می‌توان به طور خلاصه چنین گفت که روش‌های تحلیل اکتشافی معمولاً به منظور دستیابی به دو هدف مورد استفاده قرار می‌گیرند: هدف اول، تعیین ساختار دامنه‌ای از متغیرها که در یک مقیاس اندازه‌گیری وجود دارد و هدف دوم تلخیص داده‌ها است.

وقتی پژوهشگر تشخیص می‌دهد که تحلیل عاملی تکنیک مناسبی برای حصول اهداف پژوهش است، به منظور تعیین اینکه ماتریس داده‌ها برای تحلیل داده‌ها مناسب است یا نه، لازم است دست کم چند ویژگی را مورد توجه قرار دهد که عبارتند از: الف- ارزشیابی ترکیب ماتریس داده‌ها ۲- حجم گروه نمونه ج- استقلال اندازه‌ها د- معنا و اهمیت ماتریس داده‌ها (هومن، ۱۳۸۰).

به منظور تعیین روایی سازه پرسشنامه به بررسی پیش فرض‌های تحلیل عاملی پرداخته شده است. اندازه‌های KMO بیانگر آن است که همبستگی بین زوج متغیرها را نمی‌توان از طریق سایر متغیرها تبیین کرد، و بنابراین ممکن است کاربرد روش تحلیل عاملی مناسب نباشد. سرنی و کیسلر (۱۹۷۷) معتقدند که وقتی KMO بیش از ۰/۶ باشد به راحتی می‌توان تحلیل عاملی را انجام داد و هر چه این مقدار بیشتر باشد مناسب و کفایت نمونه‌برداری بیشتر خواهد بود. مقدار KMO و نتیجه آزمون کرویت-بارتلت در جدول ۶-۴ نشان داده شده است.

و نتیجه آزمون کرویت بارتلت kmo جدول ۳-۲. اندازه

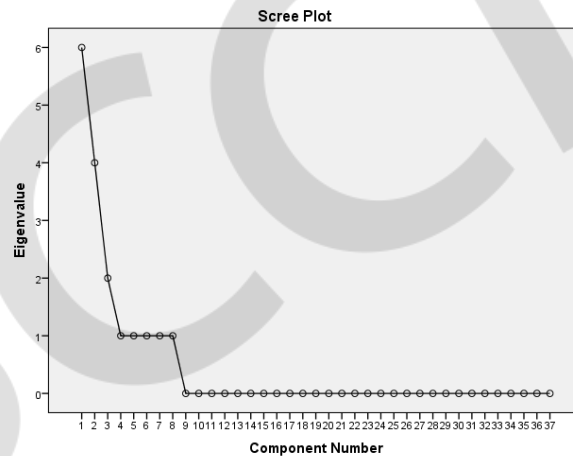
KMO		0.870
بارتلت	مجذورخی	20526.59
	درجات آزادی	666
	معناداری	.000

همان‌طور که در جدول شماره ۳-۲ مشاهده می‌شود مقدار KMO برابر ۰/۸۷. و سطح معنادار بودن کرویته - بارتلت کمتر از ۰/۵. است. بدین ترتیب علاوه بر کفایت نمونه‌برداری، اجرای تحلیل عاملی بر پایه ماتریس همبستگی مورد مطالعه نیز قابل توجیه است.

برای مشخص کردن تعداد عامل‌های استخراجی از ملاک کیسر و ملاک اسکری کتل (نمودار اسکری) استفاده می‌کنیم. با توضیح و اجرای هر دو روش و تلفیق نتایج آنها، تعداد عامل‌ها برای پرسشنامه خانواده زوج‌های شاغل استخراج خواهد شد.

۳-۴. ملاک اسکری کتل

یکی از این روش‌ها و ملاک‌ها استفاده از نمودار سنگریزه ای می‌باشد. کتل و جاسپرز (۱۹۶۷) بیان می‌دارند که تعدادی عامل اصلی که بیشترین واریانس را محاسبه می‌کنند در قسمت شیب دار صخره قرار می‌گیرند و عامل‌های فرعی که واریانس کمتری را محاسبه می‌کنند در قسمت کم عمق. ملاک استخراج عامل‌ها، نقطه‌ی شکستگی در نمودار است.



نمودار ۳-۱ نمودار سنگریزه ای برای مشخص کردن تعداد عامل‌ها

بر اساس نمودار سنگریزه ای کتل، ۸ عامل در قسمت شیب دار نمودار وجود دارند و می‌توان آن‌ها را به عنوان یک عامل مجزا در نظر گرفت.

در نهایت با توجه به نتیجه ملاک کیسر و ملاک اسکری کتل، ۸ عامل به عنوان تعداد عامل‌های استخراجی قابل قبول انتخاب شد و دستورهای لازم برای اجرای تحلیل عاملی اکتشافی به نرم افزار داده شد.

روش پژوهش

برای استخراج عامل‌ها از ماتریس همبستگی به روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی با چرخش واریماکس استفاده شد. زیرا هدف تبیین کل واریانس ماتریس همبستگی بود. بنابراین با دادن ورودی‌های لازم، داده‌ها توسط نرم افزار SPSS تفسیر شدند. جدول زیر وضعیت عامل‌های استخراج شده را نشان می‌دهد.

جدول ۳-۳: شاخص‌های آماری اولیه و استخراجی بعد از چرخش

مؤلفه‌ها			مقدار ویژه اولیه			مجموع مجذور بارهای عاملی استخراج شده		
کل	درصد واریانس	درصد تراکمی	کل	درصد واریانس	درصد تراکمی	کل	درصد واریانس	درصد تراکمی
6.45	17.43	13.96	5.16	13.96	13.96	5.16	13.96	13.96
4.06	10.99	22.75	3.25	8.79	22.75	3.25	8.79	22.75
2.72	7.35	29.89	2.64	7.13	29.89	2.64	7.13	29.89
1.69	4.56	36.79	2.55	6.90	36.79	2.55	6.90	36.79
1.53	4.15	42.03	1.93	5.23	42.03	1.93	5.23	42.03
1.33	3.60	46.41	1.62	4.37	46.41	1.62	4.37	46.41
1.19	3.22	50.42	1.48	4.00	50.42	1.48	4.00	50.42
1.01	2.74	54.07	1.35	3.65	54.07	1.35	3.65	54.07
1.00	2.70				56.77			
.89	2.41				59.19			
.845	2.28				61.47			
.817	2.20				63.68			
.799	2.16				65.84			
.783	2.11				67.96			
.760	2.05				70.01			
.728	1.96				71.98			

جدول ۳-۴: ماتریس شاخص‌های عاملی بعد از چرخش

سوال	عامل اول	عامل دوم	عامل سوم	عامل چهارم	عامل پنجم	عامل ششم	عامل هفتم	عامل هشتم
۱	۰,۷۵							
۲	۰,۶۲							
۳	۰,۵۸							
۴		.67						
۵		.66						
۶		.65						
۷		.63						
۸		.61						
۹		.61						
۱۰		.58						

					.57			۱۱
					.56			۱۲
					.55			۱۳
					.51			۱۴
					.47			۱۵
					.45			۱۶
				.33				۱۷
				.74				۱۸
				.62				۱۹
				.56				۲۰
				.55				۲۱
				.49				۲۲
			.45					۲۳
			.44					۲۴
			.43					۲۵
			.37					۲۶
		.49						۲۷
		.48						۲۸
		.48						۲۹
		.46						۳۰
	.53							۳۱
	.44							۳۲
	.34							۳۳
	.30							۳۴
.47								۳۵
.47								۳۶
.39								۳۷

و نتیجه آزمون کروییت بارتلت KMO جدول ۳-۵: اندازه

KMO		۰,۹۳۴
بارتلت	مجذورخی	15664.129
	درجات آزادی	253
	معناداری	.001

همان‌طور که در جدول شماره ۳-۵ مشاهده می‌شود مقدار KMO برابر ۰/۹۳۴ و سطح معنادار بودن کرویت - بارتلت کمتر از ۰/۵ است. بدین ترتیب علاوه بر کفایت نمونه‌برداری، اجرای تحلیل عاملی بر پایه ماتریس همبستگی مورد مطالعه نیز قابل توجیه است.

جدول ۳-۶. شاخص‌های آماری اولیه و استخراجی بعد از چرخش

مجموع مجذور بارهای عاملی استخراج شده			مقدار ویژه اولیه			مؤلفه‌ها
درصد تراکمی	درصد واریانس	کل	درصد تراکمی	درصد واریانس	کل	
11.61	11.61	2.67	35.55	35.55	8.17	1
21.52	9.91	2.28	42.36	6.80	1.56	2
31.29	9.76	2.24	47.81	5.45	1.25	3
40.41	9.12	2.09	52.42	4.60	1.11	4
48.51	8.10	1.86	56.74	4.31	1.00	5
56.48	7.97	1.83	60.73	3.99	1.00	6
63.94	7.45	1.71	63.94	3.21	۱,۰۰	7
			67.05	3.11	.716	8
			70.08	3.02	.696	9
			72.95	2.87	.662	10
			75.80	2.84	.654	11
			78.53	2.73	.629	12
			81.07	2.53	.583	13
			83.43	2.36	.544	14
			85.68	2.25	.518	15
			87.85	2.16	.498	16

۳-۵. ملاک کیسر

برای تصمیم‌گیری در مورد تعداد عامل‌های استخراجی از ملاک ارزش‌های ویژه‌ی بیشتر از یک کیسر استفاده شد. با توجه به جدول بالا تصمیم به استخراج ۷ عامل از طریق تحلیل عاملی یا کشفی به عمل آمد.

جدول ۳-۷. ماتریس شاخص های عاملی بعد از چرخش

سوال	عامل اول	عامل دوم	عامل سوم	عامل چهارم	عامل پنجم	عامل ششم	عامل هفتم
۳۸	.756						
۳۹	.648						
۴۰	.507						
۴۱		.689					
۴۲		.618					
۴۳		.617					
۴۴			.668				
۴۵			.652				
۴۶			.650				
۴۷			.480				
۴۸			.668				
۴۹				.651			
۵۰				.646			
۵۱				.492			
۵۲					.756		
۵۳					.747		
۵۴					.441		
۵۵						.715	
۵۶						.531	
۵۷						.501	
۵۸							.769
۵۹							.475
۶۰							.440

۳-۶ روش تجزیه و تحلیل داده ها و مدل های آماری مورد استفاده

تجزیه و تحلیل داده ها در دو فاز کیفی و کمی انجام شده است:

۳-۷ فاز کمی پژوهش

در بخش اول فاز کمی که در مورد تولید ابزار بوده است شاخص‌های روانسنجی شامل ضریب دشواری^۱، ضریب تمیز^۲، ضریب پایایی آزمون، و روش لوپ طبق نظریه کلاسیک اندازه‌گیری (همبلتون و سوامیناتان، ۱۹۸۵) محاسبه شدند. دشواری سؤال در نظریه کلاسیک به میانگین افرادی که به سؤال مورد نظر پاسخ صحیح داده‌اند تعریف می‌شود. پارامتر تشخیص سؤال، قدرت سؤال را در تمایزگذاری یا تشخیص آزمودنی‌های سطوح مختلف توانائی نشان می‌دهد؛ یعنی معلوم می‌نماید که سؤال تا چه اندازه می‌تواند گروه‌های مختلف آزمودنی را از هم جدا سازد. در واقع این شاخص نشان‌دهنده همسویی و هماهنگی سؤال با کل آزمون است. البته در آزمون‌های نگرش سنج از ضریب تمیز با عنوان ضریب مقبولیت یاد می‌شود. همچنین شواهد روایی با استفاده از روایی محتوایی و روایی سازه از نوع عاملی و شواهد پایایی با استفاده از ضریب آلفای کرانباخ مورد بررسی قرار گرفت.

در بخش دوم، فاز کمی، به منظور تحلیل داده‌ها از شاخص‌های توصیفی، تحلیل عاملی تأییدی^۳ (CFA) مرتبه اول (مک دونالد، ۱۹۶۷؛ نانالی، ۱۹۷۸؛ نانالی و برنشتاین، ۱۹۹۴)، تحلیل واریانس یکراهه، آزمون تعقیبی توکی برای n ‌های نامساوی، تحلیل رگرسیون چندگانه و مفروضه‌های این روشهای آماری استفاده شده است.

۳-۸ فاز کیفی پژوهش

داده‌های کیفی پژوهش از طریق فرایند کدگذاری^۴، مبتنی بر طرح نظام‌دار نظریه داده بنیاد اشتراس و کوربین (۱۳۸۵) تحلیل شدند. کدگذاری در روش نظریه زمینه‌ای، نشان‌دهنده عملیاتی است که در آن داده‌ها خرد شده، مفهوم‌پردازی می‌شوند و آنگاه با روش‌های تازه، دوباره به هم پیوند می‌خورند (اشتراس و کوربین، ۱۳۸۵، ص. ۵۷). هدف از تحلیل داده‌های کیفی کاوش مقوله‌ها، سازه‌ها، مفاهیم و ابعاد مشترک؛ کشف روابط بین این سازه‌ها؛ و تبیین یافته‌های بخش کمی است. در روش نظام‌دار نظریه زمینه‌ای مراحل

1 . Item Difficulty
2 . Item Discrimination
3. Confirmatory Factor Analysis
4. Coding

تحلیل داده‌ها از طریق کدگذاری باز^۱، کدگذاری محوری^۲ و کدگذاری گزینشی^۳ انجام می‌شود و به عرضه پارادایم منطقی یا تصویر تجسمی از نظریه در حال تکوین پایان می‌یابد (بازرگان، ۱۳۸۷).

کدگذاری باز عبارت است از «فرایندی تحلیلی که از طریق آن مفاهیم مشخص شده و ویژگی‌ها و ابعاد آنها از درون داده‌ها کشف می‌شوند (اشتراس و کورین، ۱۳۸۵). هدف از کدگذاری محوری «شروع فرایند پیونددهی داده‌هایی است که در طی فرایند کدگذاری باز شکسته شده‌اند» (ص. ۱۲۴). در کدگذاری محوری، مقوله‌ها با مقوله‌های فرعی مرتبط می‌شوند. در مرحله کدگذاری محوری پژوهشگر یک مقوله کدگذاری باز را انتخاب می‌کند (به عنوان مقوله یا پدیده اصلی) و در مرکز فرایند مورد بررسی قرار می‌دهد، سپس سایر مقوله‌ها را به آن مرتبط می‌کند. سایر مقوله‌ها متشکل از شرایط علی (عواملی که مقوله اصلی را تحت تأثیر قرار می‌دهند)، راهبردها (اقداماتی که در رابطه با مقوله اصلی انجام می‌شود)، شرایط زمینه‌ای و واسطه‌ای (عوامل محیطی و زمینه‌ای ویژه‌ای که راهبرد را تحت تأثیر قرار می‌دهند)، و عواقب (پیامدهای حاصل از راهبردها) هستند. انجام این مرحله مستلزم ترسیم شکلی است که نمودار کدگذاری نامیده می‌شود. این نمودار رابطه میان شرایط علی، راهبردها، شرایط محیطی، زمینه ویژه و پیامدهای حاصل را نشان می‌دهد (بازرگان، ۱۳۸۷، ص. ۱۰۰).

-
1. Open Coding
 2. Axial Coding
 3. Selective Coding

فصل چهارم

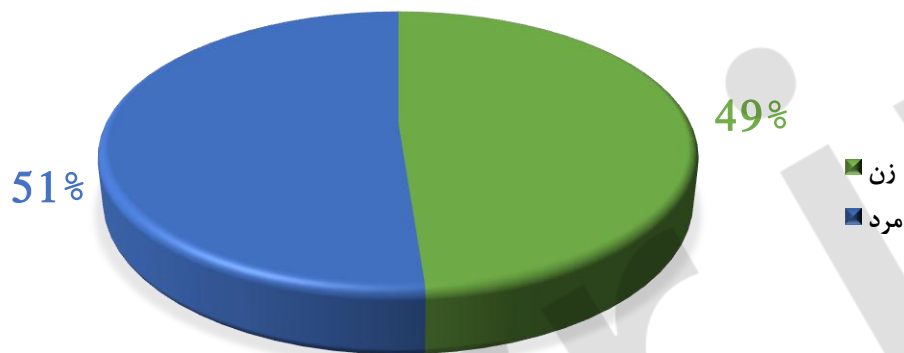
تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش

در این فصل به بررسی یافته‌های پژوهش دو دببخش کمی و کیفی پرداخته خواهد شد

۴-۱ توصیف آماری بخش کمی پژوهش

در این بخش به توصیف آماری نمونه مشارکت کننده در بخش کمی پژوهش گزارش می‌شود

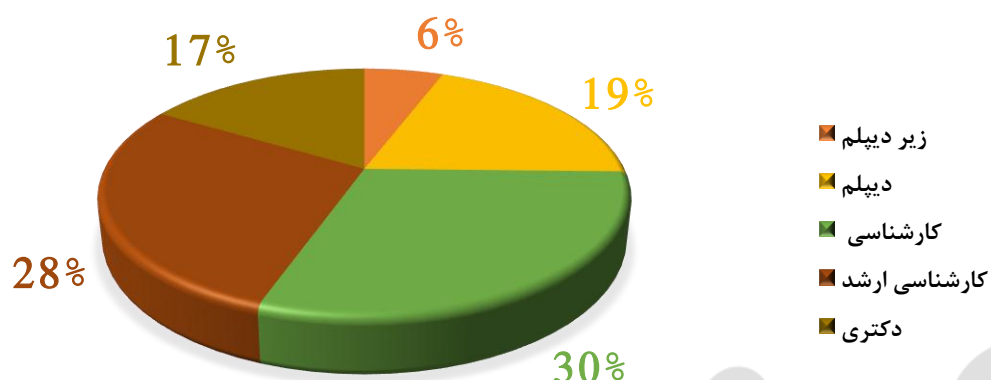
مشارکت کنندگان به تفکیک جنسیت



شکل ۴-۱. مشارکت کنندگان به تفکیک جنسیت

همانگونه که از شکل ۴-۱ مشخص است، ۴۹٪ مشارکت کنندگان زن و ۵۱٪ مرد بودند که به تقریب می‌توان گفت که نیمی از آنان زن و نیم دیگر مرد بوده و سوگیری جنسیتی در پژوهش و نتایج آن وجود ندارد.

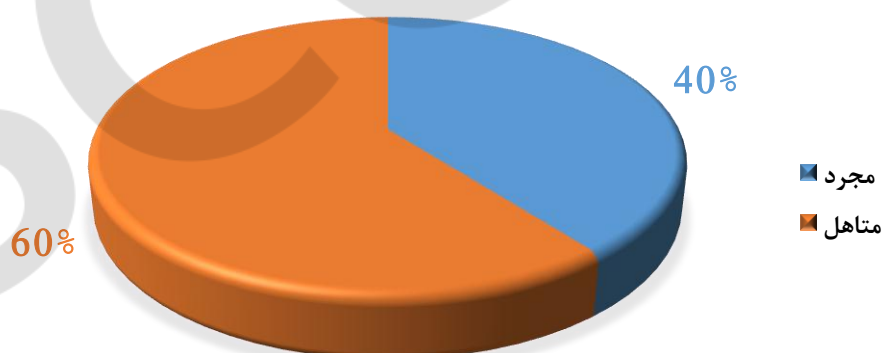
مشارکت کنندگان به تفکیک تحصیلات



شکل ۴-۲. مشارکت کنندگان به تفکیک جنسیت

همانگونه که از شکل ۴-۲ مشخص است بیشترین مشارکت کنندگان (۳۰٪) در این پژوهش دارای مدرک کارشناسی و کمترین مشارکت کنندگان (۶٪) مدرک زیر دیپلم داشتند، سپس دکتری با ۱۷٪، دیپلم با ۱۹٪ و کارشناسی ارشد با ۲۸٪ در مرتبه‌های بعدی قرار داشتند.

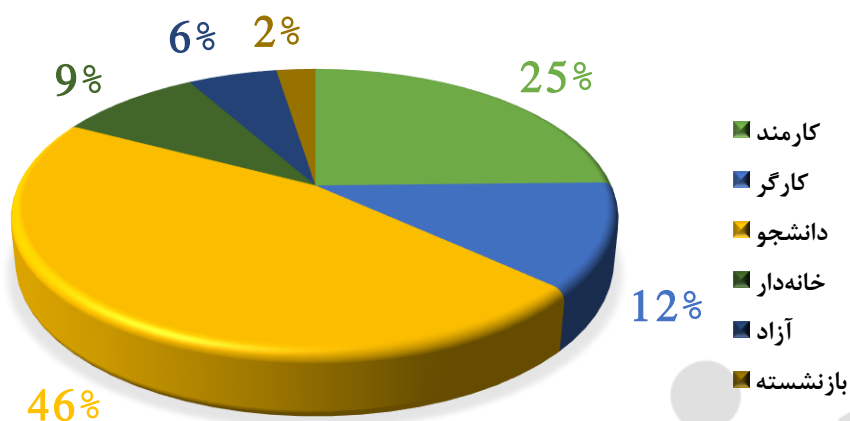
مشارکت کنندگان به تفکیک وضعیت تأهل



شکل ۴-۳. مشارکت کنندگان به تفکیک وضعیت تأهل

همانگونه که از شکل ۴-۳ مشخص است، افراد مجرد ۴۰٪ و افراد متاهل ۶۰٪ نمونه مورد پژوهش را تشکیل می‌دادند.

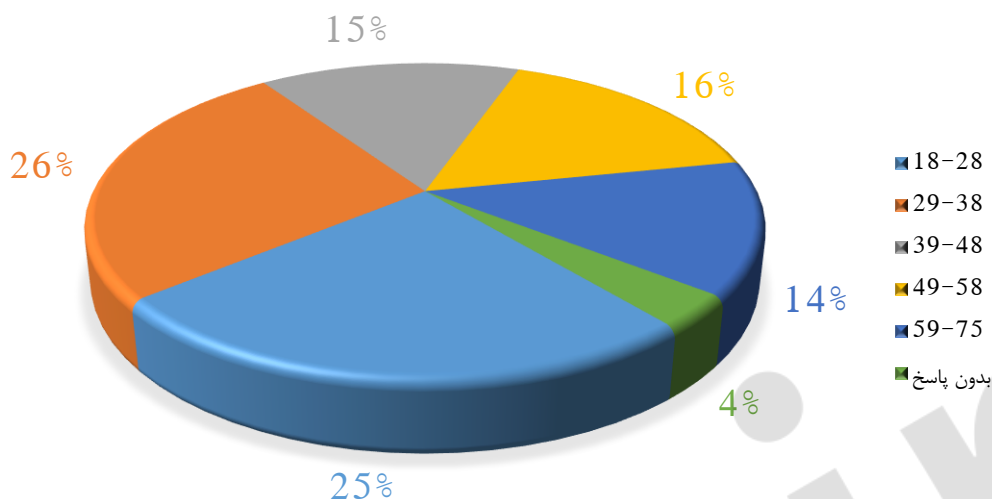
مشارکت کنندگان به تفکیک شغل



شکل ۴-۴. مشارکت کنندگان به تفکیک شغل

همانگونه که از شکل ۴-۴ مشخص است، دانشجویان با ۴۶٪ بیشترین و بازنشستگان با ۲٪ کمترین میزان مشارکت را در این پژوهش داشتند. افراد دارای مشاغل آزاد با ۶٪، افراد خانه‌دار با ۹٪، کارگران با ۱۲٪ و کارمندان با ۲۵٪ دیگر جمعین نمونه را تشکیل می‌دادند.

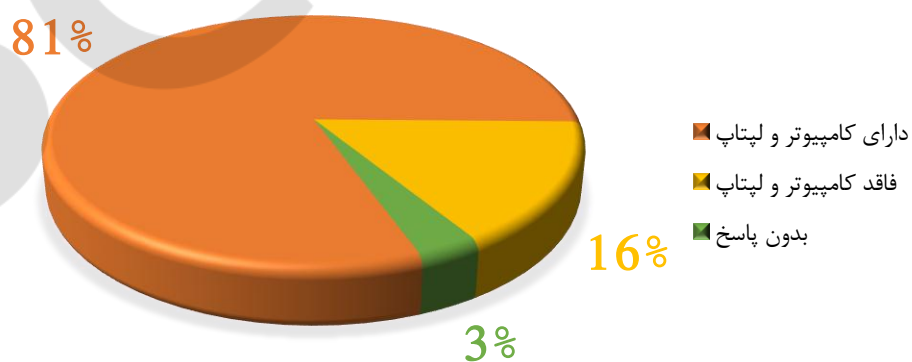
مشارکت کنندگان به تفکیک طبقه سنی



شکل ۴-۵. مشارکت کنندگان به تفکیک طبقه سنی

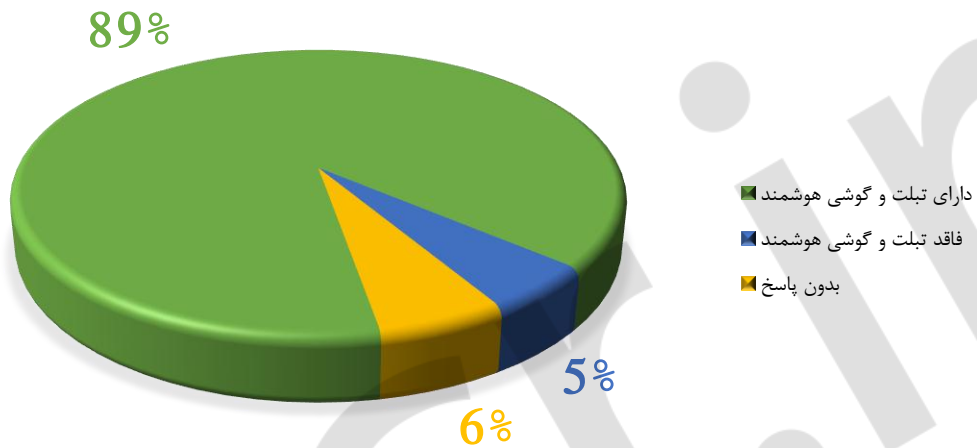
بر مبنای شکل ۴-۵ مشخص است که ۲۶٪ مشارکت کنندگان در این پژوهش ۲۹ تا ۳۸ ساله و ۲۵٪ ۱۸ تا ۲۸ ساله بودند. سپس به ترتیب ۳۹ تا ۴۸ سالگان با ۱۶٪، ۴۹ تا ۵۸ سالگان با ۱۵٪ و ۵۹ تا ۷۵ سالگان با ۱۴٪ در رتبه‌های قرار داشتند. ۴٪ از مشارکت کنندگان نیز سن خود را اعلام نکرده بودند.

مشارکت کنندگان از حیث داشتن کامپیوتر و لپتاپ



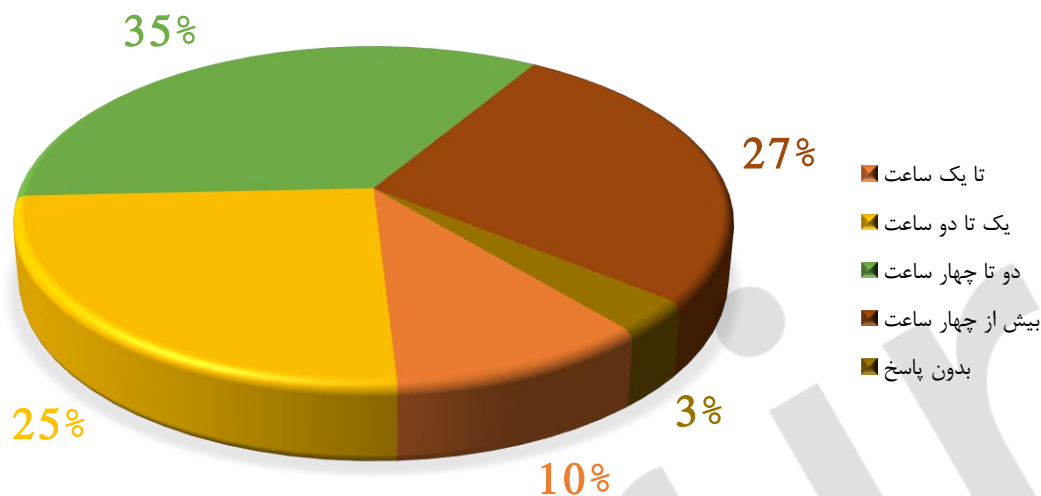
شکل ۴-۶. مشارکت کنندگان از حیث داشتن کامپیوتر و لپتاپ
بر مبنای شکل ۴-۶ مشخص است که ۸۱٪ از مشارکت کنندگان از کامپیوتر و لپتاپ استفاده
می کرده اند و ۱۶٪ اظهار داشتند که از این ابزار استفاده نمی کرده اند.

مشارکت کنندگان از حیث داشتن تبلت و گوشی هوشمند



شکل ۴-۷. مشارکت کنندگان از حیث داشتن تبلت و گوشی هوشمند
بر مبنای شکل ۴-۶ مشخص است که ۸۹٪ از مشارکت کنندگان از تبلت و گوشی هوشمند استفاده
می کرده اند و ۶٪ اظهار داشتند که از این ابزار استفاده نمی کرده اند.

مدت زمان استفاده از ابزار تکنولوژیک



شکل ۴-۸. مدت زمان استفاده از ابزار تکنولوژیک

همانگونه که از شکل ۴-۸ قابل برداشت است، ۳۵٪ افراد بین دو تا چهار ساعت از ابزاری مانند تلفن، کامپیوتر، لپتاپ و... استفاده می‌کنند، پس از آن ۲۷٪ از افراد با مدت زمان استفاده بیش از چهار ساعت قرار دارند و افرادی که بین یک تا دو ساعت از این ابزار استفاده می‌کنند ۲۵٪ و در نهایت ۱۰٪ جامعه تا یک ساعت کاربر اینگونه ابزار هستند.

۴-۲. بخش کمی پژوهش

به منظور تجزیه و تحلیل داده‌های آماری پژوهش حاضر، ابتدا اطلاعات حاصل از پرسشنامه‌ها استخراج و در جدول اطلاعات کلی یا جدول مادر تنظیم شد، سپس کلیه داده‌ها با استفاده از کامپیوتر و از طریق نرم افزارهای آماری به ویژه نرم افزارهای SPSS(21.0) در دو بخش روش‌های توصیفی و استنباطی (پارامتریک و ناپارامتریک) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

در تجزیه و تحلیل توصیفی، به تفکیک مرحله‌های پژوهش، شاخص‌های توصیفی نمرات حاصل از اجرای پرسشنامه‌های پژوهش بر روی عموم مردم محاسبه شده است. همچنین همبستگی عامل‌ها و معناداری این ضرایب همبستگی مورد توجه بوده است. در بخش روش‌های استنباطی به منظور آزمون فرضیه‌های تحقیق و به عبارتی تعمیم نتایج بدست آمده از نمونه به جامعه آماری پژوهش، از آزمون معناداری ضریب همبستگی، تحلیل عاملی تأییدی^۱ (CFA) مرتبه اول، تحلیل واریانس یکراهه، آزمون تعقیبی توکی برای nهای نامساوی، تحلیل رگرسیون چندگانه و مفروضه‌های این روشهای آماری استفاده شد که نتایج در جداول زیر ارائه شده است. لازم به ذکر است که قبل از انجام تحلیل نهایی اقدام به سرند داده‌ها^۲ شد. بدین منظور مقادیر پرت^۳ برای هر یک از متغیرها کنار گذاشته شد؛ پاسخگویان با الگوهای پاسخ مشابه و پاسخگویان با الگوهای پاسخ نامتعارف حذف گردیدند؛ داده‌های بدون پاسخ با استفاده از الگوریتم EM جایگزین شدند؛ و داده‌ها از لحاظ نرمال بودن چندمتغیری و همگنی (پیش فرض آزمون‌های چندمتغیری) بررسی شدند؛ همچنین پرسشنامه‌های برخی از پاسخگویان به دلیل ناقص بودن کنار گذاشته شد.

جدول ۴-۱. آمار توصیفی عامل‌های پرسشنامه

عامل	تعداد	مینیمم	ماکزیمم	میانگین	انحراف استاندارد
وضعیت موجود	۱۸۳۹	۲۲.۲۳	۱۰۰	۶۰.۶۹۶۲	۱۲.۹۹
	۱۸۳۹	۳۰.۹۶	۹۷.۶۲	۶۲.۸۸۹۷	۱۰.۸۸
	۱۸۳۹	۲۵	۹۴.۴۵	۶۵.۷۶۴۹	۹.۸۵
	۱۸۳۹	۳۰.۵۶	۹۷.۲۳	۷۲.۵۵۰۲	۹.۴۹
	۱۸۳۹	۱۶.۶۷	۱۰۰	۵۸.۸۰۳۲	۱۳.۵۴
	۱۸۳۹	۱۶.۶۷	۱۰۰	۵۵.۷۴۳۸	۱۵.۳۸
	۱۸۳۹	۱۶.۶۷	۱۰۰	۵۳.۲۶۹۴	۱۵.۲۷
	۱۸۳۹	۱۶.۶۷	۱۰۰	۶۵.۶۰۵۷	۱۳.۲۴
دلیل تغییر	۱۸۳۹	۳۳.۳۴	۱۰۰	۷۷.۶۴۲۶	۱۳.۷۸
	۱۸۳۹	۲۶.۶۷	۱۰۰	۷۴/۶۹	۱۲.۹۸

1. Confirmatory Factor Analysis
2. Data Screening
3. Outlier

تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش

15.21	77.4428	100	16.67	۱۸۳۹		نوع تغذیه
14.09۳	74.1624	100	22.23	۱۸۳۹		مدیریت بدن
15.84804	73.7902	100	16.67	۱۸۳۹		اعمال معنوی
16.45605	71.9320	100	16.67	۱۸۳۹		اعمال عبادی
12.99740	60.6962	100	22.23	۱۸۳۹		اوقات فراغت

همانگونه که مشخص است در بخش اول پرسشنامه بالاترین میانگین متعلق به مدیریت بدن با انحراف استاندارد ۹/۴۹ و کمترین میانگین به اعمال عبادی با ۵۳/۲۶ با انحراف استاندارد ۱۵/۲۷ تعلق دارد و در دومین بخش پرسشنامه بالاترین میانگین در اختیار نوع تغذیه با ۷۷/۴۴ و انحراف استاندارد ۱۵/۲۱ است و کمترین میانگین در عامل اوقات فراغت با ۶۰/۶۹ با انحراف استاندارد ۱۲/۹۹ دیده می‌شود.

در جدول‌های ۲-۴ و ۳-۴ عامل‌ها به تفکیک جنسیت اعلام شده‌اند.

جدول ۲-۴ توصیف آماری عامل‌های پرسشنامه در مردان

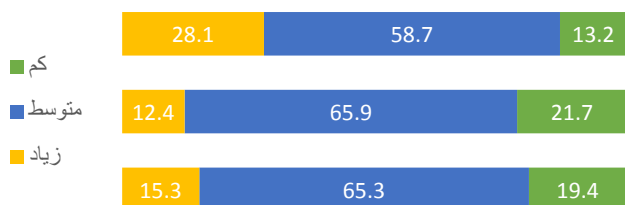
انحراف استاندارد	میانگین	ماکزیمم	مینیمم	تعداد	وضعیت موجود	عامل
12.99	60.69	100	22.23	1839	وضعیت موجود	هنجارهای مصرف
10.88	62.88	97.62	30.96	1839		روابط شخصی
9.85	65.76	94.45	25	1839		نوع تغذیه
9.49	72.55	97.23	30.56	1839		مدیریت بدن
13.54	58.80	100	16.67	1839		مسئولیت اجتماعی
15.38	55.74	100	16.67	1839		اعمال معنوی
15.27	53.26	100	16.67	1839		اعمال عبادی
13.2	65.60	100	16.67	1839		اوقات فراغت
14.80	77.02	100	33.34	1839	وضعیت ناموجود	هنجارهای مصرف
13.78	77.64	100	33.34	1839		روابط شخصی
12.98	74.69	100	26.67	1839		نوع تغذیه
15.21	77.44	100	16.67	1839		مدیریت بدن

14.09	74.16	100	22.23	1839		اعمال معنوی
15.84	73.79	100	16.67	1839		اعمال عبادی
16.45	71.93	100	16.67	1839		اوقات فراغت

جدول ۴-۳ توصیف آماری عامل‌های پرسشنامه در زنان

انحراف استاندارد	میانگین	ماکزیمم	مینیمم	تعداد		عامل
13.34	60.77	100	23.50	897	وضعیت موجود	هنجارهای مصرف
10.61	63.45	97.62	30.96	897		روابط شخصی
9.36	66.24	94.45	41.67	897		نوع تغذیه
8.80	72.06	91.67	38.89	897		مدیریت بدن
13.67	59.44	100	16.67	897		مسئولیت اجتماعی
15.79	57.42	100	16.67	897		اعمال معنوی
15.65	54.64	95.84	16.67	897		اعمال عبادی
12.35	66.06	100	27.78	897		اوقات فراغت
13.72	76.95	100	33.34	897	دلیل تغییر	هنجارهای مصرف
12.98	73.18	100	26.67	897		روابط شخصی
14.78	76.63	100	16.67	897		نوع تغذیه
14.26	74.05	100	22.23	897		مدیریت بدن
15.83	72.90	100	16.67	897		اعمال معنوی
16.61	70.89	100	16.67	897		اعمال عبادی
13.34	60.77	100	23.50	897		اوقات فراغت

در ادامه وضعیت هر کدام از عامل‌ها در سطح جامعه به همراه تحلیل گویه به گویه آن‌ها گزارش می‌شود.

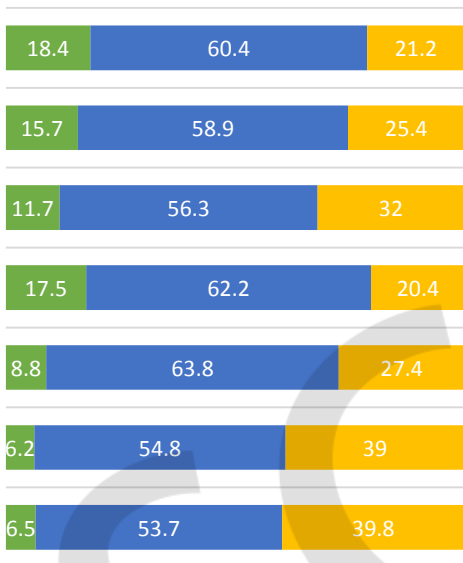


هنجار مصرف در حال حاضر در اندازه ۶۰٪ گزارش شده است که معنای آن این است که عموم مردم بر این باورند که ۶۰٪ جنس زندگی ایرانیان در این عامل از سبک زندگی اسلامی تبعیت می‌کند.

سوال	میانگین
به چه مقدار ایرانیان به کسب رزق حلال پایبند هستند؟	57.40
به چه میزان در الگوی خرید خانواده ایرانی به مارک و برند توجه می‌شود؟	57.10
تا چه میزان خرید خانوار در ایران بر اساس نیاز واقعی خانواده است؟	57.40



روابط شخصی در حال حاضر در اندازه ۶۲٪ گزارش شده است که معنای آن این است که عموم مردم براین باورند که ۶۲٪ جنس زندگی ایرانیان در این عامل از سبک زندگی اسلامی تبعیت می کند



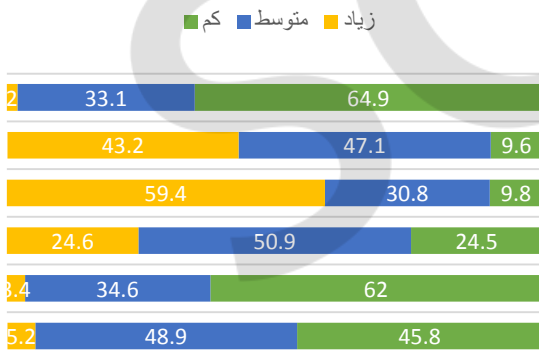
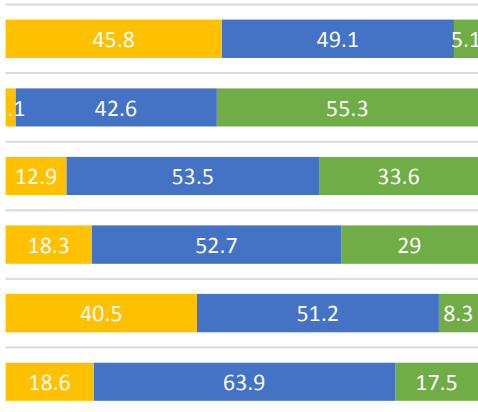
میانگین	سوال
59.33	به چه میزان تصمیم گیری در خانواده های ایرانی با مشورت همه اعضا است؟
60.80	تا چه حد در خانواده های ایرانی، روابط دوستی خارج از چارچوب رواج دارد؟
65.26	تا چه اندازه اعضا خانواده ایرانی نسبت به حل مشکلات یکدیگر احساس وظیفه می کنند؟
58.95	به چه مقدار والدین در خانواده های ایرانی از عملکرد فرزندان مطلع هستند؟
63.56	تا چه حد اعضا خانواده ایرانی بر اساس قواعد اسلامی و عرف، به وظایف خود پایبند هستند؟
69.23	تا چه اندازه اعضای خانواده های ایرانی به یکدیگر احترام می گذارند؟
69.01	تا چه میزان رفت و آمد با اقوام در خانواده های ایرانی مهم است؟



نوع تغذیه در حال حاضر در اندازه ۶۵٪ گزارش شده است که معنای آن این است که عموم مردم براین باورند که ۶۵٪ جنس زندگی ایرانیان در این عامل از سبک زندگی اسلامی تبعیت می کند.

میانگین	سوال
---------	------

تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش



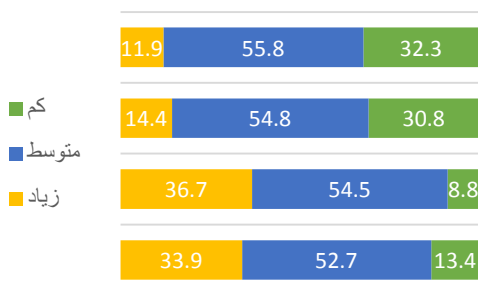
72.44	تا چه حد در خانواده ایرانی در تهیه غذا به حلال بودن مواد آن توجه می‌شود؟
45.71	تا چه میزان اعضای خانواده‌های ایرانی در خوردن غذا پر خوری می‌کنند؟
53.35	به چه مقدار در خانواده‌های ایرانی، تمایل به فست‌فود (مانند ساندویچ و پیتزا) وجود دارد؟
53.73	چقدر در خانواده‌های ایرانی اصولی مانند جویدن غذا، بین غذا آب نخوردن و غیره رعایت می‌شود؟
69.34	تا چه میزان در بین خانواده‌های ایرانی با هم غذا خوردن (دور یک سفره بودن) مهم است؟
58.65	تا چه اندازه در خانواده ایرانی به خوردن غذای سالم اهمیت داده می‌شود؟

مدیریت بدن در حال حاضر در اندازه ۷۳٪ گزارش شده است که معنای آن این است که عموم مردم بر این باورند که ۷۳٪ جنس زندگی ایرانیان در این عامل از سبک زندگی اسلامی تبعیت می‌کند

میانگین	سوال
37.89	تا چه حد استفاده از عمل‌های زیبایی در بین ایرانیان رواج پیدا کرده است؟
69.48	چقدر ایرانیان به نظافت شخصی اهمیت می‌دهند؟
76.60	میزان استفاده از مواد آرایشی در بین ایرانیان تا چه اندازه متناسب است؟
58.25	تا چه اندازه ایرانیان با هدف سالم بودن ورزش می‌کنند؟
41.25	تا چه حد ایرانیان بیش از حد برای آرایش، وقت می‌گذارند؟
48.24	تا چه اندازه پوشش ایرانیان با پوشش غربی‌ها مشابه شده است؟



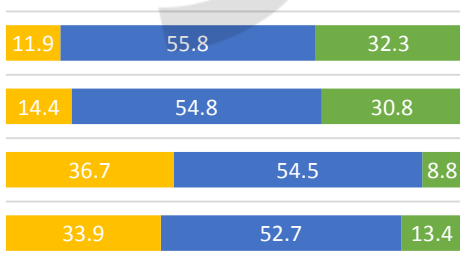
مسئولیت اجتماعی در حال حاضر در اندازه ۵۸٪ گزارش شده است که معنای آن این است که عموم مردم براین باورند که ۵۸٪ جنس زندگی ایرانیان در این عامل از سبک زندگی اسلامی تبعیت می کند



سوال	میانگین
چقدر خانواده های ایرانی به پرداخت خمس و زکات پایبند هستند؟	51.04
تا چه میزان در بین ایرانیان حفظ محیط زیست از اولویت برخوردار است؟	51.20
تا چه حد در بین خانواده های ایرانی حرمت سالمندان رعایت می شود؟	67.38
تا چه اندازه خانواده های ایرانی به محرومان کمک می کنند؟	65.59

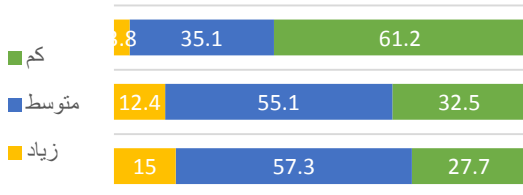


اعمال معنوی در حال حاضر در اندازه ۵۴٪ گزارش شده است که معنای آن این است که عموم مردم براین باورند که ۵۴٪ جنس زندگی ایرانیان در این عامل از سبک زندگی اسلامی تبعیت می کند



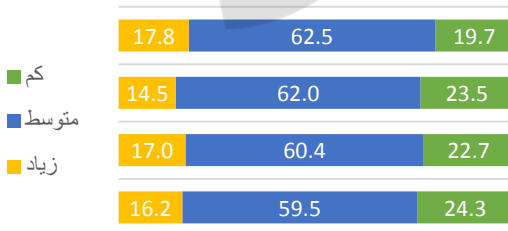
سوال	میانگین
چقدر خانواده های ایرانی به پرداخت خمس و زکات پایبند هستند؟	51.04
تا چه میزان در بین ایرانیان حفظ محیط زیست از اولویت برخوردار است؟	51.20
تا چه حد در بین خانواده های ایرانی حرمت سالمندان رعایت می شود؟	67.38
تا چه اندازه خانواده های ایرانی به محرومان کمک می کنند؟	65.59

تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش



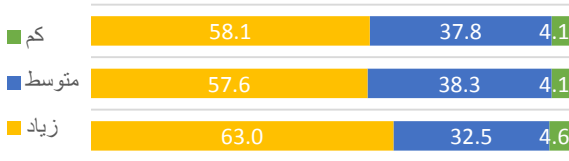
اوقات فراغت در حال حاضر در اندازه ۶۵٪ گزارش شده است که معنای آن این است که عموم مردم براین باورند که ۶۵٪ جنس زندگی ایرانیان در این عامل از سبک زندگی اسلامی تبعیت می‌کند.

سوال	میانگین
تا چه حد کودکان به بازی‌های کامپیوتری تمایل دارند؟	41.58
تا چه اندازه سبک تفریحات و گذران اوقات فراغت ایرانیان غربی شده است؟	53.60
چقدر به نیازهای کودکان برای بازی در طبیعت و فضای باز اهمیت داده می‌شود؟	54.17



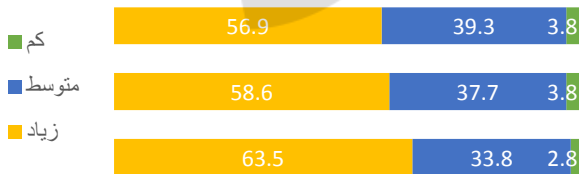
اعمال عبادی در حال حاضر در اندازه ۵۱٪ گزارش شده است که معنای آن این است که عموم مردم براین باورند که ۵۱٪ جنس زندگی ایرانیان در این عامل از سبک زندگی اسلامی تبعیت می‌کند

سوال	میانگین
تا چه میزان ایرانیان به راست‌گویی و صداقت پایبند هستند؟	49.87
چقدر والدین ایرانی به فرزندان خود، قرآن و حدیث آموزش می‌دهند؟	51.86
تا چه اندازه ایرانیان به امانت‌داری پایبند هستند؟	56.04
تا چه حد ایرانیان یکدیگر را از انجام کارهای بد نهی می‌کنند؟	55.31



در عامل هنجار مصرف اعتقاد عمومی بر آن بود که تا اندازه ۷۸٪ این عامل تحت تأثیر فناوری قرار گرفته و به دلیل تکنولوژی دستخوش تغییرات شده و از سبک زندگی اسلامی دور شده است

سوال	میانگین
تا چه حد تبلیغات باعث افزایش تمایل به خرید مارک و برندها شده است؟	76.41
تا چه اندازه وجود تبلیغات، میل به خرید کالای غیر ضروری را افزایش داده است؟	76.52
تا چه اندازه وجود تبلیغات، باعث مصرف گرایی شده است؟	78.15



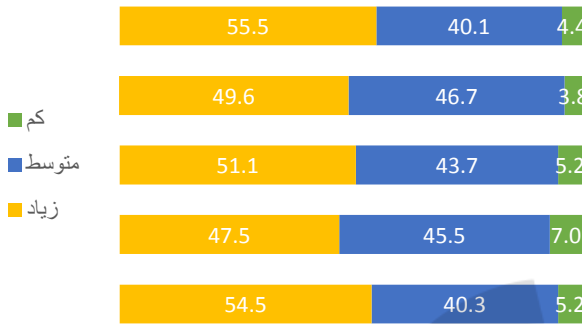
در عامل روابط شخصی اعتقاد عمومی بر آن بود که تا اندازه ۷۴٪ این عامل تحت تأثیر فناوری قرار گرفته و به دلیل تکنولوژی دستخوش تغییرات شده و از سبک زندگی اسلامی دور شده است

سوال	میانگین
تا چه مقدار زندگی در کلان شهرها منجر به کاهش دید و بازدید شده است؟	76.57
تا چه اندازه روابط خانواده‌های ایرانی تحت تأثیر رسانه‌ها تغییر کرده است؟	76.90
تا چه اندازه تأثیر شبکه‌های اجتماعی باعث دوری اعضای خانواده‌های ایرانی شده است؟	79.45

تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش



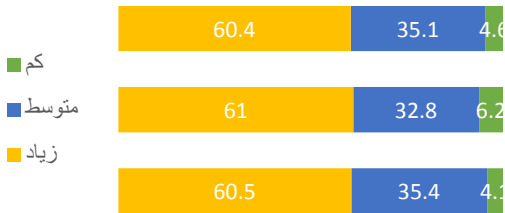
در عامل نوع تغذیه اعتقاد عمومی بر آن بود که تا اندازه ۷۸٪ این عامل تحت تأثیر فناوری قرار گرفته و به دلیل تکنولوژی دستخوش تغییرات شده و از سبک زندگی اسلامی دور شده است



میانگین	سوال
75.38	تا چه میزان کشت صنعتی میوه‌ها و سبزیجات باعث افت کیفیت آن‌ها شده است؟
74	چقدر نحوه زندگی در کلان‌شهرها، با هم غذا خوردن (دور یکسره بودن) را کاهش داده است؟
74.47	تا چه حد سبک زندگی کلان‌شهرها، باعث گرایش به پر خوری/بدخوری شده است؟
72.45	تا چه میزان غذاهای صنعتی (مانند کنسروها) باعث کاهش مصرف غذاهای سنتی شده است؟
74.81	تا چه اندازه تبلیغات باعث رواج فست‌فودها در بین ایرانی‌ها شده است؟

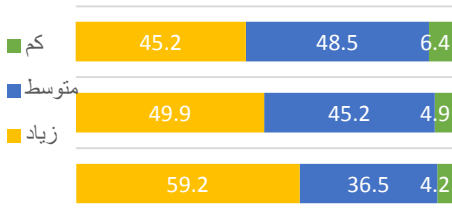


در عامل مدیریت اعتقاد عمومی بر آن بود که تا اندازه ۷۴٪ این عامل تحت تأثیر فناوری قرار گرفته و به دلیل تکنولوژی دستخوش تغییرات شده و از سبک زندگی اسلامی دور شده است.



میانگین	سوال
77.28	تا چه اندازه تبلیغ فرهنگ غربی، باعث گرایش جوانان به استفاده از پوشش غربی شده است؟
77.06	تا چه حد تبلیغات باعث افزایش احساس نیاز به عمل‌های زیبایی و یا رواج آنها شده است؟
78	تا چه اندازه آرایش ایرانی‌ها به دلیل تبلیغات گوناگون رسانه‌ها افزایش یافته است؟

تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش



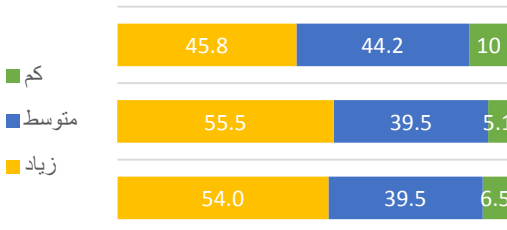
در عامل اعمال معنوی اعتقاد عمومی بر آن بود که تا اندازه ۷۴٪ این عامل تحت تأثیر فناوری قرار گرفته و به دلیل تکنولوژی دستخوش تغییرات شده و از سبک زندگی اسلامی دور شده است

سوال	میانگین
تا چه حد زندگی در کلان شهرها باعث شده وفای به عهد کم اهمیت شود؟	75.38
تا چه میزان تبلیغات و رسانه‌ها تا چه اندازه دروغ‌گویی را در کشور رواج داده‌اند؟	74
چقدر زندگی در کلان شهرها باعث شده مردم در رفتار خود عجول و کم حوصله شوند؟	74.47



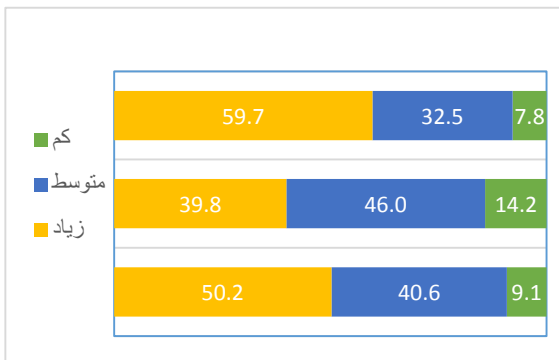
در عامل اعمال عبادی اعتقاد عمومی بر آن بود که تا اندازه ۷۳٪ این عامل تحت تأثیر فناوری قرار گرفته و به دلیل تکنولوژی دستخوش تغییرات شده و از سبک زندگی اسلامی دور شده است

سوال	میانگین
تا چه اندازه رواج برخی مراسم (کریسمس و ولنتاین) بر اثر تبلیغات خارجی بوده است؟	70.86
تا چه میزان باور به ارزش‌های مذهبی در اثر رواج ماهواره و اینترنت کم رنگ شده است؟	75.87
تا چه اندازه انجام برخی از اعمال دینی (مثل نماز و روزه و حج) در اثر تبلیغات رسانه‌ها کاهش یافته است؟	74.64





در عامل اوقات فراغت اعتقاد عمومی بر آن بود که تا اندازه ۶۰٪ این عامل تحت تأثیر فناوری قرار گرفته و به دلیل تکنولوژی دستخوش تغییرات شده و از سبک زندگی اسلامی دور شده است



میانگین	سوال
77.20	چقدر گوشی‌ها و تبلت‌ها باعث شده بازی گروهی بین کودکان رواج کمتری داشته باشد؟
66.78	تا چه اندازه معتقدید که رواج برخی تفریحات ناسالم (مانند قلیان) در اثر تبلیغات بوده است؟
71.82	تا چه اندازه سبک تفریحات و گذران اوقات فراغت ایرانیان در اثر تبلیغات غربی شده است؟

۳-۴ بررسی تفاوت بین زنان و مردان

با استفاده از آزمون t مشخص شد که در روابط شخصی، نوع تغذیه، مسئولیت اجتماعی، اعمال معنوی، اعمال عبادی زنان بیشتر از مردان به رعایت شدن سبک زندگی اسلامی معتقد بودند و مردان در مولفه مدیریت بدن بیش از زنان این اعتقاد را داشتند.

جدول ۴-۴ تفاوت زنان و مردان در نگرش به وضعیت سبک زندگی اسلامی

متغیر	f	معناداری	t	درجات آزادی	معناداری	اختلاف میانگین
هنجارهای مصرف	5.60	.018	.248	1837	.804	.150
روابط شخصی	2.17	.141	2.185	1837	.029	1.108
نوع تغذیه	10.88	.001	2.054	1837	.040	.943
مدیریت بدن	11.09	.001	-2.122	1837	.034	-.938
مسئولیت اجتماعی	.10	.746	1.975	1837	.048	1.247
اعمال معنوی	5.57	.018	4.588	1837	.001	3.274
اعمال عبادی	2.48	.115	3.788	1837	.001	2.690

تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش

.891	.149	1837	1.443	.002	10.08	اوقات فراغت
------	------	------	-------	------	-------	-------------

با استفاده از آزمون t مشخص شد که در روابط شخصی، نوع روابط شخصی، نوع تغذیه، مدیریت بدن و اعمال عبادی مران بیشتر از زنان به تغییر سبک زندگی اسلامی در اثر تکنولوژی معتقد بودند و در باقی مولفه‌ها تفاوتی وجود نداشت.

جدول ۵-۴. تفاوت زنان و مردان در نگرش به وضعیت سبک زندگی اسلامی

متغیر	f	معناداری	t	درجات آزادی	معناداری	اختلاف میانگین
هنجارهای مصرف	.123	.726	-1.89	1837	.059	-1.30
روابط شخصی	1.31	.252	-2.09	1837	.036	-1.34
نوع تغذیه	1.05	.305	-2.64	1837	.008	-1.60
مدیریت بدن	2.55	.110	-2.22	1837	.026	-1.57
اعمال معنوی	1.09	.295	-.32	1837	.745	-.214
اعمال عبادی	1.04	.308	-2.35	1837	.019	-1.73
اوقات فراغت	.004	.947	-2.64	1837	.008	-2.02

۴-۴. تحلیل مدل معادلات ساختاری

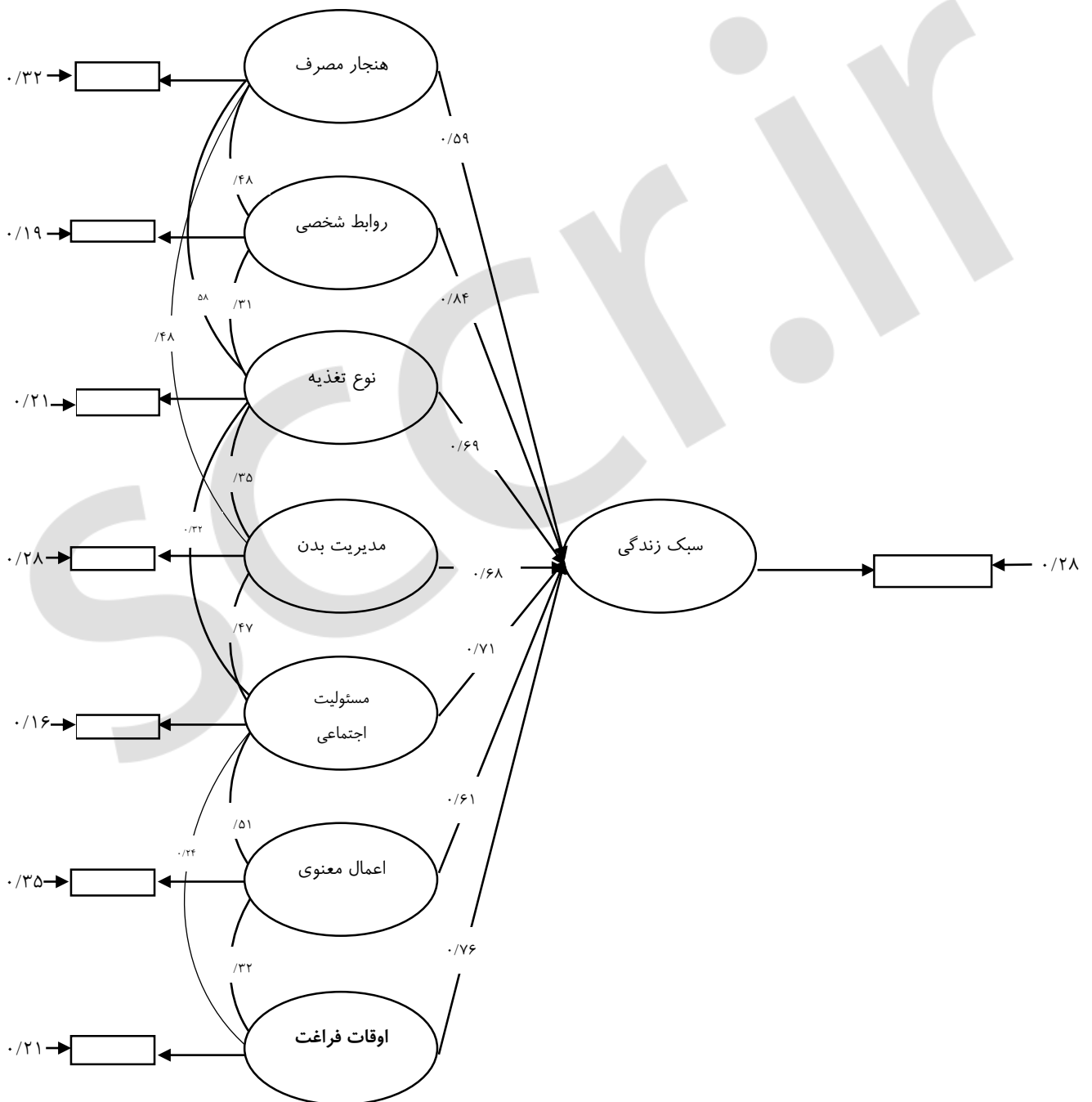
نتایج تحلیل مدل معادلات ساختاری با استفاده از داده‌های تجربی نشان داد که سبک زندگی اسلامی از هنجارهای مصرف، روابط شخصی، نوع تغذیه، مدیریت بدن، مسئولیت اجتماعی، اعمال معنوی و اوقات فراغت تاثیر می‌پذیرد و بین برخی از متغیرها روابطی وجود دارد. نتایج مربوط به برخی از مهمترین شاخص‌های برازش در جدول زیر ارائه شده است:

جدول ۶-۴: شاخص‌های برازش مدل معادلات ساختاری پژوهش

نام شاخص	میزان کفایت برازش
آماره χ^2 و معناداری آن	۱۳۳/۵۹ ($p=۰/۰۰۱$)
ریشه خطای میانگین مجزورات تقریبی (RMSEA)	۰/۰۷۷
شاخص نرم شده برازش (NFI)	۰/۹۵
شاخص نرم نشده برازش (NNFI)	۰/۹۵
شاخص برازش تطبیقی (CFI)	۰/۹۶
شاخص نیکویی برازش (GFI)	۰/۹۲

شاخص نیکویی برازش تعدیل شده (AGFI)	۰/۸۶
------------------------------------	------

نتایج جدول بالا حاکی از آن است تمامی شاخص‌ها به جز شاخص AGFI در حد بسیار مطلوب گزارش شده‌اند و مدل با داده‌ها برازش خوبی دارد و این بیانگر این است که رابطه خطی بین متغیرها و سازه‌های مکنون وجود دارد. در ادامه ضرایب مسیر استاندارد شده و خطاهای هر نشانگر در مدل ارائه شده است:



Chi-Square=154.18, df=38, P-value=0.00000, RMSEA=0.077

جدول ۴-۷. ضرایب و معناداری متغیرهای پیش‌بین و ملاک

متغیر پیش‌بین	متغیر ملاک	نوع اثر	β استاندارد شده	آماره t
سبک زندگی اسلامی	هنجارهای مصرف	مستقیم	۰/۵۹	۳/۶۱
	روابط شخصی	مستقیم	۰/۸۴	۴/۰۴
	نوع تغذیه	مستقیم	۰/۶۹	۳/۹۵
	مدیریت بدن	مستقیم	۰/۶۸	۴/۴۱
	مسئولیت اجتماعی	مستقیم	۰/۷۱	۴/۰۱
	اعمال معنوی	مستقیم	۰/۶۱	۳/۸۱
	اعمال عبادی	مستقیم	۰/۷۶	۲/۴۰
		کل		۰/۸۵۷

$P < 0.01^{**}$

همانطور که در جدول فوق مشاهده می‌شود سازه‌های هنجارهای مصرف، روابط شخصی، نوع تغذیه، مدیریت بدن، مسئولیت اجتماعی، اعمال معنوی و اوقات فراغت به صورت مستقیم بر سازه سبک زندگی اسلامی به میزان ۰/۸۵۷ تأثیر معنادار دارد.

۵-۴ بخش کیفی پژوهش

در ادامه و پس از فهم وضعیت جامعه در سبک زندگی و تاثر آن از فناوری، موضوعات مکشوفه با متخصصان در قالب یک پژوهش پدیدارشناختی مورد بررسی قرار گرفت که گزیده مطالب و کدگذاری‌های آن و مدل کیفی مستخرج از آن به شرح جدول زیر است

جدول ۴-۸. متن مصاحبه‌ها و کدگذاری

کدگذاری	گزیده مصاحبه
<p>تأثیرات مواجهه با فرهنگ غربی</p>	<p>تو خیلی از وجوه تغییری که ایجاد شده تو سبک زندگی ایرانی از برخورد ایرانیان با فرهنگ غرب پیش اومد، از طریق ماهواره و اینترنت دیدن جای دیگه جور دیگه ایه و تغییر کردن به اون سمت</p> <p>مسافرت‌هایی که ایرانی‌ها به خارج از ایران داشتن، مخصوصا کشورهای آسیایی و این مشاهده تفاوت‌ها، یک جور شوک فرهنگی بهشون وارد کرد و خیلی‌ها تغییر کردن برای اینکه اونجوری باشن</p> <p>همین سریال‌های ماهواره ای که الان خیلی راجع بهشون حرف میزنن، کانال جم و فارسی وان و اینا، خوب نشون میدن موضوعاتی رو که متناسب نبود با فرهنگ ما، ولی قشنگ نشون دادن، یعنی مثلا رنگ پردازی و فیلمبرداری خیلی زیبا بود، اینا باعث شد که آروم آروم تغییر رخ بده، شاید ناخواسته هم بود... یعنی دیدن اون‌ها زیبا تصویر شدن گفتن خوب ما هم مثل اون‌ها باشیم</p> <p>انواع فیلم‌هایی که ایرانی‌ها دیدن، حالا اصلا به اینترنت هم ربطی نداره، قبلن هم رو سی دی و دی وی بود، قبل ترش تو نواری ویدئو بود، اصلا خود تلویزیون هم بالاخره نشون میده چیزایی از همون فرهنگ رو، خوب این جلوه‌های بصری، خیلی تاثیر میداره رو... خیلی بطئیه... ولی تغییر میده</p> <p>خیلی از تغییری که دیدم تو سبک زندگی اجتماعی ما حاصل این بود که با فرهنگ‌های دیگه از کشورهای پیشرفته روبرو شدیم... اینا رو دیدیم، پیشرفته بودن، رفاه داشتن اینا رو نشون می‌دادن، نمی‌گم خودباختگی... ولی همچین چیزی پیش اومد... تاثیرش رو گذاشت، در برابر اون‌ها برای کسب ان رفاه تغییر تو رفتارمون دادیم</p> <p>یه شعری هست ما اقبال میگه علم و فن رو ای جوان شوخ و شنگ مغز می‌باید نه ملبوس فرنگ، این خیلی شبیه اون حالته... یعنی اینکه روبرو شدیم از طریق مشاهده فرهنگ غربی و خواستیم پیشرفت اون‌ها رو داشته باشیم، مغز رو نگرفتیم همون پوست رو گرفتیم، همون ملبوس فرنگ رو گرفتیم</p>

<p>مقهور شدن هنرمند و روشنفر در برابر فرهنگ غربی</p>	<p>یه بخشی اش مال این بود که ما نتونستیم خوراک مناسب برای دوران معاصر تهیه کنیم، کم کاری روشنفکر ما بود، کم کاری مسئولین بود، سیاستگذارامون کم کاری کردن</p> <p>تو یه دوره اساسا میبینی که روشنفکر ما داره تقلید میکنه از غرب؛ از الف تا یا رو داره تقلید میکنه، تو نقاشیمون هست مثلا... نقاشای دوره مدرنیزاسیون ایران تا قبل اینکه یه چیزی پیش بیاد مثل مکتب سقاخونه، در عمل تقلید هنر غربی، تقلید ضعیفی هم هست... خوب این رو داریم مصرف میکنیم... یعنی به خوردمون داده میشه، یا مثلا جشن هنر طوس تو رژیم قبل چرا ایجاد شد؟ واکنشی بود به جشن هنر شیراز که کاملا غربی بود</p> <p>روشنفکری تو ایران، تو یه دوره ای حداقل، میبینی که داره متاع غربی رو میفروشه... همین شعرنو، خوب دیگه الان ریشه هاش رو میدونیم در عمل شعر ترجمه ایه، اصلا مانیفستی که نیما نوشت از فرانسه ترجمه شده بود...</p> <p>من فکر میکنم یه بخشی از هنرمندان هم باعث شدن که این تغییر رخ بده، فیلم ها رو برداشتن ایرانیزه کردن، این اصطلاح هست، میگن ایرانیزه کردن... اصطلاحه، تو سینمامون مثلا هست... فیلم رو بر میداره ایرانی میکنه، جدی میگم ها... دو خواهر، نا بخشوده، مجرد چهل ساله، مارمولک... اینا کاملا فیلمهای هالیووده، با تفکر غرب... میاد دیالوگا فارسی میشه و بار جنسی و خشونتش اندازه وزارت ارشاد میشه... ولی روح فیلم همون روح هالیووده، خوب این ارتزاق میشه، جالبه که فیلمای خوبشونم نیست</p> <p>خوب مثلا بازتاب سبک زندگی ایرانی اسلامی الان تو صدا و سیما هست؟ الان سریال ها بازنمایی اون سبک رو دارن؟ نیست، این سریال ها یه رنگ و لعاب مذهبی هم ممکنه داشته باشن اما میبینی فکرش مال فرهنگ غربیه</p> <p>گاهی تلویزون سریال میده؛ مثلا ممکنه که با سبک زندگی اسلامی همخوانی داشته باشه، اما برای جوونا جذاب نیست، یعنی این سریال برای شهرستان شاید جواب بده ولی تو تهران که فیلمهای خارجی در دسترسه و جوون میبینه، جذابیت نداره... به نظر</p>
--	---

	<p>میرسه این وظیفه هنرمندا باشه که بیان با بیان جذاب برای جونها از ارزشهای سبک زندگی اسلامی و ایرانی بگن</p>
<p>تبلیغات زندگی غربی</p>	<p>تهران رو بین... ساعت ۶ تا ۸ از سر کار خسته و مونده، زن و شوهر بر میگرددن، دیگه وقت سفره بنداز و قرمه سبزی پز نیست... اصلا بخوان این کار رو هم نکنن میشه یک نصفه شب... زنگ میزنن ساندویچ و پیتزا بیاد، رو مبل میشینن و با نوشابه میخورن... تراکم کلانشهرها مردم رو از اون سبک و آیین زندگی قدیمی انداخته، سرعتی که داره زندگی باعث شده مردم برن سراغ فست فود، برن سراغ هرچی که فقط این قسمت کمبود وقت جبران بشه، یعنی اجباری که از تو دل تراکم اومده باعث شده خود ماهیت خیلی از غذاها دیگه با شلوغی و وقت کم سازگار نیست، کالباس رو میداری لای نون ولی جا افتادن خورش خیلی زمان میره... خوب تو تلویزیون تبلیغ میکرد پارسی کولا دلچسب و گوارا(خنده)، سوسیس فلان، کنسرو بهمان، مگه تبلیغ قرمه سبزی و قیمه هم بوده؟ نبوده! همونا کار خودش رو میکنه تو سریالها بین خونواده های مدرن و شیک تر غذا آماده میخوذن اونوقت خونواده فقیر مدام دم گازن، خوب این چیزا بالاخره موثره تو تفکر و انتخابی که مخاطبا انجام میدن</p>
<p>مشکلات محیطی شهرها</p>	<p>از شرق تهران تا غربش که بخوای بری چقدر زمان میره؟ دید. بازدید درون شهری شبیه مسافرت کامله، همیشه انتظار داشت مثل قدیم باشه رفت و آمد سخت شده، ترافیک دیوانه واره، همیشه هم بدتر میشه یه چیزی هم الان هست، تلگرام و ایناس... عکس میذارن حال هم رو میپرسن انگار ارضا میشن از اینکه از هم خبر دان ولی راستش اینه که جای هم رو نمیگیرن، یعنی همیشه بگی زنگ زدم یا پیام دادم حالا انگار که مادرم رو مادر بزرگم رو دیدم</p>
<p>هالیوودیزه شدن سلیق</p>	<p>یه مقدار معیارهای زیبایی تحت تاثیر هالیوود قرار گرفته، بین فقطم ایران نیست، ژاپنی ها هم تو یه دوره اومدن و عمل چشم کردن، موهاشون رو رنگ کردن... بعد یامه مثلا برای مقابله با این تو مغازه های ژاپن اومدن و گفتن اگه کیمونو پوشین تخفیف میدیم... یعنی کار کردن روش... خود هالیوود هم جالبه نمیدونم کجا دیدم میگفت</p>

	<p>مثلا درصدی از زنا که میبینی با موی بلوند منطبق با واقعیت نیست... مو مشکلی ها بیشترن</p> <p>این سریالها که مثلا از ماهواره و اینا پخش میشن خیلی تاثیر دارن، دماغای عملی برای زنها، شکم شش تکه برای مرها ... انگار کاری ندارن و فقط مشغول زیبا کردن خودشون... خوب اینا خیلی اثر داشت... تصور زیبایی رو بهم ریخت و غربی کرد معروفه دیگه که تو زمان ناصری زنا چاق بودن و الان لاغری پسندیده میشه، مانکن ها رو میبینن و اینا به عنوان سمبل زیبایی شناسونده میشن، همین الان تو اروپا، تو فرانسه مانکن سائز صفر قدغن شده ولی خوب رسوخ کرده دیگه خیلی حرفا هست... مثلا عروسک باربی رو بینین دیگه، این عروسکا با اندام ترکه ای و دماغ کوچیک و اینا از بچگی داره به دختر ما نشون داده میشه، همین میمونه براش به عنوان الگو... تو ایران هم تلاش شد عروک ساختن مثل دارا و سارا ولی نشد، نمیدونم، جذاب نبود تبلیغ نداشت، حمایت مالی نشد...</p>
<p>تشخیص یابی در اثر خرید</p>	<p>من یادمه اول انقلاب تبلیغ نمیداشت تلویزیون، یادمه اولین تبلیغ مال پیراهن آزادگان بود، حالا شایدم اشتباه کنم، ولی این طور تو نظرمه، پیراهن آزادگان الان هم تولید میکنه، خوب اینکه بگیم تبلیغ بده که غلطه، اما بین مصرف کردن و اسراف کردن، باید یه فاصله تعریف کرد... چیزی که بده جنون خریده...</p> <p>الگوی خرید رو که بگیم اصلاح باید بشه، این که خیلی حرف کلی هستش. اینکه بگیم خرید بده هم نیست... ولی سرگرمی وقتی خیده، یا مثلا میبینی غذا ساز ۴۰ کاره میخره، دوتا کارش رو هم استفاده نمیکنه، اصلا نصف کارایی که اون دستگاه میکنه رو بلد نیست</p> <p>مثل آیفون خریدنه، میگم برا چی میخوایش؟ میگه کلاس داره.. یعنی واقعا استفاده نمیکنه برای کلاس میخره این مثل یه بیماری فرهنگی میمونه، اینکه انسان با شاخص وسایله معرفتی بشه و وسیله با قیمت... انگار داری بارکد نصب میکنی رو آدما... قیمت میداری روشون</p> <p>الان برنامه آشپزی میداره تلویزیون... آشپزه داره نیمرو درست میکنه... تو ماهیتابه تفلون فلان، میدارم توش روغن فلان میریزم، میدارم رو گاز فلان... بعد یه جوری</p>

	<p>انگار نیمرو خوب میشه... بعد خوب دیده میشه خریدش میکنن... شماره فلان رو به عدد فلان میفرستن و وسیله میاد... یه دوبار استفاده میشه و بعدش میذارنش گوشه خونه... چرا؟! لازم نبوده اغوا شده با تلویزیون</p>
<p>اعتقاد مردم به مبانی مذهبی و سبک زندگی اسلامی</p>	<p>این نیست که مردم نماز نخونن یا همچین چیزی، یا همه کافر شده باشن... نه اعتقاد هست هنوز بین مردم... من واقعا فکر میکنم مردم هنوز معتقدن، حالا ممکنه گاهی ادب این اعتقاد فرق کنه... یه جمله هست از امیرالمومنین میفرمان لا تودبوا اولادکم باخلاقکم لانهم خلقوا لزمان غیر زمانکم اینو استاد مطهری خوب توضیح میده، برین بخونین میگن که اونی که نسبیه اخلاق نیست آدابشه، یعنی با مقتضیات زمان تغییر میکنه، همونه از نظر من در مورد وضعیت فعلی و بحث معنویات و عبادیات، شاید حالا بخاطر تکنولوژی چیزی که عوض شده باشه اون آداب باشه اما اصل اعتقادات هنوز هست و هنوز بین مردم بالاشهر و پایین شهر جواب میده</p> <p>من فکر نمیکنم اعمال عبادی و یا اعتقادات مردم کم شده باشه، شما ببین حالا اگه یکی هم بخواد دزدی کنه، اختلاس کنه خودش رو ظاهرالصلاح نشون میده نمیداد که شلوار فلان بپوشه و مد فلان رو رعایت کنه، همین یعنی اینکه اعتماد مردم به مذهب و به تبع اون مذهبی ها خیلی بالاست</p> <p>نمیگم تکنولوژی تاثیر نداشته تو اعتقادات مردم، حتما گذاشته اما کم نشده، من خودم همین چندی پیش تو مترو بودم، آقای کنارم بود، این گوشی رو از جیبش درآورد صفحه اول گوشی آیه الکرسی بود... یا خیلی وقتا دیدم تو شبای قدر تو مراسم ختم... مردم ادعیه رو تو گوشی دارن، قرآن و مفاتیح دارن تو تبلتشون....</p> <p>الان تمام مراجع سایت دارن و دسترسی بهشون راحت تر شده، مسائل رو میپرسن مردم، البته نمیگم تمام اینترنت خوبه، اما مسلم اینه که بستریه که میتونه توش مسائل متعالی وجود داشته باشه و در خدمت معنویات باشه</p>
<p>دشواری زیست در شهرهای جدید</p>	<p>این معلول شرایط دشوار زندگیه این که سالمندان رو مجبور شدن خیلی ها به خونه سالمندان بسپرن، من واقعا فکر نمیکنم مال این باشه که دوست دارن این کار رو بکنن، ناچار میشن، به خاطر تراکم کاری، مگاپولیس ها این شرایط رو ایجاد کردن</p>

	<p>حالا خوب مثلن شما فکر میکنین خانم شاغل باشه... همیشه گفت که نه نباید شاغل باشی... ولی خوب بچه داره... دیدین تو این عکسا نماینده سازمان ملل هست از اروپا، کشورش یادم نیست... بچه داره و داره بهش شیر میده... خیلی از این تصاویر هست... خوب ببینید این شرایط ایمن نیست برای خیلی از خانم ها در ایران، همیشه گفت که تو درس خوندی دیگه تموم شدنیا بیرون چون بچه داری، باید قوانین رفاهی براش تصویب کرد... چون نیست این قوانین مجبوره بچه رو میبره مهد کودک همیشه گفت تکنولوژی باعث شده آدماسن ترها رو بیرون خانه سالمندان بیشترش اینه که شرایط خوبی برای نگهداری نیست... قوانین حمایتی، بیمه و اینا نیست... خدمات اجتماعی کمه...</p>
<p>اهمیت سبک زندگی به مثابه امنیت ملی</p>	<p>الان تو مثلا نگاه کن به جزوه امنیت ملی امریکا یا انگلیس، چاپش کردن، واضح مینویسه توش که بابا دیگه اینکه فقط مرز خاکی رو پاییم معنی حفظ امنیت ملی نمیده... فرهنگمون هم امنیت ملی مونه، ببینین سبک زندگی بالاخره ذیل همین معنی نگهداری میشه، یعنی این نیست که تو انگلیس و امریکا بقیه اروپا سبک زندگی رو رها کرده باشن، نه! براش برنامه دارن سبک زندگی اسلامی نیاز داره به اینکه توسط خبرگان و متخصصین بیاد و به تعریف عملیاتی بشه، به تعریفی هم که مبتنی بر مقتضیات روز باشه و برای همین کشور تعریف بشه... هدف گذاری بشه، تعریف عملیاتی بشه، در موردش بحث بشه براش پروژه های عینی تعریف بشه تو تمام نهادهای مرتبط</p>
<p>فقدان برنامه ریزی منسجم در برابر فرهنگ غربی</p>	<p>نکته خوب اینه که ما از اون سبک زندگی دور نشدیم، به شکلی که بگی بحران رخ داده... من اینطور نمیبینم، هنوز میبینی روز مادر رو تبریک میگن، خوب روز مادر تو اینستاگرام و فیس بوک رو ببین... آره این ها دیگه بقول معروف "های تک" هستن، ولی به مناسبت تولد فاطمه زهرا سلام الله دارن محبتشون رو به خانواده نشون میدن، این نیست که ارزش ها براشون از بین رفته باشه از سمت های مختلفی برای مراسم غیر ایرانی تبلیغ میشه، جمعه سیاه یا بقول معروف بلک فرایدی رو ببین: بامیلو تمام مترو ها و اتوبوس ها رو پر کرد از اینکه داریم همزمان با دنیا بلک فرایدی میگیریم، خوب اولاً اینکه بلک فرایدی مال غربه، چرا؟</p>

چون آخر سال میلادیه و اونجا دارن حراج میکنن که وسایل نو رو بیارن.. اینجا که همزمان مراسم میگین اصلا ربطی به ما نداره... جالبه اعراب جمعه سفید برگزار میکنن، حداقل نمیدونم یه نظارت دولتی یا یه همبستگی روشنفکری هستش که این ها رو به هم متصل میکنه... اینجا نه! یه مراسم کاملاً بی ارتباط برگزار میشه

ولنتاین که او مد من یادمه خیلی تبلیغ شد که سپندارمذگان رو جشن بگیریم، حالا اول اینو بشنو که همون مراسم ولنتاین هم یه جشن اصیل نیست، یعنی او مدن و یه تاریخی رو برداشتن با جعل و فلان تعریفش کردن و دارن شکلات و گل و عروسک میفروشن، بهونه تبلیغاتی که کمپانی ها واسه خودشون داشتن در حقیقت... خوب این او مد تو ایران... تا مدتی هیچ واکنشی نبود و بعدش هم سپندارمذگان یهو مطرح شد... اونم پیگیری نشد... بین الان چنتا فیلم هالیوودی با اسم ولنتاین میبینی، تو چنتا سزیال بهش اشاره میشه... من ندیدم تو برنامه های ایرانی... یبار فرزند حسنی مجری تلویزیون بود اون یه اشاره کرد... خوب بالاخره آگه رو همین کار میشد میتونستیم اون رو خنثی کنیم، حتی اون ویژگی ارتباطات بیرون خانواده که تو جشن ولنتاین هست رو میتونستیم خنثی کنیم، بذاریم روز دوستان، اون بار سکشوالی که رو ولنتاین هست رو خنثی کنیم... با همه اینکه این تجربه موفق نبود چون روش کار نشد، خوب الان بالاخره خیلی از جوون ترها این اسم رو شنیدن

مگه روز پدر از اول تاریخ بود؟ بین وقتی مطرح شد و تبلیغ شد برایش چقدر طرفدار پیدا کرده، همه به پدراشون... به همسراشون تبریک میگن... کادو میخرن... بین چقدر شوخی در مورد جوراب و زیرپوش هست... اینا ممکنه شوخی باشه اما تبلیغه برای این روز... دیگه نمیشه این معنی روز پدر رو از ذهن مردم کشید بیرون... یا مثلاً روز زن... برای ایرانی ها تولد حضرت فاطمه اس کی هشت مارس رو تبریک میگه؟ ببین این یعنی وقتی کار بشه خوب جواب میده

وقتی تو فیلمای امریکایی کریسمس هست بالاخره میاد تو ذهن مردم، من چندین فیلم هالیوودی میشناسم که تو اسمشون کریسمس هست... ماجراش در مورد کریسمسه... مال الانم نیست... از قدیم بود، نمیدونم تنها در خانه مثلاً که تلویزیون هم نشون داده... خوب نوروز چی؟ آخه وقتی تبلیغ نیست برایش خوب معلومه نتیجه اش همینه... تا کی

یه سری گفتگوی جدایی در مورد نوروز آخه؟ من امسال بود یه پارسال تلویزیون نشون میداد دو تا معجری رو دونه دونه اسم سین ها رو میبردن و هی تفسیر میکردن سیب نماد اینه و سنجید نماد اون، همه هم سلامتی توشون بود... بعد رفتم کمی هم جستجو کردم اصلا حرف ها درست هم نبود... یعنی ریشه تاریخی نداشت... حالا مرادم این نبود عرض میکردم که اون ها برای فرهنگ خودشون تبلیغ میکنن... خوب ما کی این کار رو کردیم؟

یه چیز جالبی تو امریکا هست، مثلا اینکه تو موقع هالوین فیلم ترسناک اکران میشه، تو موقع ولنتاین فیلم عاشقانه میبرن رو پرده، موقع کریسمس هم... خوب الان اکران ویژه های ما چی ان؟ نوروز امسال چه فیلمایی بود؟ پارسال چی؟ کدومشون محوریت نوروز داشتن؟

۶-۴. توصیف افقی یافته‌های کمی

می‌دانیم که در واقع فناوری را نباید تنها در ماشین‌ها و ابزارها و اختراعاتی مادی جدید دید. گاهی جا انداختن یک نوع مدیریت و کنترل اجتماعی، نوعی فناوری است. از قضا، چیزی که بر زندگی ما بیشتر تأثیر دارد، فناوری اجتماعی است که زندگی شخصی و جمعی را همچون ابزارها و اختراعات مادی و شاید بیش از آن‌ها دگرگون می‌سازد. وقتی ما می‌آموزیم، می‌پذیریم و مشتاق می‌شویم، به گونه‌ای دیگر زندگی کنیم، نگاه و معرفت ما به زندگی دستخوش دگرگونی می‌شود و این دگرگونی بر خلق و خو و ارتباط ما با دیگران و حتی ارتباط ما با خودمان و باورهایمان تأثیر می‌گذارد. (پیوسته، ۱۳۹۲).

آنچه ماحصل یافته‌های کمی است اهمیت پرداختن به موضوع سبک زندگی است که در تمام دنیا مورد توجه است، یکی از مشارکت کنندگان در این باره اظهار نمود: "جزوه امنیت ملی امریکا یا انگلیس، چاپش کردن، واضح مینویسه توش که بابا دیگه اینکه فقط مرز خاکی رو بپاییم معنی حفظ امنیت ملی نمیده... فرهنگمون هم امنیت ملی مونه، بینین سبک زندگی بالاخره ذیل همین معنی نگهداری میشه، یعنی این نیست که تو انگلیس و امریکا بقیه اروپا سبک زندگی رو رها کرده باشن، نه! براش برنامه دارن" و این اهمیت ورزشی در کشورهای غربی فشار و تبلیغات فراوانی مورد پیگیری قرار گرفته است، یکی از مشارکت کنندگان در این مورد برای مثال مطرح نمود: "یه چیز جالبی تو امریکا هست، مثلا اینکه تو موقع هالوین

فیلم ترسناک اکران میشه، تو موقع ولنتاین فیلم عاشقانه میرن رو پرده" و یا یکی دیگر از مصاحبه‌شدگان در همین راستا بیان داشت: "وقتی تو فیلمای امریکایی کریسمس هست بالاخره میاد تو ذهن مردم، من چندین فیلم هالیوودی میشناسم که تو اسمشون کریسمس هست... ماجراش در مورد کریسمسه... مال الانم نیست... از قدیم بود"

اما عمده مصاحبه‌شوندگان به این نکته اذعان داشتند که کم‌کاری‌ها معتناهی از سوی اهل فرهنگ و مسئولین رخ داده است، به تعبیر یکی از مشارکت‌کنندگان: "یه بخشی اش مال این بود که ما نتونستیم خوراک مناسب برای دوران معاصر تهیه کنیم، کم‌کاری روشنفکر ما بود، کم‌کاری مسئولین بود، سیاستگذاران کم‌کاری کردن" یکی دیگر از مشارکت‌کنندگان در همین راستا بیان می‌کرد: "روشنفکری تو ایران - تو یه دوره ای حداقل - میبینی که داره متاع غربی رو میفروشه... همین شعرنو، خوب دیگه الان ریشه هاش رو میدونیم در عمل شعر ترجمه ایه، اصلا مانیفستی که نیما نوشت از فرانسه ترجمه شده بود... و یا یکی دیگر از مصاحبه‌شدگان در همین راستا گفت: "من فکر میکنم یه بخشی از هنرمندان هم باعث شدن که این تغییر رخ بده، فیلم‌ها رو برداشتن ایرانیزه کردن، این اصطلاح هست، میگن ایرانیزه کردن... اصطلاحه، تو سینما مون مثلا هست... فیلم رو برمیذاره ایرانی میکنه، جدی میگم ها... دو خواهر، نا بخشوده، مجرد چهل ساله، مارمولک... اینا کاملا فیلمهای هالیووده، با تفکر غرب... میاد دیالوگا فارسی میشه و بار جنسی و خشونتش اندازه وزارت ارشاد میشه... ولی روح فیلم همون روح هالیووده" و یا "مثلا بازتاب سبک زندگی ایرانی اسلامی الان تو صدا و سیما هست؟ الان سریال‌ها بازنمایی اون سبک رو دارن؟ نیست، این سریال‌ها یه رنگ و لعاب مذهبی هم ممکنه داشته باشن اما میبینیشون فکرش مال فرهنگ غربیه"

همچنین به جز کارهای اهل فرهنگ و هنر سیاستگذاری‌های مسئولین نیز مورد بحث قرار گرفت، یکی از مشارکت‌کنندگان در این مورد بیان نمود: "نوروز چی؟ آخه وقتی تبلیغ نیست براش خوب معلومه نتیجه اش همین... تا کی یه سری گفتگوی جذابیت در مورد نوروز آخه؟ من امسال بود یه پارسال تلویزیون نشون میداد دو تا مجری رو دونه دونه اسم سین‌ها رو میبردن و هی تفسیر میکردن سبب نماد اینه و سنجید نماد اون، همه هم سلامتی توشون بود... بعد رفتم کمی هم جستجو کردم اصلا حرف‌ها درست هم نبود... یعنی ریشه تاریخی نداشت... حالا مرادم این نبود عرض میکردم که اون‌ها برای فرهنگ خودشون تبلیغ میکنن... خوب ما کی این کار رو کردیم؟" و یا در موردی دیگر فقدان تبلیغات و سیاستگذاری منسجم به این صورت بیان شد: "مثلا عروسک باری رو ببینین دیگه، این عروسکا با اندام ترکه‌ای و دماغ کوچیک و اینا از بچگی داره به دختر ما نشون داده میشه،

همین میمونه برایش به عنوان الگو... تو ایران هم تلاش شد عروک ساختن مثل دارا و سارا ولی نشد، نمیدونم، جذاب نبود تبلیغ نداشت، حمایت مالی نشد..."

این در حالی بود که در تمام مدت اهمال کاری در ایران در غرب تبلیغاتی پرفشار در این حوزه وجود داشت، به تعبیر یکی از مشارکت کنندگان: "همین سریال‌های ماهواره‌ای که الان خیلی رایج بهشون حرف میزنن، کانال جم و فارسی وان و اینا، خوب نشون میدن موضوعاتی رو که متناسب نبود با فرهنگ ما، ولی قشنگ نشون دادن، یعنی مثلاً رنگ پردازی و فیلمبرداری خیلی زیبا بود، اینا باعث شد که آروم آروم تغییر رخ بده، شاید ناخواسته هم بود... یعنی دیدن اونا زیبا تصویر شدن گفتن خوب ما هم مثل اونا بشیم" و در همین راستا یکی از مشارکت کنندگان وجه جهانی این موضوع را به این شکل بیان کرد: "به مقدار معیارهای زیبایی تحت تاثیر هالیوود قرار گرفته، بین فقطم ایران نیست، ژاپنی‌ها هم تو یه دوره اومدن و عمل چشم کردن، موهاشون رو رنگ کردن... بعد یامه مثلاً برای مقابله با این تو مغازه‌های ژاپن اومدن و گفتن آگه کیمونو بپوشین تخفیف میدیم... یعنی کار کردن روش... خود هالیوود هم جالبه نمیدونم کجا دیدم میگفت مثلاً در صدی از زنا که میبینی با موی بلوند منطبق با واقعیت نیست... مو مشکی‌ها بیشترن" و ریشه تاریخی موضوع در بیان یکی از مشارکت کنندگان به این شکل بود که: "معروفه دیگه که تو زمان ناصری زنا چاق بودن و الان لاغری پسندیده میشه، مانکن‌ها رو میبینن و اینا به عنوان سمبل زیبایی شناسونده میشن، همین الان تو اروپا، تو فرانسه مانکن ساینز صفر قدغن شده ولی خوب رسوخ کرده دیگه"

در همین شرایط است که بسیاری از رفتارهای غربی در ایران کپی می‌شود یکی از مصاحبه‌شوندگان با اشاره به این موضوع گفت: "الان برنامه آشپزی میداره تلویزیون... آشپزه داره نیمرو درست میکنه... تو ماهیتابه تفلون فلان، میدارم توش روغن فلان میریزم، میدارم رو گاز فلان... بعد یه جواری انگار نیمرو خوب میشه... بعد خوب دیده میشه خریدش میکنن... شماره فلان رو به عدد فلان میفرستن و وسیله میداد... یه دوبار استفاده میشه و بعدش میدارنش گوشه خونه... چرا؟ لازم نبوده اغوا شده با تلویزیون" و یا در تعبیری دیگر بیان شد: "از سمت‌های مختلفی برای مراسم غیر ایرانی تبلیغ میشه، جمعه سیاه یا بقول معروف بلک فرایدی رو ببین: بامیلو تمام متروها و اتوبوس‌ها رو پر کرد از اینکه داریم همزمان با دنیا بلک فرایدی میگیریم، خوب اولاً اینکه بلک فرایدی مال غربه، چرا؟ چون آخر سال میلادیه و اونجا دارن حراج میکنن که وسایل نو رو بیارن.. اینجا که همزمان مراسم میگیرن اصلاً ربطی به ما نداره... جالبه اعراب جمعه سفید برگزار

میکنم، حداقل نمیدونم به نظارت دولتی یا به همبستگی روشنفکری هستش که این ها رو به هم متصل میکنه... اینجا نه! به مراسم کاملاً بی ارتباط برگزار میشه"

با تمام این اقوال به نظر میرسد هنگامی که بر موضوعی تبلیغ می شود موضوع مورد توجه و پذیرش عمومی قرار می گیرد، یکی از مشارکت کنندگان در این راستا بیان نمود: "مگه روز پدر از اول تاریخ بود؟ بین وقتی مطرح شد و تبلیغ شد برایش چقدر طرفدار پیدا کرده، همه به پدراشون و همسرشون تبریک میگن... کادو میخرن... بین چقدر شوخی در مورد جوراب و زیرپوش هست... اینا ممکنه شوخی باشه اما تبلیغ برای این روز... دیگه همیشه این معنی روز پدر رو از ذهن مردم کشید بیرون... یا مثلاً روز زن... برای ایرانی ها تولد حضرت فاطمه اس کی هشت مارس رو تبریک میگه؟ ببین این یعنی وقتی کار بشه خوب جواب میده" و یا در موردی دیگر بیان شد: "ولنتاین که اوامد من یادمه خیلی تبلیغ شد که سپندارمذگان رو جشن بگیریم، بیار فرزند حسنی مجری تلویزیون بود اون یه اشاره کرد... خوب بالاخره آگه رو همین کار میشد میتونستیم اون رو خنثی کنیم، حتی اون ویژگی ارتباطات بیرون خانواده که تو جشن ولنتاین هست رو میتونستیم خنثی کنیم، بذاریم روز دوستان، اون بار سکشوالی که رو ولنتاین هست رو خنثی کنیم... با همه اینکه این تجربه موفق نبود چون روش کار نشد، خوب الان بالاخره خیلی از جوون ترها این اسم رو شنیدن"

بر مبنای مصاحبه های بخش کیفی روشن شد که مواجهه ایرانیان بر تغییرات سبک زندگی بسیار موثر بود: "مسافرت هایی که ایرانی ها به خارج از ایران داشتن، مخصوصاً کشورهای آسیایی و این مشاهده تفاوت ها، یک جور شوک فرهنگی بهشون وارد کرد و خیلی ها تغییر کردن برای اینکه اونجوری باشن" و یا در بیانی دیگر: "انواع فیلم هایی که ایرانی ها دیدن، حالا اصلاً به اینترنت هم ربطی نداره، قبلن هم رو سی دی و دی وی بود، قبل ترش تو نوآرای ویدئو بود، اصلاً خود تلویزیون هم بالاخره نشون میده چیزایی از همون فرهنگ رو، خوب این جلوه های بصری، خیلی تاثیر میندازه رو... خیلی بطنیه... ولی تغییر میده"

تفاوت ساختاری در زندگی شهر نشینی در دوران معاصر نیز عاملی دیگر برای این تغییرات بوده است: "تراکم کلانشهرها مردم رو از اون سبک و آیین زندگی قدیمی انداخته، سرعتی که داره زندگی باعث شده مردم برن سراغ فست فود، برن سراغ هرچی که فقط این قسمت کمبود وقت جبران بشه، یعنی اجباری

که از تو دل تراکم او مده باعثش شده" و یا به بیان یکی دیگر از مشارکت کنندگان: "خود ماهیت خیلی از غذاها دیگه با شلوغی و وقت کم سازگار نیست، کالباس رو میداری لای نون ولی جا افتادن خورش خیلی زمان میبره..." و یا در موردی دیگر: "خوب تو تلویزیون تبلیغ میکرد پارسی کولا دلچسب و گوارا(خنده)، سوسیس فلان، کنسرو بهمان، مگه تبلیغ قرمه سبزی و قیمه هم بوده؟ نبوده! همونا کار خودش رو میکنه" و همچنین: "از شرق تهران تا غربش که بخوای بری چقدر زمان میبره؟ دید. باز دید درون شهری شبیه مسافرت کامله، همیشه انتظار داشت مثل قدیم باشه" و یا: "یه چیزی هم الان هست، تلگرام و ایناس... عکس میدارن حال هم رو میپرسن انگار ارضا میشن از اینکه از هم خبر دان ولی راستش اینه که جای هم رو نمیگیرن، یعنی همیشه بگی زنگ زدم یا پیام دادم حالا انگار که مادرم رو مادر بزرگم رو دیدم"

در همین راستا یکی از مشارکت کنندگان اظهار داشت: "این معلول شرایط دشوار زندگیه این که سالمندان رو مجبور شدند خیلی ها به خونه سالمندان بسپرن، من واقعا فکر نمیکنم مال این باشه که دوست دارن این کار رو بکنن، ناچار میشن، به خاطر تراکم کاری، مگاپولیس ها این شرایط رو ایجاد کردن" و یا در موردی دیگر: "حالا خوب مثلن شما فکر میکنین خانم شاغل باشه... همیشه گفت که نه نباید شاغل باشی... ولی خوب بچه داره... دیدین تو این عکسا نماینده سازمان ملل هست از اروپا، کشورش یادم نیست... بچه داره و داره بهش شیر میده... خیلی از این تصاویر هست... خوب ببینید این شرایط ایمن نیست برای خیلی از خانم ها در ایران، مجبوره بچه رو میبره مهد کودک" و یا "همیشه گفت تکنولوژی باعث شده آدما مسن ترها رو بپرن خانه سالمندان بیشترش اینه که شرایط خوبی برای نگهداری نیست... قوانین حمایتی، بیمه و اینا نیست... خدمات اجتماعی کمه..."

تا کنون روشن شد که مسائلی مانند مواجهه ایرانیان با غرب و فرهنگی غربی، کاهلی روشنفکران و مسئولین، تبلیغات گسترده غرب، تغییرات متناسب با زمان منجر به آن شده است که سبک زندگی در ایران دستخوش تغییر شود، مع هذا این تغییر منجر به از خودبیگانگی ایرانیان نشده است، یکی از مشارکت کنندگان بیان می کرد: "این نیست که مردم نماز نخونن یا همچین چیزی، یا همه کافر شده باشن... نه اعتقاد هست هنوز بین مردم... من واقعا فکر میکنم مردم هنوز معتقدن، حالا ممکنه گاهی ادب این اعتقاد فرق کنه... یه جمله هست از امیرالمومنین میفرمان لا تؤدبوا اولادکم باخلاقکم لانهم خلقوا الزمان غیر زمانکم اینو استاد مطهری خوب توضیح میده، برین بخونین میگن که اونیه که نسبیه اخلاق نیست آدابشه، یعنی با

مقتضیات زمان تغییر میکند، همونه از نظر من در مورد وضعیت فعلی و بحث معنویات و عبادیات، شاید حالا بخاطر تکنولوژی چیزی که عوض شده باشه اون آداب باشه اما اصل اعتقادات هنوز هست و هنوز بین مردم بالاشهر و پایین شهر جواب میده" همچین به نظر می رسد تکنولوژی می تواند در بافت فرهنگی و سبک زندگی اسلامی - ایرانی ایرانیان هضم شود: یکی از مشارکت کنندگان بیان می کرد: "نمیگم تکنولوژی تاثیر نداشته تو اعتقادات مردم، حتما گذاشته اما کم نشده، من خودم همین چندی پیش تو مترو بودم، آقایی کنارم بود، این گوشیش رو از جیش درآورد صفحه اول گوشیش آیه الکرسی بود... یا خیلی وقتا دیدم تو شبای قدر تو مراسم ختم... مردم ادعیه رو تو گوشیش دارن، قرآن و مفاتیح دارن تو تبلتشون... " و یا در موردی دیگر بیان شد: "الان تمام مراجع سایت دارن و دسترسی بهشون راحت تر شده، مسائل رو میپرسن مردم، البته نمیگم تمام اینترنت خوبه، اما مسلم اینه که بستریه که میتونه توش مسائل متعالی وجود داشته باشه و در خدمت معنویات باشه"

در مجموع می توان مدلی مفهومی برای روابط بین مولفه ها را به شکل زیر تدوین نمود



شکل ۴-۱۰. مدل مفهومی پژوهش

در ادامه با توجه به یافته‌های پژوهش پاسخ هر کدام از سوالات پژوهشی به شرح ذیل است:

سوال یکم پژوهش: وضعیت سبک زندگی اسلامی خانواده‌های ایران چگونه است؟

بر مبنای یافته‌های بخش کمی پژوهش، مشخص شده است که در تمامی مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی برآورد عمومی بر آن است که در سطحی بالاتر از میانگین قرار دارد و به عبارت دیگر، اعتقاد عمومی بر آن است که نزدیکی سبک زندگی امروزی در ایران نسبت به سبک زندگی اسلامی در حد متوسط و بالاتر قرار دارد، در حقیقت نتایج این پژوهش نشان نداد که مردم به این اعتقاد دارند که سبک زندگی اسلامی فراموش شده و یا مورد توجه قرار نمی‌گیرد لیکن این موضوع که رعایت این سبک به حدود ۶۲٪ رسیده است، خود محل هشدار است در حقیقت وضعیت سبک زندگی اسلامی در ایران، به اندازه ۶۲٪ مراعات می‌گردد که این موضوع را باید به عنوان نکته‌ای مثبت کلیدی در نظر گرفت چرا که با بیش از ۶۰٪ وضعیت مراعات سبک زندگی اسلامی را می‌توان قابل قبول دانست.

این موضوع در مصاحبه‌های کیفی نیز متجلی بوده و به تعبیر یکی از مصاحبه‌شدگان: "نمیگم تکنولوژی تاثیر نداشته تو اعتقادات مردم، حتما گذاشته اما کم نشده، من خودم همین چندی پیش تو مترو بودم، آقایی کنارم بود، این گوشیش رو از جیبش درآورد صفحه اول گوشیش آیه الکرسی بود... یا خیلی وقتا دیدم تو شبای قدر تو مراسم ختم... مردم ادعیه رو تو گوشی دارن، قرآن و مفاتیح دارن تو تبلتسون..." شاید این مهم به این دلیل باشد که در بستر تکنولوژی و فناوری‌های گوناگون می‌توان به ترویج سبک زندگی اسلامی پرداخت و به تعبیر یکی از مشارکت‌کنندگان: "الان تمام مراجع سایت دارن و دسترسی بهشون راحت تر شده، مسائل رو میپرسن مردم، البته نمیگم تمام اینترنت خوبه، اما مسلم اینه که بستریه که میتونه توش مسائل متعالی وجود داشته باشه و در خدمت معنویات باشه"

سوال دوم پژوهش: وضعیت و میزان استفاده از فناوری‌های تأثیرگذار در سبک زندگی خانواده‌های ایران چگونه است؟

بر مبنای یافته‌های پژوهش، اعتقاد عمومی بر این بود که سبک زندگی اسلامی بیش از ۷۵٪ تحت تاثیر فناوری قرار گرفته و به علت تاثیر گذاری بالای آن دگرگون شده است. در این پژوهش روشن شد که بیش از ۸۰٪ از افراد مورد پژوهش از وسایلی مانند کامپیوتر و تبلت استفاده می‌کنند که ۶۲٪ آنان روزانه بیش از دو ساعت از ابزارها استفاده می‌کنند که در این حالت، ۲۷٪ از کل جمعیت بیش از ۴٪ از این ابزار

بهره می‌گیرند. اما همانگونه که بیان شد مفهوم فناوری تنها در ابزاری مانند تلفن و کامپیوتر خلاصه نمی‌شود، اتوماسیون اداری، زندگی در نظام مدرن نیز نوعی فناوری است. به دیگر سخن، یک نوع مدیریت و کنترل اجتماعی، نوعی فناوری است. از قضا، چیزی که بر زندگی ما بیشتر تأثیر دارد، فناوری اجتماعی است که زندگی شخصی و جمعی را همچون ابزارها و اختراعات مادی و شاید بیش از آن‌ها دگرگون می‌سازد.

بر این تفسیر از تکنولوژی در حقیقت باید تمامی افراد را به نحوی از انحا در فناوری‌های نوین درگیر دانست که به شکلی عمیق سبک زندگی مردم را متاثر کرده است. در این باره یکی از مشارکت‌کنندگان در پژوهش بیان کرد که: این نظام تکنوپولی است که بر تمامی زندگی سیطره دارد و تقلیل مفهومی تکنولوژی به حد ابزار ناقص سازی مفهوم به شمار می‌رود. لذا در پاسخ به سوال دوم پژوهش و برای درک صحیح از موضوعیت مورد پژوهش، باید تمامی خانواده‌های ایرانی را به طور کامل در تعامل با تکنولوژی تصور نمود.

سوال سوم پژوهش: انواع فناوری‌های مورداستفاده چگونه بر سبک زندگی اسلامی خانواده‌های ایران تأثیر دارند؟

بر مبنای نتایج پژوهش باید توجه داشت که انواع فناوری‌های موجود در بستری از خلا سیاست‌گذاری صحیح و تبلیغات پرفشار غرب رخ داد و مواجهه ایرانیان با فرهنگ غربی و در شرایطی رخ داد که تبلیغات جذاب و خوراک فرهنگی مناسبی برای ایرانیان وجود نداشت و برخی از اهل فرهنگ مبلغ سبک زندگی غربی بودند.

این مواجهه سبک زندگی و تکنولوژی بسته به نوع مدیریت موضوع گاهی نتایجی مطلوب و در راستای سبک زندگی اسلامی به جای گذاشته (مانند استفاده از بستر اینترنت برای آموزش احکام اسلامی، تولید نرم افزارهای قرآنی و...) و گاهی در خلا مدیریت نتایجی نامطلوب به جای گذاشته است.

لذا چگونگی این اثرگذاری بیش از آنکه به ماهیت تکنولوژی بازگردد به مدیریت آن مرتبط است.

SCC.ir

فصل پنجم

بحث و نتیجه گیری

هدف این مطالعه کاوش، توصیف و تشریح ارتباط متقابل سبک زندگی اسلامی و فناوری، بود. به این منظور از رویکرد روش‌های ترکیبی استفاده شد و داده‌ها طی دو مرحله از مردم تهران در مناطق شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکز و همچنین متخصصین در حوزه‌های مختلف جمع‌آوری شد. بر مبنای یافته‌های حاصل مطالعه سیستماتیک پژوهش‌ها و نظریه‌ها، عامل‌هایی استخراج شده و بر مبنای آن پرسشنامه اولیه طراحی شد. در نهایت با مشارکت ۱۸۳۹ نفر از عموم مردم جامعه در شهر تهران پرسشنامه‌ها با دقت بسیار بالا اجرا و تحلیل شد. تجزیه و تحلیل داده‌های کمی در قالب تحلیل توصیفی داده‌ها، تحلیل عاملی تأییدی مرتبه اول برای بررسی روایی پرسشنامه، شناخت روابط بین متغیرهای پیش‌بین و ملاک، تعمیم یافته‌های مرحله نخست و در آخر تحلیل‌های تکمیلی برای بررسی روابط بین عوامل نهایی و برخی متغیرهای جمعیت شناختی انجام شد.

در مرحله کیفی با چندتن از متخصصان در حوزه‌های فرهنگ و جامعه‌شناسی به صورت فردی مصاحبه شد؛ سپس داده‌های کیفی، کدگذاری باز، کدگذاری شده و مقوله‌های کلی به دست آمد که در قالب مدل مفهومی ارتباط متقابل سبک زندگی اسلامی و فناوری را در سطح کشور منعکس می‌کنند.

باید خاطر نشان ساخت در این پژوهش، همان‌گونه که در فصل سوم آمده است، اولویت اجرایی به ویژه در بخش‌های اجرایی به پژوهش کیفی و یافته‌های تحلیل‌های کیفی داده شده است. نقش داده‌های کمی، تعیین میزان نگرش مردم در ابعاد مختلف موضوع بوده است.

۵-۱. بحث و نتیجه گیری

با نگاهی ظاهری به سبک‌های رایج زندگی امروزی در جامعه، به خوبی می‌توان ابعاد تأثیر مدرنیته را در زوایای گوناگون زندگی فردی و اجتماعی مشاهده نمود. یکی از آثار مهم مدرنیته، گسترش سبک زندگی غربی در جامعه است که ریشه در دوران شاهان قاجار و پهلوی دارد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و بازگشت به ارزش‌های اصیل اسلامی و حاکمیت ارزش‌های دینی و انقلابی و معنویت حاکم بر آن دوران، این سبک زندگی، زمینه ظهور و بروز عملی نیافت، ولی با فاصله گرفتن از سال‌های آغازین انقلاب و به ویژه پس از دفاع مقدسی، توجه بیش از حد به امور اقتصادی و غفلت از امور فرهنگی و اعتقادی، زمینه

کمرنگ شدن ارزش‌های دینی و انقلابی را فراهم نمود و با شعارهایی چون آزادی، اندیشه سکولاریستی و جدایی دین از عرصه زندگی اجتماعی، رفاه طلبی و اشرافی‌گری که از آثار مدرنیته اند، احیا شد.

در جهان بینی مادی که پیدایش آن با مدرنیته بود، جامعه به سمت تحریک‌های آدمی و کامیابی بیشتر از زندگی و در نتیجه روی آوردن به مصرف‌گرایی در حرکت است. مصرف‌گرایی، اصالت دادن به مصرف و هدف قرار دادن رفاه و دارایی‌های مادی است. برخی مصرف‌گرایی را به معنای برابر دانستن خوشبختی شخصی با خرید دارایی‌های مادی گرفته‌اند. در جنبش مصرف‌گرایی، دنیای غرب از اخلاق تولیدی یا اخلاق پروتستانی به اخلاق مصرفی روی آورد. در نتیجه غرب از جامعه تولیدی به جامعه مصرفی تبدیل شد و هدف، بیشینه‌سازی مصرف و کامیابی قرار گرفت. پس از غرب، کشورهای توسعه‌یافته نیز با اثرپذیری از تبلیغات و عوامل دیگر به جامعه مصرفی تبدیل شدند. برای تسریع در سیر به سوی جامعه مصرفی، سیاستهایی چون برگزاری نمایشگاهها، تاسیس فروشگاههای بزرگ و زنجیرهای ورود و عرضه کالاهای مصرفی ارزانیتم اجرا شد. تفاوتی که جامعه مصرفی با پیش از خود داشت، این بود که پیشتر مصرف کالاهای فراوان ویژه طبقه ثروتمند و مرفه بود، ولی در جامعه مصرفی، مصرف این کالاها برای مردم عادی نیز رواج یافت. البته کالاهای گران‌قیمت و با کیفیت بالا ویژه ثروتمندان و کالاهای ارزان قیمت و بی‌کیفیت تر ویژه مردمان عادی بود (سیدی‌نیا، ۱۳۸۸). مصرف‌گرایی، سبب افزایش هزینه است. طبیعی است که وجود فرزند زیاد، مصرف بیشتر و افزایش هزینه بالاتر را به همراه دارد و چون هدف انسان در دوران جدید، مصرف‌گرایی و افزون‌سازی بهرهمندی از زندگی معرفی شده و در این هدف، فرزندآوری کمتر مورد نظر قرار گرفته (افشار کهن و صادقی، ۱۳۸۵)، خانوادهها ترجیح میدهند با داشتن فرزند کمتر و کاهش هزینه‌ها، مصرف بیشتر و لذت افزونتری داشته باشند. این باور موجب کاهش سطح باروری و در نتیجه سیر نزولی رشد جمعیت شده است.

اهمیت این موضوع که درک شود چرا باید هنگام مواجهه با مفهوم تکنولوژی و تعامل آن با فرهنگ به مسائلی کلان‌تر از ابزار تکنولوژیک پرداخت در مفهومی که نیل پُستمن^۱ آفریده است توجه نمود، مفهوم ابداعی او تکنوپولی است. **تکنوپولی** از دو واژه تکنولوژی و مونوپولی تشکیل شده است و به معنای سلطه تکنولوژی بر فرهنگ جوامع بشر امروزی است. تاریخ فرهنگ بشر به سه دسته تقسیم می‌شود.

1. Neil Postman

۱. فرهنگ ابزار

۲. فرهنگ تکنوکراسی

۳. فرهنگ تکنوپولی

به تعبیر پستمن در این میان تکنوپولی همان فرهنگ امروزی بشر است. وجه بارز این فرهنگ گم شدن فرهنگ در هجوم اطلاعات است. فرهنگ اعتبار خود را در تکنولوژی کاوش می‌کند و دستورالعمل‌های خود را از تکنولوژی می‌گیرد. نظام تکنوپولی را می‌توان چنین تعریف کرد «سیستمی که در آن، جامعه انسانی قدرت دفاعی خود را در مقابل سیل اطلاعات و تکنولوژی از دست داده است». بنابر این در نظام تکنوپولی **وسیله و هدف** یکی می‌شود. استفاده از وسایل آنچنان افزایش پیدا می‌کند که دیگر چرایی این استفاده مطرح نیست. خصلت این نظام، انبوه اطلاعات است که در قالب ابزاری چون کامپیوتر و تلویزیون ایفای نقش می‌کند

در حقیقت باید اشاره کرد که، با ظهور کارخانجات و ساخت ماشین آلات صنعتی در دهه ۱۸۶۰، این مساله تا جایی پیش رفت که پایه‌های این اعتقاد ریخته شد که برای تضمین حرکت و رشد و تکامل صنعتی بهتر آن است که انسانها را نه به عنوان فرزند خدا، بلکه به مثابه مصرف‌کنندگان و اجزئی از بازار به حساب آوریم. هرچند در برابر این مسائل مقاومت‌هایی نیز صورت می‌گرفت، اما این روند سیر صعودی خود را طی کرد.

در قرن ۱۹ آموزش همگانی رشد و گسترش می‌یابد، کتابخانه‌ها توسعه می‌یابند و وسایل ارتباط جمعی رشد کرده و سازنده افکار عمومی می‌شوند. آزادی مذهب و اندیشه‌های سیاسی از طریق مطبوعات و رسانه‌ها گسترش یافته و در نتیجه صاحبان اطلاعات از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردار می‌شوند. امواج اطلاعات و تکنولوژیهای ارتباطی پرنده‌ای شدند که ایلات متحده را بر بالهای خود نشانده و آرام آرام به اوج قدرت نمایی رساندند. تفکر بر این بود که ما در این مسیر چیزی جز زنجیرهای اسارت بار جامعه ابزارآلات را برجای نخواهیم گذاشت. نخواهیم گذاشت که تکنوکراسی ما را ساقط کرده و به اسارت خود درآورد. این اتفاق در واقعیت هم روی داد و فی الواقع در آمریکای قرن ۱۹ هنوز انسانهای پایبند به مبانی عقیدتی و مذهبی وجود داشت و احترام به سنن و آئین گذشتگان هنوز دارای جایگاه بود.

اما کم کم تکنوکراسی کاملاً مسلح آمریکا به این باورها با دیده حقارت می‌نگریست و آنها را در تعارض با رسم و سلوک نوین زندگی قلمداد می‌کرد. تکنوکراسی به قطعه قطعه کردن این نظام فکری می‌پرداخت، هرچند که توان از بین بردن کامل آن را نداشت. زیرا تفکر دنیای صنعتی هنوز در اول راه بود. بدین ترتیب بود که دو جهان بینی در کنار یکدیگر وجود داشتند: تکنولوژی از یک طرف و سنت و فرهنگ از طرف دیگر. اما با ظهور تکنوپولی یکی از این دو جهان بینی باید از صحنه فکری حذف گردد. امپراتوری تکنولوژی به حذف رقیب خود می‌پردازد. تکنوپولی از راه نامرئی ساختن و بی اثر ساختن رقیب خود یعنی فرهنگ، برای مذهب هنر، فرهنگ، سیاست، خانواده و ... مفاهیم و معانی جدیدی می‌آفریند. به اعتقاد پستمن ریشه‌های تکنوپولی را می‌توان در اندیشه‌های تیلور و آگوست کنت ردیابی کرد. به نظر تیلور صلاح و منفعت جامعه در صورتی به بهترین وجه تامین می‌شود که انسانها خود را در اختیار تکنولوژی قرار دهند.

پستمن جامعه آمریکا را اولین جامعه گرفتار تکنوپولی می‌داند و دلایلی را برای این امر می‌آورد که آمریکا را برای بوجود آمدن تکنوپولی مهیا کرده است و این دلایل را اینگونه مطرح می‌کند:

۱. در ذهن آمریکایی‌ها همه چیز در حال تغییر است و هرچیز جدیدی بهتر از قدیمی است.
۲. نبوغ و شجاعت سرمایه داران آمریکایی برای استفاده از تکنولوژی
۳. موفقیت تکنولوژی در آمریکا
۴. از بین رفتن مبانی اعتقادی و باورهای سنتی

اگر در سال ۱۹۶۴، تلویزیون به داخل منازل آمریکایی‌ها رفت، دیگر در سال ۱۹۶۰ یک آمریکایی بعلاوه تلویزیون ندارد، بلکه یک آمریکایی جدید وجود دارد؛ آمریکایی که تحت تأثیر تلویزیون، روابط اجتماعی اش تغییر یافته و نگرش مردمانش نسبت به مقوله ای چون «کودکی» عوض شده است. این آمریکای جدید آمریکایی است با نظام سیاسی متفاوت، آمریکایی که حتی واژگان کهن زبان مردمش تحت تأثیر تلویزیون معانی جدیدی به خود گرفته است. به صنعت چاپ اشاره کردم. با گذشت سیصد سال از ورود این صنعت، فرهنگ غربی گام به گام خود را با آن همراه و همگام ساخت تا این که توانستیم الگوهای نوینی از حیات اقتصادی، اندیشه‌های بدیع سیاسی، باورهای جدید و بالاخره نظام آموزشی متفاوتی را شکل دهیم و این تغییرات، همه و همه متأثر از صنعت چاپ بوده است، اما وضعیت امروز ما

واقعاً متفاوت است، چراکه تکنولوژی های بی شمار جدیدی به عرصه اجتماع پا گذاشته اند و همراهی و همگامی ما با آن، به تغییرات گسترده ای در موجودیت ما می انجامد.

از سوی دیگر گسترش روزافزون ارتباطهای بین المللی و پدیده جهانی شدن و دسترسی به انواع ابزارهای رسانهای و تبلیغاتی با گسترش ابزارهای نوین ارتباطی چون ماهواره، فضای مجازی و پخش برنامه های مخرب رسانهای و نیز خواست نظام سلطه جهانی مبنی بر جهانی سازی فرهنگ منحن غرب، سبب شد مدرنیته بار دیگر با بازگرداندن ضد ارزش ها و بازخوانی نظریه های پوسیده غربی که کارایی خود را در جوامع غربی نیز از دست داده بودند، رخ بنماید و به گفته برخی نویسندگان «اوج این جریان در نیمه دهه ۱۳۷۰ خودنمایی کرد. (گاردنر، ۱۳۸۶، ۱۷)؛ این گونه بود که خانواده ایرانی نیز از آسیبهای این فرهنگ در امان نماند. اگرچه خانواده ایرانی به دلیل دارا بودن ذخایر عظیم معنوی و پیروی از اهل بیت شیشه تلاش مینماید خود را از پیامدهای این فرهنگ دور نگاه دارد، نفوذ فرهنگ برآمده از اندیشه های نوگرا، بر بسیاری از ارزش ها و سنتهای پسندیده اسلامی ایرانی در خانواده ایرانی هجوم آورده و اثرات زیادی بر جای نهاده است. مدرنیته نه فقط در بعد ساختار، خانوادها را دگرگون ساخته و به دلیلی ناچار یهای زندگی شهرنشینی، صنعتی شدن و غیره، خانواده هستهای را جایگزین خانواده گسترده کرده و اشکال مختلفی از خانواده مانند خانوادهای تکواند (تاشی از افزایش طلاق) و تکنفره را پدید آورده، کارکردهای خانواده را نیز دچار تغییرات و آسیایهای زیادی نموده است. کاهش ارتباط عاطفی زن شوهر و والدین فرزندان، کاهش روابط خویشاوندی، کاهش حمایت از سالمندان و واگذاری امور آنها به سرای سالمندان، وانهادن وظیفه تربیتی توسط برخی والدین به رسانه ها و سایر مراکز آموزشی، جابجایی نقش ها و... از تغییرات در کارکرد خانواده است.

از سوی دیگر، تحول در تکنولوژی ارتباطات در دو دهه اخیر و کاهش اقتدار نهادهای سنتی جامعه پذیرکننده در جامعه ایرانی (حداقل در شهرهای بزرگ) به افزایش نقش فرهنگ رسانه ای و به طور کلی فرهنگ عامه پسند جهانی در فرایند جامعه پذیری افراد منجر شده است. از این لحاظ بخشی از مردم ما به سبک های زندگی دوگانه^۱ عادت کرده اند: دنیای عمومی و دنیای خصوصی یا دنیای رسمی و

1 Dual lifestyle

غیررسمی^۱ ظاهر، رفتار و زندگی عمده‌ای از آن‌ها در پشت درهای بسته‌ی خانه (حوزه‌ی خصوصی) و در محیط‌های فرهنگی دیگر (سفرهای خارجه) تا حد زیادی متفاوت از آن‌چیزی است که در اماکن عمومی داخل کشور مشاهده می‌شود. خانه و محیط‌های فرهنگی خارج از کشور، محل بروز فردیت آن‌ها و در نتیجه سبک زندگی آن‌هاست (قرلسفلی و فرخی، ۱۳۹۳).

از سویی دیگر، علیرغم آنکه جهان زیست ایران برای سده‌ها با ارزش‌های اجتماع‌گرایانه هم‌نوا بوده است، ابزارهای دیجیتال باعث تقویت ارزش‌های فردگرایانه شده است. صدمه دیدگی شبکه‌های سنتی همسایگی، فرآیند رسانه‌ای شدن^۲ و خانگی شدن^۳ توصیف‌کننده‌ی گذران بخش عمده‌ای از سبک مدرن فراغت ایرانی است و اینکه به ویژه نسل جوان ایام فراغت خود را بیش از پیش در خلوت سپری می‌کنند و برای سرگرم شدن به طور فزاینده‌ای به رسانه‌های جدید متکی هستند. چت‌روم‌ها^۴ یا میدان‌های چندکاربری^۵ به عنوان یکی از پرطرفدارترین میدان‌های اینترنتی شرایط جدیدی را پیرامون کاربران خود قرار داده و مرزهای جدیدی را در شکل‌گیری سبک جدید زندگی پدید آورده است؛ اما میتوان استدلال کرد که از نتایج منفی ملموس آن در زندگی روزمره‌ی ما این است که به تقلیل سرمایه‌ی اجتماعی، انزوا و بریدگی از مشارکت‌های عینی، تغییر روابط از اجتماعات و گروه‌های آشنا به اجتماعات شبکه‌ای، سوگیری قشر جوان به سوی آموزش موزاییکی و نیز قطعه‌قطعه شدن افراطی^۶ سلیقه‌ها و فرهنگ سنتی و اسلامی ما و در نتیجه توده‌وارسازی^۷ است. (قرلسفلی و فرخی، ۱۳۹۳).

نقش عمده و تأثیر چسبانه‌ی شبکه‌های ارتباطی در رواج و اشاعه‌ی فرهنگ مدرن باعث شده است که از طریق کنار هم قرار دادن موقعیت‌ها و حالت‌های گوناگون، شکل‌ها و نماهای ویژه‌ای به وجود آورده شود که شیوه‌های زندگی بیسابقه و بنابراین انتخاب‌های تازه‌ای را القا میکند (گیدنز، ۱۳۸۲: ۱۲۴). از این رو، علیرغم کنترل و مراقبت سیاستگذاران و متولیان فرهنگی جامعه و تلاش‌های نهادی چون خانواده

۱) به تعبیر گیدنز سبک‌های زندگی قطعه‌قطعه و متکثر گشته‌اند. تفاوت‌های مشهود بین بخش خصوصی و عمومی یکی از مظاهر عمده‌ی این کثرت‌گرایی است. بدین ترتیب، گزینش‌های شیوه‌ی زندگی اغلب تصمیم‌گیریهایی هستند برای غوطه‌ور شدن در آن محیط‌ها، به هزینه‌ی بدیل‌های ممکن دیگر (گیدنز، ۱۳۸۲: ۱۳۳)

2 Mediatization
3 Domestification
4 Chatrooms
5 Multi-user-dungeons
6 Hypersegmentation
7 Massification

مدارس، مساجد، دانشگاه‌ها، مطبوعات، تلویزیون و ... در جهت دهی به سبک زندگی ایرانی بر اساس معیارها و ارزش‌های سنتی و اسلامی، برخی از ایرانیان به علت تعریف دیگری که از زندگی مطلوب و به‌هنگار بودن دارند به سبک زندگی خاصی تمایل پیدا می‌کنند که گاهی با معیارهای مورد قبول، ارزش‌های رسمی و مورد انتظار جامعه تفاوت و فاصله دارد. به نقل از گیدنز، بازتابی بودن هویت و فردگرایی به عنوان مشخصه‌ی بارز جامعه‌ی مدرن متأخر به عنوان روشی برای کسب تمایز در سبک‌های زندگی مرکزیت یافته است. از این رو، این افراد تفاوت خود با جامعه را در سبک زندگی و رفتار متفاوت خود با جامعه، متجلی می‌سازند (قرلسفلی و فرخی، ۱۳۹۳).

شایان ذکر است که تأثیر رسانه‌های ارتباط جمعی فقط در جهت کثرت‌گرایی و تنوع‌طلبی نیست. رسانه‌های جمعی، به خصوص رسانه‌های الکترونیکی، جغرافیای وضعی زندگی اجتماعی را دگرگون می‌سازند و ما را به موقعیت‌هایی هدایت می‌کنند که شخصاً هرگز امکان تماس یا آشنایی مستقیم با آن‌ها را نداشته‌ایم (گیدنز، ۱۳۸۲: ۱۲۳). به عبارتی، در جهان زیست‌امروز ایرانی، به یاری همین رسانه‌های ارتباط جمعی، در قالب برنامه‌ها، سریال‌ها، فیلم‌ها و ... با سنت ایرانی و اسلامی پیوندزنی صورت گرفته می‌شود تا احساس نوعی همبستگی و همسانی - در عین حال احترام به تفاوت‌های سبک زندگی تا آنجا که همراه با کنش مسئولانه و متعهدانه در ارتباط با دیگران باشد - در الگوهای رفتاری دیده شود و چنین الگوهایی حفظ شده و استمرار یابد (قرلسفلی و فرخی، ۱۳۹۳).

فردگرایی به منزله‌ی یک از شاخص‌های مدرنیته‌ی متأخر، در عرصه‌ی خانه‌ی ایرانی با اهمیت یافتن کارکرد حریم خصوصی، تنوع یافتن سبک‌های دکوراسیون و آرایش منزل و محدود شدن روابط همسایگی خود را نمایش گذاشت. از طرفی با توسعه‌ی شهرنشینی، خانه نیز بسیاری از کارکردهای سنتیاش مانند خانه به مثابه‌ی غذا خوردن، محل تفریح و آسایش، محل میهمانی و ملاقات، محل جشن‌ها و برگزاری آیین‌ها به فضای شهری منتقل کرد (فاضلی، ۱۳۸۷). از سوی دیگر «خانه‌ی پدری» که بیش از هر چیز بیانگر «خصلت پدرسالارانه» و مفهوم نابرابر و سنتی خانه بود، با ورود مدرنیته کارکرد جنسیتی سنتی خانه کاهش یافت و زن را از «چاردیواری خانه» - عدم حوزه‌ی خصوصی - به «محیط جامعه» کشاند. نتیجه این‌که در شرایط مدرن شده‌ی کنونی دیگر به جای «خانه‌ی پدری» مفهوم

دموکراتیک تر خانه‌ی خانوادگی^۱ به کار می‌رود و به اشکال مختلف از فرم، کارکردها و درون خانه سنت زدایی و «خانواده‌ی هسته‌ای» جایگزین «خانواده‌ی گسترده» گشته است. متعاقباً معماری خانه‌های ایرانی با سبکی مدرن - کوچک شدن، حداکثر استفاده از فضا، برداشته شدن دیوارهای آشپزخانه، قابل رؤیت بودن اتاق‌ها، برداشته شدن اندرونی و بیرونی، افزایش پنجره‌ها و گشودگی به فضاهای بیرون طراحی میشوند. علاوه بر این، در شرایط مدرن دیگر خانه‌ی ایرانی از نمادها و نشانه‌های متافیزیکی خالی گشته است^۲ (قرلسفلی و فرخی، ۱۳۹۳).

در همین راستا باید به نقش رسانه نیز اشاره نمود، سریال‌های تلویزیونی در دوره‌های تاریخی مختلف، متأثر از شرایط اجتماعی حاکم، تاحدودی واقعیت را بازنمایی می‌کنند. این نوع ژانر تلویزیونی در جهان امروز، به عنوان متنی فراگیر و گسترده، رسانه‌ای برای انتقال معانی و دلالت‌هایی در نظر گرفته می‌شود که رمزگذار در اثرش، آنرا برای مخاطب خود قراردادده است (خالق‌پناه و شریفی ساعی، ۱۳۸۹:۱۰). ساخت سریال‌های تلویزیونی حوزه‌ای از فرایند فرهنگ‌سازی و انتقال معنا در سطح کلان است. بسیاری از پژوهش‌هایی که در حوزه زبان در سال‌های اخیر انجام شده است (مانند مدرس خیابانی، ۱۳۹۱) نشان می‌دهد که میزان صراحت زبانی افزایش و در مقابل آن میزان نزاکت زبانی^۳ در حال کاهش است. در مقاله حاضر نیز نشان داده شد که طی یک بازه زمانی سی ساله، زبان به کار گرفته شده در سریال‌های تلویزیونی، تغییر کرده است و به نوعی تغییر سبک زندگی در زبان بازتاب داشته است. بیشتر نظریه‌پردازانی که به تأثیرات رسانه‌ها معتقدند هویت جمعی و فردی را از اصلی‌ترین حوزه‌های تأثیرگذاری رسانه‌ها می‌دانند (میرفخرایی، ۱۳۸۵). این درحالی است که نتایج برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهد میزان تعلق جوانان به هویت زبانی، به‌عنوان یکی از انواع مؤلفه‌های هویت ملی در حال کاهش است (قنبری برزیان و جعفرزاده پور، ۱۳۹۰).

1 Family home

^۲ به عنوان نمونه سقف‌های گنبدی، کاربرد رنگ فیروزه‌ای، کاشیهای مزین به آیات قرآن و ادعیه دینی، روبه قبله بودن که به خانه‌های ایرانی روح اسلامی و دینی می‌بخشید، تنها محدود به مساجد، حسینیه‌ها و بقاع متبرکه شد.

3 language politeness

نزاکت زبانی در حوزه کاربرد ضمائر و صورت‌های خطاب در مجموعه‌های سه دهه اخیر کاهش یافته است. در واقع، در متن سریال‌ها شاهد تفاوت بارزی در گفتمان شخصیت‌های مجموعه‌ها هستیم. برای نمونه در مجموعه «در پناه تو»، نزاکت زبانی در مکالمه شخصیت‌های مختلف از فرزندان و والدین و همسران برجسته است، حتی اعضا کوچکتر خانواده حامد در مجموعه «تب سرد» نیز این نزاکت زبانی را رعایت می‌کنند. اما در مجموعه «تکیه بر باد»، نزاکت زبانی که در مجموعه‌های قبلی در ضمیرها و صورت‌های خطاب به خوبی نشان داده می‌شد، جای خود را به صریح‌گویی برخوردارنده‌ای می‌دهد. نوع خطاب تحقیرآمیز حتی در لحن شخصیت‌ها، بویژه در موقعیت‌های برابر (مانند دو خواهر) به روشنی دیده می‌شود (عظیمی فرد، ۱۳۹۳).

از دیدگاه تکنوپولی مهم‌ترین ارزش دستگاه‌ها و ابزارها، دقت است و به انگیزه‌ای که یک ماشین در سر می‌پروراند اغلب توجه نمی‌شود. در تکنوپولی معرفت‌های ذهنی فاقد ارزش بوده و نیازمند تایید بوسیله تست‌ها و ماشین‌هایی هستند که بدست کارشناسان و متخصصان باید انجام گیرد. ماشین‌ها قادرند پیچیدگی‌ها، تردیدها و چندوجهی بودن‌ها را برطرف سازند، سریع‌تر کار می‌کنند و استاندارد شده هستند و با زبان اعداد با ما سخن می‌گویند. در نظام تکنوپولی ما نه تنها بوسیله اعجاب‌آفرینی‌های ماشین احاطه می‌شویم بلکه بدان سو کشیده می‌شویم که انگیزه‌ها و ایده‌های نهفته و ذاتی آنها را اصلاً مورد توجه قرار ندهیم.

از نظر پستمن مهم‌ترین پیام کامپیوتر این است ما ماشین هستیم، گرچه ماشین‌های هستیم که دارای قدرت تفکر است. اما در هر صورت انسان ماشین است. از این رو کامپیوتر مهم‌ترین و کامل‌ترین ماشین تکنوپولی است که به هیچ وجه و با هیچ چیز دیگر قابل تعویض و جایگزینی نیست. کامپیوتر سلطه محض خود را بر روی طبیعت و الزامات آن، محیط زیست، احساسات و عواطف ما و ... بدست می‌گیرد. او مدعی حاکمیت بلامنازع بر مجموعه تجربیات و رفتارهای انسانی و آنچه بر سر انسانها می‌آید و خلاصه تسلط کامل بر تمام ابعاد زندگی انسان است و این ادعا را با این نمایش که او بهتر از ما قادر به فکر کردن است، تحکیم می‌بخشد. پستمن پس از ارائه این مطالب هرگونه مقایسه ذهن آدمی با کامپیوتر را مردود اعلام کرده و معتقد است که هیچگاه کامپیوتر نمی‌تواند مثل فکر آدمی باشد و معنای اعمالی را که انجام می‌دهد بفهمد و درک کند. ذهن انسان هرگز قابل کپی کردن و انتقال نیست. اما جامعه به این سمت کشانده

شده است که کامپیوترها را برابر با انسان‌ها تلقی می‌کنند و چه بسا فراتر از انسانها. مانند وقتی که از اصطلاحاتی نظیر ویروس، عفونت، سرم، قرنطینه و ... برای کامپیوتر استفاده می‌شود. این ادعا زمانی جدی تر تلقی می‌شود که بعضا کامپیوتر صاحب اراده و تفکر قلمداد می‌شود و این روند شدتی ادامه پیدا می‌کند، تا جایی که کامپیوتر و ماشین جای طبیعت و خدا را می‌گیرد. پستمن می‌گوید بسیار متعجب می‌شوم وقتی می‌بینم مراجعه‌کنندگان ادارات با شنیدن جملاتی شبیه «کامپیوتر می‌گوید:.....» چقدر رضایت خاطر پیدا می‌کنند و آن را با عبارتی نظیر «خواست خدا بوده است» یکسان می‌انگارند. و در حقیقت تکنولوژی را به جای خدا می‌نشانند.

با این همه نباید اینترنت و کامپیوتر را ابزار ضروری دانست، آمارها نشان می‌دهد که ایران با حدود ۸۰ میلیون نفر جمعیت در سال ۲۰۱۰م، با ۴۳/۲ درصد ضریب نفوذ، بیشترین میزان استفاده از اینترنت را در خاورمیانه به خود اختصاص داده است. امروزه اینترنت، بخش مهمی از زندگی ایرانیان از جمله کار، درس، سرگرمی و فعالیت‌های اجتماعی را در بر گرفته است.

افزایش کیفیت و کمیت تحقیقات علمی، نزدیک شدن مردم به یکدیگر، برقراری ارتباط صوتی و تصویری با اقتصادی‌ترین روش، صرفه جویی در وقت و هزینه و امکان دسترسی به جدیدترین مباحث علمی روز، از جمله مزایای استفاده از اینترنت می‌باشند.

تبدیل جهان به دهکده جهانی (ایجاد تغییرات گسترده جهانی بعد از شکل‌گیری اینترنت، بسیاری را به این باور رسانده که اینترنت، عامل بسیاری از تغییرات فرهنگی و فنی در حوزه‌های مختلف زندگی روزمره است) آموزش و پژوهش اینترنتی (شکی نیست که اینترنت با ظرفیت‌های موجود در آن، با کنار گذاشتن محدودیت‌های زمانی و مکانی و با امکان استفاده از تمام قالب‌های سمعی و بصری موجود، می‌تواند نظام یادگیری را متحول سازد.) شهروند الکترونیکی (ارائه خدمات ارتباطی، کارکرد پرمصرف و اصلی اینترنت است و یکی یکی، از عوامل مهم جذب و علاقه‌مند شدن افراد به اینترنت است. دولت الکترونیک (مفهوم دیگری که در تعیین سبک زندگی تأثیر مهمی دارد، «دولت الکترونیک» است که استفاده از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی، به منظور ارائه خدمات دولتی، به صورت به‌هنگام و مستقیم به شهروندان می‌باشد. دولت الکترونیک به افراد تسهیلات لازم را جهت دسترسی مناسب به اطلاعات و خدمات دولتی و فرصت‌های گسترده‌تر را برای مشارکت در برنامه‌ها در اختیار افراد قرار می‌دهد)

اقتصاد و تجارت الکترونیک (اینترنت هزاران شغل برای کارکنان صنایع رسانه ای فراهم ساخته و به صورت غیرمستقیم برای میلیون ها خانواده دیگر، شرایطی را فراهم کرده است؛ تا زندگی خودشان را از طریق فعالیت های مربوط به اینترنت، تأمین کنند) از جمله فواید آشکار تکنولوژی است

۲-۵. جمع بندی نهایی

می دانیم که تکنولوژی و فناوری چگونه بر سبک زندگی اسلامی تاثیر می گذارد و بحث شد که این تاثیر گذاری می تواند مثبت نیز باشد در قیاس این مفاهیم می توان به تفاوتی که در آداب و اخلاق توسط استاد شهید مطهری با تمسک به جمله ای از امیر المومنین بیان شده است اشاره کرد، ایشان میگویند: «اخلاق»، ثابت ولی «آداب» نسبی است، شهید مطهری به مناسبت موضوع «مقتضیات زمان» بحثی درباره نسبت اخلاق یا آداب را در توضیح جمله «لا تودبوا اولادکم باخلاقکم لانهم خلقوا لزمان غیر زمانکم» که برخی آن را منسوب به حضرت علی علیه السلام می دانند- و برخی می خواهند با آن نسبت اخلاق را اثبات کنند، مطرح کرده و بار دین مطلب می گوید ممکن است معنای جمله این باشد که «لا تودبوا اولادکم بآدابکم» پس باید بین اخلاق و آداب تفاوت گذاشته شود.

ایشان اشاره می کنند این که در اشعار فارسی آمده است که فرزند زمان خویشان باش، به معنای تعلم آداب زمانه است؛ زیرا هر زمانی آداب و هنرهای خاص خود را می جوید و انسان می بایست با توجه به شرایط آموزش کودکان را آغاز کند. از این رو، آداب در هر زمانی تغییر می کند و نسبی است در حالی که اخلاق امری ثابت و پایدار است و شرایط زمانی و مکانی در آن تغییر ایجاد نمی کند.

لذا باید تاثیرات تکنولوژی و حضور آن را پذیرفت و سبک زندگی اسلامی را با آدابی متناسب با آن

ارائه نمود.

۳-۵. محدودیت های پژوهش

عمده محدودیت این پژوهش این است که با توجه به اینکه پرسشنامه های پژوهش در شهر تهران اجرا شد، تعمیم نتایج به تمام کشور و یا مناطق جغرافیایی مختلف باید با دقت صورت پذیرد.

۴-۵. پیشنهاد برای پژوهش‌های آینده

برای کاوش بیشتر پرسش‌های مطرح شده در این پژوهش، و همچنین عملیاتی کردن راهکارها جهت گسترش سبک زندگی اسلامی مطالعات پژوهشی متعددی می‌توان انجام داد. برخی از این پیشنهادها در ادامه آمده‌اند:

با توجه به اینکه برای اجرایی کردن راهکارهای مورد اشاره در این پژوهش نیازمند مداخلات در سطوح مختلف هستیم، تشکیل و بکارگیری تیم‌های توانمند و لحاظ دقت در طراحی و اجرای مداخلات بدون هیچ گونه ملاحظه و مناسبات ضرورت دارد.

کاوش در اولویت بندی و چگونگی ایجاد قوانین ترغیبی و حمایتی برای افرادی که به سبک زندگی اسلامی پایبند هستند.

ساماندهی پژوهشی برای شناسایی نقاط جذاب فرهنگ عامه به منظور استفاده از آن به مثابه کانالی که اولویت هایسبک زندگی اسلامی را به گوش مخاطبان برساند.

کاوش در الگوهای حفاظت از سبک زندگی در کشورهای غربی و شرقی به منظور کسب تجربه برای کاربردی آن در ایران

SCC.ir

SCC.ir

فهرست منابع و مآخذ

- مهدی زاده، حسین. (۳۹۰). سبک زندگی پیشینه ی دانش سبک زندگی. سوره اندیشه. ۵۰. ۵۷-۵۹.
- صفارهرندی، سجاد. (۱۳۸۹). سبک زندگی چندسال دارد؟. سوره اندیشه. ۴۹. ۶۰-۶۱.
- رضوی طوسی، معصومه و شعبانی اصل، فاطمه. (۱۳۹۱). چیستی سبک زندگی. مطالعات سبک زندگی. ۱. ۱۸۵-۱۹۰.
- الفت، سعیده و سالمی، آزاده. (۱۳۹۱). مفهوم سبک زندگی. مطالعات سبک زندگی. ۱. ۹-۳۶.
- قادری، طاهره. (۱۳۸۶). سودمندی طبقه در تحلیل تعاملات گروه‌های کلان اجتماعی. اطلاعات سیاسی اقتصادی. ۲۳۶ و ۲۴۰. ۱۰۴-۱۱۳.
- محمدی، مجید. (۱۳۶۶). طبقات اجتماعی. دانشگاه انقلاب. ۴۸. ۱۹-۲۱.
- رکنی، عباس. (۱۳۷۱). مقایسه ای میان پاره ای از نظرات کارل مارکس و ماکس وبر. رشد آموزش علوم اجتماعی. ۱۱ و ۱۲. ۳۸-۴۱.
- الفت، سعیده. (۱۳۹۱). مصرف و سبک زندگی. مطالعات سبک زندگی. ۱. ۱۹۱-۱۹۴.
- میرزمانی، اعظم. (۱۳۹۱). آیا هرطور که بخواهیم می‌توانیم زندگی کنیم؟ تأثیرات سیاست گذاری عمومی بر سبک زندگی. سوره اندیشه. ۶۰ و ۶۱. ۸۷-۹۰.
- ذکایی، محمدسعید. (۱۳۸۱). خرده فرهنگ سبک زندگی و هویت. رشد آموزش علوم اجتماعی. ۲۰ و ۲۱. ۲۰-۲۷.
- ممتاز. سعیده. (۱۳۸۳). معرفی و مفهوم طبقه از دیدگاه بوردیو. شناخت. ۴۱ و ۴۲. ۱۴۹-۱۶۰.
- فدایی عراقی، غلامرضا. (۱۳۹۰). چگونه طبقه‌بندی شکل می‌گیرند؟ تأثیر جهان بینی بر طبقه‌بندی علوم و تأثیر متقابل طبقه‌بندی علوم بر معرفت شناسی انسان. سوره. ۵۴ و ۵۵. ۱۵۵-۱۶۱.
- فیضی، مجتبی. (۱۳۹۲). درآمدی بر سبک زندگی اسلامی. معرفت. ۱۸۵. ۲۷-۴۲.
- حسن دوست فرخانی، هادی؛ رضایی، امید؛ حسن دوست فرخانی، داوود. (۱۳۹۲). بررسی الگوی آرمانی سبک زندگی از دیدگاه مکتب اسلام. معرفت. ۱۸۶. ۲۳-۳۶.
- علاسوند، فریبا. (۱۳۹۲). هنجارشناسی سبک زندگی دینی تبیین سه اصل محوری. زن در فرهنگ و هنر. ۱. ۴۵-۶۲.
- ظهیری، سید مجید. (۱۳۹۲). وش شناخت سبک زندگی اسلامی. پژوهش‌های اجتماعی اسلامی. ۹۸. ۳-۱۴.
- دبیرخانه ی شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۹۳). سند مهندسی فرهنگی کشور. شورای عالی انقلاب فرهنگی.

- رازنهان، فیروز. (۱۳۹۱). انطباق سبک زندگی با فرهنگ ملی اسلامی. مطالعات سبک زندگی. ۱. ۱۷۱-۱۸۴.
- فولادی، محمد. (۱۳۹۲). سبک زندگی دینی جامعه و انسان دینی. معرفت. ۱۸۶. ۵۱-۷۰.
- خطیبی، حسین؛ ساجدی، ابوالفضل. (۱۳۹۲) و مرثی بر شاخص‌های سبک زندگی. معرفت. ۱۸۵. ۱۳-۲۶.
- حبیبی، علی (۱۳۷۵). دستاوردهای اقتصادی پس از جنگ جهانی دوم. نامه اتاق بازرگانی. ۳۴۰. ۳۰-۳۴.
- خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۹۳). کنولوژی متأثر از جهان‌شناسی و انسان‌شناسی است/ اسلام با علوم پایه تکنولوژی پیوند ندارد. [نوشته وبلاگ]. بازیابی شده در اردیبهشت ۱۳۹۳. www.khosropanah.ir
- مجموعه سخنرانی‌های آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی، از سایت Khameneir.ir
- احمدی، بابک. (۱۳۸۲). هایدگر و تاریخ هستی، تهران: نشر مرکز
- میلنر، آندرو و براویت، جف؛ درآمدی بر نظریه فرهنگی، جمال محمدی، تهران، ققنوس، ۱۳۸۷، چاپ دوم
- برنشتاین، ریچارد. (۱۳۸۶). "تکنولوژی و منش اخلاقی شرحی بر پرسش از تکنولوژی"، مترجم یوسف اباذری، مجله ارغنون، شماره ۱، صص ۳۱-۶۸
- علی آبادی، یوسف. (۱۳۷۸). "هایدگر و علم"، مجله گفتگو، شماره ۲۴، صص ۴۳-۵۲.
- محمدی اصل، عباس؛ نظریه جامعه‌شناسی، تهران، جامعه‌شناسان، ۱۳۸۸، چاپ اول.
- ابن خلدون، عبدالرحمن. (۱۳۷۳). مقدمه. ترجمه‌ی محمد پروین گنابادی. جلد اولو تهران: علمی و فرهنگی.
- هایدگر، مارتین و دیگران (۱۳۸۶) فلسفه تکنولوژی، ترجمه شاپور اعتماد، تهران، نشر مرکز.
- رحمانی فیروزجاه، علی؛ سهرابی، سعدیه. (۱۳۹۰). رابطه سبک زندگی و دین‌داری از دیدگاه ابن خلدون. پژوهش‌های علم و دین. ۳. ۱۷-۲۳.
- اسکندری، مصطفی (۱۳۹۳) برگرفته از وبگاه http://zitova.ir/news/hawzahqom_10051
- اسماعیلی، رضا (۱۳۸۴)، تغییرات سبک زندگی و تحولات نسل‌های اجتماعی در ایران، تهران: مبین پروژه.
- اشتراس، آنسلم و کوربین، جولیت. (۱۳۸۵). اصول روش تحقیق کیفی: نظریه‌ی مبنایی؛ رویه‌ها و شیوه‌ها؛ ترجمه بیوک محمدی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

- امیدفر، عبدالله (۱۳۷۹)، نقش دعا در زندگی اجتماعی، قم: میثم تمار.
- آراین، خدیجه (۱۳۷۸)، بررسی رابطه دین‌داری و روان‌درستی ایرانیان مقیم کانادا، پایان‌نامه دکتری، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی.
- بازرگان، عباس. (۱۳۸۷). مقدمه‌ای بر روش‌های تحقیق کیفی و آمیخته رویکردهای متداول در علوم رفتاری. تهران: دیدار.
- باقری، خسرو و اسکندری (۱۳۷۸)، ساخت و اعتباریابی مقیاس عمل‌سنجی براساس دیدگاه اسلامی، تهران: دانشگاه تهران، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی.
- پاک‌نیا، عبدالکریم (۱۳۸۲)، حقوق متقابل والدین و فرزندان، قم: کمال‌الملک.
- پسندیده، عباس (۱۳۸۴)، رضایت از زندگی، قم: مرکز تحقیقات دارالحدیث.
- پیوسته، صادق (۱۳۹۲) برگرفته از وبگاه www.borhan.ir/NSite/FullStory/Print/?Id=6087.
- ترنر، برایان. (۱۳۸۶). شرق‌شناسی، پسامدرنیسم و جهانی شدن. ترجمه سعید وصالی.
- فاضلی، محمد. (۱۳۸۲). مصرف و سبک زندگی. تهران: صبح صادق.
- قرلسفلی، محمدتقی؛ فرخی، سمیه. (۱۳۹۳) و جهان زیست ایرانی و تأثیر آن در نهادمندی سبک زندگی. جامعه‌شناسی نهاد‌های اجتماعی. ۲، ۶۱ تا ۸۴
- خالق‌پناه، ک. و شریفی‌ساعی، م. ح. (۱۳۸۹). تحلیل نشانه‌شناختی نقش‌های خانوادگی در سریال پربیننده تلویزیون. مرکز تحقیقات صداوسیما.
- مدرس خیابانی، ش. (۱۳۹۱). آسیب‌شناسی زبان در مجموعه‌های طنز سیما. مرکز تحقیقات صداوسیما.
- میرفخرایی، ت. (۱۳۸۵). زبان، رسانه و بازنمایی هویت. فصلنامه پژوهش و سنجش. ۱۳ (۴۸).
- قنبریان برزبان، ع. و جعفرپور، ف. (۱۳۹۰). قدرت هویت ملی در میان ایرانیان. مطالعات ملی. ۱۲ (۴۸) (۴)
- عظیمی فرد، فاطمه. (۱۳۹۳). تغییر سبک زندگی و بازنمایی آن در نحوه کاربرد ضمیرها و صورت‌های خطاب در مجموعه‌های تلویزیونی رسانه ملی، مجموعه مقالات دانشگاه علامه طباطبایی، ۳۳۲. ۹۱۵-۹۲۸

- جان بزرگی، مسعود (۱۳۷۸)، بررسی اثربخشی روان‌درمانگری کوتاه‌مدت «آموزش خودمهارگری» با و بدون جهت‌گیری مذهبی (اسلامی) بر مهار اضطراب و تنیدگی، پایان‌نامه دکترا، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- خدایاری‌فرد، محمد و دیگران (۱۳۸۲)، ساخت و هنجاریابی مقیاس دین‌داری در جامعه دانشجویان کشور، تهران: دانشگاه تهران، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی.
- رجب‌زاده، احمد (۱۳۷۹)، دانشگاه، دین، سیاست، تهران: دانشگاه تربیت معلم.
- روحانی، حسن (۱۳۹۳) برگرفته از وبگاه <http://www.ghatreh.com/news/nn19811707>
- سیف، علی اکبر. (۱۳۹۰). ساختن ابزارهای اندازه‌گیری متغیرهای پژوهشی در روانشناسی و علوم تربیتی: آزمون و پرسشنامه. تهران: نشر دیدار.
- شوماخر، رندال ای و لومکس، ریچارد جی. (۱۳۸۸). مقدمه‌ای بر مدل‌سازی معادله ساختاری. ترجمه وحید قاسمی. تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- شهریاری، علی (۱۳۹۳) برگرفته از وبگاه [www. Shahriari.ir/node/100](http://www.Shahriari.ir/node/100)
- طالبان، محمدرضا (۱۳۷۸)، دین‌داری و بزهکاری در میان جوانان دانش‌آموز، تهران: معاونت پژوهشی وزارت آموزش و پرورش.
- فدایی و همکاران (۱۳۸۷). بررسی نقش حجاب بر عزت نفس و پیشرفت تحصیلی دانشجویان دختر دوره کارشناسی دانشگاه تهران در سال ۸۵-۸۶، پژوهشگاه علوم انسانی و فرهنگی، پرتال جامع علوم انسانی.
- فقیهی، علی‌نقی (۱۳۷۶)، شناخت راه و مقصد، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- کرلینجر، فردریک نیکلز و پدهاوزر، الازار. جی. (۱۳۸۵). رگرسیون چندمتغیری در پژوهش رفتاری (با اضافات و تجدید نظر). مترجم حسن سرایی. تهران: سمت.
- گال، مردیت؛ بورگ، والتر و گال، جویس. (۱۳۸۶). روشهای تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روانشناسی (جلد اول). ترجمه نصر اصفهانی و همکاران. تهران: سمت.
- گلریز، گلشن (۱۳۵۳)، پژوهشی برای تهیه مقیاس نگرش مذهبی و بررسی رابطه بین نگرش مذهبی با سایر بازخوردها و خصوصیات شخصیتی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تهران، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی.
- متعارفی، حسین (۱۳۸۳)، «بررسی سبک زندگی قبل از ابتلا به سکنه قلبی بیماران بستری در بخش‌های بعد از سی. سی. یو. در بیمارستان‌های دانشگاه علوم پزشکی تهران»، دانشگاه علوم پزشکی تهران، دانشکده پرستاری و مامایی.

- محمدی زیدی، عیسی (۱۳۸۳)، بررسی سبک زندگی بیماران قلبی و عروقی در چابهار و ارائه برنامه آموزشی، (پایان نامه کارشناسی ارشد)، تهران: دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم پزشکی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۹)، هدف زندگی، [بی جا]: حزب جمهوری اسلامی.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۶ب)، زندگی در پرتو اخلاق، قم: نشر سرور.
- مهدوی کنی، محمد سعید (۱۳۸۶)، دین و سبک زندگی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- نوروزی، عفت (۱۳۸۳)، بررسی مقایسه شیوه زندگی دانشجویان دختر جدیدالورود دو ترم آخر کارشناسی پرستاری دانشکده‌های پرستاری و مامایی، تهران: دانشگاه علوم پزشکی تهران.
- هاشمی، علی اکبر (۱۳۸۳)، بررسی سبک جدیدی از زندگی، تهران: علی اکبر هاشمی.
- هومن، حیدرعلی. (۱۳۸۶). اندازه‌گیریهای روانی و تربیتی (فن تهیه تست و پرسشنامه). تهران: پارسا.

- Bradburn, N. M., Sudman, S., & Wansink, B. (2004). *Asking questions: the definitive guide to questionnaire design: for market research, political polls, and social and health questionnaires*: San Francisco: Jossey-Bass.
- Brown, T. A. (2006). *Confirmatory factor analysis for applied research*. New York: Guilford Press.
- Bugajska, J. & E. Lastowiecka (2005), "Life Style, Work Environment Factors and Work Ability in Different Occupations", *International Congress Series*, vol. 1280, pp.247-252.
- Bullen, L. A. (2005), *A Technique of Living*, Available at: <http://www.budsas.org/ebud/tecliv/00.htm> (Accessed 25 April 2007).
- Busenitz, N. (2003), *The Purpose Driven Life: A Review*, Available at: <http://www.biblebb.com/files/pdl.htm> (Accessed 25 April 2007).
- Cancer Board (2007), *Health and Life Style Questionnaire*, Available at: <http://www.lifestylesurvey.org.uk/pdfs/qbank/cancersurvey.pdf> (Accessed 25 April 2007).
- Creswell, J. W. (2003). *Research design: qualitative, quantitative, and mixed method approaches*. Thousand Oaks, CA: Sage.
- Fabrigar, L. R., Wegener, D. T., MacCallum, R. C., & Strahan, E. J. (1999). Evaluating the use of exploratory factor analysis in psychological research. *Psychological Methods*, 4(3), 272-299.

- Gover, A. R. (2004), “Risky Life Styles and Dating Violence: A Theoretical Test of Violent Victimization”, *Journal of Criminal Justice*, vol.32, pp.171-180.
- Griffin, S. & A. Kirkley (2001), “The Development of a Disease-Specific Quality of Life Measurement Tool for Osteoarthritis of the Shoulder”, *Journal of the Osteoarthritis Research Society International*.
- Inglis, D. (2005), *Culture and Every Day Life*, London and New York: Routledge.
- Marcketti, S. B. et al. (2005), “An Exploratory Study of Life Style Entrepreneurship and Its Relationship to Life Quality”, *Family and Consumer Sciences Research Journal*, vol.34. no.3, pp.241-259.
- Shu, G. (2006), “Coming Face to Face with Life: Health Through Psychodrama Therapy”, *Human Service Training Association*.
- Sipson, E. & L. Pilote (2005), “Quality of Life After Acute Myocardial Infarction: A Comparison of Diabetic Versus Non-Diabetic Acute Myocardial Infarction Patients in Quebec Acute Care Hospitals”, *Health and Quality of Life Outcomes*, vol.80, no.3.
- Timothy, J. (1999), *Religion in English Every Day Life*, New York: Berghahn Books.
- Vivian, E. et al. (2006), *Longitudinal Assessment of Quality of Life and Life Style in Newly Diagnosed Ovarian Cancer Patients*, Available at: www.elsevier.com/locate/ygyo.
- Introna, L. D. (2002). The question concerning information technology: thinking with Heidegger on the essence of information technology. USA: IGI Publishing Hershey.
- Bendix, R. (1977). Max Weber: An Intellectual Portrait. California: University Of Press
- Ingold, T. (1988). Tools Minds And Machines: An Excursion In The Philosophy Of Technology. *Techniques & Culture*, 12, 151-76
- Marx, K. (1977). Capital. USA: Progress Publishers
- Heidegger, Martin (1954) The Question Concerning Technology Ant Other Essays Translated By William Lovitt, New York
- Heidegger, Martin (1962) Being And Time, Translated By John Macquarrie And Edwards Rabinson\Harper And Row
- Krell, Davis (1977), Martin Heidegger: Basic Writings, Harper And Row
- Veal. A.J. (2001). Leisure, Culture And Lifestyle. *Loisir & SOCIETY* 24. 359-376.
- CHANEY, D. (1996). *Lifestyles*. London: Routledge.

- ROBERTS, K. (1978). Contemporary Society And The Growth Of Leisure. London: Longman.
- ROJEK, C. (2000). Leisure And Culture. Basingstoke, Hants.: Macmillan.
- Bennet, A. (2001). Cultures Of Popular Music. Philadelphia. Open university press.
- Fetherestone, M. (1991). Consumer Culture and Postmodernism. SAGE Publications.

SCCcr.ir

Abstract

Interaction between Islamic LifeStyle & Technology

This study aimed to investigate the interaction between Islamic lifestyle and technology. The purpose of the research is to apply the results and in terms of methodological method it is considered mixed which was performed in four major steps. At the first stage, the influential factors in the field of the research were studied through research literature and interviewing the experts. At the second stage, the questionnaire was constructed based on the findings and the research subject was studied; in this section the sampling was performed by stratified multi-stage sampling method. At the third stage, the quantitative findings of the research were identified through phenomenological studies and semi-structured interviews with experts and the sample and strategies to improve the situation was determined. Research suggests that the majority people of the society acknowledge to general adherence of people to the Islamic lifestyle and at the same time believe that some of the main conceptions has changed due to the technology. These findings showed that the platform of the modern technology can serve along or against the Islamic lifestyle and it is highly dependent on the country's macro and micro-management. In general, it turned out that in the absence of the proper management in the country and outstanding foreign media advertising technology can result to change in Islamic lifestyle and if managed successfully, it is useful to expand this lifestyle.

Keywords: Islamic lifestyle, technology, changing lifestyle, Iranian People



**The Secretariat of Supreme
Council Cultural Revolution**

Interaction between Islamic LifeStyle & technology

Author: Ali Moghadam Zadeh

**Master: The Secretariat of Supreme Council
Cultural Revolution**

**Scientific Office: Commission Science and
Technology**

Sammer:2017